

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجله سیاست دفاعی  
نشریه مرکز مطالعات راهبردی دفاع و امنیت ملی  
سال بیست و ششم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام  
مدیر مسئول: دکتر محمدرضا شعبانی اصل  
سردبیر: دکتر سید یحیی صفوی  
ویراستار ادبی: دکتر سهراب فاضل  
مدیر اجرایی و جانشین سردبیر: دکتر خسرو حسن لو  
مدیر داخلی: حسن ابوطالبی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

استادیار مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام  
دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام  
استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران  
دانشیار گروه سیاست دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)  
دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام  
دانشیار مدیریت، دانشگاه مالک اشتر  
استاد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی  
استاد مدیریت استراتژیک، دانشگاه مالک اشتر  
استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام  
دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه تهران  
استاد روابط بین الملل، دانشگاه تهران

دکتر علی اکبر احمدیان  
دکتر محمدحسین افشردی  
دکتر همایون الهی  
دکتر هادی مراد پیری  
دکتر حسین حسینی  
دکتر حسین دهقان  
دکتر سیدجلال دهقانی  
دکتر محمدابراهیم سنجقی  
دکتر سیدیحیی صفوی  
دکتر جهانگیر کریمی  
دکتر ابراهیم منقی

همکاران علمی و داوران این شماره

محمدجواد سبحانی فر، غلامرضا علاماتی، فضل اله نوذری، علی جمالی، سعید کافی، محمد امیرنوحی، قاسم حسینی، احمد غلامپور، یعقوب زهدی، محمدرضا آهنی، حسن بیات، ابوالفضل پاسبان، رضا جنیدی، محمد شعبانی فرد، محمدرضا شعبانی اصل، مهدی حشمتی، همایون خطیبزاده، محمد مبینی، حسین روزبه، مهدی زروندی، خسرو حسنلو، اکبر رمضانزاده، سید سعادت حسینی، حسن بلوغزاده، سید حمیدرضا قریشی، روح اله قادری کنگاوری، محمدباقر بابایی طلائی، مسعود رضایی، اسماعیل خان احمدی، حسن ابوطالبی، محمدعلی برزونی، عباس چگینی.

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، پژوهشکده دفاعی امنیتی، دفتر فصلنامه

شماره تماس: ۰۹۱۹۴۶۲۲۵۹ - ۷۴۱۸۸۲۷۰

پایگاه اینترنتی: <http://dp.ihu.ac.ir>

پست الکترونیکی: [dp@ihu.ac.ir](mailto:dp@ihu.ac.ir)

این نشریه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

[www.srlst.com](http://www.srlst.com)

[www.SID.ir](http://www.SID.ir)

[www.magiran.com](http://www.magiran.com)

[www.noormags.com](http://www.noormags.com)

پایگاه استادی علوم جهان اسلام

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پایگاه مجلات تخصصی نور

درجه علمی مجله سیاست دفاعی، طبق نامه شماره ۳/۴۴۲۸۶ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۳۰ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - پژوهشی، مورد تأیید قرار گرفته است.

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه

## راهنمای نگارش و ارسال مقاله به فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست دفاعی

با سپاس فراوان از تلاش پرازش علمی شما پژوهشگران ارجمند؛ خواهشمند است، هنگام نگارش و ارسال مقالات پژوهشی خود به موارد زیر توجه فرمایید.

### الف: مقررات پذیرش (مقاله‌های علمی - پژوهشی)

- ۱ - مقاله ارسالی دستاورد یک یا چند پژوهش دانشی نویسنده یا نویسندگان بوده و مستندات آن برآمده از منابع معتبر باشد.
- ۲ - مقاله ارسالی در حوزه تخصصی فصلنامه شامل موضوع دفاع (نظامی و غیرنظامی)، موضوع امنیت (ملی و بین‌المللی) و موضوعات همگرا شده دفاعی - امنیتی باشد.
- ۳ - مقاله ارسالی در سطوح راهبردی و عملیاتی باشد.
- ۴ - نظر به اینکه مقالاتی که چاپ می‌شوند در سایت‌ها به صورت نمایه ارائه می‌شوند مقاله ارسالی باید از استاندارد لازم یک مقاله علمی - پژوهشی برخوردار بوده و شرایط پایگاه‌های استنادی که در این دستورالعمل آمده را داشته باشد.

### ب: شیوه نگارش (مقاله‌های علمی - پژوهشی)

مقاله علمی - پژوهشی باید گویا، نوآورانه و روان همراه با پاسداشت زبان فارسی باشد. همچنین بدون هیچ‌گونه غلط املایی نگارش شده و قواعد ویراستاری آن رعایت شود. در ادامه ویژگی‌های هر بخش و بایسته‌های (الزامات) نگارش مقاله علمی - پژوهشی آورده شده است.

#### ۱ - ویژگی‌های نگارش بخش‌های مقاله:

- ۱ - **صفحه نخست:** به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام مؤلف یا مؤلفین، چکیده، واژگان کلیدی و بدون پاورقی واژگان لاتین است. (در پاورقی عناوین و رتبه نویسندگان همراه با رایانامه ایشان آورده می‌شود).
- ۲ - **عنوان مقاله:** گویا، مرتبط با مطلب / کوتاه و فشرده / بدون واژگان لاتین و فرمول نویسی / بدون واژگان اختصاری و نامأنوس، با تیتراژ ۱ B Zar 11 Bold باشد.
- ۳ - **چکیده فارسی:** شامل شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسئله، هدف‌ها، روش‌ها و نتیجه‌گیری است. چکیده در یک پاراگراف و حداکثر در ۳۰۰ کلمه (حداکثر ۸ سطر) بدون استفاده از جدول، شکل و منابع تنظیم شود.
- ۴ - **کلید واژگان:** (۳ تا ۵ واژه) واژه‌های کلیدی به گونه‌ای تعیین شود که بتوان از آن‌ها به‌منظور تهیه فهرست موضوعی (Index) استفاده کرد. / متن چکیده و کلیدواژگان B Lotus 10 Italic

۵ - **پاورقی چکیده:** درج مرتبه علمی و محل اشتغال یا تحصیل نویسنده به همراه رایانامه (پست الکترونیک) (E-Mail) به ترتیب میزان سهم‌شان در تدوین مقاله در پاورقی صفحه چکیده مرسوم است.

۶ - **مقدمه یا پیش نوشتار:** دربرگیرنده؛ بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش تحقیق، پیشینه موضوع پژوهش و قلمرو پژوهش هم‌چنین مشخص کردن محدوده زمانی مورد بررسی است.

۷ - **مبانی نظری پژوهش (داده‌های پژوهش):** هدف این بخش شناسایی فضای پژوهش و برقراری ارتباط بین ادبیات موضوع با موضوع مورد تحقیق است. این موارد شامل؛ تعریف واژگان، تعریف واژه ویژه‌گان (اصطلاحات)، معرفی علائم، ارائه دسته‌بندی‌ها، معرفی نظر اشخاص و دیدگاه‌ها و مکاتب معرفی نماد و نمایه‌ها (مدل و الگو) دیگران و... است.

۸ - **پردازش داده‌ها (تجزیه و تحلیل) و یافته‌های پژوهش:** در این بخش ابتدا به صورت بسیار کوتاه روشگان (متدولوژی) پردازش داده‌ها توضیح داده می‌شود. سپس با روش یادشده به پردازش داده‌ها (روابط و نوع تأثیر آن‌ها بر یکدیگر) به یافته‌های اولیه پژوهش خواهیم رسید.

۹ - **پیامد و دستاوردهای پژوهش (نتیجه‌گیری):** در این بخش با توسعه، ترکیب، تقاطع و تعمیم یافته‌ها به اصول و روابط (فرمول‌ها) نگره (نظریه یا تئوری) نماد و نمایه (مدل و الگو) رهیافت‌ها (راهبرد، طرح، برنامه و...) نوین دست می‌یابیم. (در اینجا مجاز به ارائه پیشنهاد یافته‌های جدید خود و یا رد نتیجه سایر پژوهش‌ها خواهیم بود).

#### ۱۰ - فهرست منابع:

روایی یک مقاله علمی - پژوهشی به مستندات معتبر آن است و منابع ارزش بالایی دارند. از این رو، نخست منابع فارسی سپس منابع لاتین و در ادامه فهرست سایت‌های اینترنتی آورده شود. نکته مهم: تنها منابع و مأخذ استفاده شده در متن، در فهرست پایانی مقاله آورده شوند.

#### - چگونگی ارجاع دهی (رفرنس دهی) و فهرست نویسی منابع:

ارجاع مأخذ در متن مقاله داخل پرانتز به روش APA باشد و در قسمت مراجع مشخصات کامل منبع به ترتیب حروف الفبا آورده شود. (اطلاعات تکمیلی در سامانه فصلنامه) چکیده انگلیسی: برگردان (ترجمه) چکیده فارسی به زبان انگلیسی (حداکثر در ۳۰۰ است) می‌باشد. هم‌چنین کلیدواژه‌های انگلیسی مشابه چکیده‌نویسی فارسی ۳ تا ۵ واژه است.

#### ۲ - **بایسته‌های نگارش مقاله علمی - پژوهشی:**

در نگارش مقاله علمی - پژوهشی به بایسته‌های (الزامات) زیرین توجه فرمایید.

۱ - **اندازه و نوع قلم بخش‌های مقاله:** در قطع یکسان حداکثر در ۲۰ صفحه A4 (۶۰۰۰ کلمه) فاصله تقریبی میان سطور یک سانتیمتر و با فاصله دو سانتیمتری از چپ و راست و فاصله سه سانتیمتری از بالا و پایین کاغذ انجام شود. در محیط Microsoft Word 2003-2007 یا ویرایش‌های بالاتر و قلم Lotus B و فونت ۱۲ و متن انگلیسی با Calibri 10 و برای متن‌های عربی با قلم B Badr 12 آماده و ارسال گردد.

۲ - **سرلوحه‌های درون‌متن (تیترها):** تیترهای اول، دوم و سوم به ترتیب با فونت‌های مشخص شده (B Zar Bold و اندازه‌های ۹، ۱۰ و ۱۱) باشد.

۳ - **شکل‌ها، عکس‌ها، جدول‌ها و نمودارها:** همه شکل‌ها، نمودارها و تصاویر با واژه «شکل» و همه جداول با واژه «جدول» و همه عکس‌ها با واژه «تصویر» نام‌گذاری و شماره‌گذاری شوند. عنوان شکل نمودارها و تصاویر در زیر آن‌ها و جداول در بالای آن درج شود. برای درج عنوان هر شکل و یا جدول، پس از کلمه شکل و یا جدول و شماره آن، خط تیره و سپس عنوان ذکر گردد. عکس‌ها باید به‌وضوح با فرمت JPG یا 300 DPI و با کیفیت بالا در مقاله آورده شوند. شکل‌ها و جدول‌ها باید هرکدام جداگانه دارای شماره‌های متوالی باشند و بدون نیاز به مراجعه به توضیحات متن گویا باشند.

۴ - **واژه‌ها، واژه ویژه‌ها (اصطلاحات) و نام‌های لاتین:** تا حد امکان متن فارسی از هر واژه بیگانه پالایش شود و این واژگان و نام‌ها به‌صورت فارسی در متن آورده شوند. لیکن برای تلفظ درست حتماً در پای نوشت (پاورقی) همان صفحه واژه لاتین آن نوشته شود. از آوردن اصطلاحات خارجی که معادل دقیق و ابلاغ‌شده فارسی دارد، پرهیز شود.

۵ - **عبارات رایج و مصطلح:** به‌طور کامل و درست آورده شود.

- عبارات (صلی‌الله علیه و آله)، (علیه‌السلام) به‌طور کامل ذکر شود

- ادامه عنوان امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، به‌طور کامل ذکر شود.

- ادامه عنوان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌طور کامل ذکر شود.

- به‌جای «اسرائیل» عبارت «رژیم صهیونیستی» بکار گیری شود.

- عبارت «جمهوری اسلامی ایران» کامل نوشته شود.

#### **پ: روش ارسال و مراحل پذیرش (مقاله‌های علمی - پژوهشی)**

۱ - مقاله‌ها منحصراً از طریق پایگاه نشریه [journals.ihu.ac.ir](http://journals.ihu.ac.ir) دریافت می‌شود و به مقاله‌های ارسال‌شده از طریق نامه یا پست الکترونیک نشریه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۲ - از قرار دادن مشخصات نویسنده و یا نویسندگان در فایل WORD مقاله ارسالی از طریق سامانه خودداری و فقط در هنگام ثبت‌نام در سامانه موارد خواسته‌شده را به‌طور کامل تکمیل شود/ در فایل pdf ارسالی مجاز به درج مشخصات نویسنده و یا نویسندگان می‌باشید.

۳ - تکمیل فرم تعهد اصالت مقاله.

{ تذکر: بعد از تکمیل و امضا فرم اسکن و به‌عنوان فایل مکمل از طریق سامانه نشریه ارسال شود. }

پس از مطالعه و پذیرفتن ضوابط چنانچه مقاله شما حائز شرایط است وارد مراحل ثبت‌نام و بارگذاری مقاله برای ارسال به دفتر فصلنامه شوید.

### ت: موارد حقوقی و تعهدات (مقاله‌های علمی - پژوهشی)

- ۱ - فصلنامه در پذیرش و یا چاپ مقالات دارای اختیار کامل بوده و در صورت عدم پذیرش و یا چاپ مقاله الزام به پاسخ ندارد. (دریافت و پذیرش مقاله از سوی مجله الزاماً به معنای قبول قطعی آن برای چاپ نیست)
- ۲ - فصلنامه در ویرایش، ویراستاری، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های پذیرش شده آزاد است. ضمن اینکه حق ویرایش مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد، از بازگرداندن مقاله ویرایش شده معذور است.
- ۳ - اصل مقاله‌های رد شده یا انصراف داده شده پس از شش ماه از آرشيو مجله خارج خواهد شد و مجله هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر آن نخواهد داشت.
- ۴ - نسخه چاپی محدود است لذا پس از چاپ مقاله تنها یک نسخه از نشریه حاوی مقاله موردنظر به نویسنده مسئول تعلق می‌گیرد.
- ۵ - مسئولیت صحت و سقم مطالب مقاله به لحاظ علمی و حقوقی و مسئولیت آراء و نظرات ارائه شده به عهده نویسنده مسئول است و چاپ مقاله به معنی تأیید همه مطالب آن نیست.
- ۶ - فرصت اعلام انصراف تا قبل از پاسخ دآوری مقاله است در غیر این صورت نویسنده ملزم به پرداخت خسارت همراه یا درج امتیاز منفی در پذیرش مقالات بعدی است.
- ۷ - نویسنده متعهد می‌شود مقاله ارسالی هم‌زمان به نشریات دیگر و یا همایش‌ها ارائه نشده باشد.
- ۸ - روگرفت و نقل مطالب درج شده در این فصلنامه تنها با نگارش نشانی دقیق آن در فصلنامه مجاز است.

ث: سخن پایانی مقالاتی که بیشترین ارجاع دهی را از شمارگان پیشین این فصلنامه و نشریات دیگر دانشگاه جامع امام حسین (علیه اسلام) داشته باشند از امتیاز بیشتری در پذیرش و چاپ مقاله برخوردار خواهند بود

تمامی حقوق برای مرکز مطالعات دفاع و امنیت ملی دانشگاه جامع امام حسین (ع) محفوظ است.

## فهرست مطالب

مجله سیاست دفاعی، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۳، تابستان ۱۳۹۷

صفحه

عنوان

---

۹	شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر عمق‌بخشی انقلاب اسلامی.....
	بهزاد قاسمی، محمد مبینی
۴۳	تأثیر عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی بر پیشگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران.....
	علی جمالی
۸۹	توانمندی موشکی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (۲۰۱۸-۲۰۰۱).....
	سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، مجتبی عزیزی بساطی
۱۲۳	رهیافت‌های سیاست هسته‌ای امریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران بر اساس اسناد گزارش مرور وضعیت هسته‌ای (۲۰۱۸-۲۰۰۱).....
	رضا سیمبر، سعید پیرمحمدی، سجاد نجفی
۱۵۱	نقش ژئوپلیتیک دریای خزر در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران.....
	سید ابراهیم قلی‌زاده، بشیر کلاری، مصطفی محمدجانی
۱۹۱	تهدیدات امنیتی روابط روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی.....
	رضا محموداوغلی، امیرحسین رستمی
۲۱۸	چکیده‌های برگردان شده به انگلیسی.....
	سید سعادت حسینی

## سخن سردبیر

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) خطاب به دشمنان ایران اسلامی فرمودند: "دیگر دوران بزن دررو، پایان یافته است." امروزه با توجه به رخداد‌های جهان و منطقه غرب آسیا، برتری گفتمان پایداری و مقاومت انقلابی بر گفتمان سازش و تسلیم اثبات شده است. هم‌اکنون مردم کشورهای مسلمان و همچنین بخشی از مستضعفان جهان در دوران بیداری به سر می‌برند. شجره طیبه انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران «ژرفای راهبردی» (عمق استراتژیک) خود را از خلیج فارس تا دریای مدیترانه افزایش داده و به مدد الهی، تدابیر خردمندانه رهبری و پشتوانه مردمی بر نقاط ضعف خود فائق آمده است. ترس و هراس در مستکبران جهان به سرکردگی آمریکا موجب دست‌وپا زدن آنان؛ نظیر خروج از برجام، اعمال فشارهای اقتصادی و اجرای عملیات روانی شده که این امری طبیعی است.

آشکار است که جبهه پایداری و مقاومت به جایگاه پیروزی در معادلات منطقه‌ای و تأثیرگذاری در معادلات جهانی دست یافته است. در این جایگاه، جبهه مقاومت مانند گذشته تنها به پدافند نمی‌پردازد بلکه دارای این توانمندی شده است که در زمان و مکان مناسب پاسخ لازم را داده و به حالت آفندی درآید. در این شرایط، مبنای سیاست‌گذاری دفاعی انقلاب و نظام اسلامی بنا به مقتضای زمان و مکان «تلفیقی از آفند و پدافند» خواهد بود. پیش‌ازاین نیز دشمنان اسلام در هنگامه دفاع مقدس ملت ایران، طعم کوبنده این سیاست دفاعی را چشیده بودند.

ثمره این سیاست دفاعی پویا و پیشرو، «امنیت آفرینی» و ایجاد «بازدارندگی اثربخش» است. هم‌اکنون «چتر امنیت» این سیاست بر فراز منطقه غرب آسیا در حال گسترش است. این موضوع نویدبخش فتح، خروج و شکست اشغالگران بیگانه و کوتاه‌شدن دستشان از منطقه غرب آسیا خواهد بود. چنانچه حضرت امام روح‌الله (ره) فرمودند: "اسلام، ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت خواهد نشاند."

کارگزاران این نشریه می‌کوشند مبنای چنین سیاست دفاعی پویا و پیشرو را با رویکرد گسترش فرهنگ پایداری انقلابی بر پایه اسلام ناب محمدی (ص) تقدیم اندیشمندان، کارشناسان و خوانندگان ارجمند نمایند.

از حسن توجه شما سپاسگزاریم



## شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر عمق‌بخشی انقلاب اسلامی

بهزاد قاسمی<sup>۱</sup>

محمد مبینی<sup>۲</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹

### چکیده

ایران، از لحاظ تاریخ، فرهنگ، تمدن و جغرافیای سیاسی در میان کشورهای غرب آسیا و به‌خصوص در منطقه دارای جایگاه ممتاز و موقعیت برتر بوده است. امروزه جمهوری اسلامی ایران برای عمق‌بخشی در منطقه به عنوان رهبر منطقه‌ای دارای پتانسیل و شاخص‌های رهبری است. هدف مقاله حاضر شناسایی و معرفی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش حاضر از نوع بنیادی و روش تحقیق تلفیقی بوده که با استفاده از روش دلفی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شناسایی شده و با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی با عناصر اصلی و چرخش متعامد از نوع واریماکس اعتباریابی شده است. جامعه آماری این پژوهش تمام شمار بوده و شامل کلیه خبرگان دانشگاهی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و مدیریت دولتی بوده و همچنین مدیران و پژوهشگران مراکز تحقیقاتی که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به منظور شناسایی شاخص‌های مرتبط با رهبری منطقه‌ای، در مرحله اول با مرور مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین به گسترش یک مقیاس رهبری منطقه‌ای متناسب پرداخته شد. در مرحله دوم با مراجعه به خبرگان و انجام مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته نسبت به اصلاح شاخص‌های احصا شده از ادبیات تحقیق پرداخته شد. در مرحله سوم به منظور تشخیص اینکه کدام شاخص رهبری ابعاد اصلی رهبری منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد و همچنین شناسایی روابط بین شاخص‌ها، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، مشتمل بر پنج بعد انرژی درونی، قوانین ممتاز و مجریان توانمند، قوای مسلح و جمعیت، علم، فناوری و اقتصاد و تعاملات (میزان تأثیرگذاری در ملت‌ها) و با دوازده شاخص، شناسایی گردید. بر اساس نتایج و یافته تحقیق، به نظر می‌رسد با شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای، عمل و استمرار آن، سبب عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی خواهد شد؛ مصادیق و نمونه‌های عینی بررسی شده در مقاله، این فرضیه را تأیید می‌کند.

### کلیدواژه‌ها

رهبری منطقه‌ای، انرژی درونی، علم و فناوری، تأثیرگذاری بر سایر ملت‌ها، عمق‌بخشی انقلاب اسلامی.

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

ghasemi.b@ihu.ac.ir

۲. استادیار دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

mobini20@yahoo.com

## مقدمه

قدرت منطقه‌ای اگرچه در ظاهر به معنی قدرتمندترین دولت در سطح منطقه یا سیستم تابعه منطقه‌ای است، اما رسیدن به چنین موقعیتی در جهان امروز مستلزم رعایت قواعد ظریفی است که ریشه در اهمیت یافتن شناسایی شاخصه‌های آن دارد. تثبیت موقعیت هر دولت مدعی رهبری منطقه مستلزم پذیرش این نقش نه فقط از سوی دولت‌های منطقه، بلکه سایر بازیگران فرا منطقه‌ای ذی‌نفوذ در منطقه است. قدرت منطقه‌ای باید مروج و حامی اصول، قواعد و هنجارهایی باشد که هم در سطح منطقه مقبولیت دارند و هم در سطح سیستم بین‌الملل، متعارف شمرده می‌شوند. قدرت منطقه‌ای «رهبری منطقه‌ای» واژه‌ای است که استفاده از آن در تجزیه و تحلیل‌های مربوط به امور بین‌المللی بسیار رایج است (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۳۹). این مقاله، تلاش دارد شاخص‌های رهبری منطقه‌ای را به صورت دقیق شناسایی کرده و جایگاه رهبری منطقه‌ای ایران را تحلیل کند؛ آن‌گاه نقش و تأثیر آن را بر عمق‌بخشی انقلاب اسلامی تبیین نماید.

نقش رهبری منطقه‌ای، انعکاس هویت جدید ایران در قالب آرمان‌های اسلامی و رهایی بخشی و نفی سلطه در فراسوی مرزها است (رحمانی، ۱۳۹۴: ۴۸۴). انقلاب اسلامی ایران حامل گفتمان جدید و نو در منطقه و جهان است که علاوه بر موفقیت و تجربه بیش از چهل سال، در برابر قدرت‌های استکبار جهانی ایستادگی و مقاومت کرده است. از ملزومات اساسی رهبری منطقه‌ای، دارا بودن گفتمان قوی، اثرگذار و کارآمد است. گفتمان انقلاب اسلامی در طول حیات سیاسی خود همواره درصدد ایجاد ثبات در منطقه با تکیه بر گفتمان انقلابی و مقابله با استکبار و هرگونه ظلم بوده است. امروزه با توجه به دگرگونی سریع تحولات منطقه، به‌خصوص ایجاد مزاحمت‌ها توسط گروه‌های تکفیری - تروریستی در جهان اسلام و برای انقلاب اسلامی (قاسمی، ۱۳۹۷ الف: ۳۴) و قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و بین‌المللی، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی چگونه و با چه مؤلفه‌هایی به اهداف آرمانی و انقلابی خود دست یابد، مسئله اصلی است؛ برای این هدف شاخصه‌های رهبری منطقه‌ای مورد سنجش قرار می‌گیرد. هدف از انجام تحقیق شناسایی شاخص‌ها برای دست یافت به مسئله مذکور، تقویت آن و کاربست آن در عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی ایران است.

## مفهوم رهبری منطقه‌ای

شاخصه‌های رهبری منطقه‌ای از اندازه جمعیت و زمینه‌های جغرافیایی تا قابلیت‌های نظامی و اقتصادی و آرزوهای سیاسی آن‌ها متغیر است. کشورهایی که تحت عنوان قدرت‌های نوظهور یا قدرت‌های منطقه‌ای از آن‌ها یاد می‌شود بر همسایگان خود در زمینه توان منابع، جمعیت، سرزمین، نظامی و تولید ناخالص داخلی برتری دارند؛ علاوه بر این آن‌ها در سال‌های اخیر به صورت روزافزونی به بیان آرزو و خواسته خود برای رهبری در منطقه و همین‌طور تقاضای مشارکت در اداره جهان پرداخته‌اند. قدرت‌های نوظهور در کنار ایجاد صدایی جدید و نشان دادن فعالیت‌های روزافزون در عرصه بین‌الملل، با تقویت یکپارچگی و اتحاد منطقه‌ای برای رهبری همسایگان خود نیز تلاش می‌کنند. بالا رفتن آرزوها و تشدید کنش‌های ژئوپلیتیک آن‌ها در سال‌های اخیر، ویژگی مشترک این کشورهاست (ربیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

در تبیین قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت منطقه‌ای ایران راهبرد امپراتوری، هژمونی یا سلطه و رهبری طرح و بحث شده است (ربیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۴). رهبری همانند امپراتوری و تا حد بیشتری همانند سلطه در تئوری روابط بین‌الملل، مفهومی بحث‌انگیز است؛ درحالی‌که سلطه‌گر قصد دارد اهداف خود را محقق کند و آن‌ها را به عنوان هدف مشترک با دولت‌های تابع نشان دهد رهبر، یک گروه از دولت‌ها را برای تحقق بخشیدن یا تسهیل شناسایی اهداف مشترکشان هدایت یا فرماندهی می‌کند و البته به هدف خود نیز می‌رسد؛ رهبران قادر به عوض کردن انگیزه‌ها و اولویت‌های پیروان‌اند؛ اما آن‌ها خود نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. رهبر به شکل انحصاری برای تعقیب منافع خودش عمل نمی‌کند؛ اما تقریباً یاری‌رسان گروهی از دولت‌ها در تعقیب اهداف مشترک است. رهبری به معنای اعمال قدرت توسط رهبر نیست؛ زیرا مشارکت پیروان، داوطلبانه و به نفع خود آن‌هاست. رهبری دلالت می‌کند بر رهبرانی که خود را تحریک به اقدام بر مبنای اهداف اصلی می‌کنند که معرف ارزش‌ها و انگیزه‌ها، خواسته‌ها و نیازها، آرزوها و انتظارات هم رهبر و هم پیروان است.

در مجموع صاحب‌نظران بر این باورند، علاوه بر ابزار و معیارها، شاخص مهم در بحث قدرت منطقه‌ای پذیرش عمومی یک کشور از سوی همسایگان و سایر قدرت‌های رقیب است؛ مطمئناً استقبال نکردن، نپذیرفتن یا پشتیبانی نکردن کشورهای همسایه مانعی بر سر راه قدرت

منطقه‌ای برای دست‌یابی به اهداف خود است. هر کشوری که مدعی راهبری منطقه‌ای است، برای عملکرد موفق باید از سوی پیروانش پذیرفته شود؛ در این زمینه کشورهای همسایه از اهمیت خاصی برخوردارند (ربیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۴). نپذیرفتن یا پشتیبانی نکردن کشورهای همسایه از دستیابی قدرت‌های نوظهور به اهدافشان جلوگیری می‌کند. هر رهبری برای پذیرش از سوی پیروان باید عملکرد موفق داشته باشد که در این مورد کشورهای همسایه از اهمیت خاصی برخوردارند؛ چراکه دستیابی کشورها به قدرت بیشتر، نخست بر همسایگان تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین برای اینکه یک کشور در سطح منطقه‌ای، جهانی و ائتلاف‌های بین‌المللی قدرت‌نمایی کند، بیش از هر چیزی، این کشورهای همسایه هستند که باید شرایط جدید را بپذیرند. متغیرهای مادی مانند دسترسی به بازار، سرمایه‌گذاری، پرداخت‌های مستقیم (مثل کمک‌های توسعه‌ای یا وجوه مشترک) و همچنین عقاید، هنجارها و ارزش‌های غیرمادی مشترکی که موجب ایجاد تعریفی مشترک از موقعیت رهبر-پیرو می‌شوند، مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در طرح رهبری هستند.

#### شناسایی رهبری منطقه‌ای و شاخصه رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

شناسایی رهبری منطقه‌ای و قدرت‌های منطقه‌ای، در واقع؛ قدرتمندترین دولت‌ها در سطح مناطق یا سیستم‌های منطقه‌ای هستند. محققان این حوزه مطالعاتی، برای قدرت منطقه‌ای یا به تعبیر «ایویند استرود» قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای چهار ویژگی اصلی را برمی‌شمارند؛ نخست، از لحاظ جغرافیایی در بخشی از منطقه معینی باشد؛ دیگری قادر به مقابله با هرگونه ائتلاف سایر دولت‌ها در منطقه باشد؛ سوم نفوذ بالایی در امور منطقه‌ای داشته باشد و اینکه به واسطه منزلت و اعتبار منطقه‌ای، پتانسیل تبدیل شدن به قدرت بزرگ در مقیاس جهانی را داشته باشد (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۵۵)<sup>۱</sup>. بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، جایگاه ایران در سال ۱۴۰۴ هجری در سه سطح منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌الملل، توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری، با هویت اسلامی و انقلابی خواهد بود (سند چشم‌انداز،

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک: Daniel Flesmes, "Conceptualising Regional Power in International Relations"

۱۳۸۲)؛ بر اساس اسناد بالادستی، جمهوری اسلامی باید در این مسیر حرکت کند. توانایی و استعداد مادی و معنوی مورد نیاز ایران برای تبدیل شدن به رهبری منطقه‌ای را دارد (flemes,2010: p172).

از قدرت‌های منطقه‌ای انتظار می‌رود با تجهیز به اقتدار معنوی نسبت به امور مختلف منطقه بی‌تفاوت نباشند و به‌خصوص در قبال منازعات منطقه در نقش صلح ساز و پلیس مقبول ظاهر شوند؛ این نقش مغایرتی با اصل رقابت قدرت ندارد. برای قدرت‌های منطقه‌ای، منطقه نقش حیات خلوت آن‌ها را دارد و از این رو، حفظ نظم و امنیت آن‌ها مهم است (قنبرلو، ۳۸۸: ۵۶).

جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخورداری از تمدنی قدرتمند و کهن و با تلفیقی از قدرت سخت و نرم به‌خوبی توانسته است خود را به یک قدرت مهم منطقه‌ای، بانفوذ و تأثیرگذار در سیستم منطقه‌ای و جهانی تبدیل نماید. ایستادگی و مقاومت در برابر فشارهای گوناگون و تهدیدات گسترده سخت و نرم قدرت‌های غربی، از قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل حکایت می‌کند؛ این قدرت علاوه بر موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک و رشد شاخص‌های فناوری و علمی داخلی، الهام گرفته از رسالت جهان‌شمول انقلاب اسلامی ایران است و امواج بیداری انسانی و اسلامی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی با تکیه بر خودباوری و انقلاب فرهنگی را در میان ملت‌های منطقه به راه انداخته است (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۶). عمل به آرمان انقلابی، حفظ گفتمان اولیه انقلاب، نفی سلطه و مقاومت در برابر ظلم و استکبار از ماهیت اصلی انقلاب ایران است. حرکت در مسیر انقلابی باعث قدرتمند شدن ایران در پاسخ دادن به تحریم‌ها، تهدیدها و تهاجماتی شده است که برخی رژیم‌های محافظه‌کار منطقه و قدرت‌های برتر مسلط در نظام بین‌الملل برای ایران داشتند. رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در واقع پیوندی از اسلام‌گرایی و ملیت‌گرایی در هویت ملی محسوب می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۴: ۴۸۴). شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در مؤلفه‌هایی مورد توجه قرار داد که زمینه تحقق عمق‌بخشی انقلاب اسلامی را فراهم خواهند کرد:

۱. موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه: مهم‌ترین شاخصه رهبری منطقه‌ای دارا بودن کشور به موقعیت ممتاز و برتر جغرافیایی است که کشور را در عرصه سیاست و رهبری موجب برتری می‌کند.

۱-۱- جغرافیای سیاسی - ژئوپلیتیک: ایران در خاورمیانه به «هارتلند» قلب سرزمین تعبیر شده است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۳: ۱۱۷)؛ به عنوان تقاطع بین‌المللی و دنیا نام گرفته که جاده ابریشم در سابقه تاریخی خود نشانگر آن است؛ این کشور متصل‌کننده سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا بوده است.

۲-۱- جغرافیای فرهنگی - ژئوکالچر: در سال‌های پس از پایان جنگ سرد، بُعد فرهنگی نیز در مطالعات ژئوپلیتیکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. بُعد فرهنگی ژئوپلیتیک که ژئوکالچر نامیده می‌شود، ایران در دو سطح ژئوکالچر شیعی و ژئوکالچر اسلام ایفای نقش می‌کند. رشد جنبش‌های مقاومت و گسترش نیروهای ضدساختاری در نظام بین‌الملل در بازتعریف مناسبات بین‌المللی بر اساس عوامل فرهنگی ریشه دارد؛ به این ترتیب نشانه‌های ژئوکالچر را می‌توان در هویت‌سازی، مقاومت، چندجانبه‌گرایی، ائتلاف هویتی و دشمن‌سازی مشاهده کرد (علی‌دادی، ۱۳۹۰: ۱۷۷ و ۱۷۸).

۳-۱- جغرافیای اقتصادی - ژئو اکونومیک: مقصود از جغرافیای اقتصادی توانمندی کشور در ارتباطات در حوزه راه‌ها و نقاط اتصال به شبکه اقتصادی هست. کشور در تولید ناخالص داخلی در منطقه، رتبه اول را داراست (بیک، ۱۳۸۹: ۱۱۴). ایران از ظرفیت‌های اقتصادی بالایی برخوردار است و در صورتی که بتواند آن‌ها را به فعلیت درآورد تا سال ۲۰۵۰ بزرگ‌ترین اقتصاد در بین کشورهای در حال توسعه خواهد بود (ربیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

از فرصت‌هایی که ایران در سیاست منطقه‌ای خود توان بهره‌گیری از آن را دارد، ژئوپلیتیک اقتصادی است. ایران به دلیل قرار گرفتن در مرکز چند منطقه غنی منابع طبیعی شامل دریای خزر، منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و خلیج فارس از اهمیت خاص ژئو اکونومی برخوردار است که از این اهرم می‌تواند بیشترین استفاده را در جهت تقویت قدرت منطقه‌ای ببرد؛ یکی از این منابع نفت است. کوه مبنای توسعه صنعتی کشورهای قدرتمند جهان را تشکیل می‌دهند،

دسترسی به آن تضمین کننده تداوم جریان توسعه است (دهشیری و رضایی جعفری، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

در مجموع، دوسوم ذخایر ثابت نفت و یک‌سوم ذخایر ثابت شده گاز در خاورمیانه نهفته است. وجود منابع عمده انرژی در خاورمیانه موقعیت ایران را به حدی ارتقا بخشید است که با اکثر کشورهای همسایه، دارای علایق مشترک ژئوپلیتیکی است؛ بهره‌گیری از این موقعیت در معادلات سیاسی بین‌الملل می‌تواند در ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران بسیار تأثیرگذار باشد (دهشیری و رضایی جعفری، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

۲. جمعیت: برخی از نظریه‌پردازان، جمعیت را موتور توسعه نامیده‌اند. ایران نزدیک به هشتاد میلیون جمعیت دارد که از مجموع همه کشورهای پیرامونی خلیج فارس بیشتر است؛ این موضوع دست‌کم به معنای نیروی کار قابل توجه و بازار مصرف غیرقابل انکار است و جمعیت جوان تحصیل کرده آن سرمایه انسانی بسیار مناسبی را ایجاد کرده است که می‌تواند در صورت استفاده بهینه عاملی باشد برای آبادی کشور، به زیر کشت بردن زمین‌ها، گسترش مراتع و جنگل‌ها، مهار آب‌ها، پس راندن کویرها، بهره‌برداری از منابع معدنی، ایجاد صنایع سنگین و کلیدی، گسترش آموزش علوم و فنون و درنهایت توسعه اقتصادی و ایجاد قدرت ملی است (ربیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

۳. انقلاب ایران و رهبری نهضت: ماهیت «اسلامی» انقلاب ایران، «ایدئولوژی اسلامی»، این انقلاب را از همان آغاز به یک ایدئولوژی فراملی و دارای بازتاب تبدیل کرد. یک ایدئولوژی با محتوی و پیام جهانی که حداقل در میان مسلمانان منطقه در وضعیت کنونی دارای قلب‌های پذیرنده داشته و دارد (قاسمی، ۱۳۹۷: ۲۹). ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران پیشاپیش دارای مخاطبین فراوانی در سرزمین اسلامی داشته که نه تنها زبان این ایدئولوژی را درک کرده بلکه در آرزوی آن هستند. با انقلاب اسلامی، کشور توانست از جنبه نظری «تئوریک» و بعد عملی عینیت یابد و تجلی و بازتاب بیرونی و خارجی پیدا کند (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۴۷). انقلاب ایران بر خلاف انقلاب‌های دیگر، فراگیرتر (با حضور مردم و طبقات مختلف) و بر مبنای معنویات و ارزش‌های انسانی است؛ ارزش‌هایی که در انقلاب‌های مادی‌گرا همچون کمونیستی روسیه و

لیبرالیستی فرانسه وجود ندارد (حشمت‌زاده، ۲۳۷-۲۴۰) ایدئولوژی و هویت معنوی انقلاب اسلامی ایران از مشخصه‌های مهم جمهوری اسلامی ایران، در راستای رهبری منطقه‌ای است.

۴. حمایت و پشتیبانی از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های رهایی‌بخش: طبق اصول روشن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برآمده از مبانی قرآنی و توحیدی است حمایت از مسلمانان، مستضعفان و مظلومان عالم در برابر قدرت‌های مستکبر، یکی از اصول سیاست خارجی است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۴). از آنجا که جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند؛ در عین خودداری کامل از دخالت در امور داخلی کشورها از ملت‌های مبارزه حمایت و پشتیبانی می‌کند (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۰).

۵. فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی: انقلاب اسلامی از ایدئولوژی اسلامی که داعیه‌دار سعادت و خوشبختی تمام جهانیان است، شکل گرفته و به آن عمل کرده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۶۱). امام خمینی (ره) هدف نهایی انقلاب را بازگرداندن هویت اسلامی به ایران می‌داند (امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۷۸). علاوه بر سابقه فرهنگ و تمدنی ایران پیش از اسلام و دوره اسلامی و قبل انقلاب اسلامی و فطری بودن فرهنگ؛ ایدئولوژی اسلامی و هنجارها، باورها و ارزش‌های مبتنی بر اسلام نقطه بسیار مهم و مشترک بین ایران و کشورهای منطقه و مسلمانان است. ماهیت و جوهر معنوی انقلاب ایران، یک تحول ارزشی در جهان محسوب می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۹۴). اقتدار معنوی از ویژگی بارز بازیگری است که انقلاب اسلامی آن را دارا است (ساعد، ۱۳۸۹: ۸۴). مهم‌ترین وجه ممیزه انقلاب اسلامی ایران از سایر حاکمیت‌های پیش از خود، توجه به تمدن اسلامی و به‌کارگیری هنجارهای اسلامی و انسانی است (متن پیام رهبری انقلاب به کنگره عظیم حج ۱۳۸۷/۹/۱۷). فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر انقلاب اسلامی ایران که در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران تجلی کرده است. امروزه در دنیا دو قدرت اسلامی و استکبار وجود دارد که در منطقه غرب آسیا گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین رقیب گفتمان آمریکایی و ضد آن به شمار می‌آید که غالب



خیزش‌ها در منطقه ضد استکباری به شمار می‌آیند که در نتیجه قدرت برتر ایران در منطقه است (Rubin, 2013: p12)؛ این موضوع زمینه مناسب برای درک متقابل، همبستگی و همراهی با اهداف جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌کند؛ پس از انقلاب اسلامی پیگیری آرمان‌های اسلامی در سیاست خارجی، مخالفت با رژیم صهیونیستی و موضوعاتی از این دست (درخشه، غفاری، ۱۳۹۰: ۱۹) قدرت منطقه‌ای ایران را افزایش داده است؛ در حالی که مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیرارادی یا به تعبیر فولر، رفلکسی از سوی مردم منطقه هستیم؛ این تأثیرات نمایشی چنان قوی بود که حتی کسانی که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند نیز تحت تأثیر آن قرار گرفتند (برزگر، ۱۳۸۲: ۵۶).

۶. کمک‌های مردمی و حمایت از ملت‌ها: مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی کمک و حمایت از ملت‌ها در حوزه کمک‌های بلاعوض و بشردوستانه نیز از موضوعات مهم در رهبری منطقه‌ای ایران است؛ آنچه در بیانات رهبری انقلاب نیز آمده «ما در داخل کشور خودمان، در عراق، در سوریه، در لبنان با کسانی که علیه تروریسم می‌جنگیدند همکاری کردیم، کمکشان کردیم» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۰۲/۲۶). ایران در عراق به شهرهای شیعه‌نشین با کمک‌های کم‌بهره و بلاعوض در ساخت مدرسه و بیمارستان کمک کرده و در توسعه و آبادانی اقداماتی را به انجام رسانیده است (عطایی، ۱۳۹۰: ۲۰۰). قانون اساسی برآمده از انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی را موظف کرده از مظلوم دفاع کرده و با ظالم مبارزه کند و همانا وعده الهی حاکمیت مستضعفین بر جهان است. «مقاومت انعطاف‌ناپذیر» از ویژگی برجسته فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۹۶)؛ این شاخصه از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذاری در منطقه است. به نظر می‌رسد که در میان دولت‌ها هیچ بازیگری به اندازه جمهوری اسلامی در برابر سلطه از خود پایداری نشان داده است؛ این موضوع علاوه بر امنیت، قدرت برتری منطقه‌ای نیز می‌دهد.

۷. نه شرقی و نه غربی، عدم وابستگی: استقلال و آزادی در رهایی از شرق و غرب بود که ایران با تکیه بر اندیشه اسلامی از ساختار نظام بین‌المللی خود را رها ساخت (موسوی، ۲۰۱۰: ۱۲۴) ایران به عنوان یک کشور مستقل و غیرمتعهد در منطقه به شمار می‌آید و الگو ملت‌ها

در منطقه بوده است؛ و در عرصه نظام بین‌الملل مستقل است. جهت‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران همراه با یک تجدیدنظر طلبی و عدم آمادگی برای پذیرش هنجارهای بین‌المللی و نیز به چالش کشیدن آن‌ها است (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۹۳ و دهشیری، ۱۳۸۷: ۳۳۰). خطوط اصلی سیاست خارجی ایران که پایه اصلی آن نه شرقی و نه غربی است، تغییر نیافته و هرگز قابل تغییر نیست (بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام ۱۳/۰۳/۱۳۷۰)؛ امروزه نیز بر اساس بیانات رهبر انقلاب، جمهوری اسلامی پس از گذشت چهار دهه؛ «آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند؛ اما انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده» است (بیانیه مهم و راهبردی رهبر معظم انقلاب با عنوان گام دوم در چهلمین سال پیروزی انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۸. علم و فناوری: پیشرفت علمی، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. امروزه بر خلاف گذشته، کشوری قوی‌تر است که از لحاظ تولید علم قدرتمندتر باشد. تنها داشتن منابع اولیه و جمعیت یا مساحت سرزمین باعث قدرتمندی یک کشور نمی‌شود (جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). امروزه سلاح اصلی کشورها و زبان رقابت آن‌ها دانش است که در هیچ محدوده جغرافیایی محدود نمی‌شود. دانش و تولید علم، بیانگر قدرت نرم‌افزاری یک کشور است. پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر قدرت تأثیرگذار بوده است (نای، ۱، ۲۰۰۷: ۱۵۴). با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین استخراج‌شده و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز علم و فناوری در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود؛ در این چشم‌انداز، «جمهوری اسلامی ایران با اتکال به قدرت لایزال الهی و با احیای فرهنگ و برپایی تمدن نوین اسلامی- ایرانی برای پیشرفت ملی، گسترش عدالت و الهام‌بخشی در جهان، کشوری برخوردار از انسان‌های صالح، فرهیخته، سالم و تربیت‌شده در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندانی در تراز برترین‌های

جهان، توانا در تولید و توسعه علم، فناوری و نوآوری و به‌کارگیری دستاوردهای آن و پیش‌تاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان» خواهد بود (نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹: ۶-۵).

۹. عدالت محوری: عدالت‌خواهی از اهداف و هنجارهای مهم گفتمان انقلاب اسلامی است، «تحقق آرمان‌های اسلامی» قانون اساسی که می‌توان آن را در ذیل هنجار کلی بحث عدالت اسلامی است؛ در این رابطه بند نهم از اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است تا در راه تحقق اصل عدالت اسلامی تمامی تلاش خود را به کار بندد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکند؛ علاوه بر این اصل، اصل نوزدهم که راجع به عدالت در امور اجتماعی است، اصل بیستم که راجع به عدالت در اجرای قانون اساسی است و اصل صد و پنجاه و ششم که راجع به عدالت در احکام قضایی است، از اصول دیگری هستند که می‌توان آن‌ها را در ذیل هنجار عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در نظام جمهوری اسلامی ایران جای داد (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۸). جمهوری اسلامی در راستای رهبری منطقه‌ای عدالت‌خواهی را فرا وطنی ترسیم کرده و عدالت را برای منطقه و جهان اسلام دنبال می‌کند. ایران عدالت‌گستری و عدالت‌خواهی را نه تنها برای جهان اسلام بلکه برای کل جهان بشریت می‌خواهد (رمضانی، ۱۳۸۶: ۶۳)؛ و از این جهت ایران خود را به عنوان کشور عدالت‌خواه و عدالت‌جو به جامعه بین‌الملل معرفی کرده است؛ خود را پیشگام و پیش‌قراول جبهه حق علیه باطل و اسلام در برابر کفر می‌داند؛ هرگونه بی‌عدالتی را جایز ندانسته و با آن مبارزه می‌کند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۹ و محمدی، ۱۳۸۷: ۲۳۴). مقصود از عدالت محوری در رهبری منطقه‌ای ایران، بسط عدالت و فرصت برای کشورهای منطقه است که تسخیر قلوب مردم/ملت‌ها است (newyork times, 2007).

۱۰. نفی سبیل، سلطه نپذیرفتن و سلطه نگرفتن: در اصول ۱۵۲ تا ۱۵۴ از فصل دهم قانون نیز صراحتاً به جمهوری اسلامی ایران تأکید شده تا روابط خارجی خود را بر اساس نفی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی استوار کند و از هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی و دیگر شئون کشور گردد، اجتناب نماید (مدنی، ۱۳۷۰: ۴۳۲). اصول ۱۵۲ تا ۱۵۴ قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی هرگونه سلطه بیگانگان

را مردود می‌داند (قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران). در شاخص دیپلماسی خود را مقابله با رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعده سلطه‌گر و سلطه‌پذیر می‌دانیم (بیانات رهبری در دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران ۸۶/۰۵/۳۰).

۱۱. امت واحده در جهت تشکیل حکومت عدل جهانی: یکی از اهداف مهمی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است، تلاش در جهت تشکیل امت واحد اسلامی و وحدت مسلمانان است؛ در این رابطه می‌توان به اصل یازدهم قانون اساسی اشاره کرد که وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران را در این مورد چنین برشمرد «ان هذ ه امتکم واحده و انا ربکم فاعبدون»؛ به حکم آیه کریمه همه مسلمانان یک امت هستند؛ بنابراین جمهوری اسلامی در این جهت تلاش می‌کند؛ در مقدمه قانون اساسی نیز بیان شده که با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران، دولت می‌بایست زمینه تداوم این انقلاب را در خارج فراهم کند؛ و به‌ویژه در گسترش روابط بین‌الملل با دیگر جنبش‌های اسلامی بکوشد تا راه تشکیل یک امت واحد اسلامی را فراهم کند (مدنی، ۱۳۷۰: ۴۳۲). رهبران جمهوری اسلامی ایران بر اساس برداشتی که از جایگاه و موقعیت کشورشان دارند، این دولت را به عنوان مرکز و ثقل این دارالاسلام می‌دانند که می‌تواند رهبری امت اسلامی را بر عهده بگیرد (فیرحی، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

تأکید بر اصول فوق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با توجه به آنکه این اصول در میان ملت‌های منطقه و بسیاری از آزادی‌خواهان جهان از جذابیت و پذیرش بالایی برخوردار است، ایران را از نگاه ملت‌ها به یک بازیگر کلیدی و مهم در جهان اسلام تبدیل کرده است. در مجموع می‌توان بعد نظری قدرت نرم نظام اسلامی در عرصه‌ی سیاست خارجی را ناشی از احساس مسئولیت نسبت به نوع بشر دانست؛ بر مبنای همین بینش، اصل ۱۵۴ قانون اساسی تأکید می‌کند نظام جمهوری اسلامی سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۸-۱۳۹).

۱۲. ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی: بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران تأکید داشت ما آن‌طور نیستیم که وقتی زور پیدا کردیم، با قلدری بخواهیم در یک کشور دیگری دخالت کنیم. ظلم و

تجاوز و تعدی در قاموس فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۶)؛ وجود این اصل، جذابیت خاصی به سیاست خارجی نظام اسلامی بخشیده؛ و توجه به این موضوع که کشور ایران با الهام از دستورهای اسلامی در طول قرن‌ها، نه به هیچ کشوری تجاوز نموده و نه تسلیم متجاوزان گردیده است، قدرت منطقه‌ای ایران را به‌ویژه نزد ملت‌های مظلوم و آزاده جهان نمایان می‌سازد (ملکزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۸-۱۴۱).

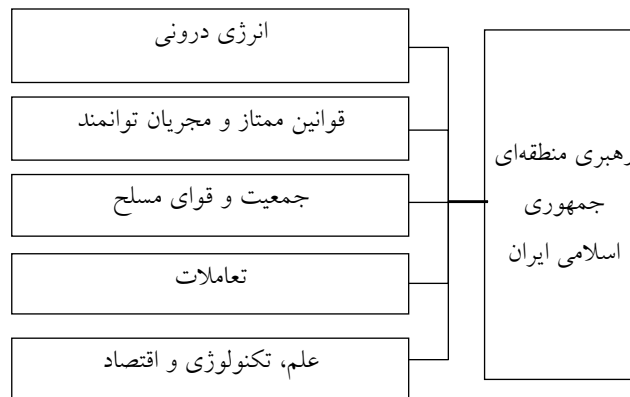
اولین پیش‌شرط لازم برای هر قدرت منطقه‌ای یا قدرتی که در پی ایفای نقش رهبری منطقه است، این است که دولت مدعی، به انحاء مختلف، تمایل و قابلیت خود را برای ایفای چنین نقشی نشان دهد. دو عرصه‌ای که ورود فعالانه دولت مدعی به آن‌ها اهمیت اساسی دارد عبارت‌اند از اقتصاد و امنیت. دولت مدعی باید نشان دهد ثبات و امنیت منطقه برایش مهم است و در این راستا حاضر است هزینه کند؛ همچنین باید نشان دهد رشد، شکوفایی و توسعه اقتصاد منطقه اهمیت اساسی دارد و حاضر است برای ایجاد نهادهای لازم فعالانه تلاش کند؛ به عبارت دیگر قدرت منطقه‌ای باید به طور خیرخواهانه نشان دهد آماده رهبری تثبیت امنیت و رشد اقتصاد کشورهای منطقه است؛ هرچه ساز و کارهای توجیه‌کننده موقعیت قدرت منطقه‌ای قابل‌پذیرش باشد و بتواند رضایت بیشتری جلب کند، قلمرو نفوذش گسترده‌تر خواهد شد.

منابع قدرت به دو دسته مادی و معنوی قابل تفکیک‌اند. زمانی که صحبت از منابع مادی می‌شود شاید در ابتدا توان نظامی به ذهن متبادر شود؛ اما واقعیت این است که توان نظامی خود تحت تأثیر منابع اساسی‌تری چون توان اقتصادی، قابلیت‌های علمی - فنی، شرایط جمعیت شناختی و مشخصه‌های جغرافیایی است؛ در این میان به‌ویژه نقش توان اقتصادی مهم است. هرچه شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی کشور قوی‌تر باشد، پشتوانه محکم‌تری برای قدرت دولت فراهم خواهد بود. برای تقویت و رقابت پذیرتر ساختن اقتصاد باید بخش صنعت به رشد قابل قبولی رسیده باشد. دو شاخص مهمی که در ارزیابی اقتصاد اهمیت بسیاری دارند؛ عبارت‌اند از میزان رشد تولید ناخالص داخلی و به تبع آن، درآمد سرانه و سطح برابری؛ در نتیجه با اقتصاد قوی و توسعه‌یافته، شرایط مناسب‌تری برای فراهم‌سازی منابع امنیتی و در رأس آن امکانات نظامی ایجاد خواهد شد؛ در حوزه منابع معنوی نیز، متغیرهایی چون

مشروعیت و ثبات سیاسی، فرهنگ سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشور مورد توجه قرار می‌گیرند. دولتی که در پی اعمال قدرت بر دیگران است، باید به اعمال قدرت خود مشروعیت دهد. برای جلب مشروعیت، صرف منابع مادی کافی نیست؛ بلکه سیاست خارجی چنین دولتی باید حاوی مضامین اخلاقی و فرهنگی جذاب باشد. باید به دیگران اطمینان داده شود که نظامی که به دنبال آن هستیم، عادلانه و مبتنی بر منافع همگانی است. دولتی که خود ساختار سیاسی غیرعادلانه و مستبدانه دارد، نمی‌تواند حامل مناسبی برای این شعارها باشد. ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی باید به گونه‌ای معرفی شوند که برای دیگران قابل قبول و معتبر تلقی شوند؛ البته منابع معنوی کشور فراتر از این موارد است و حتی عناصری چون سمبل‌ها و مشخصه‌های روحی - روانی قدرت منطقه‌ای را در بر می‌گیرند؛ مجموع این‌ها که منابع قدرت نرم را تشکیل می‌دهند، اگر باعث حسن شهرت و اعتمادپذیری دولت مدعی شوند، به اعمال قدرت آن مشروعیت می‌بخشند (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۸).

بر اساس چنین شرایطی ایران تلاش مؤثری برای اجرایی‌سازی استراتژی تعامل سازنده با کشورهای منطقه باید ایفا کند. به هر میزان تأثیرگذاری منطقه‌ای ایران افزایش یابد، زمینه برای حداکثرسازی قدرت ملی و کاهش تهدیدات امنیتی فراروی ایران به وجود خواهد آمد (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۱). با توجه به ویژگی‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی منابع قدرت ایران، سیاست منطقه‌ای این کشور همواره متأثر از دو مؤلفه مهم ژئوپلیتیک و جهت‌گیری ایدئولوژیک بوده است (جهانبین و پرتو، ۱۳۹۱: ۲۰).

### مدل مفهومی تحقیق



نمودار ۱: مدل مفهومی تحقیق

### روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش بر اساس بررسی ادبیات تحقیق، مجموعه‌ای از عوامل جهت ترسیم مدل مفهومی استخراج شده است؛ روش تحقیق ترکیبی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. برای دستیابی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده، ابتدا این عوامل از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۹ نفر از خبرگان دانشگاهی و صاحب‌نظران مسائل منطقه‌ای اصلاح‌گردید؛ در طی انجام مصاحبه‌ها، یک عامل دیگر نیز به مجموعه عوامل استخراج شده از ادبیات اضافه گردید که عبارت است از: «عامل تعاملات»؛ سپس مجموعه عوامل در پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۵ پرسش تنظیم و در هر پرسش میزان اهمیت هر یک از شاخص‌ها با استفاده از طیف لیکرت مورد آزمون قرار گرفت؛ در مجموع ۶۵ نفر از مدیران و پژوهشگران مراکز تحقیقاتی ستقر در دانشگاه‌ها به تکمیل این پرسشنامه مبادرت نمودند. برای بررسی نتایج پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد و آزمون‌های تی، کلموگروف - اسمیرنوف و تحلیل عاملی اکتشافی بر روی داده‌ها صورت گرفت. نتیجه به‌کارگیری آزمون کلموگروف - اسمیرنوف نشان داد، از آنجا که مقدار پی برای همه سؤالات بیش از ۰/۰۵ بود، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. نتایج آزمون تی در جدول (۱) ارائه شده است. داده‌های جدول (۱) نشان می‌دهد که مقادیر معنی‌داری یک دنباله

برای تمامی متغیرها از پنج درصد کمتر است؛ از این نتیجه می‌توان چنین دریافت که میانگین هر یک از متغیرها اختلاف معناداری با عدد سه دارد. اعداد موجود در ستون تی و با توجه به اینکه علامت تمام اعداد در این ستون مثبت است، نشان می‌دهد که میانگین تمام متغیرها بزرگ‌تر از عدد سه است؛ ستون میانگین اختلاف، میزان این اختلاف را نمایش می‌دهد. در دو ستون پنجم و ششم، حد بالا و پایین فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای هر متغیر نمایش داده شده است؛ در اینجا مثبت بودن این مقادیر نشان می‌دهد، میانگین این متغیرها تماماً از سه بیشتر است؛ با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت تأثیر عوامل معرفی شده به عنوان عوامل رهبری منطقه‌ای ایران از نگاه فعالان در مراکز تحقیقاتی قابل تأیید است؛ این امر نشان می‌دهد که عوامل استخراج شده از ادبیات می‌تواند به عنوان مؤلفه‌های اساسی در زمینه شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای ایران مورد تأیید واقع گردد؛ بر این اساس به بررسی مدل ارائه شده با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی پرداخته خواهد شد.

جدول ۱: نتایج آزمون تی استیودنت

۹۵% Confidence Interval of the Difference		Sig.(۲-tailed)			شاخص	عامل
Upper	Lower	Mean Difference	Sig. (۲-tailed)	T		
۱/۸۴	۱/۳۲	۱/۶۵	۰/۰۰۰	۱۴/۳۲	ایدئولوژی اسلامی	انرژی درونی
۱/۹۵	۱/۶۴	۱/۷۵	۰/۰۰۰	۱۱/۲۱	داشتن آرمان امت واحده	
۱/۴۵	۱/۰۲	۱/۳۲	۰/۰۰۰	۱۱/۴۱	عدالت‌خواهی	
۱/۲۴	۱/۰۱	۱/۱۲	۰/۰۰۰	۱۲/۲۵	انسجام ملی	
۱/۱۲	۰/۷۴	۰/۹۵	۰/۰۰۰	۱۴/۳۲	روحیه شهادت‌طلبی و ایثار	
۱/۱۶	۰/۸۴	۰/۹۹	۰/۰۰۰	۱۳/۹۸	سیاست نه شرقی، نه غربی و عدم وابستگی	قوانین ممتاز و مجریان توانمند
۱/۲۳	۱/۰۵	۱/۱۹	۰/۰۰۰	۱۵/۹۵	داشتن ماهیت ظلم‌ستیزی و استکبار تیزی	
۱/۷۳	۱/۴۱	۱/۶۶	۰/۰۰۰	۱۴/۶۵	وجود رهبری انقلابی و تحولی	
۱/۶۷	۱/۲۳	۱/۵۷	۰/۰۰۰	۱۶/۹۵	حمایت از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش	



۱/۱۵	۰/۹۴	۱/۰۲	۰/۰۰۰	۹/۹۵	داشتن سابقه دفاع مقدس	
۱/۴۸	۱/۱۲	۱/۳۳	۰/۰۰۰	۱۰/۹۸	وجود فرماندهان مجرب و انقلابی	
۰/۹۸	۰/۶۴	۰/۸۷	۰/۰۰۰	۱۰/۴۵	داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی	جمعیت و قوای مسلح
۱/۶۴	۱/۳۴	۱/۵۵	۰/۰۰۰	۱۴/۷۴	قدرت موشکی ایران	
۱/۳۷	۱/۱۳	۱/۲۸	۰/۰۰۰	۹/۳۲	داشتن رتبه اول در تولید ناخالص داخلی در منطقه	
۱/۱۹	۰/۹۷	۱/۰۹	۰/۰۰۰	۸/۴۹	داشتن جمعیت جوان و تحصیل کرده	
۱/۶۱	۱/۲۸	۱/۵۱	۰/۰۰۰	۸/۷۷	داشتن معادن زیرزمینی و ظرفیت‌های طبیعی	
۱/۰۳	۰/۶۵	۰/۸۴	۰/۰۰۰	۸/۵۴	توسعه دانش	علم، فناوری و اقتصاد
۱/۴۱	۱/۲۲	۱/۳۵	۰/۰۰۰	۱۱/۵۷	حضور تأثیرگذار حزب‌الله در قدرت سیاسی لبنان	تعاملات
۱/۳۳	۱/۱۱	۱/۲۱	۰/۰۰۰	۱۱/۵۲	حضور تأثیرگذار حشدالشعبی در قدرت سیاسی عراق	
۰/۸۹	۰/۶۴	۰/۸۲	۰/۰۰۰	۱۱/۵۵	تأثیرگذاری انصارالله در رهبری انقلاب یمن	
۱/۱۱	۰/۸۷	۱/۰۱	۰/۰۰۰	۱۲/۴۶	برچیده شدن حاکمیت خود خوانده داعش در منطقه و سوریه	
۱/۳۱	۱/۱۲	۱/۲۰	۰/۰۰۰	۱۳/۸۸	تأثیرگذاری در مسئله فلسطین و تحول از ناسیونالیستی به اسلامی مردمی	
۱/۳۹	۱/۱۸	۱/۳۰	۰/۰۰۰	۱۱/۶۶	تأثیرگذاری در اسلام سیاسی منطقه	
۱/۳۲	۱/۱۱	۱/۲۴	۰/۰۰۰	۱۳/۶۹	توانمندی هسته‌ای	
۱/۲۹	۰/۹۴	۱/۰۷	۰/۰۰۰	۱۳/۸۲	پیش‌روندگی انقلاب و پویایی آن	

در این تحقیق برای تهیه یک پرسش‌نامه معتبر و دستیابی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده در تنظیم این پرسش‌نامه از خبرگان استفاده شده است؛ بنابراین اولین جامعه آماری این پژوهش تمام شمار بوده و شامل کلیه خبرگان دانشگاهی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و مدیریت دولتی است که در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، علوم تحقیقات و امام حسین (علیه‌السلام) مشغول خدمت بوده، حداقل دارای سه مقاله علمی-پژوهشی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و مدیریت و سابقه سه سال تدریس در یکی از دانشگاه‌های حوزه غرب آسیا هستند؛ دومین جامعه آماری کلیه مدیران و پژوهشگران مراکز پژوهشی تهران بودند که با استفاده از نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند تعداد ۶۵ نفر از مدیران و پژوهشگران این مراکز تحقیقاتی انتخاب شده و پرسش‌نامه در بین آن‌ها توزیع شده است.

بررسی ضریب آلفای کرونباخ در جهت تأیید پایایی پرسشنامه‌های توزیع شده صورت پذیرفت که کسب ضریبی بالاتر از ۰/۸۵، در این تحلیل بیان می‌کند که پرسشنامه از پایایی مطلوب برخوردار است. برای سنجش گایی تعداد دوازده پرسش‌نامه در اختیار خبرگان تحقیق قرار گرفت؛ روایی صوری یا محتوایی پرسشنامه نیز با استفاده از نظر خبرگان تأیید شد؛ استفاده از آزمون کلموگروف - امسرنف در این پژوهش نشان می‌دهد که برای سنجش میزان اهمیت هر یک از عوامل می‌توان از آزمون تی استفاده نمود؛ این آزمون نشان می‌دهد که هر یک از شاخص‌ها از نگاه خبرگان تحقیق تا چه اندازه دارای اهمیت هستند و این امر با توجه به محاسبه میانگین نتایج حاصل از تکمیل پرسشنامه‌های مربوط صورت می‌پذیرد. برای بررسی مدل ارائه شده بر روی نتایج پرسشنامه، تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفت؛ این پژوهش در تحلیل عاملی اکتشافی به دنبال بررسی داده‌های تجربی به منظور کشف و شناسایی شاخص‌ها و نیز روابط بین آن‌ها است. در تحلیل عاملی اکتشافی، از پیش مدل معینی وجود ندارد؛ به بیان دیگر تحلیل عاملی اکتشافی علاوه بر آنکه ارزش تجسسی یا پیشنهادی دارد، می‌تواند در جهت ساخت مدل نیز مورد توجه استفاده قرار گیرد؛ این نوع تحلیل وقتی به کار می‌رود که پژوهشگر شواهد کافی قبلی برای تشکیل فرضیه درباره تعداد عامل‌های زیربنایی داده‌ها نداشته باشد.

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و روش پژوهش کمی - کیفی (تلفیقی) است؛ بدین صورت که ابتدا با استفاده از روش دلفی و مراجعه به خبرگان شاخص‌های تأثیرگذار بر رهبری منطقه - ای جمهوری اسلامی ایران شناسایی گردید و با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی با عناصر اصلی و چرخش متعامد از نوع واریماکس اعتبار یابی این شاخص‌ها انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش تمام شمار بوده و شامل کلیه خبرگان دانشگاهی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و مدیریت دولتی است که در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، علوم تحقیقات و امام حسین (علیه‌السلام) مشغول خدمت بوده، حداقل دارای سه مقاله علمی - پژوهشی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و مدیریت و سابقه سه سال تدریس در یکی از دانشگاه‌های حوزه غرب آسیا هستند. بر اساس بررسی محقق حجم جامعه تحقیق، تعداد سیزده نفر خبره است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند؛ در مرحله اول با مرور مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، شاخص‌های رهبری منطقه‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفتند؛ در مرحله دوم پس از بررسی پیشینه پژوهش، پرسشنامه‌ای متشکل از تعداد ۲۹ شاخص در اختیار خبرگان تحقیق قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد میزان موافقت خود را با هر شاخص در خصوص تأثیرگذاری بر رهبری منطقه‌ای ایران اعلام نمایند؛ پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و تحلیل پاسخ‌های خبرگان تعداد ۲۵ شاخص که بیشترین موافقت (تأثیر) را در رهبری منطقه‌ای داشت و در تبیین موضوع از فراوانی بیشتری برخوردار بود شناسایی گردید؛ در مرحله سوم به منظور تشخیص اینکه کدام شاخص رهبری ابعاد اصلی رهبری منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد و برای اعتباریابی کمی شاخص‌های به دست آمده، دوباره پرسشنامه‌ای با ۲۵ سؤال و بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (کاملاً موافق (۵)، موافق (۴)، بی‌نظر (۳)، مخالف (۲) و کاملاً مخالف (۱)) نمره‌گذاری شده و در اختیار خبرگان پژوهش قرار گرفت. قبل از توزیع پرسشنامه ضریب پایایی مجموعه سؤال‌ها محاسبه شد و ضریب پایایی پرسش‌نامه ۲۵ سؤال، ۰/۸۵ به دست آمد.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

پرسش‌نامه این پژوهش از نوع محقق ساخته است؛ و در نتیجه برای بررسی اعتبار سازه پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد؛ تا سؤالاتی که دارای اعتبار کافی هستند شناسایی شوند و بتوان سؤالات پرسشنامه را در چند عامل خلاصه کرد و گروه‌بندی مناسبی برای سؤالات پرسشنامه ارائه داد. تحلیل عاملی برای ایجاد ارتباط بین متغیرهای مشاهده شده و تعداد کمتری از متغیرهای مفهومی زیرین طراحی شده است. تحلیل عاملی، سنجه‌های مشاهده شده را برحسب عوامل مشترک (مشاهده نشده) به اضافه واریانس یکتا نشان می‌دهد؛ روابط بین عوامل مشاهده نشده و سنجه‌های مشاهده شده تحت عنوان وزن (برای مثال وزن-های رگرسیون) که عامل‌های را به سنجه‌ها ارتباط می‌دهند، تعریف می‌شوند؛ به عبارت دیگر تحلیل عاملی اکتشافی، چرخه‌ای را برای حرکت از مدل مسیر مبتنی بر «سنجه واحد برای هر سازه» بر چند سنجه برای هر سازه یا مدل مسیر چندمعرفه فراهم می‌سازد؛ از این طریق می‌توان متغیرهای نظری مورد توجه را در تحلیل مسیر آزمون کرد؛ در این حالت متغیرها به عنوان عامل محسوب می‌شوند و برای هر سازه چند سنجه وجود دارد که این عامل سبب بهبود سنجش سازه‌ها می‌شود (مارویاما، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

تحلیل عاملی روش ریاضی پیچیده‌ای برای تقلیل مجموعه بزرگی از متغیرها به مجموعه کوچک‌تری از متغیرهای اساسی است که عامل خوانده می‌شوند. هدف اساسی در تحلیل عاملی بررسی این امر است که بر اساس پاسخ افراد به پرسش‌ها می‌توان معدودی عوامل عام‌تر را مشخص کرد که شالوده پاسخ افرادند یا خیر (دواس، ۱۳۷۶: ۲۵۳). از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی برای تقلیل گویه‌های (شاخص‌های) رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و همچنین یافتن عوامل زیربنایی شاخص‌های یاد شده استفاده شد.

جدول ۲: مقادیر آزمون‌های KMO و بارتلت جهت تعیین عامل پذیر بودن شاخص‌های پرسشنامه

آزمون بارتلت		مقدار KMO
سطح معنی‌داری	مقدار خی دو تقریبی	
$P > .001$	۱۹۱۸۷٫۸۹	،۸۸۷

تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی بر روی ۲۵ گویه مقیاس شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران اجرا شد. چرخش صورت گرفته از نوع متعامد و به روش واریماکس انجام شد. مقدار آزمون KMO یا شاخص کفایت نمونه‌گیری، مقدار واریانس متغیرها را که تحت تأثیر عامل‌های پنهانی است می‌سنجد؛ دامنه این آماره بین ۰ تا ۱ است؛ چنانچه مقدار این آماره بیشتر از ۰/۷۰ باشد همبستگی‌های موجود به طور کلی برای تحلیل عاملی بسیار مناسب‌اند. اگر KMO بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ باشد باید دقت زیادی به خرج دارد و مقادیر کمتر از ۰/۵۰ بدان معناست که تحلیل عاملی برای آن مجموعه از متغیرها مناسب نیست (دواس، ۱۳۷۶: ۲۵۶). مقدار آزمون بارتلت، همانی بودن ماتریس همبستگی داده‌ها را به آزمون می‌گذارد و در واقع میزان عامل پذیر بودن داده‌ها را می‌سنجد و می‌باید کمتر از ۰/۰۵ باشد. در این پژوهش مقدار KMO برابر با ۰/۸۸۷ شده است و قابل قبول بوده و به این معناست که حدود ۸۹ درصد از واریانس این ۲۵ گویه تحت تأثیر عامل‌های پنهانی و بنیادی است؛ سطح معنی‌داری آزمون بارتلت نیز کمتر از ۰/۰۱ شده است ( $P > ۰/۰۵$ )؛ نتایج این دو آزمون نشان می‌دهد که انجام تحلیل عاملی بر روی ۲۵ شاخص امکان‌پذیر است و به بیان دیگر شاخص‌ها عامل پذیر هستند؛ بنابراین برای پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش و بررسی تحلیل مؤلفه‌های اصلی، نخست پیش‌فرض‌های تحلیل عاملی بررسی شد؛ سپس قابلیت تحلیل عاملی از طریق آزمون کایزر، مایر، اولکین، به منظور کفایت داده‌ها و آزمون بارتلت برای کفایت نمونه پژوهش (۹ نفر نمونه از ۲۲ نفر جامعه، در سطح معناداری  $P > ۰/۰۰۱$ ) محاسبه شد؛ با انجام این آزمون‌ها و معنادار شدن آن‌ها، صلاحیت انجام روش تحلیل عاملی احراز گردید؛ همچنین نمودار اسکری نشان داد که پس از اجرای سه چرخش از نوع واریماکس به منظور استخراج عوامل مناسب از نظر تعداد و محتوا و با توجه به مقدار ارزش ویژه بالاتر از یک و بار عاملی بالاتر از ۰/۵۰ درصد مشخص شد که پرسش‌نامه محقق ساخته شاخص‌های رهبری منطقه‌ای از پنج عامل (انرژی درونی)، عامل (جمعیت و قوای مسلح)، عامل (تعاملات)، عامل (قوانین ممتاز و مجریان توانمند) و عامل (علم، فناوری و اقتصاد) اشباع شده است و پنج عامل مذکور قابل استخراج است.

همان‌طور که در جدول (۱) نشان داده شده است، متغیر مستقل پژوهش به پنج عامل زیربنایی مفروض تقلیل یافته است. یافته‌های پژوهش مربوط به تعداد عامل‌های استخراج شده و واریانس آن‌ها در جدول (۳) نشان داده شده است:

جدول ۳: شاخص‌ها و عامل‌های متغیر مستقل

درصد واریانس تجمعی تعیین شده	درصد واریانس تعیین شده	ارزش ویژه	عامل‌ها شاخص‌ها
۱۶/۸۷	۱۶/۸۷	۱/۹۷	عامل اول
۴۱/۳۱	۱۴/۵۴	۱/۸۵	عامل دوم
۴۲/۷۴	۱۱/۳۳	۱/۸۲	عامل سوم
۵۲/۴۲	۹/۶۸	۱/۷۷	عامل چهارم
۶۰/۳۷	۷/۹۵	۱/۵۱	عامل پنجم

جدول (۳) تعداد عامل‌های استخراج شده را نشان می‌دهد؛ معیار تعیین تعداد عامل‌ها دو معیار است: الف) ارزش ویژه<sup>۱</sup> که می‌باید حداقل --۱ باشد؛ ب) وجود عامل‌هایی که دارای حداقل سه شاخص (گویه) باشند، است. دواس (۱۳۷۶) معتقد است که عامل‌هایی که مقدار ویژه آن‌ها بیشتر از یک (۳) باشد بهترین عامل‌ها هستند. در ارتباط به حداقل‌های شاخص‌های مرتبط با هر عامل باید گفت که لازم است هر عامل به وسیله تعداد معقولی از متغیرها نشان داده شود؛ این امر دست‌کم دو دلیل دارد: الف) ما می‌خواهیم ماهیت عامل را به روشنی بدانیم و هر اندازه متغیرهای بیشتری روی عامل بار داشته باشند؛ تفسیر ما بر اطلاعات بیشتری استوار خواهد بود؛ ب) اگر قصد داریم که خرده مقیاس‌هایی بر پایه ساختار عاملی ایجاد کنیم، به متغیرهای کافی نیاز داریم که با آن عامل همبستگی بالا داشته باشند؛ تا خرده مقیاس‌های ما از اعتبار قابل قبول برخوردار باشد. حداقل تعداد شاخص‌های هر عامل تعداد سه شاخص در نظر گرفته شد؛ همچنین حداقل میزان آماره مقدار ویژه عدد ۱ در نظر گرفته شد و انتخاب تعداد عامل‌ها بر اساس عامل‌هایی بود که مقدار ویژه بیشتر از یک دارند.

نتایج نشان می‌دهد که پنج عامل دارای مقدار ویژه بیشتر از یک بوده که دارای حداقل سه شاخص نیز هستند؛ این نتیجه بدین معناست که تعداد پنج عامل یا بعد زیربنایی از مجموع ۲۵

شاخص مؤثر بر شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شناسایی شده است. پنج عامل به دست آمده می‌توانند حدود ۶۰ درصد واریانس تمامی شاخص‌ها را تبیین نمایند که مقدار مناسبی برای واریانس تبیین شده کل تلقی می‌شود. عامل اول با درصد واریانس استخراج شده ۱۶/۸۷ درصد، مهم‌ترین عامل بوده است.

شایان ذکر است که تعداد زیادی از عامل‌های استخراج شده دارای مقدار ویژه بیشتر از یک بودند و در نتیجه برای تفسیر آسان‌تر نتایج، تنها عامل‌هایی انتخاب شدند که می‌توانستند حداقل پنج درصد از واریانس استخراج شده سؤالات را تبیین کنند؛ همچنین بررسی مدل عاملی با پنج عامل معقول‌ترین راه حل به نظر می‌رسد که در آن تمامی شاخص‌ها با بار عاملی مناسب در هر عامل قرار می‌گیرند و می‌توان از نظر مفهومی نیز عوامل را نام‌گذاری کرد؛ از جمله معیارهای اصلی در انتخاب تعداد عامل‌ها، انتخاب تعداد عاملی است که بیشترین واریانس تبیین شده را با کمترین تعداد عامل ایجاد کنند.

به طور خلاصه با توجه به ارزش‌های ویژه بالاتر از یک، پنج عامل قابلیت تعیین واریانس متغیر رهبر منطقه‌ای را دارند که در مجموع ۶۰/۳۷ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند؛ بیشترین سهم را عامل اول با ۱۶/۸۷ درصد و کمترین را عامل پنجم با ۷/۹۵ درصد دارد؛ بر اساس تحلیل داده‌ها با روش مؤلفه‌های اصلی، پس از سه چرخش متعادل از نوع واریماکس به بهترین ترکیب ماده‌ای و ساختار عاملی به استخراج پنج عامل منجر شد؛ در این پژوهش از بارهای عاملی حداقل ۵۰ درصد استفاده شده است. برآورد مقدار ویژه هر عامل و مشخصات عامل‌های استخراج شده در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول ۴: برآورد مقدار ویژه هر عامل و مشخصات عامل‌های استخراج شده

عامل‌ها					
شاخص‌ها	۱	۲	۳	۴	۵
ایدئولوژی اسلامی	۰/۹۴				
داشتن آرمان امت واحده	۰/۶۵				
عدالت‌خواهی	۰/۷۴				
انسجام ملی	۰/۷۵				
روحیه شهادت‌طلبی و ایثار	۰/۸۹				
سیاست نه شرقی، نه غربی و عدم وابستگی		۰/۹۵			

			۰/۹۱	داشتن ماهیت ظلم‌ستیزی و استکبار‌ستیزی
			۰/۹۵	وجود رهبری انقلابی و تحولی
			۰/۹۵	حمایت از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش
			۰/۸۸	داشتن سابقه دفاع مقدس
			۰/۸۷	وجود فرماندهان مجرب و انقلابی
		۰/۹۴		داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی
		۰/۹۷		قدرت موشکی ایران
		۰/۷۴		داشتن رتبه اول در تولید ناخالص داخلی در منطقه
		۰/۸۷		داشتن جمعیت جوان و تحصیل‌کرده
	۰/۷۷			داشتن معادن زیرزمینی و ظرفیت‌های طبیعی
	۰/۶۷			توسعه دانش
۰/۸۸				حضور تأثیرگذار حزب‌الله در قدرت سیاسی لبنان
۰/۸۷				حضور تأثیرگذار حشدالشعبی در قدرت سیاسی عراق
۰/۹۲				تأثیرگذاری انصارالله در رهبری انقلاب یمن
۰/۸۹				برچیده شدن حاکمیت خود خوانده داعش در منطقه و سوریه
۰/۹۲				تأثیرگذاری در مسئله فلسطین و تحول از ناسیونالیستی به اسلامی و مردمی
۰/۹۰				تأثیرگذاری در اسلام سیاسی منطقه
۰/۹۴				توانمندی هسته‌ای
۰/۸۹				پیش‌روندگی انقلاب و پویایی آن

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد، شاخص‌های مربوط به ایدئولوژی اسلامی، داشتن آرمان امت واحده عدالت‌خواهی، انسجام ملی و روحیه شهادت‌طلبی و ایثار در عامل اول، شاخص‌های مربوط به سیاست نه شرقی، نه غربی و عدم وابستگی، داشتن ماهیت ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی، وجود رهبری انقلابی و تحولی، حمایت از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش، داشتن سابقه دفاع مقدس و وجود فرماندهان مجرب و انقلابی در عامل دوم، شاخص‌های مربوط به داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی، قدرت موشکی ایران، داشتن رتبه اول در تولید ناخالص داخلی در منطقه و داشتن جمعیت جوان و تحصیل‌کرده در عامل سوم، شاخص‌های مربوط به داشتن معادن زیرزمینی و ظرفیت‌های طبیعی و توسعه دانش در عامل چهارم و شاخص‌های مربوط به حضور تأثیرگذار حزب‌الله در قدرت سیاسی لبنان، حضور تأثیرگذار حشدالشعبی در قدرت سیاسی عراق، تأثیرگذاری انصارالله در رهبری انقلاب یمن،



برچیده شدن حاکمیت خود خوانده داعش در منطقه و سوریه، تأثیرگذاری در مسئله فلسطین و تحول از ناسیونالیستی به اسلامی و مردمی، تأثیرگذاری در اسلام سیاسی منطقه، توانمندی هسته‌ای و داشتن حرف نو در عامل پنجم قرار گرفته‌اند.

#### آزمون t تک نمونه‌ای

در جدول (۳) با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای به مقایسه میانگین متغیرها با مقدار متوسط و بررسی جایگاه متغیرها یا عوامل پرداخته شد؛ این آزمون نشان می‌دهد که هر متغیر یا عامل در چه وضعیت و جایگاهی از نظر میانگین و نمره قرار دارد. آزمون‌های آماری پارامتری برای یک گروه زمانی به کار می‌روند که قصد داشته باشیم میانگین یک نمونه را با یک میانگین مفروض و نظری مقایسه کنیم؛ این میانگین مفروض یا نظری می‌تواند یک مقدار معمول یا رایج، یک مقدار استاندارد و یا یک مقدار مورد انتظار باشد؛ به عبارتی زمانی که قصد داشته باشیم میانگین یک متغیر در پژوهش را با یک میانگین تعیین شده مقایسه کنیم از آزمون t تک نمونه‌ای بهره می‌گیریم (کریمی، ۱۳۹۴: ۲۲۲).

آزمون تی تک نمونه‌ای آزمونی است که در آن نمره به دست آمده برای هر عامل با مقدار استاندارد، معیار یا با مقداری به عنوان پیش‌فرض مقایسه می‌شود؛ در این پژوهش میانگین مؤلفه‌ها بین یک تا پنج است؛ و نمره متوسط (حد وسط نمره‌ها) مقدار سه است؛ در نتیجه میانگین عامل‌ها با مقدار ۳ مقایسه شد؛ چنانچه میانگین عامل‌ها به طور معنی‌داری بیشتر از مقدار سه باشد، نشان از تأثیرگذاری زیاد آن عامل بر رهبری منطقه‌ای دارد؛ چنانچه میانگین مؤلفه‌ای برابر یا نزدیک با مقدار سه باشد، نشان از تأثیرگذاری متوسط آن عام دارد؛ و چنانچه میانگین عاملی به طور معنی‌داری کمتر از مقدار سه شود، نشان از این دارد که تأثیر آن عامل بر رهبری منطقه‌ای نسبتاً کم است.

#### 1. One-Sample T test

جدول ۵: آزمون تی تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین عامل‌ها با مقدار پیش‌فرض یا  $(df=۳۸۳)$ 

عامل	میانگین	تفاوت میانگین	مقدار t	سطح معنی‌داری
عامل علم، فناوری و اقتصاد	۲,۷۰	-۰,۳۰	-۶,۲۵	> .۰۰۱
عامل قوانین کارآمد و مجریان توانمند	۳,۰۵	.۰۵	۱,۴۹	.۱۳۷
عامل انرژی درونی	۴,۲۰	۱,۲۰	۳۹,۰۵	> .۰۰۱
عامل جمعیت و نیروهای مسلح	۳,۷۳	.۷۳	۲۱,۵۴	> .۰۰۱
عامل تعاملات	۳,۸۷	.۸۷	۲۵	> .۰۰۱
نمره کل عوامل	۳,۲۶	.۲۶	۱۰,۵۸	> .۰۰۱

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد که میانگین چهار عامل قوانین کارآمد و مجریان توانمند، انرژی درونی، جمعیت و نیروهای مسلح و عامل تعاملات با مقدار متوسط (۳) تفاوت آماری معنی‌داری دارد ( $P > .۰۱$ )؛ نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد میانگین چهار عامل الف) قوانین کارآمد و مجریان توانمند؛ ب) انرژی درونی؛ ج) جمعیت و نیروهای مسلح؛ د) تعاملات به طور معنی‌داری بیشتر از مقدار متوسط است؛ که نشان می‌دهد از نظر پاسخگویان، این چهار عامل تأثیر نسبتاً زیادی بر رهبری منطقه‌ای و عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران دارند. نتایج نشان داد میانگین عامل علم، فناوری و اقتصاد برابر با  $۲/۷$  است که به طور معنی‌داری کمتر از مقدار متوسط است ( $P > .۰۱$ )؛ که نشان می‌دهد تأثیر عامل اقتصادی و علمی بر رهبری منطقه‌ای تأثیر نسبتاً کمی است؛ همچنین نتایج نشان داد که عامل «قوانین کارآمد و مجریان توانمند» تأثیر متوسطی بر رهبری منطقه‌ای دارد؛ سطح معنی‌داری برای عامل قانونی و اجرایی برابر با  $۱/۳۷$  است؛ که نشان می‌دهد میانگین این عامل تفاوت معنی‌داری با مقدار متوسط ندارد.

#### عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در پرتو رهبری منطقه‌ای ایران

با عنایت به شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، تأیید و تصدیق داده‌های کمی درباره استعداد ایران برای قدرت منطقه‌ای را دارا است. به نظر می‌رسد نظام جمهوری اسلامی توانایی قدرت بزرگ منطقه‌ای را دارد. با در نظر گرفتن برخی امکانات

نظری و کمی می‌تواند بر عمق‌بخشی خارجی گفتمان انقلاب اسلامی اثر گذاشته و نقش‌آفرینی کند.

رشد و پیشرفت اقتصادی از مهم‌ترین ابزارهای قدرتمندی نظام و اینکه رسیدن جمهوری اسلامی به مقبولیت و مشروعیت است که در این زمینه انقلاب اسلامی با فقر، فساد، حمایت از تولید ملی و اقتصاد در صدر آن بوده که می‌تواند بر امنیت انقلاب اسلامی و عمق‌بخشی اثرگذار باشد.

اثرگذاری انقلاب اسلامی در منطقه زمینه‌تکلیف‌محوری، احساس مسئولیت در قبال تحولات منطقه، استقلال جمهوری اسلامی از قدرت‌های بزرگ بخصوص آمریکا و در مقابل وابستگی برخی قدرت‌های منطقه‌ای به غرب و آمریکا از جمله موارد احساس مسئولیت ایران (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۷)؛ در نتیجه از طریق جذب قلوب مردم منطقه و عدم ابراز خصومت آشکار با دولت‌ها از مهم‌ترین موارد عمق‌بخشی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید.

نوع نگرش نظام برآمده از انقلاب اسلامی ایران، به قدرت نگاه بر اساس مکتب هدایت است و نگاه استکبار بر اساس نگاه و زور و ابزاری است؛ نوع تعامل انقلاب اسلامی با کشورهای منطقه و سایر دولت‌ها بر اساس اعتقادات و باورها است که مبتنی بر اصل «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» است که چهره واقعی یک نظام الهی را نشان می‌دهد؛ این در حالی است که سایر کشورهای منطقه با وابستگی به غرب و آمریکا از قدرت و حاکمیت برداشت متفاوت دارند؛ که این موضوع سبب عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در منطقه شده است.

از دیگر شاخصه عمق‌بخشی انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی یا دست‌کم ارتقاء و گسترش آن در منطقه بوده است. انقلاب اسلامی معادلات قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی را تغییر داده و با ایجاد روحیه اعتماد به نفس ملی، روحیه شهادت و ظلم، سایر ملل را هوشیار و روح خفته آنان را بیدار کرده و به فطرت ذاتی برگرداند (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۱۲۸). انقلاب اسلامی با ایجاد و تقویت خودباوری در ملت‌ها بر توان آنان برای مقابله با سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ و تکیه بر پایداری و مقاومت در برابر استکبار گفتمان انقلابی خود را در فراسوی مرزها و در منطقه گسترش داده و تقویت کرد.

از دیگر نمونه عمق‌بخشی انقلاب اسلامی افزایش اهمیت جغرافیای سیاسی شیعه در معادلات امنیتی - سیاسی خاورمیانه از دیگر دستاوردهای رهبری منطقه‌ای است؛ اهمیت آن، زمانی آشکار می‌شود که ایالات متحده مطالعه جغرافیای سیاسی را به عنوان یکی از اولویت‌های مطالعاتی خود تعریف کرده است (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۰). در راستای عمق‌بخشی گفتمان انقلاب اسلامی، نخست فروپاشی نظام‌های سلطنتی و محافظه‌کار عرب در منطقه و بر پایایی نظام بر اساس مردم‌سالاری دینی و یا دست‌کم تلاش برای استقرار نمونه انقلاب اسلامی ایران در منطقه بوده است؛ و در بیداری اسلامی چنین اهدافی دنبال شده است (serfuty, 2011: p133)؛ تأثیر دیگر انقلاب اسلامی در عمق‌بخشی خارجی «دفاع همه‌جانبه» در برابر «تهاجم همه‌جانبه» قدرت‌های استکباری مطرح شد (کیوان حسینی، ۱۳۸۴: ۱۱). بسیج مردمی توسط بنیان‌گذار انقلاب اسلامی طرح شده و «مردمی سازی» مقاومت و حوزه امنیتی - دفاعی بوده است (پیرمحمدی، ۱۳۹۵: ۲۸)؛ امروزه نیز «حشد الشعبی» در عراق و بسیج مردمی در مقابل تکفیر و مقابله با تروریسم عناصر عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی است.

فرهنگ مقاومت، ایثار، جهاد و شهادت از مؤلفه‌های حیاتی مسلمانان است. امام خمینی مدع فرهنگ مقاومت است (زرگر، ۱۳۹۷: ۴۷). امام خمینی می‌فرماید یک ملتی که می‌خواهد در مقابل همه قدرت‌ها بایستد، نمی‌خواهد سازش کند (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۵، ۱۳۸۵: ۱۷).

مصادیقی از عمق‌بخشی انقلاب اسلامی بر اساس شاخصه‌های رهبری منطقه‌ای، خودباوری و احیای گفتمان مقاومت در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر بوده برای نمونه حزب‌الله لبنان، یمن امروزه از مصادیق عمق‌بخشی انقلاب اسلامی است؛ در گذشته نیز از هفته‌نامه «استیتر من» چاپ لندن نقل شده که ایران در عراق و افغانستان چنان تأثیری گذاشته است که هیچ‌گاه چنین نفوذ و قدرتی در منطقه نداشته است (پاشا قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

توسعه محور مقاومت و ایجاد وحدت بین مسلمین و در نتیجه ارتقا امنیت ملی به امنیت امت اسلامی، حمایت از آرمان‌های فلسطین و تضعیف جایگاه امنیتی رژیم صهیونیستی، برچیده شدن طومار تروریسم و داعش از عراق و سوریه علاوه بر امنیت منطقه سبب کسب

عزت بین‌المللی، ایستادگی و مقاومت انصارالله یمن در تقابل استکبار و تجاوز علی‌رغم پرداخت هزینه محور مقاومت (قاسمی، ۱۳۹۷ ب ۲۷ - ۲۸)، مبتنی بر حمایت مادی و معنوی جمهوری اسلامی از دیگر مصادیق عمق‌بخشی خارجی است.

پیش از انقلاب اسلامی ایران سیاست‌های بلوک شرق و غرب در سیاست‌زدایی از اسلام و اسلام‌زدایی از سیاست بود. با پیروزی انقلاب اسلامی تحول در چنین رویکردی در دنیا به وجود آمد و کارآمدی اسلام در عرصه سیاسی را نشان داد. امروزه، ژئوپلیتیک اسلام سیاسی در پرتو انقلاب اسلامی شکل گرفته (ر.ک: قاسمی، ۱۳۹۳: ۵-۳۱). اسلام سیاسی از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی در زمینه عمق‌بخشی انقلاب اسلامی است.

در مجموع وفاداری یک انقلاب به آرمان و گفتمان خود و اندیشه بنیان‌گذار انقلاب از مصادیق توانمندی و قدرت نظام برآمده از آن است؛ و از سوی دیگر استحاله نشدن گفتمان انقلابی در منش دولت، نظام سیاسی و ساختار نظام پدید آمده از مهم‌ترین شاخصه‌های پایداری انقلاب و عمق‌بخشی آن به شمار می‌آید.

#### نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق تبیین و شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای بر اساس تحلیل عاملی بود؛ بنابراین در این مقاله ضمن بیان شاخص‌های مؤثر در رهبری منطقه‌ای ایران تلاش شده است مدلی به عنوان یک مدل مفهومی در راستای دسته‌بندی شاخص‌های مؤثر بر رهبری منطقه‌ای ایران، ترسیم گردد. بر اساس مدل ارائه شده در این مقاله، پنج عامل به عنوان عوامل تأثیرگذار در رهبری منطقه‌ای ایران معرفی شده‌اند؛ که می‌توان آن‌ها را در پنج دسته، علم، فناوری و اقتصاد، قوانین کارآمد و مجریان توانمند، انرژی درونی، جمعیت و نیروهای مسلح و تعاملات جای داد؛ هر دسته با توجه به مفهوم و تعریف خاص خود معرف تعدادی از شاخص‌های مؤثر بر رهبری منطقه‌ای ایران است:

دسته اول با عنوان علم، فناوری و اقتصاد، شامل شاخص‌های داشتن معادن زیرزمینی و ظرفیت‌های طبیعی و توسعه دانش است.

دسته دوم با عنوان قوانین کارآمد و مجریان توانمند از شش شاخص تشکیل شده است؛ که عبارت‌اند از: سیاست نه شرقی، نه غربی و عدم وابستگی، داشتن ماهیت ظلم‌ستیزی و

استکبارستیزی، وجود رهبری انقلابی و تحولی، حمایت از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش، داشتن سابقه دفاع مقدس و وجود فرماندهان مجرب و انقلابی. دسته دیگری در این پژوهش دسته عامل انرژی درونی است؛ این دسته با دربرگیری سه عامل ایدئولوژی اسلامی و انقلابی، داشتن آرمان امت واحده، عدالت‌خواهی، انسجام ملی و روحیه شهادت‌طلبی و اینار را در رهبری منطقه‌ای ج.ا. ایران مؤثر می‌داند. دسته چهارم جمعیت و نیروهای مسلح است که با داشتن شاخص‌هایی مانند داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی، قدرت موشکی ایران، داشتن رتبه اول در تولید ناخالص داخلی در منطقه و داشتن جمعیت جوان و تحصیل کرده بر رهبری منطقه‌ای ایران تأکید دارد. در انتها شاخص‌های حضور تأثیرگذار حزب‌الله در قدرت سیاسی لبنان، حضور تأثیرگذار حشدالشعبی در قدرت سیاسی عراق، تأثیرگذاری انصارالله در رهبری انقلاب یمن، برجیده شدن حاکمیت خود خوانده داعش در منطقه و سوریه، تأثیرگذاری در مسئله فلسطین و تحول از ناسیونالیستی به اسلامی و مردمی، تأثیرگذاری در اسلام سیاسی منطقه، توانمندی هسته‌ای و پیش‌روندگی انقلاب و پویایی آن با عنوان دسته تعاملات شاخص‌های رهبری منطقه‌ای ایران را تشکیل می‌دهند.

با عنایت به اینکه ایران به دلیل داشتن همسایگانی که همواره مورد توجه ابرقدرت‌ها بوده و هرازچندگاه موضوعاتی مورد منازعه بین آن‌هاست؛ به طور نمونه روسیه در طول تاریخ همواره در نظام جهانی تأثیرگذار بوده و دریای خزر و خلیج فارس و کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه و منطقه قفقاز و منطقه غرب آسیا که تحولات این ممالک در آینده‌ای ایران بی‌تأثیر نبوده و قرار گرفتن رژیم جعلی صهیونیستی در این منطقه بر اهمیت مسائل منطقه‌ای افزوده است. موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی یک، ژئوکالچر، ژئواکونومیک، وسعت سرزمین و جمعیت جمهوری اسلامی ایران از مهم‌ترین شاخصه‌های اثرگذاری در قدرت منطقه‌ای است که با انقلاب اسلامی موضوع «ایدئولوژیک» به «ژئوپلیتیک» نیز افزوده شده است.

این پژوهش با تمرکز بر حوزه رهبری منطقه‌ای، اساس کار را بر این فرض نهاده است که اولاً برای رهبری منطقه‌ای، مجموعه‌ای از ویژگی‌های روان‌شناختی خاص مورد احتیاج است؛

در ثانی استفاده از پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته از جنبه کاربردی در ارزیابی وضعیت رهبری منطقه‌ای می‌تواند مؤثر باشد؛ در نتیجه پژوهشگران درصدد شناسایی سازه‌های اصلی مرتبط با رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از طریق تحلیل عوامل بوده است. نتایج پژوهش بر پایه روش تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد ۲۵ سازه در پنج عامل کلی رهبری منطقه‌ای دسته‌بندی شدند: عامل اول انرژی درونی؛ عامل دوم قوانین ممتاز و مجریان توانمند؛ عامل سوم قوای مسلح، جمعیت؛ عامل چهارم علم، فناوری و اقتصاد؛ و عامل پنجم تعاملات (میزان تأثیرگذاری در ملت‌ها)؛ این عامل‌ها در مجموع ۶۰/۳۷ درصد از واریانس رهبری منطقه‌ای را تبیین می‌کنند و هر پنج عامل به عنوان راهبردهای تسهیل‌فرایند رهبری منطقه‌ای و گسترش آن به عنوان یکی از ابعاد اصلی عمق‌بخشی منطقه‌ای از نظر خبرگان پژوهش محسوب می‌شوند. نتایج در مورد اهمیت سازه‌های رهبری مرتبط با عمق‌بخشی با پژوهش و یافته‌های (مقاله نشانه‌های الهام‌بخشی در رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی، فصلنامه سیاست) همسو است؛ در تبیین این یافته‌ها باید اشاره کرد که ۶۰/۳۷ درصد از واریانس رهبری منطقه‌ای به وسیله پنج عامل مذکور تبیین می‌شود؛ که با توجه به تحولات جهانی و منطقه‌ای و پیچیدگی‌های امروز دنیای اسلام، عوامل متعدد دیگری از جمله بیداری مسلمانان به خصوص جوانان منطقه، در امر رهبری منطقه‌ای مؤثر هستند، پیشنهاد می‌گردد با توجه به فرایندی بودن رهبری در راستای عمق‌بخشی انقلاب اسلامی ایجاد ائتلاف و اتحاد منطقه‌ای از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذاری بوده است، در تبیین تأثیرات رهبری منطقه‌ای باید مزاحمت‌های منطقه‌ای و فرامنته‌ای را در جهت عمق‌بخشی انقلاب اسلامی به حداقل رساند. یافته‌ها نشان می‌دهد مقبولیت منطقه‌ای ایران مهم‌ترین تأثیر را در عمق‌بخشی انقلاب اسلامی به خود اختصاص داده است.

## منابع

## فارسی

۱. اسپوزیتو، جان (۱۳۷۸)، انقلاب ایران چشم‌انداز ده‌ساله، مترجم نورالله قیصری، نامه پژوهش، شماره ۱۲ و ۱۳، بهار و تابستان.
۲. بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی لبنان، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۳. پاشا قاسمی، علی (۱۳۸۵)، جنگ ۳۳ روزه و جایگاه منطقه‌ای ایران، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۶-۲۷، تابستان و پاییز.
۴. پیر محمدی، سعید (۱۳۹۵)، شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و چهارم، شماره ۹۵، تابستان، صفحات ۰۹-۳۴.
۵. جعفری، سیداصغر و قاسمی، علیرضا (۱۳۹۳)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۷۴-۵۳.
۶. جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱)، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه‌ی صدور فرهنگی انقلاب، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴.
۷. جهان‌بین، فرزاد و پرتو، فتح اله (۱۳۹۱)، راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۱۴۳-۱۱۷.
۸. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۸)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: امام صادق (علیه‌السلام).
۹. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. درخشه جلال، مصطفی غفاری (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال دوازدهم، شماره ۱۶.
۱۱. دواس، دی ای (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نابی، تهران: نشر نی.
۱۲. دوثرتی، جیمز و فالتر گراف (۱۳۸۳)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
۱۳. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. دهشیری، محمدرضا و محسن رضائی جعفری (۱۳۹۳)، نو منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، شماره دوم، تابستان، صفحات ۱۹۱ تا ۲۲۵.
۱۵. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
۱۶. ربیعی، حسین (۱۳۹۶)، ایران و راهبردهای دست‌یابی به رهبری منطقه‌ای، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه، سال پنجم، شماره شانزدهم، بهار، صفحات ۱۱۷-۱۳۶.



۱۷. رحمانی، هما (۱۳۹۴)، نشانه‌های الهام بخشی در رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی، دوره ۴۴، شماره ۳، پاییز، صفحات ۴۸۳-۵۰۲.
۱۸. رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۱)، بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره پنجاه هشتم، تابستان، صفحات ۱۷۸-۲۰۰.
۱۹. رضائی، روح اله (۱۳۸۶)، چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهور اسلامی ایران، تهران: نی.
۲۰. زرگر، علیرضا (۱۳۹۷)، واکاوی تأثیر گفتمان سیاست اسلامی امام خمینی (ره) بر روشنگری اسلامی، پژوهشنامه متین، سال بیستم، شماره ۷۸، بهار، صفحات ۳۳-۵۲.
۲۱. ساعد، نادر (۱۳۸۹)، دیپلماسی، تأملی شناختی و کاوش در مبادی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۲، زمستان.
۲۲. سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۰)، تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر فرهنگ راهبردی: در عسگری محمود، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی، نامه دفاع، مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی، شماره ۲۶.
۲۳. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۸۲.
۲۴. عطایی فرهاد و سایر نویسندگان (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، ایران و آمریکا در عراق جدید، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳.
۲۵. علیادادی، شهربانو (۱۳۹۰)، انقلاب ایران و ژئوکالچر مقاومت در سیاست بین‌الملل (۲۰۱۱ - ۱۹۷۹)، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۴.
۲۶. فیرحی، داود (۱۳۸۹)، درآمدی بر فقه سیاسی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره اول، صفحات ۲۲۵-۲۴۰.
۲۷. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۳)، تحلیل ژئوپلیتیک اسلام سیاسی و تأثیر انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره ۵۷، بهار، صفحات ۳۱-۵۰.
۲۸. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷ ب)، ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق و امنیت، سال یازدهم، شماره ۳۸، بهار، صفحات ۵-۳۳.
۲۹. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷ الف)، مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی و ایالات متحده به افراطی‌گری و تروریسم، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز، صفحات ۱۵-۳۷.
۳۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی، مصوب ۱۳۵۸، با آخرین اصلاحات ۱۳۶۸.
۳۱. قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸)، مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، زمستان، شماره ۴۶، صفحات ۳۸-۶۵.
۳۲. کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۸۴)، جایگاه مقوله دفاع همه‌جانبه در اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، ش ۲۹، زمستان.

۳۳. مارویاما، جعفری ام (۱۳۸۹)، اصول مدل‌سازی معادلات ساختاری، ترجمه صمد رسولزاده اقدم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران.
۳۴. محمدی، منوچهر (۱۳۶۹)، سیاست خارجی ایران، تهران: امیرکبیر.
۳۵. مدنی، جلال (۱۳۷۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: همراه.
۳۶. مقام معظم رهبری انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷.
۳۷. مقام معظم رهبری با عنوان گام دوم در چهلمین سال پیروزی انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
۳۸. مقام معظم رهبری به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام، ۱۳۷۰/۰۳/۱۳.
۳۹. مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران. ۸۶/۰۵/۳۰.
۴۰. ملکزاده، محمد (۱۳۹۴)، قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران در ابعاد منطقه‌ای (مؤلفه‌ها، دستاوردها و راهکارها)، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه، سال سوم، شماره یازدهم، بهار، صفحات ۱۳۳-۱۵۴.

#### انگلیسی

41. Daniel Flesmes, "Conceptualising Regional Power in International Relations: Lessons from the South African Case", GIGA Research Programme: Power, Violence and Security (Working Papers), p. 10 Available: [http:// ideas. Repec. Org](http://ideas.Repec.Org).
42. Flesmes, Daniel (2010), Regional Leadership in the Global System Ideas, Interests and Strategies, Germany, GIGA German Institute of Global and Area Studies.
43. Mosavi Shafaei, Seyed Masoud, 2010, Constructivist view into The enmity between Iran and The west: Manifestation of The Islamic Revolution Identity in Iranian foreignpolicy behavior, Geopolitics Quarterly, Vol.6, No.4, Winter..
44. New York times News Service (2007) Iran becoming Super Power, February.
45. Nye, Joseph (2007): «Notes for a Soft Power Research Agenda», in Power in Politics, London and New York, Routledge.
46. Rubin, Jennifer (2013), U.S. retreat means Iran's grows, The Washington Post, February 19, <http://www.washingtonpost.com>.
47. Serfaty, Simon (2011) "Moving into a Post-Western World", Washington Quarterly, 34:2, Spring, pp.7-23.

## تأثیر عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی بر پیشگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران

علی جمالی<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۲۳

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

### چکیده

با توجه به تهدیدهای مکرر نظامی نظام استکباری نسبت به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران این مقاله به منظور بررسی نقش عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی در پیشگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. هدف این تحقیق، تبیین نقش عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی در پیشگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران بوده که برای پاسخ به پرسش اصلی تحقیق و تبیین نقش عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی در عدم تهاجم نظامی نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات مورد نیاز با روش کتابخانه‌ای و با کار میدانی، و از طریق پرسشنامه از جامعه نمونه آماری که بیست و هشت نفر بودند با روش تمام شماری گردآوری گردید و با جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل آماری پرسشنامه، نتیجه‌گیری ارائه شد. نتایج گویای این بود که به‌طورکلی عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی در پیشگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران تأثیر قابل توجهی داشته است؛ و بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در محیط ملی عوامل ایمان و معنویت، توکل به خدا و ایمان به نصرت الهی و ایجاد امید و اطمینان به پیروزی و عدم رخنه یأس، روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و از خودگذشتگی و اعتقاد به اصل ولایت‌فقیه در جامعه در محیط فراملی، عوامل عمیق راهبردی در مناطق حساس و مهم جهان، نفوذ تفکر اسلام انقلابی در جهان (صدور انقلاب اسلامی بیداری مردم کشورهای اسلامی)، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان عالم بالاترین رتبه به عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه بوده است.

### کلیدواژه‌ها

قدرت نرم، نظام سلطه، انقلاب اسلامی، قدرت، تهاجم نظامی.

## کلیات

### بیان مسئله

نظام سلطه که نماد آن در این زمان امریکا است، برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی توطئه‌های متعددی را برنامه‌ریزی و اجرا نمود؛ با پیروزی انقلاب اسلامی نیز این تلاش برای اجرای راهبرد، جلوگیری از استقرار نظام اسلامی، با ایجاد بحران و ناآرامی در تمامی کشور، بخصوص در مناطق مرزی توسط عناصر وابسته به نظام سلطه، تحمیل جنگ هشت‌ساله، تحریم اقتصادی و فشارهای سیاسی در طول عمر انقلاب اسلامی به بهانه‌های مختلف ادامه داشته است؛ در کنار همه این توطئه‌ها، همواره از گزینه نظامی به عنوان یکی از گزینه‌های روی میز همه رئیس‌جمهورهای این کشور در تمامی دوره‌ها اسم برده شده است و به طور مکرر تهدید نظامی نموده‌اند؛ ولی تاکنون هیچ‌کدام از آنان در این مورد قادر به تصمیم‌گیری و اقدام نبوده‌اند؛ با توجه به سوابق این کشور در جنگ‌افروزی، بخصوص در دهه‌های اخیر (حمله به افغانستان و عراق) در ایجاد جنگ علیه کشورها پایبند به هیچ اصولی نبوده و با ایجاد بدعت بدون رعایت قوانین بین‌المللی اقدام به جنگ نموده‌اند؛ به نظر می‌رسد یکی از عوامل که مانع اصلی اقدام و تصمیم نظام سلطه به جنگ بوده است وجود قدرت نرم انقلاب اسلامی بوده است. باوجود اینکه عوامل قدرت دارای دو بعد قدرت نرم و سخت است، دغدغه اساسی این است که علاوه بر قدرت سخت، عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی چه نقشی در عدم تهاجم نظامی، به جمهوری اسلامی داشته است تا با توسعه و تقویت آن عوامل قدرت را در پیشگیری از تهاجم نظامی مورد توجه و تقویت و بهره‌برداری قرار گیرد و از تضعیف آن‌ها جلوگیری نمود.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

تبیین عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی و ارتباط آن با عدم تهاجم نظامی نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران، به منظور تقویت و جلوگیری از تضعیف آن‌ها ضرورت‌های این تحقیق است که می‌تواند به‌عنوان اصول تعیین‌کننده راهبرد حرکت و روند آتی انقلاب اسلامی تلقی گردد و با انجام این تحقیق، می‌توان عناصر مؤثر بر تقویت قدرت نرم انقلاب اسلامی را

توسعه داده و در مورد تعمیق آن برنامه‌ریزی نموده و آفات و اموری که باعث تضعیف این عوامل قدرت‌زا می‌شود را شناسایی نموده و در رفع آن‌ها اقدامات لازم را به عمل آورد و چنانچه به این موضوع مهم پرداخته نشود ممکن است با تضعیف این عوامل طمع نظام استکباری جهان به تهاجم نظامی افزوده شود و کشور و مردم را درگیر جنگ تحمیلی دیگر نموده که حاصل آن خسارات و هزینه‌های زیادی خواهد بود.

#### هدف تحقیق

تبیین تأثیر عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی در عدم تهاجم نظامی، نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران.

#### سؤال تحقیق

مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی به چه میزان در پیشگیری تهاجم نظامی، نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران، تأثیر دارد؟

#### پیشینه تحقیق

نویسنده	عنوان مقاله	نتیجه
اصغر اقتداری، محمد جانی‌پور (۱۳۹۲)	منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران مطالعه موردی وصیت‌نامه شهدای دانشگاه امام صادق (ع)	منابع فرهنگی قدرت نرم بیشترین سهم را از تأکیدات نزد شهدا داشته است مانند باورهای دینی وایمان محوری، جهاد، عزت مداری، الگوگیری از قیام عاشورا، توسعه علمی کشور، حفظ ماهیت اصلی انقلاب
محمد ابوالفتحی سعید پیرمحمدی (۱۳۹۳)	تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه	با توجه به همپوشانی نشانه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی در محیط منطقه‌ای با ماهیت تحولات انقلابی خاورمیانه، الهام بخشی انقلاب اسلامی در این حوزه اجتناب‌ناپذیر است.
ناصر جمال‌زاده محمدجواد هراتی سید مرتضی هزاوه ای (۱۳۹۲)	قدرت نرم انقلاب اسلامی در مقابل تهدید نرم	وجوه قدرت نرم در ج.ا.ایران به عنوان پادزهری در مقابل تهدید نرم عمل نموده و موجب رفع تهدید و تبدیل آن به فرصت شده است.
ناصر جمال‌زاده (۱۳۹۱)	قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب	قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در ایدئولوژی اسلامی آن و تبلیغ حضور معنویت در سیاست نهفته است که در انقلاب اسلامی توسط امام خمینی (ره) کشف و به دنیا اعلام شد.

احمد متقی‌زاده (۱۳۹۰)	مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران	مؤلفه‌های قدرت نرم مثل اتحاد ملی، ولایت‌فقیه، بصیرت، فرهنگ استقامت، تقویت ایمان، عزم راسخ برای دفاع از انقلاب، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی، حمایت از مظلوم مورد توجه قرار گرفت.
حسین پوراحمدی، مهدی جعفری پناه (۱۳۹۱)	قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در ج.ا.ایران	منابع قدرت نرم آن‌گونه که در ج.ا.ایران ظاهر شده‌اند بر ارزش‌هایی چون ایشار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت محوری، حق‌گرایی و استقلال‌طلبی جمع‌بندی شده است.

مقالات و کتب متعددی در مورد قدرت، قدرت نرم و نظام سلطه انتشار یافته است؛ تا آنجایی که محقق جستجو نمود هیچ‌یک در پاسخ به سؤال تحقیق مطلبی ارائه نشده است.

### ادبیات و مبانی نظری

#### قدرت ملی

قدرت ملی را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: قدرت سخت و قدرت نرم. قدرت سخت عبارت است از توانایی مجبور ساختن دیگران به انجام خواسته‌های مجری با استفاده از ناهمترای‌های ناشی از در اختیار داشتن منابع مادی؛ ولی قدرت نرم، توانایی متقاعد ساختن دیگران به شراکت در اهداف و دیدگاه‌ها مبتنی بر جذابیت و موفقیت ایده‌های مجری است. بر اساس نظر هانس مورگنتا، قدرت ملی با ۹ عنصر شناخته می‌شود:

جغرافیا، منابع ملی، ظرفیت صنعتی، آمادگی‌های نظامی، جمعیت، شخصیت ملی، روحیه ملی، کیفیت دیپلماسی و کیفیت حکومت، بیشتر این موارد عمدتاً به قدرت سخت پیوند خورده‌اند؛ آگاهان دیگر و از جمله "واقع‌گرایان" تعاریفی مشابه از قدرت ملی ارائه می‌دهند (مرادی، ۱۳۸۶: ۵۵).

قدرت نرم بیانگر توان روزافزون و شگفت‌انگیزی است: توانی که مورگنتا و پیروان او به خوبی از آن آگاه نبودند؛ از نظر آن‌ها قدرت سخت مثل قدرت اقتصادی و نظامی عاملی بسیار مهم در سیاست بین‌الملل بودند؛ آن‌ها تأکید می‌ورزند که رشد سرانه ملی، ویژگی جغرافیایی، جمعیت، تولید انرژی و هزینه‌های نظامی عناصر قابل مقایسه و اندازه‌گیری قدرت سخت (بالفعل و بالقوه) می‌باشند (شامحمدی، ۱۳۸۵: ۸۶).

### تعریف قدرت

قدرت را می‌توان در سه شکل تصور نمود: قدرت سخت، منظور از قدرت سخت بهره‌گیری از زور و قدرت نظامی برای اعمال اراده بر دیگران است، قدرت نیمه سخت به قدرتی مانند اقتصاد اطلاق می‌شود و قدرت نرم بر جاذبه و قابلیت شکل دادن به علایق دیگران معنی می‌شود (متقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

### مؤلفه‌های قدرت

مؤلفه‌های قدرت، شامل حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دفاعی و نظامی، حقوقی و قضایی، زیست‌محیطی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، عمق راهبردی (متحدین و دوستان) و... هر کشوری می‌باشند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۵۶).

### قدرت نرم

اگر قدرت را به معنای توانایی تأثیرگذاری بر دیگران به منظور کسب نتایج دلخواه در نظر بگیریم، می‌توان گفت قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق «جاذبه» نه از طریق اجبار یا تطمیع. قدرت نرم توانایی شکل‌دهی، اثرگذاری و تعیین باورها و امیال دیگران است به نحوی که تضمین‌کننده اطاعت و فرما نبرداری آنان باشد (سعیدی، مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

جوزف نای نخستین شخصی که قدرت نرم را مفهوم‌سازی نمود؛ وی قدرت نرم را شیوه‌ای برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس می‌دانست (نای، ۱۳۸۹: ۴۷)؛ و فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی را به عنوان منابع قدرت نرم بیان می‌کند (نای، ۱۳۸۹: ۵۱). در عرف بین‌الملل از واژه فرهنگ به عنوان قدرت نرم یاد می‌گردد (پورااحمدی و جعفری پناه، ۱۳۹۱: ۱۱).

جوزف نای قدرت نرم را توان شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق قدرت جذابیت می‌داند که در فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی یک کشور متجلی می‌شود. مسلم است که توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران نیازمند یک کار فرهنگی است و از طریق تأثیرگذاری بر ذهن و روان مخاطبان انجام می‌پذیرد و آن‌ها را قانع می‌سازد که موضوعی را بپذیرند یا مانند آن عمل کنند و به هیچ وجه چنین امری از طریق کاربرد زور فیزیکی امکان‌پذیر نخواهد (نای، ۱۳۸۹: ۴۳).

بخشی از عناصر اقتدار در نظام بین‌المللی غیرمادی است؛ عناصری مانند «خصوصیات ملی «روحیه ملی»، «اعتبار بین‌المللی» و «دیپلماسی»، «مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی» و به‌ویژه مقبولیت و مشروعیت ایدئولوژی و گفتمان آن کشور.

قدرت نرم بر پایه‌ی اقناع و رضایت است؛ یعنی ملتی در نظام بین‌الملل مقتدر نامیده می‌شود که بدون به‌کارگیری زور توانایی اقناع دیگران را داشته باشد. عناصر قدرت نرم مبتنی بر اقناع، اصلاً ربطی به قدرت نظامی و زور ندارد؛ بنابراین لزوماً کشوری که از توانایی نظامی بیشتری برخوردار است، از اقتدار اقناع‌کننده برخوردار نیست، بلکه قدرت نرم بر عناصری همچون «توانایی علمی»، «توانایی فرهنگی» و «توانایی گفتمان‌سازی» مبتنی است.

استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که دربرگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری بوده است. ارزش‌هایی نظیر مردم‌سالاری دینی و کمک‌های بشردوستانه به نهضت‌های رهایی‌بخش و ارتقای توانمندی‌های علمی و فرهنگی کشور را می‌توان در زمره موارد اهتمام به قدرت نرم برشمرد (پوراحمدی و جعفری پناه، ۱۳۹۱: ۱۲).

#### منابع مؤلف قدرت نرم

نای از سه عامل به عنوان منابع مؤلف قدرت نرم نام می‌برد؛ که عبارت‌اند از: فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی؛ البته نای هیچ‌یک از این سه مؤلفه را به صورت مطلق مطرح نمی‌کند بلکه برای آن‌ها شروطی قائل می‌شود؛ به‌زعم وی فرهنگ در صورتی که برای دیگران جذاب باشد، ارزش‌ها در صورتی که در داخل و خارج مورد توجه قرار گیرند؛ البته توسط اقدامات و رویه‌های ناهمخوان تضعیف نگردند و سیاست خارجی در صورتی که مشروع، درون‌گذارنده و دارای اقتدار اخلاقی به نظر آید، در زمره منابع قدرت نرم محسوب می‌شوند (سعیدی، مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

#### نظام سلطه

نظام سلطه یعنی اینکه چند قدرت دست‌یافته به توانایی مادی و سلاح و پول و امثال این‌ها بخواهند بر دنیا حکومت کنند؛ مظهر نظام سلطه هم امروز آمریکا است. ملت ایران در انقلاب گفت، در حوادث بعدی گفت، در جنگ تحمیلی گفت، در این بیست‌ودوم بهمین گفت: ما



تسلیم زورگویی و باج‌خواهی آمریکا نخواهیم شد (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم آذربایجان، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸).

نظام سلطه جنگ را، فقر را، فساد را گسترش می‌دهد؛ با همان سازوکار مشخص تقسیم دنیا به ظالم و مظلوم. اسلام - یعنی انقلاب اسلامی که برگرفته از همان مفاهیم اسلامی است - می‌آید؛ می‌گوید: لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ، یعنی همه این عوامل را نفی می‌کند؛ چالش اصلی اینجا است؛ دعوی اصلی اینجا است؛ دعوی با انقلاب این‌ها است؛ بقیه حرف‌ها بهانه است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲/۰۶/۲۶).

دولت‌های آمریکا و از همه بیشتر این دولت جنگ‌طلب تندروی افراطی، دنبال یک امپراطوری‌اند؛ دنبال یک سلطه جهانی‌اند؛ این سلطه، مخصوص خاورمیانه هم نیست؛ البته حالا خاورمیانه مطرح است؛ اما این‌ها به خاورمیانه هم قانع نیستند (بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۰۷/۲۹).

عمده موضوع‌هایی که قدرت‌های سلطه‌گر در نظام سلطه جهانی برای حفظ این رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر رویش تکیه می‌کنند، سه موضوع است: سلطه فرهنگی، سلطه اقتصادی، سلطه علمی؛ لازمه‌اش هم این است که نگذارند آن‌طرف سلطه‌پذیر یا آن‌کسی که سلطه بر او تحمیل شده، در این سه زمینه به استقلال و به خودباوری و به پیشرفت برسد؛ نه در زمینه مسائل فرهنگی، شامل ایمان و اعتقاد و فرهنگی به معنای خاص؛ ارزش‌ها و هدف‌ها و جهت‌گیری‌ها؛ نه در زمینه اقتصادی و نه در زمینه علمی (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱).

دشمنی دشمنان ما به خاطر این است که نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده است؛ در مقابل عادت بد تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر ایستاده است؛ بقیه چیزها بهانه است. امروز بهانه، مسئله هسته‌ای است؛ یک روز بهانه، حقوق بشر است؛ یک روز بهانه، یک چیز دیگر است؛ آن‌ها می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی را از ایستادگی در مقابل قلدرها و گردن‌کلفت‌ها و باج‌گیرها و زورگویان عالم منصرف کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۹۳/۰۲/۳۱).

امروز مظهر نظام سلطه، امریکاست. هر سیئه‌ای که در دنیا بر اساس نظام سلطه به وجود آید، حتماً بخشی از گناه آن به گردن امریکاست. معنای نظام سلطه آن است که اگر رژیم امریکا برای خود در نقطه‌ای از دنیا منافع فرض کرد، حق دارد در آن نقطه حضور قدرتمندانه نظامی پیدا کند و هر کسی را که با منافعش مخالفت کند، بکوبد؛ موضوع بر سر مشروع یا نامشروع بودن این منافع نیست. برای نظام سلطه فرق نمی‌کند؛ ولو این منافع برخلاف همه پیمان‌های بین‌المللی باشد. نظام سلطه زمانی سلطه‌جویی‌های خود را مخفیانه انجام می‌دهد، زمانی هم با صراحت و وضوح اعلان می‌کند که فلان سازمان، دولت، جمعیت یا حرکت، با منافع ما تضاد داشته است و این بهانه حقیقی برای امریکا ایجاد می‌کند که آن سازمان، شخص، دولت و ملت را بکوبد؛ این قانون جنگل و نظامی غیرانسانی برخلاف فطرت انسان است. تنها کسانی از نظر سلطه‌گر مورد قبول‌اند که سلطه‌پذیر باشند. اگر دولتی نفت، منابع، امنیت، اقتصاد، روابط خارجی و سیاست‌های گوناگون کشور خود را در اختیار سلطه‌گر گذاشت و از او نظر خواست و مطیع او بود، برای سلطه‌گر خوشایند است و آن کشور را قبول دارد. برایش فرقی نمی‌کند که این دولت، دولت ظالم است یا عادل؛ حقوق بشر دارد یا ندارد؛ در آن کشور دمکراسی هست یا نیست؛ اسم پارلمان به گوش آن ملت رسیده یا نرسیده است. به منطقه خاورمیانه نگاه کنید! دولت‌هایی که مورد قبول و اعتراف سلطه‌گران امریکایی‌اند، چگونه دولت‌هایی هستند؟!... نظام سلطه‌گر در صورت تسلیم نشدن کشورها و ملت‌ها، ارتکاب هر جنایتی علیه آن‌ها را بلامانع می‌داند.

اکنون نظام جمهوری اسلامی در مقابل این نظام سلطه قرار گرفته است. اساس کار جمهوری اسلامی، عبارت است از اداره ملت و کشور ایران بر اساس مفاهیم و ارزش‌های الهی که از اسلام آموخته شده است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۰۸/۱۰).

جنگ‌طلبی جزو خوی ذاتی سلطه‌گران است که عموماً با سه هدف سلطه فرهنگی، سلطه اقتصادی، سلطه علمی به انجام می‌رسد؛ برای اینکه نگذارند آن طرف که می‌خواهند بر او سلطه تحمیل کنند، در این سه زمینه به استقلال و به خودباوری و به پیشرفت برسند (بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

### عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی، انقلابی با اساس فرهنگ و ارزش‌ها بود که توانست نظام سیاسی نوینی را بر پایه اصول و ارزش‌های اسلام و مردم‌سالاری دینی به مردم جهان ارائه نماید؛ و در زمان کوتاهی در جهان نفوذ و اثرگذاری زیادی داشته باشد و مردم جهان را به خود متوجه نماید؛ بر اساس تعریفی که از قدرت نرم شد؛ یعنی «توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه نه از طریق اجبار یا تطمیع، قدرت نرم توانایی شکل‌دهی، اثرگذاری و تعیین باورها و امیال دیگران است به نحوی که تضمین‌کننده اطاعت و فرما نبرداری آنان باشد»؛ انقلاب اسلامی به عنوان یک قدرت در مقابل قدرت‌های جهان ظهور نموده و آن‌ها را به چالش کشیده است.

با بررسی عوامل قدرت‌زای انقلاب اسلامی می‌توان عوامل زیر را به عنوان عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در داخل کشور و جهان برشماری نمود:

### عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی

#### ۱. اعتماد به نفس در ملت و ارتقای روحیه خودباور

از روحیه خودباوری و اعتماد به نفس مسلمانان می‌توان به عنوان یک قدرت و منبع در افزایش قدرت نرم‌افزاری نام برد؛ اما علی (ع) می‌فرمایند «کن موقنا تکن قویا»؛ یعنی اگر یقین و اعتماد به نفس داشته باشی به خاطر آن قوی و قدرتمند می‌شوی، اعتماد به نفسی که پشتوانه آن اعتقاد قلبی به خداوند است. آثار اعتماد به نفس موجب عزت و سربلندی و شکوفایی استعدادها و جوانه زدن امیدها می‌شود؛ همچنین باعث عملی گشتن تصمیمات و پیشرفت و موفقیت و شکست‌ناپذیری و رسیدن به قله‌های ایمان و علم و دانش می‌گردد؛ و نتیجه آن اقتدار و عظمت است که در مقابل دشمنان مانند دژ مستحکم قرار می‌گیرد (پور احمدی، ۱۳۹۱: ۲۲).

#### ۲. توکل به خدا و ایمان به نصرت الهی

«ومن یتوکل علی الله فهو حسبه» سوره طلاق آیه ۳، کسی که توکل و اعتماد به خداوند دارند او را بس است نیاز به کس دیگر ندارد. قرآن کریم در آیه‌ای دیگر نشانه مؤمن را داشتن توکل به خداوند می‌داند «و علی ربهم یتوکلون» انفال ۲ و در سوره آل عمران ۱۶۰ می‌فرماید: **إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ**

الْمُؤْمِنُونَ؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد؛ و اگر شما را خوار دارد، چه کسی از آن پس یاری تان خواهد کرد؟ پس مؤمنان باید که بر خدای توکل کنند (آل عمران، ۱۶۰).

### ۳. ایمان و معنویت

قرآن کریم در آیات زیادی رمز پیروزی و موفقیت مسلمانان را ایمان به خداوند و عمل به دستورهای او می داند؛ آن را منشأ چنان قدرتی می داند که افراد با ایمان به خدا هر بیست نفر در مقابل دویست نفر از کفار غلبه می کنید؛ در سوره الأنفال می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ؛ ای پیامبر، مؤمنان را به جنگ برانگیز. اگر از شما بیست تن باشند و در جنگ پایداری کنند، بر دویست تن غلبه خواهند یافت؛ و اگر صد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می شوند؛ زیرا آنان مردمی عاری از فهمند (انفال، ۶۵).

### ۴. بی اعتمادی به قدرت های مستکبر جهانی

مقام معظم رهبری به قدرت های جهانی اعتماد نکردن را از ویژگی های حضرت امام خمینی (ره) دانستند و تأکید فرمودند که امام به مستکبرین هیچ اعتماد و اعتقادی نداشت و لذا به وعده های آن ها اعتنایی نمی کرد؛ بنابراین امروز هم ما در قضایای گوناگون جاری خودمان مثل هسته ای و مذاکرات همین واقعیت را لمس می کنیم که به وعده های مستکبرین نمی شود اعتماد کرد؛ به حرف هایی که در جلسه خصوصی می زنند نمی شود اعتماد کرد؛ امام هیچ گونه اعتمادی به مستکبرین و قلدران و تبعه دنباله روان آن ها نداشت.

چرا نمی توان به دشمن اعتماد کرد؟ نگاهی بر عملکرد سیاست خارجی آمریکا نشان می دهد که آمریکایی ها هیچ گاه به وعده های خود عمل نکرده اند. عاقبت کشور لیبی و توافقش با آمریکا برای تسلیم همه جانبه برنامه هسته ای اش را بنگرید که چگونه آمریکا تمام توان و امکانات هسته ای قذافی را طبق توافق با او نابود کرد و بعد به هیچ کدام از تعهدات خود عمل نکرد و در آخر کار قذافی را به چه صورتی نابود کرد.

- در کره شمالی نیز در مقابل قول غربی ها به ساختن راکتور آب سنگین و تولید برق برای کره قرار شد فعالیت های هسته ای خود را کنار بگذارند؛ ولی آمریکا به وعده اش عمل نکرد و

تحریم‌های جدیدی توسط آمریکا علیه کره شمالی به اجرا گذاشته شد و علی‌رغم اینکه کره ۸۰ درصد فعالیت‌های خود را تعلیق کرد اما خبری از کمک‌های اقتصادی و فنی وعده داده شده توسط آمریکا نشد؛ تا اینکه سرانجام در سال ۲۰۰۶ کره شمالی از مذاکرات شش جانبه خارج شد.

- در عراق نیز که صدام از سال ۱۹۹۸ با آمریکا همراه شد و اجازه بازدید از هشت سایت نظامی متعلق به ریاست جمهوری را صادر کرد؛ ولی پاسخ آمریکا حمله به آن کشور و جنگ دوم خلیج فارس بود.

- در مصر تلاش مرسی برای نزدیکی به آمریکا را مشاهده کردید که تلاش کرد با نزدیک شدن به آمریکا مانع کاسته شدن کمک‌های اقتصادی آمریکا به ارتش و اقتصاد آن کشور شود ولی نتیجه این اعتماد، سرنگونی مرسی و زندان و اعدام سران اخوان المسلمین شد.

- در ایران در قرارداد الجزایر برای آزادی گروگان‌های لانه جاسوسی آمریکا توافق شد که آمریکا پول‌های بلوکه شده ایران در آمریکا را پس بدهد و در امور داخلی ایران دخالت نکند تا گروگان‌ها آزاد شوند؛ ولی نه پول‌ها را دادند و نه دست از دخالت در امور داخلی ایران برداشتند.

- در توافقات هسته‌ای اخیر هم که همه شاهد دبه درآوردن آمریکا نسبت به متن توافق هستند؛ بنابراین به کشوری که به هیچ‌کدام از تعهدات خود در توافقنامه‌های رسمی و بین‌المللی عمل نمی‌کند و اصول قوانین بین‌المللی را به‌طور مرتب نقض می‌کند و به حقوق بین‌الملل کشورها احترام نگذاشته مثل حمله به هواپیمای مسافربری ایران آن را نقض می‌کند، پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای را نقض کرده و حقوق بشر را در بسیاری از کشورها پایمال می‌کند (ترقی، ۱۳۹۴).

۵. اعتقاد به اصل ولایت فقیه در جامعه

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول ۵۷ و ۱۱۰ به نقش مترقی اصل ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی اشاره دارد که جزئی از ساختار سیاسی نظام است که چه در زمان رهبری بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی و چه در زمان رهبری آیت‌الله خامنه‌ای همواره نقشه‌های دشمنان انقلاب و ایران را نقش بر آب کرده است؛ وجود این ساختار در نظام جمهوری

اسلامی از منابع قدرت نرم ایران است که در مواقع حساس رهنمودها و آگاهی‌های لازم را در اختیار مسئولان و مردم می‌گذاشتند و بر بصیرت مردم می‌افزودند تا در مقابل تهدیدات نرم دشمنان مصونیت پیدا کنند؛ در حقیقت در جمهوری اسلامی ایران ولایت فقیه رکن اصلی حکومت اسلامی بوده و عامل گذر از فتنه‌ها و اتحاد در کشور می‌باشد و تقویت این جایگاه و تبعیت از ولایت فقیه به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. (بیگدلو و مرادیان، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

حل بحران‌های مختلف، مانند هجوم مردم برای حضور در جبهه‌ها و کمک با اشاره امام (ره) و... همچنین حضور مردم برای رفع فتنه ۸۸ و ۷۸ و بحران‌های پیچیده دیگر که با تدابیر و هدایت امام خامنه‌ای شده است را می‌توان نمونه‌های بی‌بدیل از نقش ولی فقیه در تولید قدرت برای حل بحران‌ها، در طول عمر پربرکت انقلاب اسلامی بیان نمود؛ که ناشی از تابعیت مردم از روی اعتقاد دینی و قلبی به اصل ولایت فقیه به عنوان یک عامل قدرت‌زای انقلاب اسلامی بوده است (ناصر جمالزاده، ۱۳۹۲: ۳۲).

#### ۶. اتحاد در بین مردم جامعه و اتکا به مردم در حل مشکلات اساسی

انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از اعتقادات مشترک حول محور اسلام و تشیع به تعمیق وحدت و همبستگی ملی و تجمیع کلیه اقشار و گروه‌های ملی و مذهبی کشور و با بهره‌مندی از مشارکت عمومی، در جامعه مشکلات و بحران‌های مختلفی را که از طرف دشمنان ایجاد شده بود را حل و فصل نموده است. وفاق اجتماعی به عنوان مظهر قدرت نرم توانست با مشارکت مردم توطئه‌های پیچیده دشمنان در برهه‌های مختلف را خنثی نماید.

هر حکومت و دولتی برای مقابله با معضلات بزرگ و حل مشکلات اساسی خود نیازمند تکیه‌گاهی محکم و مشکل‌گشا است، حکومت‌های بزرگ جهان به توان و قدرت استعماری و سازمان‌های اطلاعاتی و نیروهای نظامی و نیز امکانات اقتصادی خود متوسل می‌شوند؛ حکومت‌ها و دولت‌های وابسته به آن‌ها نیز در حل مشکلات خود دست به دامان دولت‌های ارباب و حامی خود می‌شوند؛ این در حالی است که تکیه‌گاه اصلی انقلاب اسلامی در رویارویی با معضلات اساسی توده‌های مردم می‌باشند.

اگرچه حضرت امام (ره) تجربه انقلاب اسلامی در ایران را به عنوان الگویی برای تغییر امت جهانی اسلام پیشنهاد می‌نمود لیکن وی به این مهم اعتقاد داشت که لازمه چنین امری به وجود آمدن نوعی وحدت فکری و فرهنگی بین مسلمانان در راستای فاصله‌گیری از نقاط اختلاف به منظور دست‌یابی به نقاط اشتراک و وفاق اسلامی است. چنان‌که در شرایط کنونی، حفظ وحدت شرط صدور انقلاب اسلامی است. (دهشیری: ۱۳۸۵)

#### ۷. ایجاد قدرت علمی و جنبش نرم‌افزاری:

انقلاب اسلامی با رویکرد ایجاد قدرت علمی درون‌زا، برای تبدیل کشور به جامعه‌ای دانش‌بنیان با تشویق به علم‌آموزی و تولید علم و بومی‌سازی فناوری‌های نو که بر خواسته از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی بود همت گماشته و در نتیجه با توجه به آموزه‌های اسلامی که فرآورده‌های علمی با خود اقتدار، صلابت و عزت را به ارمغان می‌آورد و نقش مؤثری در تأمین امنیت و آرامش اجتماعی ایفا می‌کند، زیرساخت‌های علمی را تحول بخشید. برخورداری انقلاب اسلامی از این قدرت نرم توانست جلوه مثبتی از فرهنگ و سیاست را در اذهان جهانیان ایجاد کند و فرهنگ استقلال را که ریشه در ارزش‌های بومی و اسلامی و نفی خودباختگی در برابر غرب داشت نهادینه سازد. پیشرفت‌های ارزشمند در حوزه تجهیزات دفاعی، هسته‌ای درمانی و سایر علوم نوظهور نقش عمده‌ای در ایجاد قدرت نرم برای کشور داشته است. ایجاد فرهنگ تولید علم، ارتقای قدرت علمی و جرئت علمی، پرورش و شکوفایی استعدادها، نفی الگوپذیری تقلیدی از فرهنگ غرب، ایجاد خلاقیت و نوآوری علمی، اهتمام به فراگیری علم و دانش از دست‌آوردهای انقلاب اسلامی است (مهدی جعفری پناه، حسین پور احمدی: ۲).

#### ۸. ایجاد اعتماد و ساختن زمینه مشارکت عمومی در انتخابات و راهپیمایی‌ها

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت و اقتدار در نظام بین‌الملل، مشروعیت نظام سیاسی است؛ بنابراین یک نظام سیاسی هر اندازه از مشروعیت بیشتری برخوردار باشد، قطعاً در نظام بین‌المللی تأثیرگذارتر است؛ برعکس، هر اندازه نظام سیاسی از مقبولیت کمتری در داخل برخوردار باشد، از توانایی تأثیرگذاری او در روابط بین‌الملل کاسته خواهد شد؛ و آن نظام سیاسی مجبور است به جای پرداختن به مسائل بین‌المللی، سرگرم مسائل داخلی خود شود.

از مهم‌ترین شاخصه‌های مقبولیت یک نظام سیاسی، میزان انتخاباتی است که برگزار می‌کند و نیز میزان مشارکتی که در آن صورت می‌گیرد؛ بنابراین انتخابات اگر نگوییم مهم‌ترین، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رضایت ملت از نظام سیاسی است و به‌تنهایی یک عامل اقتدار ملی است؛ از این رو هر چه میزان مشارکت مردم در انتخابات بیشتر باشد، حکایت از مقبولیت بیشتر نظام سیاسی و سبب افزایش تأثیرگذاری جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی است و تأثیر بسیار زیادی در خنثی کردن توطئه‌ها و تهدیدهایی خواهد داشت که از ناحیه دشمنان ما اعمال می‌شود؛ به همین دلیل، انتخابات در شرایط فعلی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

#### ۹. روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و ازخودگذشتگی

در اندیشه و فرهنگ سیاسی شیعه، جهاد و شهادت به عنوان یک اصل، عامل نجات‌بخش، هدف استراتژیک و عامل تأثیرگذار تلقی می‌گردد؛ این فرهنگ ریشه در اعتقادات دینی و باورهای مردم دارد، فرهنگ شهادت‌طلبی به عنوان اصلی‌ترین منبع قدرت نرم در بین مسلمانان محسوب می‌گردد (افتخاری، شعبانی، ۱۳۸۹: ۹۹).

#### ۱۰. استکبارستیزی و منغل شدن در مقابل نظام سلطه

ملت ایران که خود را استکبارستیز می‌داند، به خاطر این است که زیر بار تحمیل دولت آمریکا نرفته است. دولت آمریکا یک دولت استکباری است، حق مداخله در کشورها را برای خود قائل است، جنگ‌افروزی می‌کند، در امور کشورها مداخله می‌کند؛ امروز مشاهده می‌کنید [که] این قضیه دیگر از محدوده کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین فراتر رفته است، به اروپا رسیده؛ در امور آنها هم دخالت می‌کند. ملت ایران در مقابل این استکباری که دولت ایالات متحده داشت و دخالتی که می‌کرد و زورگویی‌ای که می‌کرد و تسلطی که بر کشور عزیز ما در طول سال‌ها برای خود درست کرده بود، ایستاد. حکومت طاغوتی پادشاهی، یک حکومت وابسته به آمریکا بود بدون پشتوانه داخلی؛ با تکیه به آمریکا در ایران هر کاری می‌خواستند می‌کردند؛ به مردم ظلم می‌کردند؛ حقوق مردم را غصب می‌کردند؛ بین مردم تبعیض قائل می‌شدند؛ کشور را از رشد و ترقی و توسعه‌ای که حق طبیعی و تاریخی آن بود بازداشته بودند، برای خاطر اینکه منافع آمریکا را در ایران تأمین کنند. ملت ایران ایستاد، انقلاب کرد، بعد هم ریشه‌های مستکبرین را در کشور قطع کرد؛ مثل بعضی از کشورهای دیگر



نبود که مقابله با استکبار کردند اما کار را نیمه‌تمام گذاشتند و چوبش [را] هم خوردند (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۰۸/۱۲).

#### ۱۱. دفاع از مظلومان عالم

مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند این انقلاب با شعارهای خود زنده است؛ اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است؛ سلطه‌ستیزی است؛ ستیزه با استکبار است؛ دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه از همه مظلومان (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴).

#### عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی

##### ۱. ارائه الگو برای مبارزه با نظام سلطه

پیروزی انقلاب اسلامی معادلات حاکم بر نظام سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی را برهم زد و با اصل قرار دادن "قدرت مردمی" و "استقلال‌خواهی"، موفق شد الگویی از رویارویی با سیاست سلطه‌جویانه ارائه کند؛ بر این اساس پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به عنوان منبعی الهام‌بخش برای ملت‌های آزادیخواه جهان، مورد توجه قرار گرفت و تا به امروز نیز با گذشت نزدیک به چهار دهه همچنان الهام‌بخش جنبش‌های انقلابی در کشورهای مختلف است.

(<http://dari.irib.ir/component/k2/item/111677>)

##### ۲. ایجاد روحیه عدالت‌خواهی در مردم جهان

امام خمینی (ره)، با انتقاد از نظم موجود جامعه جهانی که خود به وجود آورنده بسیاری از بی‌نظمی‌ها، نابرابری‌ها و تبعیض‌هاست، می‌کوشد روحیه انتقادی و وجدان بشری را در برابر روند بی‌عدالتی جهانی، بیدار کند؛ با منطق قوی اسلامی، مفاسد را بیان کنید؛ قانون‌شکنی‌ها را برملا کنید؛ اعتراض کنید.

انظلام (تن دادن به ظلم)، روند بی‌عدالتی و بی‌قانونی جهانی را تشدید می‌کند؛ انظلام بدتر از ظلم است، اعتراض کنید؛ انکار کنید؛ تکذیب کنید؛ فریاد بزنید؛ باید در برابر دستگاه تبلیغات و انتشارات آن‌ها دستگاهی هم این طرف به وجود بیاید تا هرچه به دروغ می‌گویند، تکذیب کند؛ بگوید دروغ است ... (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۰۶ و ۱۹۹ و ۲۰۰).

## ۳. اعتماد به نفس در ملت‌های جهان در برابر نظام سلطه

انقلاب اسلامی مانند هر انقلابی، بنا بر ماهیت برنامه و هدف‌های خود، مفاهیم، واژه‌ها و اصطلاحات ویژه‌ای دارد که برخی از آن‌ها، خود دنیایی خاص از اندیشه‌های ناب است؛ از میان این واژه‌ها و اصطلاحات نوین می‌توان عنوان‌هایی همچون مستضعفان، مستکبران، جهان استکباری یا حاکمیت مستضعفان را نام برد. انقلاب اسلامی و رهبری آن نه تنها نظریات حاکم بر روابط بین‌الملل و نظام سلطه جهانی موجود را که نشئت گرفته از اندیشه‌های ماکیاول، هابس و هانس مورگنتا است، مردود می‌داند، بلکه با این اعتقاد و نظریه حرکت کرد که سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آن‌ها عنایت فرموده، نمی‌رسد (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۷).

شرایط و بازیگران این اردوگاه با اردوگاه سلطه‌گران از هر لحاظ کاملاً متفاوت است، به‌گونه‌ای که بستر حرکت در این جبهه، خیزش و جنبش توده‌های مردم است؛ توده‌های محروم و استثمار شده که قرن‌ها تحت ظلم و ستم بودند و از بی‌عدالتی رنج می‌بردند، مردمی که فطرتاً صلح‌طلب و عدالت‌جو هستند و به یمن توسعه ارتباطات و پیشرفت فناوری، بیشتر از احوال یکدیگر در جوامع مختلف باخبرند و در یک احساس عمومی، با تنفر از دولت‌های سلطه‌گر، به تقابل با آن‌ها برخاسته و با پیروزی‌هایی که در برخی جوامع بر ضد نظام سلطه به دست آورده‌اند، امیدوار گشته‌اند که ترس و زبونی را در خود کشته و می‌توانند بر نظام‌های سلطه‌گر حتی با دست خالی پیروز شوند. امروزه نوعی همبستگی جدی میان همه این جوامع، به دور از تفاوت‌های نژادی، قومی، مذهبی و زبانی به وجود آمده است که در کلام و بیان و احساسات، آشکارا دیده می‌شود (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۰).

## ۴. ایجاد عمق راهبردی در مناطق حساس و مهم جهان

موفق نبودن قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر در تشکیل و تثبیت نظام جدیدی مطابق تمایلات خود و طراحی‌های صورت گرفته به وسیله سیاست‌گذاران و اندیشمندان ربی، ناشی از ظهور جنبش‌ها و نهضت‌های جدیدی بود که بر ضد نظام سلطه و به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز شد؛ این حرکت‌ها با چنان شتاب فزاینده‌ای گسترش یافته است که همه تلاش‌های قدرت‌های سلطه‌گر برای متوقف کردن آن‌ها نتیجه معکوس داده، به‌گونه‌ای که

سبب اقتدار و بیداری بیشتر ملت‌های مظلوم و تحت ستم و فرو رفتن هرچه بیشتر سلطه‌گران در مرداب‌های ساخته و پرداخته خود شده است (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۸).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شیعیان لبنان را نیز بیدار ساخت، به گونه‌ای که عملیات استشهادی آنان، چنان موجی به وجود آورد که در پی انفجار سفارت امریکا و پایگاه‌های نظامی امریکا، فرانسه و اسرائیل در سال ۱۳۹۲ م. این نیروها فرار را برقرار ترجیح دادند؛ آخرین بقایای نیروهای رژیم صهیونیستی نیز در سال ۲۰۰۰ م. جنوب لبنان را تخلیه کرد و رزمندگان مقاومت اسلامی در لبنان برای نخستین بار نشان دادند که با تکیه بر قدرت ایمان، جهاد و شهادت می‌توان بر مجموعه قدرت‌های سلطه‌گر جهانی غلبه کرد و ناکارآمدی قدرت سخت‌افزاری غرب را در برابر قدرت نوظهور و جدید ملت‌ها، هر اندازه کم، به نمایش گذارد (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۷).

۵. مبارزه با تروریسم در جهان و جهان اسلام (مبارزه واقعی در نگاه مردم منطقه و جهان)

موفقیت‌های رزمندگان در محور مقاومت به رهبری انقلاب اسلامی ایران در مقابل گروه‌های تکفیری در منطقه، علی‌رغم پشتیبانی گسترده نظام سلطه و متحدین منطقه‌ای آن‌ها و مبارزه واقعی در مقابل مبارزه شعاری و بدون واقعیت ائتلاف‌های دروغین در منطقه دو نوع قدرت‌سازی را برای ایران در منطقه و جهان ایجاد نمود؛ اعتماد و پی بردن به قدرت مردمی در مقابل نظام سلطه و پیروزی بر آن‌ها و نفوذ در قلب مردم منطقه به عنوان یک مرجع نجات‌بخش در منطقه و ملجأ مردم مظلوم جهان.

۶. الگوی نظام مردم‌سالاری دینی، برای جهان و مردم مسلمان

یکی از غنی‌ترین منابع مولد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بدون تردید الگوی اسلام سیاسی است؛ این الگو را می‌توان دستاورد اساسی انقلاب اسلامی برای محیط جهانی دانست؛ زیرا مفاهیم و ارزش‌های بدیعی را عرضه کرد که در تاریخ معاصر جهان کاملاً بی‌سابقه بود و برای ملت‌ها بسیار تازگی داشت. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) ایده‌ای کاملاً جاافتاده در سراسر دنیا محسوب می‌شد و این باور برآمده از فلسفه غرب تقریباً در همه‌جا مورد پذیرش قرار گرفته بود که دین فقط تدبیر کننده امور زندگی شخصی انسان است و حق ورود به عرصه اجتماع را ندارد و امور مربوط به زندگی اجتماعی را تنها باید با کاربرد قوانین و الگوهای منبعث از خرد بشری مدیریت کرد. شدت

سیطره تفکر سکولاریستی و عاری انگاشتن دین از هرگونه کارکرد سیاسی و اجتماعی به حدی بود که حتی در کشورهای اسلامی نیز گروه‌های مبارز مسلمان حرکت‌های مبارزاتی خود را اغلب با الهام از اندیشه‌های ملی‌گرایانه، سوسیالیستی یا کمونیستی انجام می‌دادند؛ تا جایی که شیخ اسعد تمیمی از رهبران فلسطینی می‌گوید: «تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد غایب بود؛ حتی در عرصه واژگان، برای مثال به جای جهاد از کلماتی چون نصال و کفاح استفاده می‌شد» (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

۷. رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی و سیاست خارجی و پایبندی به آن

اصول سیاست خارجی ما از اصول انقلاب ما جدا نیست. ما کار کوچکی که نکردیم؛ ما حادثه و پدیده جدید و عظیم و عمیق و ماندگاری را به وجود آورده‌ایم که انقلاب اسلامی و ایجاد نظام جمهوری اسلامی است. ما چه در اول انقلاب اصول سیاست خارجی خودمان را تدوین کرده باشیم و چه نکرده باشیم، نفس ایجاد این حرکت و پدیده جدید، در بطن خود تکلیف ما را در مسائل سیاست خارجی روشن کرده است. ما همچنان که نظام سلطه را در درون کشورمان با انقلاب به هم زدیم، نظام ارباب - رعیتی سیاسی و اجتماعی را به هم زدیم؛ دید ما در مسائل جهانی هم همین است؛ ما با نظام ارباب - رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به‌عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم. امروز یک‌جانبه‌گرایی و انحصار ابرقدرتی امریکا مطرح و تکرار می‌شود که البته موضوع کاملاً منفی است؛ اما اگر یک‌جانبه‌گرایی نباشد و ابرقدرتی هم منحصر به امریکا نباشد - مثل آن روزی که امریکا و شوروی ابرقدرت بودند - باز هم با نظام سلطه مخالفیم. ما آن روز هم مخالف بودیم، امروز هم مخالفیم؛ این سیاست جمهوری اسلامی است.

همین‌طور که در اصول سیاست خارجی بارها گفته‌ایم، حکمت یکی از اصول سه‌گانه ماست و در کنار آن، مصلحت. ما حکیمانه و مدبرانه عمل می‌کنیم؛ این مخصوص سیاست خارجی ما نیست؛ بلکه در همه زمینه‌هاست. اسلام ما اسلام عقلانی است. عقل کاربرد بسیار

وسعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه ۲۵/۰۵/۱۳۸۳).

۸ شکستن ایست قدرت‌های بزرگ و پایان شکست‌ناپذیری آن‌ها در نگاه مردم جهان و نئی سیاست‌های یک‌جانبه گرایانه آمریکا در منطقه و جهان

امروز شما ملاحظه کنید در منطقه غرب آسیا - که اسمش را گذاشته‌اند خاورمیانه - قدرت‌های درجه یک مادی دنیا زمین‌گیر شده‌اند؛ آمریکا امروز در منطقه غرب آسیا زمین‌گیر است؛ [این‌ها] امروز اهدافی دارند، کارهایی دارند، مقاصدی دارند در این منطقه؛ یک بخش از این مقاصد عبارت است از تقویت پایگاه استکباری رژیم صهیونیستی در این منطقه، یک بخش آن عبارت است از تصرف همه منافذ و منابع قدرت در منطقه که دولت‌ها و حکومت‌ها بیایند زیر چتر آن‌ها، از امکانات این‌ها استفاده کنند؛ فرمانروایی بر منطقه، [اما] امروز نتوانسته‌اند؛ چه مانع شده است از اینکه مقاصد این‌ها تحقق پیدا کند؟ اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی - هر دو تعبیر درست است؛ اسلام انقلابی هم درست است؛ انقلاب اسلامی هم درست است - که امروز در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده؛ این، مانع شده (بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

۹. دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از اعتماد ملت‌ها و همراهی مردم با محور مقاومت

دیپلماسی ما باید با روحیه انقلاب همراه باشد - یعنی اسلام انقلابی - این است که به ما بُرش می‌دهد. امروز ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی خوششان می‌آید، به خاطر موضع مستقل اسلامی شجاعانه‌اش؛ این باید محفوظ باشد. در جاهای مختلف دنیا، مردم از مسئولان جمهوری اسلامی که این شجاعت را، این استقلال را، این نترسی را بیشتر بروز می‌دهند، بیشتر خوششان می‌آید؛ خب، این نشانه این است که راه این است؛ دیپلماسی ما باید در این جهت باشد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲).

۱۰. نهادینه و جهانی‌سازی مبارزه با صهیونیسم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمایت از حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش به‌ویژه در فلسطین از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. انقلاب اسلامی ایران با تبیین اینکه «اسلام راه‌حل و جهاد وسیله اصلی است» به مبارزات مردم فلسطین و انتفاضه آنان جنبه‌ای

فراملی بخشید و مبارزه با رژیم صهیونیستی را جهانی کرد. اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس از سوی امام خمینی (ره)، شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و لیبیک مردم مسلمان جهان در حمایت از فلسطینیان بی‌پناه در برابر جنایات رژیم صهیونیستی ابعاد جهانی گرفته و بدین ترتیب، مبارزات ضد صهیونیستی از حصارهای تنگ قومی، عربی، سرزمینی و ملی گرایانه خارج گردید و جنبه‌ای اسلامی و ایدئولوژیک به آن بخشید، انقلاب اسلامی ایران موجب شد تا اسلام مجدداً وارد صحنه مبارزه شده و نهضت فلسطین با محوریت اسلام به مقابله با رژیم اشغالگر صهیونیست تداوم بخشد؛ و انقلاب اسلامی توانست قدرت بسیج ملت‌ها در جهان، علیه صهیونیست‌ها را به نمایش بگذارد (محمدرضا دهشیری و زهرا بهرامی، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

#### ۱۱. احیای تفکر معنوی و ارزش‌های دینی در جهان

انقلاب اسلامی ایران نشان داد که دین می‌تواند عنصری تأثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جامعه و جهانی قلمداد گردد و جهان اسلام با تکیه بر باورها و هنجارهای بومی از توان و قدرتمندی لازم برای شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی برخوردار است؛ انقلاب اسلامی این خودباوری را به ملت‌های مسلمان اعطا کرد که می‌توان با شناخت دقیق از فرهنگ اسلامی و باز تعریف آرمان‌هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و با تکیه بر الگوی تفکر، دینی که زمانی به عنوان عامل عقب‌ماندگی جامعه به حساب می‌آمد، به عنوان عامل پیشرفت و بالندگی جامعه قلمداد شود؛ و نیاز امروز بشر که خلأ معنویت است را پر کند.

#### ۱۲. ایجاد روحیه انتقادی در برابر نظام بین‌الملل

انقلاب اسلامی ایران با هدف متحول‌سازی محیط بین‌الملل از رهگذر تحول و دگرگونی در افکار و اذهان و فراهم ساختن زمینه برای تغییر قواعد و هنجارهای بین‌المللی توانست با تفکرات رهایی‌بخش خود نظام سلطه را زیر سؤال برده و پیام سیاسی اندیشه استکبارستیزی، استقلال‌طلبی و راهبرد نه شرقی نه غربی را برای جهانیان آشکار سازد. انقلاب اسلامی ایران با منطق عدالت‌خواهی، الگویی در برابر نظام بین‌الملل موجود، مخصوصاً حق و تو ارائه نماید که مورد توجه عموم ملت‌ها بخصوص ملت‌های مظلوم و مسلمان قرار گیرد.

## ۱۳. نفوذ تفکر اسلام انقلابی در جهان (صدور انقلاب اسلامی بیداری اسلامی)

درخشش خورشید انقلاب اسلامی موجب شد بارقه‌های امید در جهان اسلام پدیدار شده و امید به حاکمیت آرمان‌های اسلامی و اصول و عقاید و ارزش‌های دینی مبتنی بر فطرت پاک انسانی از جمله حق‌جویی، استقلال‌خواهی، عدالت‌طلبی، آزادخواهی، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی و حمایت از مظلوم دو چندان گردد. انقلاب اسلامی توانست با ارتقای آگاهی و بیداری گسترده در بین مردم مسلمان، محروم و مستضعف جهان اسلام، روحیه شهادت و شجاعت لازم در آنان را برای مبارزه ایجاد کند و با ایجاد خودباوری نسبت به توان و امکانات درونی و تشویق لزوم شناخت فزون‌تر نسبت به تجربه تاریخی و عملی جنبش آزادی‌بخش، جرئت حرکت‌های مردمی را برای مبارزه بر اساس اندیشه‌های انقلابی اسلام فزونی بخشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، فضا برای ترویج و گسترش تعالیم اسلامی بیش از پیش فراهم گردید. در چنین شرایطی امام (ره) از عوامل صدور انقلاب اسلامی تأکید بر حفظ رجنبهر معنوی و اسلامی انقلاب ایران است که در بردارنده روح حقیقت‌طلبی، عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی می‌باشد که آن هم اعتلای مسلمانان و بشریت را خواستار است. حضرت امام (ره) می‌فرمایند: ما که می‌گوییم انقلاب را می‌خواهیم صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده در ایران، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم (دهشیری: ۱۳۸۵).

## ۱۴. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان عالم

یکی از رسالت‌هایی که انقلاب اسلامی برای خود ترسیم نموده است حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان است؛ اهمیت این وظیفه و رسالت تا جایی است که حتی به عنوان یک اصل در قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است؛ از نمونه‌های آشکار حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش می‌توان به حمایت جمهوری اسلامی از نهضت مقاومت مردم فلسطین اشاره کرد.

حضرت امام می‌فرمایند: "ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه لاتظلمون و لاتظلمون" و یا در جایی دیگر می‌فرمایند: "ما طرفدار مظلوم هستیم، هر کسی در هر قطبی که مظلوم باشد، ما طرفدار آن‌ها هستیم."

### جمع‌بندی عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی

#### عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی

۱. اعتماد به نفس در ملت و ارتقای روحیه خودباوری؛
۲. توکل به خدا و ایمان به نصرت الهی و ایجاد امید و اطمینان به پیروزی و عدم رخنه یاس؛
۳. ایمان و معنویت؛
۴. بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر جهانی؛
۵. اعتقاد به اصل ولایت فقیه در جامعه؛
۶. اتحاد در بین مردم جامعه ایران؛
۷. ایجاد قدرت علمی و جنبش نرم‌افزاری؛
۸. ایجاد اعتماد و ساختن زمینه مشارکت عمومی در انتخابات و راهپیمایی‌ها؛
۹. ایجاد روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و از خودگذشتگی؛
۱۰. استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل نظام سلطه؛
۱۱. دفاع از مظلومان عالم.

#### عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی

۱. ارائه الگو برای مبارزه با نظام سلطه؛
۲. ایجاد روحیه عدالت‌خواهی در مردم جهان؛
۳. اعتماد به نفس در ملت‌های جهان در برابر نظام سلطه؛
۴. ایجاد عمق راهبردی در مناطق حساس و مهم جهان؛
۵. مبارزه با تروریسم در جهان و جهان اسلام (مبارزه واقعی در نگاه مردم منطقه و جهان)؛
۶. الگوی نظام مردم‌سالاری دینی، برای جهان و مردم مسلمان؛



۷. رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی و سیاست خارجی و پایبندی به آن؛
۸. شکستن ابهت قدرت‌های بزرگ و پایان شکست‌ناپذیری آن‌ها در نگاه مردم جهان و نفی سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در منطقه و جهان؛
۹. دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از اعتماد ملت‌ها و همراهی مردم با محور مقاومت؛
۱۰. نهادینه و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم؛
۱۱. احیای تفکر معنوی و ارزش‌های دینی در جهان؛
۱۲. ایجاد روحیه انتقادی در برابر نظام بین‌الملل؛
۱۳. نفوذ تفکر اسلام انقلابی در جهان (صدور انقلاب اسلامی بیداری مردم کشورهای اسلامی)؛
۱۴. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان عالم.

### روش‌شناسی تحقیق

#### نوع تحقیق

این تحقیق بر اساس ماهیت و روش، تحقیقی، توصیفی-تحلیلی است؛ و با توجه به نتایج از تحقیق‌های کاربردی محسوب می‌شود.

#### جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق، افراد خبره‌ای بوده‌اند که با دو متغیر اساسی تحقیق، یعنی عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی و امور دفاعی و نظامی، آشنایی کامل داشته و قدرت پاسخگویی به سؤالات تحقیق را با استفاده از تجربیات کافی خدمت در امور دفاعی و قدرت نرم را داشته و همچنین آموزش‌های لازم و تحصیلات مربوطه را طی نموده‌اند؛ افراد با مشخصات فوق کسانی بوده‌اند که در مراکز آموزشی در سطح عالی نیروهای مسلح مشغول به خدمت هستند.

**روش نمونه‌گیری و جامعه نمونه**

نمونه‌گیری هدفمند و انتخابی، به منظور رسیدن به افراد با رتبه علمی و تجربی بالاتر برای دستیابی به نتایج قابل اعتماد، انجام شده است. افراد گروه نمونه آماری با استفاده از روش هدفمند از اعضای هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع) و مدرسین مدعو انتخاب شده‌اند.

**روش و ابزار گردآوری اطلاعات**

گردآوری اطلاعات با دو روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شد. مبانی نظری و بخش‌هایی از اطلاعات با استفاده از منابع معتبر مکتوب و مطالعه اسناد و مدارک با استفاده از فیش‌برداری، جمع‌آوری شد؛ و بخش‌های دیگر از یافته‌های تحقیق میدانی بود که با استفاده از ابزار پرسش‌نامه‌ای که توسط محقق ساخته شد جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**روش تجزیه و تحلیل**

به منظور اعتبارسنجی عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی، عوامل استخراج شده از ادبیات و مبانی نظری که با استفاده از بیانات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره) و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای و سایر منابع در معرض نظر خبرگان قرار گرفت و پس از تأیید، با ساختن پرسشنامه و سنجش روایی آن، پرسش‌نامه اصلاح شده در جامعه نمونه که از خبرگان در امور قدرت نرم انقلاب اسلامی و امور دفاعی و نظامی بودند، توزیع و پس از جمع‌آوری، سپس نقش این عوامل در عدم تهاجم نظام سلطه به ج.ا.ا، با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تجزیه و تحلیل آماری و توصیف یافته‌های تحقیق، با جداول توزیع فراوانی و نمایش آن‌ها و برای تحلیل یافته‌ها و رتبه‌بندی آن‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد و در جداول مربوطه قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

جدول ۱: توصیف سیمای پاسخگویان

سطح تحصیلات	فوق لیسانس		دکتری		جمع					
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد				
	۸	۲۰			۲۸	۱۰۰				
مرتبه علمی	غیر هیئت علمی		مربی		استادیار		دانشیار		جمع	
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
	۴	۶	۱۴	۴			۴		۲۸	۱۰۰
سنوات خدمتی در امور فرهنگی و آموزشی نظامی	۱۵ - ۲۰ سال		۲۰ - ۲۵ سال		۲۵ - ۳۰ سال		بالاتر از ۳۰ سال		جمع	
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
	۴				۴		۲۰		۲۸	۱۰۰

جدول ۲: در پاسخ به سؤال اینکه، آیا این موارد از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی است؟

شماره عوامل	عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی	مقولات	تعداد	نسبت مشاهده شده
۱	اعتماد به نفس در ملت و ارتقای روحیه خودباوری	خیر	۰	۰
		بله	۲۸	۱
		جمع	۲۸	۱
۲	توکل به خدا و ایمان به نصرت الهی و ایجاد امید و اطمینان به پیروزی و عدم رخنه یاس	خیر	۰	۰
		بله	۲۸	۱
		جمع	۲۸	۱
۳	ایمان و معنویت	خیر	۰	۰
		بله	۲۸	۱
		جمع	۲۸	۱
۴	بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر جهانی	خیر	۰	۰
		بله	۲۸	۱
		جمع	۲۸	۱
۵	اعتقاد به اصل ولایت فقیه در جامعه	خیر	۰	۰
		بله	۲۸	۱
		جمع	۲۸	۱

۰	۰	خیر	اتحاد در بین مردم جامعه ایران	۶
۱	۲۸	بله		
۱	۲۸	جمع		
۰۰۷	۲	خیر	ایجاد قدرت علمی و جنبش نرم‌افزاری	۷
۰۹۳	۲۶	بله		
۱	۲۸	جمع		
۰	۰	خیر	ایجاد اعتماد و ساختن زمینه مشارکت عمومی در انتخابات و راهپیمایی‌ها	۸
۱	۲۸	بله		
۱	۲۸	جمع		
۰	۰	خیر	ایجاد روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و از خودگذشتگی	۹
۱	۲۸	بله		
۱	۲۸	جمع		
۰۰۴	۱	خیر	استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل نظام سلطه	۱۰
۰۹۶	۲۷	بله		
۱	۲۸	جمع		
۰۰۴	۱	خیر	دفاع از مظلومان عالم	۱۱
۰۹۶	۲۷	بله		
۱	۲۸	جمع		

نتایج آزمون نشان‌دهنده آن است که دو گروه پاسخگویان، گروه اول (افرادی که معتقد بوده‌اند عوامل ذکر شده در جدول بالا به‌عنوان عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی نیست) و گروه دوم (افرادی که معتقد بوده‌اند عوامل ذکر شده به‌عنوان عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بوده است) تفاوت معنی‌دار است، ارقام جدول نشان می‌دهد که نسبت گروه دوم، به گروه اول بیشتر است؛ به این معنی که در عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی عامل شماره ۷ جدول، نسبت ۹۳ به ۷ درصد و در عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی عوامل شماره ۱۰ و ۱۱ جدول، نسبت ۹۶ به ۴ درصد است و در سایر عوامل، (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹)، این نسبت ۱۰۰ به ۰ در صد است که گویای این مطلب است که به نظر پاسخگویان موارد ذکر شده در جدول یاد شده همه از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی است.

جدول ۳: در پاسخ به سؤال اینکه، آیا این موارد از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی است؟

شماره عوامل	عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی	مقولات	تعداد	نسبت مشاهده شده
۱	ارائه الگو برای مبارزه با نظام سلطه	خیر	۶	.۲۱
		بله	۲۲	.۷۹
		جمع	۲۸	۱
۲	ایجاد روحیه عدالت‌خواهی در مردم جهان	خیر	۰	۰
		بله	۲۸	۱
		جمع	۲۸	۱
۳	اعتمادبه‌نفس درملت‌های جهان در برابر نظام سلطه	خیر	۲	.۰۷
		بله	۲۶	.۹۳
		جمع	۲۸	۱
۴	ایجاد عمق راهبردی در مناطق حساس و مهم جهان	خیر	۵	.۱۸
		بله	۲۳	.۸۲
		جمع	۲۸	۱
۵	مبارزه با تروریسم در جهان و جهان اسلام (مبارزه واقعی در نگاه مردم منطقه و جهان)	خیر	۲	.۰۷
		بله	۲۶	.۹۳
		جمع	۲۸	۱
۶	الگوی نظام مردم‌سالاری دینی، برای جهان و مردم مسلمان	خیر	۳	.۱۱
		بله	۲۵	.۸۹
		جمع	۲۸	۱
۷	رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی و سیاست خارجی و پایبندی به آن	خیر	۱	.۰۴
		بله	۲۷	.۹۶
		جمع	۲۸	۱
۸	شکستن ابهت قدرت‌های بزرگ و پایان شکست‌ناپذیری آن‌ها در نگاه مردم جهان و نفی سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در منطقه و جهان	خیر	۱	.۰۴
		بله	۲۷	.۹۶
		جمع	۲۸	۱
۹	دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از اعتماد ملت‌ها و همراهی مردم با محور مقاومت	خیر	۴	.۱۴
		بله	۲۴	.۸۶
		جمع	۲۸	۱
۱۰	نهادینه و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم	خیر	۴	.۱۴
		بله	۲۴	.۸۶
		جمع	۲۸	۱
۱۱	احیای تفکر معنوی و ارزش‌های دینی در جهان	خیر	۰	۰
		بله	۲۸	۱
		جمع	۲۸	۱
۱۲	ایجاد روحیه انتقادی در برابر نظام بین‌الملل	خیر	۲	.۰۷
		بله	۲۶	.۹۳
		جمع	۲۸	۱

۰	۰	خیر	نفوذ تفکر اسلام انقلابی در جهان (صدور انقلاب اسلامی بیداری مردم کشورهای اسلامی)	۱۳
۱	۲۸	بله		
۱	۲۸	جمع		
۰.۱۸	۵	خیر	حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان عالم	۱۴
۰.۸۲	۲۳	بله		
۱	۲۸	جمع		

نتایج آزمون نشان‌دهنده آن است که دو گروه پاسخگویان، گروه اول افرادی که معتقد بوده‌اند موارد ذکر شده در جدول بالا به عنوان عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی نیست؛ و گروه دوم افرادی که معتقد بوده‌اند عوامل ذکر شده به عنوان عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بوده است، تفاوت معنی‌دار است؛ ارقام جدول نشان می‌دهد که نسبت گروه دوم، به گروه اول بیشتر است؛ به این معنی که در عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی عامل شماره ۱ جدول، نسبت ۷۹ به ۲۱ درصد، عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی عوامل شماره ۴ و ۱۴ جدول، نسبت ۸۲ به ۱۸ درصد، عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی عوامل شماره ۹ و ۱۰ جدول، نسبت ۸۶ به ۱۴ درصد، عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی عامل شماره ۶ جدول، نسبت ۸۹ به ۱۱ درصد و در عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی عوامل شماره ۳، ۵ و ۱۲ جدول، نسبت ۹۳ به ۷ درصد و در عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی عوامل شماره ۷ و ۸ جدول، نسبت ۹۶ به ۴ درصد است و در سایر عوامل، (۲، ۱۱، ۱۳)، این نسبت ۱۰۰ به ۰ درصد است که گویای این مطلب است که به نظر پاسخگویان موارد ذکر شده در جدول یاد شده همه از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی است.

جدول ۴: آزمون نسبت (دوجمله‌ای) و سنجش تفاوت گروه‌ها

ردیف	تأثیر عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی	گروه‌ها	مقولات	تعداد	نسبت مشاهده شده	نسبت مورد انتظار	معنی‌داری دو راهه
۱	اعتماد به نفس در ملت و ارتقای روحیه خودباوری	گروه ۱	$3 \leq$	۱	۰.۴	۰.۵۰	۰
		گروه ۲	$3 >$	۲۷	۰.۹۶		
		جمع		۲۸	۱		

۲	توکل به خدا و ایمان به نصرت الهی و ایجاد امید و اطمینان به پیروزی و عدم رخنه یأس	گروه ۱	۳<=	۱	.۰۴	.۵۰	.۰
		گروه ۲	۳>	۲۷	.۹۶		
		جمع		۲۸	۱		
۳	ایمان و معنویت	گروه ۱	۳<=	۰	۰	.۵۰	.۰
		گروه ۲	۳>	۲۸	۱		
		جمع		۲۸	۱		
۴	بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر جهانی	گروه ۱	۳<=	۲	.۰۷	.۵۰	.۰
		گروه ۲	۳>	۲۶	.۹۳		
		جمع		۲۸	۱		
۵	اعتقاد به اصل ولایت فقیه در جامعه	گروه ۱	۳<=	۱	.۰۴	.۵۰	.۰
		گروه ۲	۳>	۲۷	.۹۶		
		جمع		۲۸	۱		
۶	اتحاد در بین مردم جامعه ایران	گروه ۱	۳<=	۴	.۱۴	.۵۰	.۰
		گروه ۲	۳>	۲۴	.۸۶		
		جمع		۲۸	۱		
۷	ایجاد قدرت علمی و جنبش نرم‌افزاری	گروه ۱	۳<=	۸	.۲۹	.۵۰	.۰
		گروه ۲	۳>	۲۰	.۷۱		
		جمع		۲۸	۱		
۸	ایجاد اعتماد و ساختن زمینه مشارکت عمومی در انتخابات و راهپیمایی‌ها	گروه ۱	۳<=	۱	.۰۴	.۵۰	.۰
		گروه ۲	۳>	۲۷	.۹۶		
		جمع		۲۸	۱		
۹	ایجاد روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و ازخودگذشتگی	گروه ۱	۳<=	۰	۰	.۵۰	.۰
		گروه ۲	۳>	۲۸	۱		
		جمع		۲۸	۱		
۱۰	استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل نظام سلطه	گروه ۱	۳<=	۳	.۱۱	.۵۰	.۰
		گروه ۲	۳>	۲۵	.۸۹		
		جمع		۲۸	۱		
۱۱	دفاع از مظلومان عالم	گروه ۱	۳<=	۵	.۱۸	.۵۰	.۰
		گروه ۲	۳>	۲۳	.۸۲		
		جمع		۲۸	۱		

نتایج آزمون نشان‌دهنده آن است که معنی‌داری محاسبه شده در همه موارد، از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ کوچک‌تر است؛ و این بدان معناست که در موارد معنادار بین دو گروه پاسخگویان، گروه اول افرادی که معتقد بوده‌اند عوامل ذکرشده در حد خیلی کم و کم به‌عنوان عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی سلطه علیه ج.ا.ایران تأثیر دارد؛ و گروه دوم افرادی که معتقد بوده‌اند عوامل ذکرشده در حد خیلی زیاد و زیاد به‌عنوان عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی سلطه علیه ج.ا.ایران تأثیر دارد؛ تفاوت معنی‌داری، نسبت دو گروه به شرح جدول ذکر شده و به ترتیب در هریک از موارد به شرح زیر است:

۱. در مورد تأثیر اعتمادبه‌نفس در ملت و ارتقای روحیه خودباوری، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۹۶ به ۴ در صد است و این به این معنی است که ۹۶ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر اعتمادبه‌نفس و خودباوری در ملت و ارتقای روحیه خودباوری به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر است.
۲. در مورد تأثیر توکل به خدا و ایمان به نصرت الهی و ایجاد امید و اطمینان به پیروزی و عدم رخنه یأس، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۹۶ به ۴ در صد است و به این معنی است که ۹۶ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر توکل به خدا و ایمان به نصرت الهی و ایجاد امید و اطمینان به پیروزی و عدم رخنه یأس به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.
۳. در مورد تأثیر ایمان و معنویت، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۱۰۰ به ۰ در صد است و این به این معنی است که ۱۰۰ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر ایمان و معنویت به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است.



۴. در مورد تأثیر بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر جهانی، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۹۳ به ۷ درصد است و به این معنی است که ۹۳ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر جهانی به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.
۵. در مورد تأثیر اعتقاد به اصل ولایت‌فقیه در جامعه، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۹۶ به ۴ درصد است و این به این معنی است که ۹۶ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر اعتقاد به اصل ولایت‌فقیه در جامعه به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.
۶. در مورد تأثیر اتحاد در بین مردم جامعه ایران، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۸۶ به ۱۴ درصد است و این به این معنی است که ۸۶ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر اتحاد در بین مردم جامعه ایران به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.
۷. در مورد تأثیر ایجاد قدرت علمی و جنبش نرم‌افزاری، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۷۱ به ۲۹ درصد است و به این معنی است که ۷۱ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر ایجاد قدرت علمی و جنبش نرم‌افزاری به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.
۸. در مورد تأثیر ایجاد اعتماد و ساختن زمینه مشارکت عمومی در انتخابات و راهپیمایی‌ها، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۹۶ به ۴ درصد است و به این معنی است که ۹۶ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر ایجاد اعتماد و ساختن زمینه مشارکت عمومی در انتخابات و راهپیمایی‌ها به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت

نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۹. در مورد تأثیر ایجاد روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و ازخودگذشتگی، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۱۰۰ به ۰ درصد است و به این معنی است که ۱۰۰ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر ایجاد روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و ازخودگذشتگی به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۱۰. در مورد تأثیر استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل نظام سلطه، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۸۹ به ۱۱ درصد است و این به این معنی است که ۸۹ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل نظام سلطه به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۱۱. در مورد تأثیر دفاع از مظلومان عالم، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۸۲ به ۱۸ درصد است و این به این معنی است که ۸۲ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر دفاع از مظلومان عالم به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

جدول ۵: آزمون نسبت (دوجمله‌ای) و سنجش تفاوت گروه‌ها

ردیف	تأثیر عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی	گروه‌ها	مقولات	تعداد	نسبت مشاهده شده	نسبت مورد انتظار	معنی‌داری دو راهه
۱	ارائه الگو برای مبارزه با نظام سلطه	گروه ۱	۳<=	۷	.۲۵	.۵۰	.
		گروه ۲	۳>	۲۱	.۷۵		
		جمع		۲۸	۱		
۲	ایجاد روحیه عدالت‌خواهی در مردم جهان	گروه ۱	۳<=	۲	.۰۷	.۵۰	.
		گروه ۲	۳>	۲۶	.۹۳		
		جمع		۲۸	۱		
۳	اعتمادبهنفس درملت‌های جهان در برابر نظام سلطه	گروه ۱	۳<=	۳	.۱۱	.۵۰	.
		گروه ۲	۳>	۲۵	.۸۹		
		جمع		۲۸	۱		
۴	ایجاد عمق راهبردی در مناطق حساس و مهم جهان	گروه ۱	۳<=	۵	.۱۸	.۵۰	.
		گروه ۲	۳>	۲۳	.۸۲		
		جمع		۲۸	۱		
۵	مبارزه با تروریسم در جهان و جهان اسلام (مبارزه واقعی در نگاه مردم منطقه و جهان)	گروه ۱	۳<=	۴	.۱۴	.۵۰	.
		گروه ۲	۳>	۲۴	.۸۶		
		جمع		۲۸	۱		
۶	الگوی نظام مردم‌سالاری دینی، برای جهان و مردم مسلمان	گروه ۱	۳<=	۳	.۱۱	.۵۰	.
		گروه ۲	۳>	۲۵	.۸۹		
		جمع		۲۸	۱		
۷	رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی و سیاست خارجی و پایبندی به آن	گروه ۱	۳<=	۳	.۱۱	.۵۰	.
		گروه ۲	۳>	۲۵	.۸۹		
		جمع		۲۸	۱		
۸	شکستن ابهت قدرت‌های بزرگ و پایان شکست‌ناپذیری آن‌ها در نگاه مردم جهان و نفی سیاست‌های یکجانبه‌گرایی آمریکا در منطقه و جهان	گروه ۱	۳<=	۲	.۰۷	.۵۰	.
		گروه ۲	۳>	۲۶	.۹۳		
		جمع		۲۸	۱		
۹	دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از اعتماد ملت‌ها و همراهی مردم با محور مقاومت	گروه ۱	۳<=	۶	.۲۱	.۵۰	.
		گروه ۲	۳>	۲۲	.۷۹		
		جمع		۲۸	۱		

۱۰	نهادینه و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم	گروه ۱	۳<=	۴	۰.۱۴	۰.۵۰	۰.
		گروه ۲	۳>	۲۴	۰.۸۶		
		جمع		۲۸	۱		
۱۱	احیای تفکر معنوی و ارزش‌های دینی در جهان	گروه ۱	۳<=	۱	۰.۰۴	۰.۵۰	۰.
		گروه ۲	۳>	۲۷	۰.۹۶		
		جمع		۲۸	۱		
۱۲	ایجاد روحیه انتقادی در برابر نظام بین‌الملل	گروه ۱	۳<=	۲	۰.۰۷	۰.۵۰	۰.
		گروه ۲	۳>	۲۶	۰.۹۳		
		جمع		۲۸	۱		
۱۳	نفوذ تفکر اسلام انقلابی در جهان (صدور انقلاب اسلامی بیداری مردم کشورهای اسلامی)	گروه ۱	۳<=	۳	۱۱	۰.۵۰	۰.
		گروه ۲	۳>	۲۵	۰.۸۹		
		جمع		۲۸	۱		
۱۴	حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان عالم	گروه ۱	۳<=	۲	۰.۰۷	۰.۵۰	۰.
		گروه ۲	۳>	۲۶	۰.۹۳		
		جمع		۲۸	۱		

نتایج آزمون نشان‌دهنده آن است که معنی‌داری محاسبه شده در همه موارد، از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ کوچک‌تر است و بدان معناست که در موارد معنادار بین دو گروه پاسخگویان، گروه اول افرادی که معتقد بوده‌اند عوامل ذکرشده در حد خیلی کم و کم به‌عنوان عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران تأثیر دارد؛ و گروه دوم افرادی که معتقد بوده‌اند عوامل ذکرشده در حد خیلی زیاد و زیاد به‌عنوان عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران تأثیر دارد؛ تفاوت معنی‌داری، نسبت دو گروه به شرح جدول یاد شده و به ترتیب در هریک از موارد به شرح زیر است:

۱. در مورد تأثیر ارائه الگو برای مبارزه با نظام سلطه ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۷۵ به ۲۵ درصد است و به این معنی است که ۷۵ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر ارائه الگو برای مبارزه با نظام سلطه به‌عنوان یکی از

عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۲. در مورد تأثیر ایجاد روحیه عدالت‌خواهی در مردم جهان، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۹۳ به ۷ درصد است و به این معنی است که ۹۳ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر ایجاد روحیه عدالت‌خواهی در مردم جهان به-عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۳. در مورد تأثیر اعتماد به نفس در ملت‌های جهان در برابر نظام سلطه، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۸۹ به ۱۱ درصد است و به این معنی است که ۸۹ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر اعتماد به نفس در ملت‌های جهان در برابر نظام سلطه به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۴. در مورد تأثیر ایجاد عمق راهبردی در مناطق حساس و مهم جهان، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۸۲ به ۱۸ درصد است و به این معنی است که ۸۲ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر ایجاد عمق راهبردی در مناطق حساس و مهم جهان به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۵. در مورد تأثیر مبارزه با تروریسم در جهان و جهان اسلام (مبارزه واقعی در نگاه مردم منطقه و جهان)، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۸۶ به ۱۴ درصد است و به این معنی است که ۸۶ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر مبارزه با تروریسم در جهان و جهان اسلام (مبارزه واقعی در نگاه مردم منطقه و جهان) به

عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۶. در مورد تأثیر الگوی نظام مردم‌سالاری دینی، برای جهان و مردم مسلمان، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۸۹ به ۱۱ درصد است و به این معنی است که ۸۹ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر الگوی نظام مردم‌سالاری دینی، برای جهان و مردم مسلمان به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۷. در مورد تأثیر رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی و سیاست خارجی و پابندی به آن، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۸۹ به ۱۱ درصد است و این به این معنی است که ۸۹ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی و سیاست خارجی و پابندی به آن به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۸. در مورد تأثیر شکستن ابهت قدرت‌های بزرگ و پایان شکست‌ناپذیری آن‌ها در نگاه مردم جهان و نفی سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در منطقه و جهان، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و نسبت ۹۳ به ۷ درصد است و به این معنی است که ۹۳ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر شکستن ابهت قدرت‌های بزرگ و پایان شکست‌ناپذیری آن‌ها در نگاه مردم جهان و نفی سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در منطقه و جهان به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۹. در مورد تأثیر دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از اعتماد ملت‌ها و همراهی مردم با محور مقاومت، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۷۹ به ۲۱ درصد است و به این معنی است که ۷۹ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از اعتماد ملت‌ها و همراهی مردم با محور مقاومت به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.
۱۰. در مورد تأثیر نهادینه و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۸۶ به ۱۴ درصد است و به این معنی است که ۸۶ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر نهادینه و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.
۱۱. در مورد تأثیر احیای تفکر معنوی و ارزش‌های دینی در جهان، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۹۶ به ۴ درصد است و به این معنی است که ۹۶ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر احیای تفکر معنوی و ارزش‌های دینی در جهان به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.
۱۲. در مورد تأثیر ایجاد روحیه انتقادی در برابر نظام بین‌الملل، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۹۳ به ۷ درصد است و به این معنی است که ۹۳ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر ایجاد روحیه انتقادی در برابر نظام بین‌الملل به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۱۳. در مورد تأثیر نفوذ تفکر اسلام انقلابی در جهان (صدور انقلاب اسلامی بیداری مردم کشورهای اسلامی)، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۸۹ به ۱۱ درصد است و به این معنی است که ۸۹ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر نفوذ تفکر اسلام انقلابی در جهان (صدور انقلاب اسلامی بیداری مردم کشورهای اسلامی) به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

۱۴. در مورد تأثیر حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان عالم، ارقام جدول نشان می‌دهند نسبت گروه دوم به گروه اول بیشتر است و این نسبت ۹۳ به ۷ درصد است و به این معنی است که ۹۳ درصد پاسخگویان معتقدند تأثیر حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان عالم به‌عنوان یکی از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده است.

تأثیر عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران متفاوت است برای رتبه‌بندی این دست‌آوردها از نگاه خبرگان، از آزمون فریدمن استفاده گردید.

جدول ۶: آزمون آماری فریدمن و تعیین رتبه متغیرها

۲۸	فراوانی
۱۴۰۸۹۷	آماره کای اسکوئر
۷	درجه آزادی
.۳۷	معنی‌داری

نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که سطح معناداری محاسبه شده (۳۷٪) از معناداری در سطح آلفای ۰,۰۵ کوچکتر است؛ لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت تأثیر عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه



ج.ا.ایران متفاوت است. میزان و رتبه اهمیت هریک از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی در جدول زیر آمده است:

جدول ۷: آزمون آماری فریدمن و تعیین رتبه متغیرها

رتبه	عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی	نمره رتبه
۱	ایمان و معنویت	۱۰/۱۴
۲	توکل به خدا و ایمان به نصرت الهی و ایجاد امید و اطمینان به پیروزی و عدم رخنه یاس	۱۰/۱۰
۳	روحیه شهادت طلبی و ایثار و از خودگذشتگی	۹/۳۳
۴	اعتقاد به اصل ولایت فقیه در جامعه	۹/۱۹
۵	اتحاد در بین مردم جامعه ایران	۸/۷۴
۶	اعتماد و ساختن زمینه مشارکت عمومی در انتخابات و راهپیمایی‌ها	۸/۶۰
۷	اعتماد به نفس در ملت و ارتقای روحیه خودباوری	۸/۱۲
۸	استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل نظام سلطه	۷/۶۹
۹	دفاع از مظلومان عالم	۷/۳۴
۱۰	بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر جهانی	۷/۲۲
۱۱	ایجاد قدرت علمی و جنبش نرم‌افزاری	۶/۵۴

ارقام جدول یاد شده نشان می‌دهد که عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح ملی به ترتیب، ایمان و معنویت، توکل به خدا و ایمان به نصرت الهی و ایجاد امید و اطمینان به پیروزی و عدم رخنه یاس، روحیه شهادت طلبی و ایثار و از خودگذشتگی، اعتقاد به اصل ولایت فقیه در جامعه، اتحاد در بین مردم جامعه ایران، اعتماد و ساختن زمینه مشارکت عمومی در انتخابات و راهپیمایی‌ها، اعتماد به نفس در ملت و ارتقای روحیه خودباوری، استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل نظام سلطه، دفاع از مظلومان عالم، بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر جهانی، ایجاد قدرت علمی و جنبش نرم‌افزاری، دارای اهمیت است.

تأثیر عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران متفاوت است برای رتبه‌بندی این دست‌آوردها از نگاه خبرگان، از آزمون فریدمن استفاده گردید.

جدول (۸) آزمون آماری فریدمن و تعیین رتبه متغیرها

۲۸	فراوانی
۱۲,۴۵۶	آماره کای اسکوئر
۷	درجه آزادی
.۳۷	معنی داری

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که سطح معناداری محاسبه شده (۳۷٪) از معناداری در سطح آلفای ۰,۰۵ کوچک‌تر است؛ لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت تأثیر عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی بر جلوگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه علیه ج.ا.ایران متفاوت است. میزان و رتبه اهمیت هریک از عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی در جدول زیر آمده است:

جدول (۹) آزمون آماری فریدمن و تعیین رتبه متغیرها

رتبه	عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی	نمره رتبه
۱	ایجاد عمق راهبردی در مناطق حساس و مهم جهان	۹/۵۴
۲	نفوذ تفکر اسلام انقلابی در جهان (صدور انقلاب اسلامی بیداری مردم کشورهای اسلامی)	۹/۴۵
۳	حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان عالم	۹/۳۳
۴	ایجاد روحیه عدالت‌خواهی در مردم جهان	۹/۲۹
۵	اعتماد به نفس در ملت‌های جهان در برابر نظام سلطه	۸/۶۵
۶	احیای تفکر معنوی و ارزش‌های دینی در جهان	۸/۶۴
۷	رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی و سیاست خارجی و پایبندی به آن	۸/۱۰
۸	دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از اعتماد ملت‌ها و همراهی مردم با محور مقاومت	۷/۷۹
۹	مبارزه با تروریسم در جهان و جهان اسلام (مبارزه واقعی در نگاه مردم منطقه و جهان)	۷/۴۵
۱۰	الگوی نظام مردم‌سالاری دینی، برای جهان و مردم مسلمان	۷/۲۸
۱۱	شکستن ابهت قدرت‌های بزرگ و پایان شکست‌ناپذیری آن‌ها در نگاه مردم جهان و نفی سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در منطقه و جهان	۶/۵۶
۱۲	ایجاد روحیه انتقادی در برابر نظام بین‌الملل	۶/۳۵
۱۳	نهادینه و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم	۶/۱۷
۱۴	ارائه الگو برای مبارزه با نظام سلطه	۵/۸۵

ارقام جدول یاد شده نشان می‌دهد که عوامل تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح فراملی به ترتیب، ایجاد عمق راهبردی در مناطق حساس و مهم جهان، نفوذ تفکر اسلام انقلابی در جهان (صدور انقلاب اسلامی بیداری مردم کشورهای اسلامی)، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان عالم، ایجاد روحیه عدالت‌خواهی در مردم جهان، اعتمادبه‌نفس در ملت‌های جهان در برابر نظام سلطه، احیای تفکر معنوی و ارزش‌های دینی در جهان، رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی و سیاست خارجی و پایبندی به آن، دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از اعتماد ملت‌ها و همراهی مردم با محور مقاومت، مبارزه با تروریسم در جهان و جهان اسلام (مبارزه واقعی در نگاه مردم منطقه و جهان)، الگوی نظام مردم‌سالاری دینی، برای جهان و مردم مسلمان، شکستن ابهت قدرت‌های بزرگ و پایان شکست‌ناپذیری آن‌ها در نگاه مردم جهان و نفی سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در منطقه و جهان، ایجاد روحیه انتقادی در برابر نظام بین‌الملل، نهادینه و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم، ارائه الگو برای مبارزه با نظام سلطه، دارای اهمیت است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به جمع‌بندی از یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی و تحلیل آماری، داده‌ها بیانگر این مطلب بود که همه عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی در دو محیط ملی و فراملی در پیشگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران، تأثیر قابل‌توجهی داشته است؛ و این تأثیر مورد تأیید خبرگان قرار گرفت.

در رتبه‌بندی این عوامل در محیط ملی عوامل ۱-ایمان و معنویت؛ ۲- توکل به خدا و ایمان به نصرت الهی و ایجاد امید و اطمینان به پیروزی و عدم رخنه‌یأس؛ ۳- روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و از خودگذشتگی بالاترین رتبه به عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار و سایر عوامل؛ یعنی اعتقاد به اصل ولایت‌فقیه در جامعه، اتحاد در بین مردم جامعه ایران، اعتماد و ساختن زمینه مشارکت عمومی در انتخابات و راهپیمایی‌ها، اعتمادبه‌نفس در ملت و ارتقای روحیه خودباوری، استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل نظام سلطه، دفاع از مظلومان عالم،

بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر جهانی، ایجاد قدرت علمی و جنبش نرم‌افزاری به ترتیب در رتبه‌های کمتر قرار دارند.

در رتبه‌بندی این عوامل در محیط فراملی، عوامل ۱- ایجاد عمق راهبردی در مناطق حساس و مهم جهان؛ ۲- نفوذ تفکر اسلام انقلابی در جهان (صدور انقلاب اسلامی بیداری مردم کشورهای اسلامی)؛ ۳- حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و مظلومان عالم بالاترین رتبه به عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار و سایر عوامل؛ یعنی ایجاد روحیه عدالت‌خواهی در مردم جهان، اعتماد به نفس در ملت‌های جهان در برابر نظام سلطه، احیای تفکر معنوی و ارزش‌های دینی در جهان، رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی و سیاست خارجی و پایبندی به آن، دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از اعتماد ملت‌ها و همراهی مردم با محور مقاومت، مبارزه با تروریسم در جهان و جهان اسلام (مبارزه واقعی در نگاه مردم منطقه و جهان)، الگوی نظام مردم‌سالاری دینی برای جهان و مردم مسلمان، شکستن ابهت قدرت‌های بزرگ و پایان شکست‌ناپذیری آن‌ها در نگاه مردم جهان و نفی سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در منطقه و جهان، ایجاد روحیه انتقادی در برابر نظام بین‌الملل، نهادینه و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم و ارائه الگو برای مبارزه با نظام سلطه به ترتیب در رتبه‌های کمتر قرار دارند.

#### پیش‌ها

با توجه به اینکه در طول سال‌های بعد از انقلاب، به‌طور مستمر علیه انقلاب اسلامی تهدیدهای مختلفی وجود داشته است، از جمله گزینه نظامی که همواره نظام سلطه بر آن تأکید می‌نموده؛ ولی تاکنون از این ابزار علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده نشده است که یکی از عوامل بازدارنده قدرت نرم انقلاب اسلامی در محیط داخلی و محیط خارجی است.

بخش عمده‌ای از عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی در دو محیط ملی و فراملی به شکل فرهنگی بوده و ظرفیت‌های مناسب دفاعی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد نموده است که با بهره‌برداری از آن می‌توان در مقابل دشمن ایستادگی نمود پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تأکید و توسعه و عمق‌بخشی عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی در دو محیط ملی و فراملی به‌عنوان یک ارزش به‌طور جدی در دستور کار مجموعه‌های فرهنگی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی کشور قرار گیرد؛
- ۲- سازوکار مناسب در سازمان‌های ذی‌ربط برای تعمیق و توسعه این عوامل پیش‌بینی شود؛
- ۳- قوانین و الزامات لازم به منظور حفظ و توسعه و تعمیق عوامل تولید قدرت نرم وضع شود؛
- ۴- نهادینه‌سازی عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی با ابزارهای هنری مورد اهتمام دست‌اندرکاران قرار گیرد؛
- ۵- هرکدام از عوامل نیاز به بررسی عمیق علمی دارد که باید در دستور کار مراکز علمی و تحقیقاتی کشور قرار گیرد.

## منابع

## فارسی

۱. قران کریم.
۲. ابوالفتحی، محمد، پیرمحمدی سعید (۱۳۹۳). تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی بر گسترش بیداری اسلامی در خاورمیانه، فصلنامه سیاست دفاعی شماره ۸۶،
۳. افتخاری، اصغر، جانی پور محمد (۱۳۹۲)، منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران مطالعه موردی وصیت‌نامه شهدای دانشگاه امام صادق (ع)، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی شماره ۹،
۴. افتخاری، اصغر، شعبانی، ناصر (۱۳۸۹)، قدرت نرم نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه غزه. تهران: انتشارات امام صادق (ع).
۵. امام خمینی (۱۳۷۷)، صحیفه نور امام، جلد‌های ۲۲ - ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان (۱۷/۰۷/۱۳۹۲).
۸. پوراحمدی، حسین، جعفری پناه مهدی (۱۳۹۱)، قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات قدرت نرم سال دوم شماره ششم، تابستان ۱۳۹۱
۹. ترقی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، اعتماد به وعده الهی و بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر، تاریخ انتشار ۳۱ خرداد <http://www.shoma-weekly.ir/fa/news>.
۱۰. جمالزاده، ناصر (۱۳۹۱)، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۴،
۱۱. جمالزاده، ناصر، هراتی محمدجواد، هزاوه ای سید مرتضی (۱۳۹۲)، قدرت نرم انقلاب اسلامی در مقابل تهدید نرم، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۳،
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات پاپلی.
۱۳. دهشیری محمدرضا و بهرامی زهرا (۱۳۹۵)، عرصه‌های تقابل هوشمند انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی، فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی، تابستان ۹۵، شماره ۴۵،
۱۴. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵)، جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران، پرتال جامع علوم انسانی، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۵. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، مؤلفه‌های اقتدار نرم‌افزاری جمهوری اسلامی،
۱۶. سعیدی، روح‌الامین، مقدم‌فر حمیدرضا (۱۳۹۳)، دو فصلنامه قدرت نرم سال چهارم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان، ۱۳۹۳

۱۷. شاه‌محمدی، محمد (۱۳۸۵)، ژئوپلیتیک اطلاعات و ارتباطات (بخش اول): فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱۴، پاییز و زمستان: ۲۴-۳۷
۱۸. متقی‌زاده، احمد (۱۳۹۰)، مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات قدرت نرم.
۱۹. محمدی، منوچهر (۱۳۸۸)، برخورد تمدن‌ها یا برخورد با نظام سلطه (پارادایم جدید در روابط بین‌الملل)، فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶، بهار، ۱۳۸۸
۲۰. مرادی، حجت‌اله (۱۳۸۶)، عملیات روانی در عصر انقلاب اطلاعاتی، فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱۷، پاییز: ۵۳-۸۴
۲۱. نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=.19184>





## توانمندی موشکی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (۲۰۱۸-۲۰۰۱)

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی<sup>۱</sup>

مجتبی عزیزی بساطی<sup>۲</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۶

### چکیده

محیط امنیتی پرتلاطم غرب آسیا دارای خصوصیت‌هایی است که سبب می‌شود موشک‌های بالستیک با کارایی و اثربخشی جمعی بتوانند به عنوان یک موازنه‌گر (Equalizer) کلیدی در برابر مزیت‌های کمی و کیفی و برتری‌های نظامی دیگر کشورها در نظر گرفته شوند؛ به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارب جنگ با رژیم بعث عراق و با توجه به تحریم‌های بین‌المللی در زمینه خرید و تجهیز تسلیحات مدرن نظامی به اتخاذ رویکرد خوداتکالی دفاعی در برابر تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای - با تمرکز بر تقویت توانمندی بومی موشک بالستیک روی آورده است. پرسش اصلی مقاله این است که موشک چه جایگاهی در سیاست دفاعی ج.ا. ایران در منطقه غرب آسیا دارد؟ مبنای پاسخ به این سؤال نظریه نواقع‌گرایی است و در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که ج.ا. ایران به دلیل ویژگی‌ها و امتیازات منحصر به فرد موشک و موانع و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی به منظور حفظ موازنه قدرت و جلوگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای، به تقویت توانمندی بومی موشک‌های بالستیک (شامل کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد) پرداخته است. موشک بالستیک در نقش ستون فقرات سیاست دفاعی ج.ا. ایران، مهم‌ترین ابزار این کشور برای ایجاد موازنه قدرت منطقه‌ای است؛ این پژوهش از نوع کیفی و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و مصاحبه عمیق با نوزده نفر از نخبگان بوده و همچنین شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است.

### کلید واژه‌ها

توانمندی موشکی، سیاست دفاعی، غرب آسیا، موازنه قدرت و نواقع‌گرایی.

jdehghani20@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

azizi.mojtaba154@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

غرب آسیا به عنوان یکی از حوزه‌های راهبردی، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و دارا بودن ذخایر انرژی و منابع اقتصادی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی، محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است و هر یک از بازیگران ذی‌نفع و تأثیرگذار تلاش می‌کند تا محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای مدیریت کند که حداکثر منافع خود را در منطقه تضمین نماید؛ به همین دلیل این منطقه همواره عرصه شکل‌گیری موازنه‌سازی‌ها بوده و شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نتیجه این موازنه‌سازی است.

این التهاب دائمی فضای امنیتی، دولت‌های منطقه را ناگزیر از توسعه گسترده توان نظامی و تدارک تسلیحات متعارف و غیرمتعارف در ابعاد وسیع نموده است؛ در این میان به دلیل برتری توان نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا، به‌ویژه در عرصه نیروی هوایی، تسلیحات موشکی به دلایل بسیار مورد توجه خاص قرار گرفته است؛ این مسئله در مورد کشوری مانند ایران که از نظر دسترسی به فناوری‌های پیشرفته نظامی و بازار تسلیحات با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو است و در عین حال از سوی دشمنی به مراتب پرتوان‌تر تهدید می‌شوند، یک اولویت راهبردی تلقی می‌شود؛ زیرا در شرایط موجود، موشک‌ها به دلیل برخورداری از دو مزیت نظامی عمده یعنی توانمندی عملیاتی (برد، سرعت، قدرت تخریب، بقاپذیری و فقدان دفاع کارآمد) و ویژگی‌های منحصر به فرد (انعطاف‌پذیری و هزینه اندک) نسبت به سایر تسلیحات نظامی واجد امتیازاتی هستند که به سبب آن‌ها کشور دارنده می‌تواند با صرف هزینه کمتر و در زمانی کوتاه‌تر به قابلیت موازنه‌سازی دست یابد (قوام ملکی، ۱۳۹۰: ۹۸).

اهمیت اتخاذ این راهبرد قابلیت‌های مرتبط با تمامی حوزه‌های موشکی است که فراتر از مباحث نظامی در ابعاد دیگری از ایجاد و تولید قدرت نقش بازی می‌کند. تولید و استفاده از انواع موشک‌ها با اهداف نظامی - دفاعی امروزه به سطح علمی - کاربردی (صلح‌آمیز) به عنوان فناوری بومی ارتقاء یافته که در دو حوزه مذکور نوعی بازدارندگی مؤثر امنیتی ایجاد خواهد نمود که به واسطه آن جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از یک طرف فعالیت‌های صلح‌آمیز و علمی مؤثر برای رفع نیازهای خود انجام دهد و از طرفی تقویت همه‌جانبه بازدارندگی و تأمین امنیت از طریق توانمندی‌های مرتبط با موشک که صرف نظر از تقویت دفاعی در جنگ‌های

آینده، استفاده از فضا با استقرار سامانه‌های فضایی توسط موشک‌های ساخته شده بومی می‌تواند به اهداف استراتژیک و دفاعی - نظامی مطلوب خود، به‌ویژه موازنه قدرت در سطح منطقه غرب آسیا دست یابد (خواجه پور، ۱۳۹۵: ۷).

### کلیات

#### سؤال اصلی و فرضیه پژوهش

پرسش اصلی مقاله این است که موشک چه جایگاهی در سیاست دفاعی ج.ا. ایران در منطقه غرب آسیا دارد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود: ج.ا. ایران به دلیل ویژگی‌ها و امتیازات منحصربه‌فرد موشک و موانع و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی به منظور حفظ موازنه قدرت و جلوگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای، به تقویت توانمندی بومی موشک‌های بالستیک (شامل کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد) پرداخته است. موشک بالستیک در نقش ستون فقرات سیاست دفاعی ج.ا. ایران، مهم‌ترین ابزار این کشور برای ایجاد موازنه قدرت منطقه‌ای است.

#### روش‌شناسی پژوهش

روش انجام هر تحقیق بر اساس ماهیت موضوع آن تعیین می‌شود؛ بنابراین با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه روش پژوهش در این نوشتار کیفی-تفسیری است که با عنوان روش کیفی نیز شناخته می‌شود. این پژوهش بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و مصاحبه عمیق بوده و شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است؛ بنابراین منابع اطلاعاتی این پژوهش از طریق کتاب‌ها، مقالات و منابع اینترنتی است؛ در این راستا با نوزده نفر از نخبگان حوزه راهبردی امنیتی مصاحبه به مدت ۳۰ دقیقه و مجموعاً ۹ ساعت ۳۰ دقیقه صورت پذیرفته است که اطلاعات تکمیلی آن به شرح جدول زیر است:

جدول شماره ۱: اطلاعات مصاحبه‌شوندگان در پژوهش

مقطع / رشته	روابط بین‌الملل	حقوق بین‌الملل	سایر رشته‌ها. نخبگان دارای تخصص
کارشناسی	-	-	۳
کارشناسی ارشد	۵	۲	۳
دکتری	۴	۲	-
جمع	۹	۴	۶

در این پژوهش تلاش بر آن است که با پذیرش اصول روش کیفی تأثیرات توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران بر موازنه قدرت در غرب آسیا را توضیح داده و سپس تبیین کنیم. راهبرد پژوهشی ما در این نوشتار استفاده از نظریه موازنه قدرت در زمینه توانمندی موشکی خواهد بود. (راهبرد قیاسی) گونه پژوهشی این تحقیق، بنیادی- کاربردی و مطالعه مورد پژوهی و ایستایی خواهد بود.

#### پیشینه پژوهش

در زمینه برنامه موشکی ایران کتاب‌ها، مقالات و گزارش‌های متعددی نگاشته شده است. با توجه به اهمیت و دامنه پژوهشی، موضوع دارای اهمیت مطالعاتی و تحقیقاتی جدید نیز هست؛ در ادامه به صورت موجز به چند مورد از این آثار اشاره می‌شود:

- کتاب «منع اشاعه موشک‌های مافوق صوت: ممانعت از گسترش کلاس جدیدی از تسلیحات» نوشته ریچارد اسپیر و دیگران که موضوع موشک را عمدتاً از جنبه‌های فنی و ابعاد تخصصی آن مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان کتاب بر ضرورت ایجاد رژیم‌های محدودیت‌زای کنترل صادرات جهت جلوگیری از اشاعه عمدتاً افقی موشک‌ها تأکید دارند (Speier & others, 2017).

- مقاله «تحلیل هنجارین رژیم کنترل فناوری موشکی و الزامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران» نوشته نادر ساعد که با تمرکز بر ابعاد حقوقی- بین‌المللی موضوع موشک، به نقد و ارزیابی رژیم‌های دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی در زمینه کنترل صادرات موشکی می‌پردازد (ساعد، ۱۳۸۶).

- کتاب «کنترل تسلیحات و اشاعه موشک در خاورمیانه» نوشته برنند کوبیگ و اسون فیکنشر است. نویسندگان ضمن بررسی موضوع تسلیحات کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه، در تلاش‌اند برنامه موشکی ایران را به برنامه هسته‌ای جهت به‌کارگیری در مقاصد نظامی و غیر صلح‌آمیز پیوند دهند (Kubbig & Fikenscher, 2012).

- مقاله «گفتمان‌ها و رویه‌های دفاع موشکی در مدالیتی‌های مرتبط با بازدارندگی در قرن بیست و یکم» نوشته نیک هاینک که موضوع موشک را از منظر بازدارندگی و نقش آن در راهبرد و سیاست دفاعی - نظامی ایران مورد بررسی قرار داده است (Hynek, 2010).

- مقاله «تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی ج.ا. ایران» نوشته بهادر امینیان و شفق ضمیری است که به معرفی و بررسی رژیم کنترل فناوری موشک و چگونگی تأثیرگذاری آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود (امینیان و ضمیری، ۱۳۹۵).

- رساله دکتری «رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات و امنیت ملی کشورهای در حال توسعه (تأملی بر وضعیت ج.ا. ایران)» نوشته غلامحسین دهقانی که به بررسی تاریخچه و نحوه شکل‌گیری رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات و تأثیرات آن‌ها بر برنامه موشکی و امنیت ملی کشورها با تمرکز بر ایران می‌پردازد (دهقانی، ۱۳۸۸).

#### نوآوری در پژوهش

پژوهش‌های متعددی در زمینه برنامه موشکی ج.ا. ایران و نیز تبیین ابعاد فنی، حقوقی و بین‌المللی آن نیز صورت گرفته است؛ اما نکته حائز اهمیت کمبود ادبیات علمی، جامع و بومی در حوزه تأثیرات برنامه موشکی ج.ا. ایران بر موازنه قدرت در منطقه راهبردی و پرتلاطم غرب آسیا که همواره یکی از مهم‌ترین کانون‌های بحران‌ها و تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، است؛ در این راستا در این پژوهش در نظر است با توجه به خلأ تحقیقاتی موجود، ضمن ارائه تصویری جامع از ماهیت توانمندی موشکی ج.ا. ایران به بررسی اثرگذاری آن بر موازنه قدرت منطقه‌ای بپردازد.

وجه تمایز و نوآورانه این پژوهش در میان آثار متعددی که در زمینه موضوع موشک به رشته تحریر درآمده است، در نوع دید و نحوه نگرش آن به موضوع برنامه موشکی ج.ا. ایران و بررسی تأثیر/تأثیرات آن بر موازنه قدرت در منطقه راهبردی غرب آسیا است؛ در این پژوهش ضمن ارائه تعریف بومی از توانمندی موشکی، مؤلفه‌ها و عوامل شکل‌دهنده موازنه

قدرت منطقه‌ای و شرایط و الزامات معمای امنیتی منطقه مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ موضوعاتی که در آثاری که پیش‌تر ذکر آن رفت به آن‌ها اشاره‌ای نشده است.

### تعاریف

#### موازنه قدرت

موازنه قدرت به عنوان یک وضعیت ناشی از رضایت نسبی کشورها از تقسیم قدرت در میان آنان است. موازنه قدرت به عنوان یک تمایل عمومی و قانون رفتار دولت‌ها در پی پدید آمدن یک عامل بر هم زننده موازنه باعث ترس و وحشت اعضای سیستم خواهد گردید و آنان را به عکس‌العمل متقابل وا خواهد داشت (علی‌بابایی: ۱۳۷۰، ۱۷). موازنه قدرت، قانون رفتار دولت‌هاست؛ بدین معنا که آنان در صورت رویارویی با قدرتی متجاوز و برهم‌زننده تعادل، به تأسیس یک ائتلاف متوازن‌کننده مبادرت ورزیده و از ظهور قدرتی مسلط و برتر جلوگیری می‌کنند (دوئرتی و فالتزگراف: ۱۳۷۲، ۶۷). نظریه موازنه قدرت بر این اصل استوار است که امنیت بین‌المللی زمانی افزایش می‌یابد که قدرت نظامی به نحوی توزیع شده باشد که هیچ دولتی به اندازه‌ای که توانایی تفوق آمدن بر دیگر دولت‌ها را داشته باشد، قدرتمند نباشد؛ این نظریه معتقد است که اگر یک دولت، قدرت فوق‌العاده زیادی داشته باشد از قدرت خود استفاده می‌کند و به کشورهای ضعیف حمله می‌کند (Kegley, 2003: 503).

#### توانمندی موشکی

در خصوص توانمندی موشکی، تعریفی جامع و مورد اتفاق نظر صاحب‌نظران این حوزه وجود ندارد؛ این موضوع از یکسو به دلیل تنوع و اشاعه افقی و عمودی گسترده انواع موشک‌ها و از سوی دیگر به خاطر قابلیت‌ها و تهدیدات فراروی کشورها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است. جمهوری اسلامی ایران بنا به شرایط سیاسی خاص خود از جمله تحریم‌ها، محدودیت‌ها و موانع پیش‌روی برای تأمین تجهیزات نظامی و نیازهای دفاعی-امنیتی و همچنین ماهیت و نوع تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، چاره‌ای جز تنوع‌بخشی در حوزه تولیدات نظامی، به‌ویژه انواع موشک‌ها و با اتکای به قابلیت‌های داخلی ندارد؛ در این راستا در پژوهش حاضر توانمندی موشکی با توجه به دو عنصر مذکور به شکل زیر تعریف می‌شود:

«کشورهایی که دارای فناوری بومی طراحی، ساخت، تولید و پرتاب انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد به‌عنوان سلاح راهبردی هستند».

#### منطقه غرب آسیا

غرب آسیا بیش از آنکه یک مفهوم و اصطلاح جغرافیایی باشد، مفهومی ژئوپلیتیک است و از این‌رو در مورد حدود و ثغور آن تعاریف و دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. غرب آسیا در منطقه بین آسیای مرکزی و آفریقا، اروپای شرقی واقع شده است؛ بخش عمده‌ای از منطقه اغلب به عنوان خاورمیانه اطلاق می‌شود؛ گرچه از لحاظ جغرافیایی، سرزمین اصلی مصر را (که به لحاظ فرهنگی یک کشور خاورمیانه محسوب می‌شود) دربر نمی‌گیرد.

(www.worldatlas.com, 2018, 06, 27) در این راستا در این پژوهش مفهوم غرب آسیا به عنوان جایگزینی برای اصطلاح خاورمیانه به کار می‌رود و شامل پانزده کشور است که عبارت‌اند از یمن، عمان، عربستان، کویت، ایران، قطر، امارات، اردن، رژیم بعث عراق، سوریه، مصر، لبنان، فلسطین و ترکیه است (پیشگاهی فرد و فراهانی، ۱۳۹۲: ۲۵۴).

#### مبانی نظری

موازنه قدرت پس از جنگ جهانی دوم توسط مورگنتا به صورت یک نظریه تدوین شد و سپس متفکرینی چون اسایکمن، آرون، کیسینجر، مکیندر و نیبور آن را تکمیل کردند. در خصوص موازنه قدرت نظریه واحدی وجود ندارد بلکه نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که تمامی آن‌ها ملهم از این فرضیه بنیادی واقع‌گرایی هستند که دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل هستند و تحت فشارهای نظام آنارشیک بین‌المللی به طور عقلایی در پی افزایش قدرت و یا امنیت خود هستند؛ بر اساس این اصل، مکانیسم بقای اجتماع دولت‌ها یا دولت‌های منفرد را وادار به مقابله با تمرکز و انباشت قدرت می‌نماید؛ این امر موازنه قدرت را به عنوان پوشش بنیادین سیاست بین‌الملل مطرح می‌سازد که بازتولید اجتماع دولت‌ها و افزایش بقای واحدها را میسر می‌سازد. علی‌رغم تلاش‌های مورگنتا، نظریه موازنه قدرت تنها پس از بازسازی توسط والتز به جایگاه نظری قابل قبولی دست یافت (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۲).

نواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری را نخستین بار کنت والتز در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» ارائه داد. نواقع‌گرایی نظریه‌ای واقع‌گراست که به اصول و مفروضه‌های محوری واقع‌گرایی کلاسیک مانند کشور محوری، قدرت محوری، موازنه قدرت، یکپارچگی و عقلانیت کشورها و وضع طبیعی بین‌المللی وفادار است؛ اما برخلاف واقع‌گرایی که دیدگاهی در سطح خرد است، نواقع‌گرایی نظریه‌ای در سطح تحلیل کلان یا تصویر سوم است که رویکردی برون به درون به نتایج بین‌المللی و سیاست خارجی دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۵-۳۴). نواقع‌گرایان معتقدند که نظام بین‌الملل بی‌نظم و آنارشیک است؛ این بی‌نظمی البته به معنای هرج و مرج و عدم نظم و نسق و رفتار الگومند نیست؛ همچنین به معنای جنگ تمام‌عیار و مناقشه‌عریان و مستمر نیز نیست؛ بلکه منظور از بی‌نظمی، نوعی اصل نظام بخش و تنظیم‌کننده است که توضیح می‌دهد نظام بین‌الملل از واحدهای سیاسی مستقلی تشکیل شده است که فاقد یک اقتدار مرکزی حاکم بر آن‌ها است (Baldwin, 1993: 29-32). از دیدگاه نواقع‌گرایی، در غیاب یک مرجع و اقتدار مرکزی، مؤثرترین راه تأمین صلح و امنیت بین‌المللی، توزیع برابر قدرت بین قدرت‌های بزرگ است؛ این موازنه می‌تواند فارغ از مقاصد و ویژگی‌های بازیگران، باعث ارتقای نظم، ثبات و صلح بین‌المللی شود.

(Keohane, 1989: 112-113).

نظریه نواقع‌گرایی والتز برای موازنه قدرت جایگاه محوری قائل است. والتز نگاه تاریخی کلاسیک را رها کرده است و نگرش ساختاری به سیاست بین‌الملل را برمی‌گزیند؛ وی در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» با قرار دادن بنیان‌های واقع‌گرایی ساختاری بر نظریه موازنه قدرت، می‌گوید که جریان رقابت در «وضعیت هابزی» برای بقا، زیر فشارهای شدید قرار دارد؛ این فشارها موجب شکل‌گیری انواع متفاوتی از رفتارها در میان بازیگران می‌شود؛ از یکسو بازیگران نظام بین‌الملل را مجبور می‌سازد تا از رفتارهای موفق‌ترین بازیگران الگوپذیری کنند که منجر به ایجاد واحدهای یکسان و همزیستی میان بازیگران می‌شود؛ از سوی دیگر افزایش سریع قدرت یک بازیگر سبب تحریک سایر بازیگران برای افزایش قدرت خود و در صورت کفایت نداشتن، موجب ایجاد اتحاد میان آن‌ها برای جلوگیری از ظهور هژمون بالقوه می‌شود. زمانی که موازنه قدرت برقرار شد، جاه‌طلبی هژمونیک از میان می‌رود؛



بنابراین در وضعیت آنارشیک نظام بین‌المللی، موازنه قدرت همچون «دست نامرئی» آدام اسمیت در بازار عمل می‌کند (سازمند و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵۶). والتز معتقد است که سیاست موازنه قدرت هر زمانی که دو پیش شرط وجود داشته باشد حکم‌فرما خواهد بود: یکی اینکه نظم نظام، آنارشیک باشد و دیگری اینکه نظام پر از واحدهایی باشد که به دنبال بقا باشند (Waltz, 2000: 121). نظریه موازنه قدرت والتز، فرض را برای این قرار می‌دهد که کشورها برای بقا بیشتر تمایل دارند رفتارهای مبتنی بر موازنه ایجاد کنند تا راهبردهای دنباله‌روی. از نظر والتز موازنه به عنوان رفتار، دو گونه پاسخ به تغییرهای تهدیدکننده ساختاری را شامل می‌شود: ۱) موازنه خارجی، هنگامی رخ می‌دهد که دولت‌ها مقابل هژمون بالقوه ائتلاف ایجاد می‌کنند؛ ۲) موازنه داخلی که بیش از هر چیز معطوف به افزایش نیروی نظامی خود است که پیامد احساس فزاینده ناامنی است (Vinci, 2009: 7-8).

التز در بنیان‌گذاری و ترسیم نظریه موازنه قدرت اصول متعددی را مطرح می‌نماید که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱) جایگاه دولت‌ها بر رفتار آن‌ها اثرگذار است؛ ۲) دولت‌ها برای توازن قدرت تلاش می‌نمایند تا به حداکثر رساندن آن‌ها؛ ۳) نظریه موازنه قدرت عرصه سیاست بین‌الملل را به عنوان گستره رقابتی تصور می‌نماید؛ سرنوشت هر دولت بستگی به پاسخ‌های آن به رفتار دولت‌های دیگر دارد؛ رقابت تمایل به یکسان بودن رقابت‌کنندگان را ایجاد می‌کند؛ ۴) تأثیر رقابت، صرفاً محدود به گستره نظامی نیست؛ جامعه‌پذیری نسبت به سیستم نیز رخ می‌دهد (Waltz, 2000: 127).

التز همچنین انتظارات زیر را از موازنه قدرت مطرح می‌کند: ۱) دولت‌ها در رفتار توازن بخشی درگیر می‌شوند و این الزاماً به معنای توازن قدرت نیست؛ ۲) سیستم تمایل شدید به قدرت دارد ولی انتظار بر آن نیست که توازن به صورت دفعی ایجاد شود یا حفظ و پایدار باشد؛ ۳) توازن قوایی که به صورت دفعی از بین برود، مجدداً ایجاد خواهد شد؛ ۴) توازن قدرت مکرراً شکل می‌گیرد؛ ۵) با توجه به رقابتی بودن سیستم دولت‌ها، ویژگی‌های رقبا مشخص خواهد شد؛ ۶) دولت‌ها از یکدیگر تقلید می‌نمایند و بنابراین نسبت به این سیستم جامعه‌پذیر شده یا خواهند شد (Waltz, 2000: 128).

## نوواقع‌گرایی و موازنه قدرت منطقه‌ای

نظریه موازنه منطقه‌ای از منظر نوواقع‌گرایان از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ این امر ناشی از تأکید نظریه‌پردازان نوواقع‌گرا بر موضوع قدرت و امنیت است. افرادی همانند کنت والتز، استفن والت و جان میرشایمر درصدد برآمدند تا موضوع رقابت بازیگران برای قدرت و امنیت را در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد ارزیابی قرار دهند. بر اساس نظریه والتز، موضوع توازن قدرت از این جهت اهمیت دارد که قادر به کنترل منازعات و بحران‌های منطقه‌ای است؛ اگرچه وی به سرشت انسان و دولت در شکل‌گیری جنگ و صلح نیز توجه دارد؛ اما محور اصلی چنین فرایندی را ناشی از چگونگی موازنه و توازن قدرت بین بازیگرانی می‌داند که در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی به رقابت می‌پردازند (والتز، ۱۳۸۲: ۸۷).

اگرچه بین رهیافت واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی درباره چگونگی سازمان‌دهی توازن منطقه‌ای، تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما باید بر این امر تأکید داشت که آن‌ها با یکدیگر دارای مشابهت‌های ادراکی نیز هستند؛ این مشابهت‌ها را می‌توان زیرساخت موضوع قدرت، امنیت، ثبات منطقه‌ای، تعادل منطقه‌ای و همچنین موازنه منطقه‌ای دانست. باید گفت تمام شاخه‌هایی که به شکلی از نظریه واقع‌گرایی منشعب شده‌اند در اصول اساسی با همدیگر تفاوتی ندارند؛ تمامی این شاخه‌ها به‌رغم داشتن تفاوت‌هایی در اصول زیر با هم اشتراک نظر دارند:

الف) در روند سازمان‌دهی توازن منطقه‌ای، دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین کنشگر و بازیگر محسوب می‌شوند؛

ب) نظریه‌پردازان واقع‌گرا و نوواقع‌گرا بر این اعتقادند که آنارشی ویژگی بسیار مهم نظام بین‌الملل محسوب می‌شود؛

ج) از آنجا که سیاست بین‌الملل و توازن منطقه‌ای در شرایط آنارشی شکل می‌گیرد؛ بنابراین طبیعی است که تمامی دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت و امنیت خود باشند؛

د) سازمان‌دهی توازن منطقه‌ای نیازمند آن است که کشورها از ابزارهای متنوعی برای تولید قدرت استفاده کنند (کوپچان، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

با توجه به مؤلفه‌های یاد شده، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که ویژگی نظام بین‌الملل و به‌ویژه شکل توزیع قدرت، الگوی مناسبی برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورها در

روند توازن منطقه‌ای محسوب می‌شود. ضرورت‌های توازن منطقه‌ای ایجاب می‌کند که بازیگران بتوانند از قابلیت‌های درونی خود برای ارتقای ثبات و تعادل در شرایط رقابتی، همکاری جویانه و منازعه آمیز استفاده کنند.

اگر کنش کشورها مبتنی بر الگوهای رقابتی باشد، به مفهوم آن است که رهیافت‌های واقع‌گرایی از اهمیت بیشتری برخوردارند. اگر توازن منطقه‌ای بر اساس الگوهای همکاری جویانه باشد، به منزله آن است که در رهیافت‌های نواقعی‌گرایی تدافعی استفن والت از محوریت برخوردار است؛ در حالی که اگر کنش بازیگران برای ایجاد توازن منطقه‌ای مبتنی بر الگوهای منازعه آمیز باشد، در آن شرایط رویکردهای مبتنی بر نواقعی‌گرایی تهاجمی جان میرشایمر مورد توجه کشورها و بازیگران قرار می‌گیرد (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

رهیافت نواقعی‌گرایی نسبت به موازنه قدرت در سال‌های پس از جنگ سرد با تفاوت‌های قابل توجهی روبه‌رو شده است. نخستین و اصلی‌ترین ویژگی موازنه منطقه‌ای در رویکرد واقع‌گرایی و نواقعی‌گرایی عصر جدید نسبت به سال‌های پیش از پایان جنگ سرد در ساختار دو قطبی را می‌توان انتقال مفهوم موازنه قدرت به حوزه‌های منطقه‌ای دانست؛ بنابراین اصلی‌ترین ضرورت امنیت‌سازی ایران در محیط پرتلاطم غرب آسیا را می‌توان پیگیری الگوهای همانند موازنه منطقه‌ای دانست (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

#### موشک و موازنه قدرت

از نظر واقع‌گرایان و «نواقعی‌گرایان»، مؤثرترین راه برای مهار قدرت توسل به موازنه متقابل است. اصل اساسی در نظریه موازنه قدرت این است که قدرت‌های بزرگ توانمندی نظامی مکفی برای محدود کردن قدرتمندترین دولت در بین خود را فراهم و بسیج می‌نمایند (بروکز و ولفورث، ۱۳۹۲: ۵۱). موازنه قدرت تابعه‌ای است از مجموعه سرمایه‌ها و دارایی‌های ملموس و واقعی - نظیر یگان‌های رزمی و تجهیزات نظامی و سلاح‌های هسته‌ای - که هر قدرت بزرگی در اختیار دارد.

دولت‌ها دو نوع قدرت دارند: قدرت پنهان و قدرت نظامی، این دو شکل از قدرت به طور تنگاتنگی با یکدیگر مرتبط هستند اما کاملاً شبیه هم نیستند؛ چرا که از منابع و سرمایه‌های

متفاوتی مشتق شده‌اند. قدرت بالقوه عناصر اجتماعی - اقتصادی است که در ایجاد و بنیاد قدرت نظامی به کار می‌روند؛ این نوع از قدرت ریشه در میزان ثروت و جمعیت یک دولت دارد. قدرت‌های بزرگ برای تشکیل نیروی نظامی و شرکت در جنگ‌ها به پول و سرمایه، تکنولوژی و نیروی انسانی آموزش‌دیده نیاز دارند و قدرت نهفته یک دولت به مجموع عوامل و نیروهای بالقوه برمی‌گردد که آن دولت می‌تواند در هنگام مبارزه با دولت‌های رقیب بسیج نماید (میرشایمر، ۱۳۸۹: ۶۳). در نظریه موازنه قدرت، در اصل توازن قدرت بالفعل محور اصلی بحث را تشکیل می‌دهد؛ داشتن چنین موقعیتی سبب می‌شود تا رقبای دیگر، نسبی بودن قدرت را مورد ارزیابی مجدد قرار داده و امکان تشکیل ائتلاف‌ها و احتمال تغییر ناگهانی در توازن قدرت یا تقسیم مجدد حوزه نفوذ یا پیشرفت‌های یک‌جانبه تکنولوژیک را مدنظر قرار دهند (جونز، ۱۳۷۳: ۴۹).

در سیاست بین‌الملل، قدرت مؤثر و کارآمد یک دولت در نهایت تابعی از نیروهای نظامی آن و چگونگی و مقایسه این نیروها با نیروهای نظامی دولت‌های رقیب است؛ بنابراین موازنه قدرت به صورت گسترده‌ای مترادف با موازنه قوای نظامی است (میرشایمر، ۱۳۸۹: ۴-۶۳)؛ به همین دلیل کشورهای منطقه از قبیل عربستان، ترکیه، رژیم صهیونیستی، امارات، اردن و ... تلاش می‌کنند از طریق تخصیص بودجه‌های هنگفت نظامی و خرید تجهیزات و تسلیحات نظامی و همچنین ائتلاف با قدرت‌های بزرگ جهانی، برتری و نقش خود را در موازنه منطقه‌ای ارتقا بخشند؛ در مقابل، جمهوری اسلامی ایران به دلیل موانع و محدودیت‌های پیش‌روی خود، به‌ویژه تحریم‌های یک‌جانبه، دوجانبه و چندجانبه در زمینه خرید و تجهیز تسلیحات نظامی، مجبور به اتکای به توانمندی‌های داخلی و بومی در این زمینه است؛ در این راستا ارتقای توانمندی داخلی و بومی تولید انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد، با توجه به مزیت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها می‌تواند مهم‌ترین ابزار قدرت برای حفظ موازنه قدرت منطقه‌ای و پیشگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای و در نهایت جنگ و تجاوز علیه خود باشد.

دو استدلال متفاوت برای عدم شکل‌گیری هژمونی در نظریه توازن/موازنه قدرت مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ دو روایت از اینکه چرا ساز و کار موازنه تقریباً با موفقیت در جهت

ممانعت از شکل‌گیری هژمونی عمل می‌کند: الف) هژمون‌های بالقوه انتظار دارند که رفتار توسعه‌طلبانه آن‌ها به شکل‌گیری ائتلافی نظامی علیه شان بینجامد و در نتیجه، از تجاوز پرهیز می‌کنند؛ ب) هژمون‌های بالقوه در پی سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌شان هستند و در جنگ با ائتلاف کشورهای شکست می‌خورند؛ روایت اول به صلح می‌انجامد؛ اما دومی نه؛ بر این اساس وقوع جنگ حتی جنگ‌های بزرگ، به خودی خود و لزوماً نمی‌تواند شاهدهی علیه نظریه توازن قدرت یا فرضیه موازنه باشد. فرضیه‌های موازنه، اتخاذ استراتژی‌های موازنه‌ای از سوی دولت‌ها و پیامدی از موازنه را پیش‌بینی می‌کند؛ اما در مورد صلح سکوت می‌کند (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۵).

#### اهمیت موازنه قدرت در غرب آسیا

غرب آسیا به عنوان یکی از حوزه‌های راهبردی، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و دارا بودن ذخایر انرژی و منابع اقتصادی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی، محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است و هر یک از بازیگران ذی‌نفع و تأثیرگذار تلاش می‌کند تا محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای مدیریت کند که حداکثر منافع خود را در منطقه تضمین نماید (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). از نظر کنت والتز و دیگر نظریه‌پردازان واقع‌گرا، منطقه غرب آسیا با دو چالش مستمر در خصوص آینده ثابت آن بر پایه توزیع قدرت در میان دولت‌های آن مواجه است: الف) داشتن سلاح‌های هسته‌ای توسط اسرائیل در چارچوب ابهام راهبردی رابطه میان اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه را ذاتاً نامتوازن و بنابراین مستعد منازعه و درگیری می‌سازد؛ ب) دست کشیدن آمریکا از راهبرد مهار دوگانه به نفع سیاست‌های مداخله‌گرایان تهاجمی به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، عراق را به عنوان یک قدرت اصلی در منطقه غرب آسیا و موازنه دوقطبی منطقه‌ای بین عراق و ایران را از بین برد. بر اساس دیدگاه واقع‌گرایان، توزیع متناسب قدرت منجر به ارتقای صلح و ثبات خواهد شد؛ در حالی که توزیع نامتناسب قدرت عدم اطمینان از نیت دولت‌ها که جنگ را به عنوان یک نتیجه احتمالی رقابت امنیتی با حاصل جمع جبری صفر ارزیابی می‌کنند، افزایش می‌دهد؛ در چنین مواردی دولت‌های ضعیف‌تر تمایل دارند که با افزایش قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی از طریق

ابزارهای داخلی یا شکل‌گیری اتحادها موازنه قدرت در برابر رقبای قوی‌تر را ایجاد نمایند (Deep, 2018:2).

کشور ایران به دلیل واقع شدن در منطقه غرب آسیا با مخاطرات، چالش‌ها و تحولاتی عمده‌ای در محیط امنیتی خود روبه‌رو است. غرب آسیا یکی از مناطق استثنایی جهان به شمار می‌رود که هنوز هیچ‌گونه ترتیبات امنیتی توافق شده و پایداری در آن ایجاد نشده است؛ این منطقه همچنان با حجم وسیعی از بی‌ثباتی و ناامنی مواجه است و حتی با وجود موفقیت مناطق عمده جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه‌ای در استقرار نظام امنیتی جامع و پایدار و با وجود برخی تلاش‌های انجام گرفته، هنوز هیچ‌گونه نشانه‌ای جدی از استقرار این‌گونه نظام امنیتی در محیط پیرامونی ایران به چشم نمی‌خورد (واعظی، ۱۳۹۲: ۱۷).

موازنه‌گرایی از جمله اصول ثابت در مجموعه دیدگاه‌های واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی است که دلیل مخالفت قدرت‌های بزرگ را با اقدامات قدرت هژمون و یا اقدامات یکدیگر به وضوح نشان می‌دهد (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۳). دولت‌ها تلاش می‌کنند تا از موازنه قدرت برای جلوگیری از تسلط یک قدرت سیطره‌جو (هژمون) استفاده کنند (Waltz, 2000:18). کشورهای که احساس تهدید می‌کنند از طریق موازنه سازی درون‌گرا، یعنی تقویت و افزایش توانایی‌های خود، یا موازنه سازی برون‌گرا، در چارچوب اتحادها و ائتلاف‌های نظامی به مقابله با کشور برهم‌زننده موازنه قوا برمی‌خیزند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۹). در دیدگاه نواقع‌گرایی، موازنه از دو راه تحقق خواهد یافت اول موازنه متعارف از طریق توازن سلاح‌های متعارف و ورود به ائتلاف‌های رسمی و یا از راه دوم موازنه نامتعارف از طریق کسب بازدارندگی هسته‌ای (جوکار، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

نظام موازنه منطقه‌ای مبتنی بر تعادل قدرت و کنشگری بازیگرانی است که درصدد دستیابی به قدرت مازاد یا جایگاه برتر در فضای منطقه‌ای هستند. کشورهایی که از الگوی تضاد مستقیم بهره می‌گیرند، دیر یا زود در شرایط رویارویی قرار می‌گیرند؛ مگر اینکه با تهدید مشترکی روبه‌رو شده و یا به تولید قدرت برای ایجاد توازن مبادرت کنند. کشورهایی که درصدد هژمونی منطقه‌ای یا بین‌المللی هستند، عموماً با چنین مخاطراتی روبه‌رو می‌شوند (Roskin & Berry, 1992:139).

## ویژگی‌های موشک‌های بالستیک

بالستیک از واژه بالین یونانی به معنای پرتاب کردن گرفته شده است؛ این واژه در آثار راهبردی معاصر معمولاً در پیوند با موشک به کار می‌رود - مانند موشک بالستیک میان‌قاره‌ای و یا موشک بالستیک قابل پرتاب از زیردریایی - در تعریف موشک بالستیک گفته می‌شود که «موشکی است که یک منحنی بالستیکی را تا زمانی که سوخت پایان می‌یابد طی می‌کند و ممکن است بخشی از این خط سیر در خارج از جو زمین باشد» (Robertson, 1987: 34). موشک بالستیک همچون یک گلوله توپ و یا خمپاره به وسیله یک انفجار و با یک سازوکار از پیش تنظیم شده پرتاب می‌شود و سپس برای ادامه خط سیر خود به طور آزاد عمل و با سقوط آزاد و بدون کنترل به سمت هدف سرازیر می‌شود؛ این موشک خیلی سریع و در مدت زمان نسبتاً کوتاهی سوخت خود را از دست می‌دهد و این، سرعت کافی را برای ادامه مسیر در اختیار آن می‌گذارد؛ در واقع بیشتر موشک‌های بالستیک به سرعت از جو زمین عبور می‌کنند و شتاب جاذبه را برای ورود مجدد انباشت می‌سازند. موشک‌های بالستیک، خودکار و دارای سکوی پرتاب هدایت شونده‌اند. زمان پرواز - که ممکن است بخشی یا تمام آن در خارج از جو زمین باشد - از چند دقیقه برای سیستم‌های تاکتیکی کوتاه برد تا حدود سی دقیقه برای موشک‌های میان‌قاره‌ای در نوسان است (Harvey, 1992: 44). مسیر پروازی موشک‌های بالستیک شامل سه قسمت است: بخش قدرتی، بخش پرواز آزاد (که بیشترین زمان پرواز را شامل می‌شود) و بخش ورود مجدد (که در این بخش موشک مجدداً با جو زمین وارد می‌شود) (خادم حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). پیش از پرتاب، مختصات هدف و نقطه پرتاب وارد صفحه رایانه‌ای موشک می‌شود و سیستم هدایت و کنترل با استفاده از اطلاعات لازم، جهت‌یابی و موشک را هدایت می‌کند؛ به طوری که ضربت نهایی کلاهک دارای بردار سرعت مناسب برای رسیدن به هدف می‌شود (Harvey, 1992: 44).

موشک‌های بالستیک ویژگی‌های منحصربه‌فرد دارند که آن‌ها را برای مأموریت‌های خاصی جذاب می‌سازد؛ مقابله با این موشک‌ها به وسیله توانایی‌های ضد موشکی به دلیل سرعت زیاد، به سادگی امکان‌پذیر نیست؛ این سلاح‌ها به لحاظ عدم نیاز به آموزش سطح بالا، پایین بودن

هزینه‌های نظامی، آسیب‌ناپذیری برای سازوکارهای دفاعی و اثر روانی بر مردم شهرها، جنگ‌افزارهای مهمی محسوب می‌شوند؛ علاوه بر هزینه پایین و دقت بالا، برای کشورهایی که توانایی‌شان در مورد دستیابی، نگهداری و استفاده از نیروی هوایی محدود است، بسیار به صرفه هستند (Karp, 1995: 116). امروزه، ده کشور در منطقه غرب آسیا دارای انواع موشک‌های بالستیک در زرادخانه‌های خود هستند.

<https://www.armscontrol.org/factsheets/missiles>, (2018/10/02)

موشک‌های بالستیک در طول چند دهه اخیر بارها در منطقه غرب آسیا مورد استفاده قرار گرفته‌اند: جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی (۱۹۷۳)؛ جنگ ایران و رژیم بعث عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)؛ حمله لیبی به لیبی دوسا سیسیل (۱۹۸۶)؛ جنگ افغانستان (۱۹۸۸)؛ جنگ خلیج فارس (۱-۱۹۹۰)؛ جنگ داخلی یمن (۱۹۹۴)؛ (کرمی، ۱۳۷۵: ۹-۳۸)؛ جنگ یمن با نیروهای ائتلاف (۲۰۱۷-۲۰۱۸)؛ حمله آمریکا به سوریه (۲۰۱۸)؛ و حملات ایران به مواضع داعش در سوریه و حزب دموکرات کردستان در عراق (۸-۲۰۱۷).

#### مروری بر برنامه موشکی ایران

اولین تلاش‌های ایران برای به دست آوردن موشک‌های بالستیک به سال‌های پایانی حکومت پهلوی بازمی‌گردد. در اواخر دهه ۷۰ میلادی شاه با نزدیکی به آمریکا درخواست خرید موشک‌های سطح به سطح برد کوتاهی نمود که این کشور به همسایه ایران یعنی ترکیه فروخته بود؛ زمانی که این درخواست عملیاتی نشد، محمدرضا شاه به سمت رژیم صهیونیستی برای تولید مشترک یک موشک بالستیک با قابلیت حمل کلاهک‌های متعارف و هسته‌ای متمایل شد؛ در ۱۹۷۷ دو کشور توافقنامه سری امضا کردند که به موجب آن ایران بایستی یک میلیارد دلار جهت هزینه‌های تحقیقات و توسعه موشک می‌پرداخت و همچنین یک سایت پرتاب را ایجاد نماید؛ هم‌زمان شاه تلاش‌های مخفیانه‌ای را برای دستیابی به قابلیت‌های هسته‌ای دنبال نمود. ایران بخشی از تعهدات مالی خود را در چارچوب پروژه مشترک با رژیم صهیونیستی پرداخت نمود؛ ولی وقوع انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹ پایانی بر این تلاش‌ها جهت دستیابی به قابلیت موشک‌های بالستیک بود (Taremi, 2005: 95).



با شروع جنگ ایران و عراق، ارتش رژیم بعث عراق از همان ابتدای جنگ با موشک‌های اسکاد-بی و فراگ-هفت به بمباران شهرهای ایران اقدام نمود. ضرورت بازداشتن رژیم بعث عراق عامل اصلی از سرگیری تصمیم دستیابی به موشک‌های بالستیک بود. رژیم بعث امیدوار بود که با حملات موشکی به شهرها و مراکز غیرنظامی اراده مقاومت ایرانیان را در هم شکند و آن‌ها را به تسلیم وادارد؛ اما با نتیجه‌بخش نبودن این رویکرد رژیم بعث عراق الگوی حملات خود را تغییر داد. اگر در سال‌های آغازین جنگ حملات در تمام طول سال و عمدتاً متمرکز بر شهرها و مراکز ایرانی نزدیک به مرز بود؛ اما از ۱۹۸۵ حملات رژیم بعث عراق در دوره‌های زمانی محدودی و عمدتاً با تمرکز بر شهرها و مراکز دور از میدان‌های نبرد (مانند تهران، اصفهان و شیراز) رخ داد؛ این دوره‌های فشرده حملات موشکی و توپخانه‌ای رژیم بعث عراق به عنوان «جنگ شهرها» شناخته شد. در طول جنگ شهرها (مارس ۱۹۸۵، ژانویه ۱۹۸۷ و ۲۹ فوریه تا ۱ می ۱۹۸۸) بیش از ۳۰ شهر ایران مورد حملات شدید موشکی و توپخانه‌ای رژیم بعث عراق قرار گرفت. بر اساس برخی گزارش‌ها در طول جنگ شهرها از میان شهروندان و غیرنظامیان ۴۰۰۰ تن کشته و ۱۲۰۰۰ تن زخمی شدند (Taremi, 2005:96).

ایران در ۱۹۸۴ در پاسخ ابتدا تلاش کرد که سامانه‌های موشکی اسکاد-بی را به طور کامل از کشورهای سوریه و لیبی و بعدها کره شمالی خریداری نماید؛ ولی با توجه به اینکه تعداد موشک‌های اسکاد-بی به دست آمده توسط ایران از بازار سیاه محدود بود، ایران تصمیم گرفت فناوری و تجهیزات لازم را از چین برای تولید راکت‌های توپخانه‌ای چینی که با نام «عقاب» و با برد ۴۰ کیلومتر و قابلیت حمل کلاهک ۷۰ کیلوگرمی در ایران طراحی شدند، خریداری نماید؛ به عبارت دیگر ایران در این مرحله در حال گام برداشتن به سمت ایجاد یک صنعت موشکی بالستیک مستقل و بومی بود (Cordesman & Wagner, 1990:205-230). ایران در دهه ۱۹۹۰ به منظور جلوگیری از تکرار حوادث تلخ گذشته تقویت توان نظامی را به عنوان یکی از رئوس اصلی برنامه نوسازی خود قرار داد، به نحوی که هیچ‌کس جرئت حمله به ایران را پیدا نکند (Hashim, 1994:163).

در اوایل دهه ۱۹۹۰ ایران در نتیجه تلاش‌ها و همکاری‌های علمی، فنی و نظامی خود با برخی کشورها از جمله کره شمالی، چین و روسیه توانست از یک واردکننده صرف موشک به

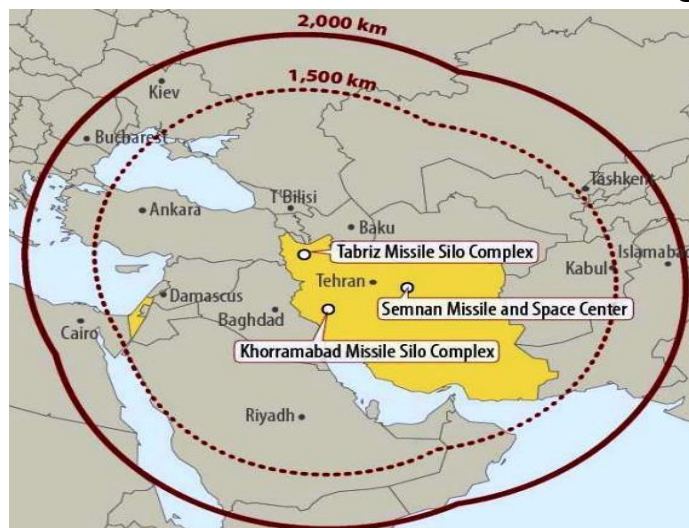
تولیدکننده موشک به صورت محدود در سطح جهان تبدیل شود. ایران در ۱۹۹۱ موشک بالستیک با عنوان اسکاد-سی کره شمالی، در ۱۹۹۶ موشک کروز سطح به سطح چینی -۸۰۲C و در ۱۹۹۷ موشک‌های کروز هواپایه چینی -۸۰۱C را آزمایش کرد؛ نهایتاً ایران در ژانویه ۱۹۹۸ ساخت موشک برد متوسط شهاب ۳ را به پایان رساند و در جولای همان سال آن را آزمایش کرد؛ این موشک ۱۶ متری با برد ۱۳۰۰ کیلومتر و قابلیت حمل محموله ۱۰۰۰ کیلوگرمی بسیاری از معادلات کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای را تغییر داد (Cordesman, 2014: 7)؛ پس از آزمایش موشک شهاب ۳ توانمندی موشکی ایران مورد توجه جهانیان، به‌ویژه رژیم صهیونیستی، امریکا و کشورهای عرب حاشیه جنوب خلیج فارس قرار گرفت.

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب آن حملات نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا به افغانستان (۲۰۰۱) و رژیم بعث عراق (۲۰۰۳) محیط امنیتی ایران به شدت دستخوش تغییر گردید. در سال ۲۰۰۳ پرونده هسته‌ای ایران به صورت گسترده‌ای در سطح جهانی مطرح گردید؛ این موضوع در کنار برجسته‌تر شدن موضوعاتی از قبیل تروریسم، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی (هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی) و موشک‌های بالستیک، بازیگران غیردولتی و کشورهای یاغی باعث شد که فعالیت‌های موشکی ایران با دقت و حساسیت بیشتری از سوی دیگر کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال گردد؛ در این دوره به‌رغم موانع، محدودیت‌ها و مشکلات پیش‌روی، جمهوری اسلامی ایران به دست‌آوردهای چشم‌گیری - به اذعان بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران بین‌المللی - در زمینه توانمندی موشکی دست یافت؛ در این دوره ایران به خوداتکایی و توانمندی بومی در زمینه طراحی، ساخت و پرتاب انواع موشک بالستیک (شامل کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد) دست یافت؛ به طوری که این برهه زمانی را می‌توان «دوران بلوغ» برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران نامید.

#### توانمندی موشکی ج.ا.ایران

شاخصی که در مورد موشک‌های بالستیک بیش از همه بر آن تأکید می‌شود، برد آن‌هاست. (۱) ایران موشک‌های بالستیک خود را در طیفی از بردهای ۱۵۰ تا ۵,۰۰۰ کیلومتر طبقه‌بندی می‌کند (اعم از کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد) و معتقد است این توانمندی، کمبودهای نیروی

هوایی آن را جبران می‌کند اما توسعه آن نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بیشتر است (Toakan & Cordesman, 2014:115). نیروی موشکی ایران برد گسترده‌ای از اهداف راهبردی را پوشش می‌دهد که از یک سو شامل موشک‌های کوتاه برد است که اهداف محصور و محدود نیروی زمینی را پوشش می‌دهد و از سوی دیگر شامل موشک‌های میان برد و دوربرد می‌شود که قادر به پوشش سراسری اهداف منطقه‌ای است (تصویر شماره ۱). موشک‌های دوربرد دارای ارزش راهبردی و سیاسی برای ایران هستند؛ اما هنوز امکان پیش‌بینی برد و دقت آن‌ها ممکن نشده است (Cordesman, Cordesman, 2014:65; 7-6). به همگرایی امنیتی و مجتمع امنیتی منطقه‌ای اختلافات منطقه‌ای است (آشوری، ۱۳۸۹).



تصویر شماره ۱: برد موشک‌های ایران در منطقه (Source: Steven, 2012: 4)

جمهوری اسلامی ایران از انواع موشک‌ها در طول دهه‌های اخیر برای افزایش توانمندی موشکی و رفع تهدیدات پیرامونی بهره گرفته است. عمده‌ترین مزیت کلیدی برنامه موشکی ج.ا.ایران دارا بودن زنجیره کامل فناوری موشکی است؛ به طوری که بر اساس ارزیابی تارنمای «ورلد بلیز»<sup>۱</sup> ایران در میان ده کشور برتر جهان در زمینه فناوری موشکی در سال ۲۰۱۸ است؛ به این معنا که ایران دارای توانمندی بومی طراحی، ساخت و پرتاب انواع موشک‌های

1. World Blaze

کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد است. برخی از مهم‌ترین نمودهای عینی گونه‌شناسی ذخایر موشکی ج.ا.ایران در جدول شماره ۲ ذکر شده‌اند.

جدول شماره ۲: برخی از انواع موشک‌های ایران (Source: Erasto, 2017: 3)

موشک	برد (کیلومتر)	سوخت	وضعیت	منشأ
زلزال-۱	۱۲۵	جامد	عملیاتی	بومی
زلزال-۲	۲۰۰	جامد	عملیاتی	بومی
فاتح ۱۱۰	۲۰۰-۲۲۵	جامد	عملیاتی	بومی
خلیج فارس	۲۰۰-۲۲۵	جامد	عملیاتی	بومی
هرمز ۲&۱	۲۰۰-۲۲۵	جامد	عملیاتی	بومی
فاتح ۳۱۳	۳۰۰-۳۲۵	جامد	عملیاتی*	بومی
شهاب-۱	۳۰۰	مایع	عملیاتی	اسکاد بی
شهاب-۲	۵۰۰	مایع	عملیاتی	اسکاد سی
قیام	۷۰۰	مایع	عملیاتی	اسکاد سی
سجیل-۲	۲,۰۰۰	جامد	در حال توسعه	بومی
شهاب-۳	۸۰۰-۱,۰۰۰	مایع	عملیاتی	نودانگ
قدر	۱,۶۰۰	مایع	عملیاتی	نودانگ
عماد	۱,۶۰۰	مایع	در حال توسعه	نودانگ
خرمشهر	۲,۰۰۰	مایع	در حال توسعه	نودانگ

روند رو به گسترش تقویت و توسعه ساختار برنامه موشکی ایران نشانگر دو هدف عمده

در سیاست دفاعی است؛ پیشرفت موشکی ایران از یک سو باعث افزایش و تقویت قدرت نظامی و دفاعی این کشور در روابط با منطقه و فرامنطقه شده و از سوی دیگر باعث گسترش توان بازدارندگی به خارج از مرزهای آن شده است. از پیامدهای مهم توسعه توان موشکی کشورها در جهان امروز، کاهش اهمیت جغرافیا است؛ بنابراین تقویت فعالیت‌های موشکی این توانمندی را برای ایران به وجود می‌آورد تا برای ورود به جنگ و درگیری، هم‌مرز بودن با دشمن برای دفع تهدیدات جزء اولویت‌های مهم نباشد؛ چون استفاده از موشک‌های دوربرد و با دقت بیشتر قدرت بازدارندگی را به خارج از مرزها تسری داده است؛ هم‌چنین موفقیت‌های ایران در افزایش قابلیت‌های موشکی از لحاظ دقت و برد، قدرت ضربتی نیروهای مسلح را تا حد زیادی افزایش داده و توان ویژه دفاعی به ایران داده است که در این صورت سیاست دفاعی آن قادر خواهد بود با

تهدیداتی که از دور دست متوجه امنیت ملی و استقلال سیاسی کشور است، مقابله کند؛ بر این اساس دامنه راهبرد دفاعی امنیتی ایران با تحول در فناوری سامانه موشکی به فراتر از مرزهای جغرافیایی اشاعه یافته و همچنان در حال گسترش است (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۶-۶۷).

از دید بسیاری از کشورهای منطقه و فرامنطقه، امروزه ایران دارای بیشترین و متنوع‌ترین موشک‌های بالستیک در منطقه غرب آسیا است؛ که روزبه‌روز در حال توسعه آن‌هاست؛ این توانمندی موشکی از احتمال حمله علیه ایران جلوگیری کرده و حتی وسیله‌ای برای ارباب محسوب می‌شود (Elleman, 2010: 3)؛ آن‌ها معتقدند اهداف استراتژیک عینی و معقول ایران از دست‌یابی به این نوع موشک‌ها در درجه نخست بقای نظامی و سپس تبدیل شدن به قدرت نخست منطقه و در نهایت مرکزیت فناوری، علمی و اقتصادی است (Hildreth, 2012: 12).

شایان ذکر است با توجه به موقعیت سرزمینی ایران، داشتن موشک شاید تنها ابزار راهبردی در جنگ‌های منطقه‌ای باشد که کارکرد خود را در جنگ‌های دهه‌های اخیر منطقه غرب آسیا به وضوح نشان داده است؛ چنان‌که در جنگ ایران و رژیم بعث عراق، در مرحله‌ای که از آن به عنوان جنگ شهرها یاد می‌شود، از موشک‌های بالستیک نوع اسکاد بسیار استفاده شد و در نهایت، به دنبال تخریب و ویرانی بسیاری که در این مرحله به بار آمد، جنگ پایان یافت و این امر اثر تعیین‌کننده موشک‌ها در جنگ را نشان داد؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران دفاع موشکی را به عنوان گزینه‌ای گریزناپذیر در مقابل تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود می‌داند (شهبازی و سلطانی، ۱۳۹۶: ۳۵۴).

روی هم رفته، می‌توان برخی از مهم‌ترین توانمندی‌ها و قابلیت‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران را در موارد زیر خلاصه نمود: (۱) پراکندگی پایگاه‌های موشکی در تمام کشور؛ (۲) دارا بودن توانمندی موشک از اعماق زمین و سیلوه‌های زیرزمینی؛ (۳) برخورداری از زمان کوتاه آماده‌سازی؛ (۴) دارا بودن سامانه پرتاب متحرک؛ (۵) برخورداری از شتاب و سرعت بسیار بالا و کاهش امکان ردیابی در مراحل اولیه؛ (۶) دارا بودن قابلیت حمل موشک آماده شلیک؛ (۷) برخورداری از سرعت مافوق صوت؛ (۸) دارا بودن وسعت عمل و پوشش بالا؛ (۹) استفاده از آلیاژهای خاص در ساخت موشک‌ها به منظور جذب امواج رادارها و دارا بودن قابلیت

رادارگریزی؛ ۱۰) دارا بودن کلاهک سه قسمتی؛ ۱۱) برخورداری از دقت بالا در برخورد به هدفها؛ ۱۲) دارا بودن توانایی هدف قرار دادن مراکز حیاتی و حساس دشمن (نصیری، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

### سیاست دفاعی

سیاست دفاعی هر دولتی از سیر تحول تاریخی، اجتماعی، ایدئولوژیک و فرهنگ و سنت‌های دفاعی ملت و نیز موقعیت ژئوپلیتیک، چارچوب استراتژیک و فناوری‌ها و عوامل اقتصادی کشور سرچشمه می‌گیرد؛ این موضوع موجب شده است که ارائه یک نسخه برای سیاست دفاعی دولت‌های مختلف امکان‌پذیر نباشد. برای مفهوم سیاست دفاعی، تعاریف متعددی ارائه شده است؛ در تعریفی گسترده، سیاست دفاعی به راه‌کارهای کلی طراحی شده یک دولت در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای دفع تهدیدهای امنیتی اطلاق می‌شود؛ در این مفهوم سیاست دفاعی فرایند هماهنگ کردن این ابزارها برای دفع تهدیدها و تأمین اهداف ملی است (کرمی، ۱۳۸۰: ۶۱). به‌طور کلی سیاست دفاعی کشورها ممکن است به یکی از اشکال زیر باشد:

۱) سیاست دفاعی کاملاً متکی به خود: برخورداری از قدرت مناسب و کافی یا وضعیت محیط امنیتی کاملاً هرج و مرج گونه که ناامنی و عدم اطمینان بر آن حاکم است از جمله دلایل اتخاذ چنین سیاست دفاعی هستند؛

۲) سیاست دفاعی متکی به هم‌پیمانان نظامی: در وضعیتی که احتمال تبدیل یک بازیگر منطقه‌ای به قدرت فائقه وجود دارد؛ سایر بازیگران برای ایجاد موازنه در مقابل آن به سمت استراتژی اتحاد متمایل می‌شوند. محیط امنیتی مبتنی بر موازنه قدرت، شرایطی مساعد برای این سیاست دفاعی تلقی می‌شود؛

۳) سیاست دفاعی متکی به قراردادهای پایدار و فراگیر: چنانچه در سطح نظام بین‌المللی و یا یک منطقه، نظام امنیت جمعی و یا رژیم امنیتی شکل گرفته باشد، دولت‌ها می‌توانند امنیت خود را در چارچوب آن نهادها تأمین کنند؛

۴) سیاست دفاعی غیر تحریرآمیز: هرگاه محیط امنیتی به سوی وضعیت یک رژیم امنیتی نزدیک باشد، سیاست دفاعی دولت‌ها می‌تواند غیر تحریرآمیز باشد (کرمی، ۱۳۸۰: ۶۷-۶۶).

#### موشک و سیاست دفاعی ایران

کالین گری در کتاب «سلاح، جنگ‌افروز نیست» می‌گوید که فرایند دست‌یابی به تسلیحات به‌شدت تحت تأثیر سه عنصر احساس خطر، امکان یا عدم امکان دست‌یابی به برخی سامانه‌های تسلیحاتی و افکار عمومی قرار دارد (گری، ۱۳۸۷: ۱۲۱). موشک‌های بالستیک از جمله جنگ‌افزارهایی هستند که ورود آن‌ها به زرادخانه‌های نظامی کشورها به دلیل برخورداری از دقت، برد، سرعت، آسیب‌ناپذیری دفاعی، قابلیت حمل کلاهک‌های کشتارجمعی و نفوذ آسان در مرزها، راهبردهای نظامی و منازعات را متأثر ساخته‌اند (کرمی، ۱۳۷۵: ۴۳)؛ این تسلیحات که با تعبیراتی چون «سلاح وحشت»<sup>۱</sup>، «نیروی هوایی فقرا»<sup>۲</sup> و یا «سیاست بالستیک»<sup>۳</sup> از آن‌ها یاد می‌شود بیش از پیش مورد توجه کشورهای جهان سوم واقع شده‌اند؛ به طوری که امروزه ۳۱ کشور<sup>۴</sup> در باشگاه دارندگان موشک بالستیک قرار دارند و دیگران نیز در صدد ورود به این مجموعه هستند (کرمی، ۱۳۷۵: ۳۸).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌های بسیاری برای افزایش توان دفاعی انجام شد؛ اما برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در صنعت موشکی پیشرفته، مهم‌ترین تلاش در زمینه افزایش توان دفاعی بوده است. اقتدار موشکی نه تنها جزئی از سیاست دفاعی مبتنی بر بازدارندگی متعارف ایران است، بلکه مرکز آن نیز به شمار می‌رود. سیستم نظامی ایران در زمان پهلوی دوم با تسلیحات آمریکا شکل گرفت. در پی انقلاب و حمله رژیم بعث عراق به ایران، جمهوری نوپای اسلامی خود را به لحاظ توان نظامی و به‌ویژه نیروی هوایی بسیار ضعیف و از منظر روابط

1. The Weapon of Terror
2. The poor man's air power
3. Ballistic Policy

۴. افغانستان، ارمنستان، بحرین، بلاروس، چین، مصر، فرانسه، گرجستان، یونان، هند، ایران، عراق، رژیم صهیونیستی، قزاقستان، لیبی، کره شمالی، پاکستان، رومانی، روسیه، عربستان، اسلواکی، کره جنوبی، سوریه، تایوان، ترکیه، ترکمنستان، امارات عربی متحده، انگلیس، آمریکا، ویتنام و یمن.

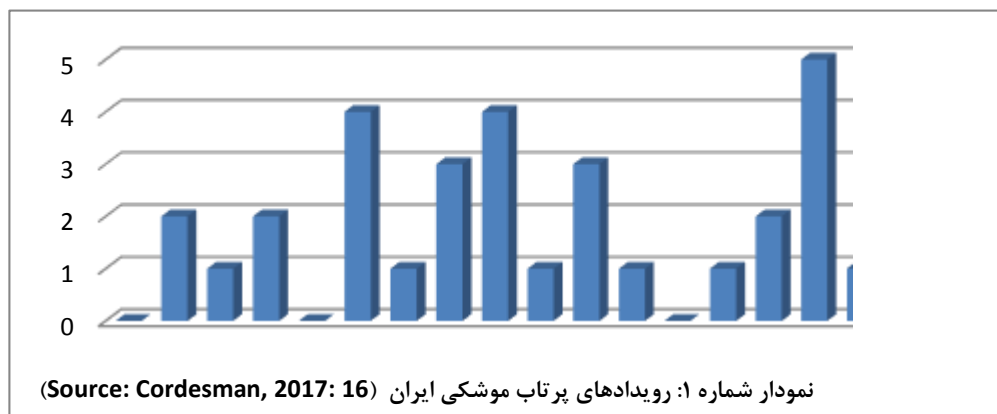
بین‌المللی منزوی می‌دید؛ چون نیروی هوایی تنها به تجهیزات باقی مانده از دوران شاه مجهز بود که بعد از انقلاب، به دلیل تحریم تسلیحاتی از بازسازی آن محروم شد و در جنگ تحمیلی دچار رکود شد؛ بنابراین برای جبران کمبودهای خود به سمت تسلیحات جایگزین، مانند موشک رفت. تسلیحات موشکی در مقایسه با هواپیماهای جنگی و دیگر ادوات نظامی، به فناوری بسیار بالا نیاز ندارد و هزینه تولید و توسعه آن‌ها نیز کمتر است؛ همچنین تولید موشک‌ها برای کشورهایی چون ایران که در دستیابی به فناوری‌های پیشرفته با محدودیت‌هایی مواجه هستند، به دلیل نیاز به زیرساخت‌های کمتر، آسان‌تر است. ایران با سرمایه‌گذاری بر روی ظرفیت‌های صنایع داخلی و واردات فناوری‌های تسلیحاتی از شوروی سابق، چین و کره شمالی موفق شد با وجود دسترسی اندک به فناوری غرب در راه رسیدن به اهداف دفاعی خود، گام‌های بلندی بردارد (قوام ملکی، ۱۳۹۰: ۱۰۶-۱۰۵).

این گزاره کلیدی و راهبردی و یا تمثیل توان موشکی به مثابه ستون فقرات برای راهبرد بازدارندگی ایران، پیش از آنکه ما را به سمت بررسی ابعاد قدرت موشکی ایران سوق دهد، به کنکاش در چرایی اتخاذ چنین رویکردی ترغیب می‌سازد. در دوران جنگ تحمیلی فقدان یک سلاح راهبردی تعیین‌کننده به گونه‌ای که امکان پاسخ متقابل به حملات متواتر رژیم صدام را فراهم سازد از یکسو و حملات موشکی صدام به مناطق مسکونی و غیرنظامی که جنگ شهرها نامیده می‌شد و ناشی از ضعف ایران در برخورداری از سیستم‌های پیشرفته دفاع هوایی و سامانه‌های دفاع موشکی و ضد موشکی بود از سوی دیگر سبب شد که سیاست‌سازان دفاعی کشور متقاعد و بلکه ناچار گردند در پی دستیابی به سامانه‌های موشکی و ضد موشکی بازدارنده باشند (Chubin, 1994: 22-23)؛ بنابراین در طول سال‌های پس از جنگ و علی‌الخصوص در دو دهه اخیر، دستیابی به فناوری‌های مرتبط با انواع موشک‌های پیشرفته، کانون محوری تلاش ایران در جهت افزایش قدرت دفاعی و حفظ موازنه قدرت منطقه‌ای بوده است.

در این راستا سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در زمینه موشک نه تنها در راستای حل مشکل راهبردی ایران بلکه توسعه و تولید موشک شیوه مقرون به صرفه برای غلبه بر عدم توازن منطقه‌ای و همچنین غلبه بر نیروی هوایی قوی‌تر کشورهای منطقه بود؛ همچنین ایران از طریق



موشک می‌توانست مشکل عدم دسترسی به قطعات یدکی تسلیحات نظامی را جبران کند (پوراآخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۳-۱۷۲).



به عقیده اوزی رابین<sup>۱</sup> هیچ فناوری نظامی و موشکی به اندازه موشک‌های بالستیک، ایران را در رسیدن به دو هدف مهم؛ یعنی نمایش تسلیحات جنگی و نظامی برای بازداشتن دشمنان از احتمال حمله و القای اندیشه خودکفایی در افکار عمومی مردم کشور کمک نمی‌کند (Rubin, 2006: 64)؛ همچنین محیط امنیتی ایران دارای خصوصیتی است که می‌توان دلیل توجه سیاست دفاعی این کشور به اقتدار موشکی بالستیک را ناشی از درک همین ویژگی‌ها و به عبارتی تهدیدات دانست. دو عامل تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک در کشورهای هم‌جوار (مصر، رژیم صهیونیستی، سوریه، رژیم بعث عراق، عربستان، امارات و ...) مهم‌ترین عواملی هستند که ایران را به سمت دستیابی به موشک‌های بالستیک سوق می‌دهند (طارمی، ۱۳۸۲: ۴-۶۳)؛ این عوامل روی هم رفته منجر به شکل‌گیری یک توانمندی بومی موشکی در جمهوری اسلامی ایران با قابلیت‌های خاص خود شده است. مک آینیس در گزارش مفصل خود پیرامون برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران، با عنوان «آینده سیاست امنیتی ایران»<sup>۲</sup> معتقد است:

1. Uzi Rubin  
2. The Future of Iran's Security Policy (Inside Tehran's Strategic Thinking)

به استثنای کره شمالی (آن هم احتمالاً)، هیچ قدرت متوسط دیگری در دنیا به اندازه ایران روی تعمیق بومی سازی محصولات نظامی خود متمرکز نیست؛ این نوع از بومی سازی بدون در اختیار داشتن منابع قدرت های جهانی نظیر آمریکا، چین و روسیه، کاری تقریباً غیرممکن است؛ با این وجود ایران بر اساس یک تمایل ایدئولوژیک به استقلال از نفوذ خارجی رو به سوی خودکفایی نظامی آورده است (MacInnis, 2017:125).

به طور کلی مهم ترین دلایل اهمیت راهبردی موشک در سیاست دفاعی ایران را می توان در موارد زیر خلاصه نمود: ۱) تجربه ایران در جنگ تحمیلی و درک اختلافات بزرگ بین قابلیت های موشکی ایران و رژیم بعث عراق؛ ۲) حضور گسترده آمریکا در منطقه و دشمنی آشکار با ایران، تغییر معنای امنیت و مورد تهدید واقع شدن محیط امنیتی غرب آسیا؛ ۳) تأکید دکترین دفاعی ایران به بازدارندگی و جنگ نامتقارن<sup>۱</sup> برای دفاع از تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی؛ ۴) تجهیز کشورهای منطقه به تسلیحات موشکی و سلاح های کشتار جمعی و سرمایه گذاری های عظیم در این حوزه؛ ۵) برتری توان نظامی دو دشمن اصلی ایران (آمریکا و رژیم صهیونیستی) در عرصه نیروی هوایی و موشکی؛ ۶) ویژگی اساساً بازدارنده موشک ها، با توجه به صرف هزینه کم و همچنین زمان کوتاه در دستیابی به آن؛ ۷) تأمین امنیت ملی بهتر توسط برخورداری از توانمندی های خاص موشکی (مثل برد، دقت، سرعت، نقطه زنی و قدرت تخریب) (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۸).

#### موشک در اسناد بالادستی و کلان

تاکنون قانونی که به صورت خاص به موضوع برنامه موشکی ایران پرداخته باشد، مورد تصویب قرار نگرفته است و استنادات به پیشبرد برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران غالباً از مسیر اسناد بالادستی نظام می گذرد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، اسناد متنوعی در خصوص مقوله دفاع اعم از قوانین خاص مربوط به نیروهای مسلح تا قانون اساسی، سند چشم انداز ۲۰ ساله، سیاست های کلی ابلاغی و سیاست ها و قوانین برنامه های پنج ساله در مقولات و موضوعات دفاعی وجود دارد (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۱-۶۰).

1. Asymmetric Warfare

در قانون اساسی که منشور میثاق ملی و بازتاب انقلاب اسلامی است، برخی اصول و بندها ناظر به حوزه دفاعی بوده و مشی کلی این عرصه را ترسیم می‌نماید؛ بندهای ۱۱ و ۱۳ اصل سوم و نیز اصول ۱۴۳ و ۱۵۱ قانون اساسی از آن جمله‌اند. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله یکی دیگر از اسناد کلان جمهوری اسلامی ایران است؛ این سند، نخستین سند توسعه بلندمدت ایران است که با هدف‌گذاری بلندمدت به ترسیم دورنمایی از توسعه کشور می‌پردازد؛ در بند سوم سند چشم‌انداز تصریح شده است که جامعه ایرانی در ۱۴۰۴ بایستی «جامعه‌ای امن، مستقل، مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت» باشد (سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، ۱۳۸۲) که یکی از جلوه‌های اساسی آن می‌تواند اتکای بر برنامه موشکی باشد.

دیگر سند موجود در زمینه برنامه موشکی، برنامه ششم توسعه است؛ بند ب ماده ۱۰۶ این سند تصریح می‌کند که "دولت موظف است پشتیبانی‌های لازم را به منظور افزایش توان دفاعی کشور در تراز قدرت منطقه‌ای و تأمین منافع و امنیت ملی، با انجام اقدامات اساسی زیر به عمل آورد: تحکیم و تقویت بنیه دفاعی کشور با پشتیبانی از توسعه و افزایش توان تولیدی موشکی؛ توسعه و تقویت توان پدافند هوایی در سطوح مختلف برد کوتاه، متوسط و بلند و ..."(روزنامه رسمی، شماره ۲۰۹۹۵، ۲۱/۱/۱۳۹۶).

به نظر می‌رسد مهم‌ترین بند سیاستی ناظر به اهمیت و جایگاه توان موشکی را باید در متن سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه که توسط مقام معظم رهبری به رئیس‌جمهور ابلاغ گردید، جستجو کرد؛ در بند ۵۳ این سیاست‌ها، ارتقا توان بازدارندگی کشور از سه طریق مورد اشاره قرار گرفته است که نخستین آن، "توسعه توان موشکی و فناوری‌ها و ظرفیت تولید سلاح‌ها و تجهیزات عمده دفاعی برترساز با توان بازدارندگی و متناسب با انواع تهدیدات" است (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۱۰ تیر ۱۳۹۴)؛ اگرچه بند چهار قسمت ب ماده ۱۹۵ قانون برنامه چهارم توسعه بر توسعه کمی و کیفی و پایداری عملیاتی یگان‌های موشکی تأکید کرده است؛ اما به نظر می‌رسد برای نخستین بار است که توسعه توان موشکی در زمره یکی از سیاست‌های کلی دفاعی و امنیتی کشور عنوان شده است (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۷).

### یافته‌های تحقیق

\* ج.ا.ایران با توجه به موانع و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و امتیازات و ویژگی‌های موشک بالستیک، توانمندی بومی موشکی - شامل طراحی، ساخت و پرتاب انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد- را برای ایجاد موازنه و جلوگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای به عنوان ستون فقرات سیاست دفاعی خود قرار داده است.

\* هزینه پایین، تأثیرگذاری بالا در موازنه قدرت، توانمندی عملیاتی بالا، هزینه پدافند سرسام‌آور و... موجب می‌شود موشک‌ها همچنان به عنوان یک گزینه کلیدی در معادلات نظامی، به‌ویژه در منطقه غرب آسیا مورد توجه قرار گیرد.

\* با توجه به موقعیت سرزمینی ایران در محیط امنیتی غرب آسیا، داشتن موشک شاید مهم‌ترین ابزار راهبردی در جنگ‌های منطقه‌ای باشد که کارایی و اثربخشی جمعی خود را در جنگ‌ها و تحولات دهه‌های اخیر منطقه، به وضوح نشان داده است.

\* موازنه قدرت در منطقه‌ای همچون غرب آسیا، به معنای خاص کلمه یک «نهاد» است که باید به عنوان یک روند مستمر و نه فقط یک واکنش خاص به یک وضعیت نگریسته شود.

\* مؤلفه‌های متعددی در ژئوپلیتیک غرب آسیا در حوزه موشکی وجود دارد؛ یکی از جدیدترین مؤلفه‌ها احتمال انتقال قدرت موشک به بازیگران غیردولتی است. حشد الشعبی در رژیم بعث عراق، حزب‌الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن و حماس در فلسطین چند نمونه از تغییر ماهیت قدرت در این منطقه هستند.

### نتیجه‌گیری

معادلات دفاعی و امنیتی در غرب آسیا بسیار پیچیده هستند و موضوع موشک نیز مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر این پیچیدگی است؛ همین مهم موجب می‌گردد تا هیچ نظریه‌ای نتواند به طور کامل موضوع را تبیین نماید. نظریه موازنه قدرت کنت والتز - به‌رغم کاستی‌ها و انتقاداتی که با خود به همراه دارد- از قابلیت خوبی برای تبیین سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، به‌ویژه موضوع توانمندی موشکی این کشور به عنوان مهم‌ترین ابزار ایجاد موازنه، نسبت به دیگر نظریه‌های روابط بین‌الملل برخوردار است.

بر اساس نظریه والتز، موضوع توازن قدرت از این جهت اهمیت دارد که قادر به کنترل منازعات و بحران‌های منطقه‌ای است؛ اگرچه وی به سرشت انسان و دولت در شکل‌گیری جنگ و صلح نیز توجه دارد؛ اما محور اصلی چنین فرایندی را ناشی از چگونگی موازنه و توازن قدرت بین بازیگرانی می‌داند که در محیط منطقه‌ای یا بین‌المللی به رقابت می‌پردازند؛ در این راستا جمهوری اسلامی ایران با توجه به موانع و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و امتیازات و ویژگی‌های موشک بالستیک، توانمندی بومی موشکی - شامل طراحی، ساخت و پرتاب انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد- را برای ایجاد موازنه و جلوگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای به عنوان ستون فقرات سیاست دفاعی خود قرار داده است.

سیاست نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بر مبنای یک راهبرد بازدارندگی فعال تعریف شده است؛ این بازدارندگی اصولاً بر اساس مؤلفه دفاع و اقدام متقابل صورت خواهد پذیرفت؛ این مهم بدان معنا نیست که در برخی از موارد نقش تهاجمی برای موشک در نظر گرفته نشود؛ بنابراین می‌توان گفت هدف اصلی ج.ا.ایران از سرمایه‌گذاری در صنعت موشکی، ایجاد یک بازدارندگی مشروع و منطقی از طریق ایجاد موازنه قدرت بین بازیگران اصلی و تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا است. صنعتی که امروزه به ادعان بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران بین‌المللی نه تنها در سطح منطقه بلکه در سطح جهانی نیز کم‌نظیر است.

#### یادداشت‌ها

(۱) موشک‌های بالستیک طیفی از موشک‌های کوتاه‌برد (تا حدود ۱۲۰۰ کیلومتر)، برد متوسط (از ۱۲۰۰ تا ۲۸۰۰ کیلومتر)، میان‌برد (از ۲۸۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر) و دوربرد یا قاره‌پیما (بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر) را شامل می‌شود؛ هر چه برد یک موشک افزایش یابد، تنظیم و حفظ دقت مسیر آن‌ها دشوارتر می‌شود و به فناوری‌های پیشرفته‌تری نیاز دارد؛ بنابراین از عوامل مهم دیگر در توانمندی موشکی علاوه بر افزایش برد، تقویت دقت هدف‌گیری آن‌هاست تا اهداف نقطه‌ای مورد حمله قرار گیرند؛ در این صورت توانایی‌های تاکتیکی موشکی افزایش می‌یابد.

## منابع

### فارسی

۱. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و سحر پیرانخو (۱۳۹۶)، تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۳، صص ۷۴-۵۱.
۲. اسپیر، ریچارد اچ. و دیگران (۱۳۹۶)، منع اشاعه موشک‌های مافوق صوت، ممانعت از گسترش کلاس جدیدی از تسلیحات، ترجمه گروه مترجمان خبرگزاری فارس، تهران: خبرگزاری فارس.
۳. امینیان، بهادر و شفق ضمیری جیرسرایی (۱۳۹۵)، تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی ج.ا.ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و دوم، صص ۶۱-۶۶.
۴. بالدوین، دیوید (۱۳۸۰)، بررسی امنیت و پایان جنگ سرد، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۵. بروکز، استفن جی. و ویلیام ولفورث (۱۳۹۲)، جهان نامتوازن: روابط بین‌الملل و چالش استیلاجویی آمریکا، ترجمه سید احمد فاطمی نژاد، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۶. پوراآخوندی، نادر (۱۳۹۲)، راهبرد توسعه موشکی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۸۷-۱۶۹.
۷. پیشگاهی فرد، زهرا و مرتضی فراهانی (۱۳۹۲)، رتبه‌بندی قدرت ملی کشورهای خاورمیانه با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندشاخصه، مجله سیاست دفاعی، سال بیست‌ویکم، شماره ۸۲، صص ۴۴-۱.
۸. جوکار، محمدصادق و سیدمهدی مدنی (۱۳۸۹)، جایگاه سلاح هسته‌ای در راهبرد نظامی امنیتی عربستان سعودی، مجله سیاست دفاعی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، صص ۱۷۰-۱۴۹.
۹. جونز، والتر، اس (۱۳۷۳)، منطق روابط بین‌الملل، ترجمه داوود حیدری، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۰. چگنی زاده، غلامعلی (۱۳۹۲)، موازنه قوا و روابط راهبردی چین با آمریکا، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره چهارم، صص ۲۶۳-۲۲۷.
۱۱. خادم حسینی، احمد (۱۳۸۶)، موشک‌های بالستیک، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال سوم، شماره ۸-۹، صص ۱۰۵-۱۱۳.
۱۲. خواجه پور، جواد (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر توان موشکی در امنیت و قدرت دفاعی ج.ا.ایران، یادداشت سیاسی، پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸، ۱۳۹۷/۱۱/۲۰، بازیابی شده از:  
<http://www.598.ir/fa/news/389865>
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)، نواقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۱، صص ۵۴-۳۱.
۱۴. دهقانی، غلامحسین (۱۳۸۸)، رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات و امنیت ملی کشورهای در حال توسعه (تأملی بر وضعیت ج.ا.ایران)، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۱۵. ساعد، نادر (۱۳۸۶)، تحلیل هنجارین رژیم کنترل فناوری موشکی و الزامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۴۳-۶۸.
۱۶. شهبازی، مریم و فخرالدین سلطانی (۱۳۹۶)، تأثیر رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح بر امنیت ملی و توان بازدارندگی (مطالعه موردی ایران)، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، صص ۳۶۰-۳۷۰.
۱۷. طارمی، کامران (۱۳۸۲)، تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۹، صص ۱۹۴-۱۷۹.
۱۸. عراقی، عبدالله (۱۳۹۴)، نقش حزب‌الله لبنان در امنیت منطقه غرب آسیا (خاورمیانه): با تأکید بر حمایت و پشتیبانی ج.ا.ایران، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و چهارم، شماره ۹۳، صص ۱۰۱-۱۴۲.
۱۹. علی بابایی، مجتبی (۱۳۷۰)، موازنه قوا در روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: نشر همراه.
۲۰. کرمی، جهانگیر (۱۳۷۵)، جنگ‌افزارهای مدرن و منازعات منطقه‌ای: پیامدهای استراتژیک موشک بالستیک برای خاورمیانه، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۲، صص ۵۸-۳۷.
۲۱. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰)، تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۴، صص ۷۲-۴۷.
۲۲. کوپچان، چارلز (۱۳۸۲)، هژمونی توخالی یا نظام چندقطبی باثبات، ترجمه عظیم فضلی پور، در تنها ابرقدرت، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
۲۳. گری، کالین (۱۳۷۸)، سلاح جنگ‌افروز نیست، ترجمه احمد علیخانی، تهران: دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۴. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، روزنامه رسمی، شماره ۲۰۹۹۵، ۱۳۹۷/۱۰/۲۱. بازیابی شده از: <http://www.president.ir/fa/87876>
۲۵. قوام ملکی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، نقش موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره سوم، صص ۹۷-۱۱۷.
۲۶. قیصری، نوراله و احسان خضری (۱۳۹۵)، سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان.
۲۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریات روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۲۸. مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰)، تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، پاییز، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۵۸-۱۳۱.
۲۹. میرشایمر، جان (۱۳۸۹)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۰. میرشایمر، جان (۱۳۸۹)، راهبردهایی برای بقا، در دیدگاه‌هایی درباره سیاست جهان، ریچارد لیتل و مایکل اسمیت، ترجمه علیرضا طیب، چاپ نخست، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۱. نصیری، مجتبی (۱۳۹۲)، مناسبات امنیتی روسیه و تأثیر آن بر امنیت دفاعی ج.ا.ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۳۲. واعظی، محمود (۱۳۹۲)، چالش‌ها و رویکردهای امنیتی ایران در محیط پیرامون، چاپ اول، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.

## انگلیسی

33. Baldwin, David (1993). *Neorealism & Neoliberalism: The Contemporary Debate*, New York: Columbia University Press.
34. Chubin, Shahram (1994). "Iran's Strategic Aims and Constraints", in Patrick Clawson (ed), *Iran's Strategic Intentions and Capabilities*, Washington, DC: National Defense University.
35. Cordesman, Anthony H. (2014). "Iran's Rocket and Missile Forces and Strategic Options", Center for strategic & International Studies.
36. Cordesman, Anthony, H. (2015). "Iran's Enduring Missile Threat: the Impact of Nuclear and Precision Guided Warheads", Center for Strategic & International Studies, Retrieved from <https://www.csis.org>.
37. Cordesman, Anthony H. & Abraham R. Wagner (1990). "The Lessons of Modern War", Vol. 2, *The Iran-Iraq War*. Boulder, CO: Westview.
38. Cordesman, Anthony, H. (2017). "Testing the limits: Iran's Ballistic Missile Program, Sanctions, and the IRGC", the House Foreign Affairs Committee, May 30, 2017. Retrieved from: <https://www.washingtoninstitute.org>.
39. Deep, Alex (2018). "Balance of Power, Balance of Resolve: How Iran is competing with the U.S. in the Middle East", Modern War Institute. Retrieved from: <https://mwi.usma.edu>.
40. Erasto, Tytti (2017). "Time for Europe to put Iran's missile programme in context", Sipri, 20/11/2018. Available at: <https://www.sipri.org>.
41. Harvay, John, R. (1992). "Regional Ballistic Missile and Advanced Strike Air Craft: Comparing Military Effectiveness", *International Security*, Vol. 2, No. 2, pp. 41-83.
42. Elleman, Michale (2010). "Iran's Ballistic Missile Program", *International Institute for Strategic Studies*, 21/11/2018 Retrieved from <https://www.iiss.org>.
43. Hashim, Ahmed (1994). "Iran's Military Situation" in Patrick Clawson, *Iran's Strategic Intentions and Capabilities*, Washington: National Defense University.
44. Hildreth, Steven A. (2012). "Iran's Ballistic Missile and Space Launch Programs", *Congressional Research Service*, 05/02/2018 Retrieved from [www.crs.gov](http://www.crs.gov).
45. Hynek, Nik (2010). "Missile Defence Discourses and Practices in Relevant Modalities of 21st-Century Deterrence", *Security Dialogue*, Vol. 41, No. 4, pp. 435-459.
46. Karp, Aaron (1995). "Ballistic Missile in the Middle East", *Contemporary Security Policy*, 16, No. 1, pp. 106-122.
47. Kegley, Charles W. and Eugene R. Wittkopf (2005). *World Politics: Trends and Transformation*, published by Wadsworth Publishing, p. 503.
48. Keohane, Robert (1989). "International Institutions and state power", *Essays in International Relations Theory*, Boulder, Colo: Westview Press.
49. Kubbig, Bernd W. & Sven, E. Fikenschler (2013). *Arms Control and Missile Proliferation in the Middle East*, Routledge.
50. McInnis, J. Matthew (2017). "The future of iran's security policy (Inside Tehran's Strategic Thinking)", *American Enterprise Institute*, 10/02/2018. Retrieved from <http://www.aei.org>.



51. Taremi, Kamran (2005). Beyond the Axis of Evil: Ballistic Missiles in Iran's Military Thinking, Security Dialogue, vol. 36, no. 1, pp. 93-108.
52. Robertson, D. (1987). A Dictionary of Modern Defence and Strategy, London: E.P.L.
53. Roskin, Michael G. and Nicholas O. Berry (1992). IR: the New World of International Relations, Prentice Hall College Div, 2nd Rev Edition.
54. Rubin, Uzi (2006). "The Global Range of Ballistic Missile Program", Jerusalem Center for Public Affairs, Vol.5, No.26. pp. 62-67. Retrieved from <https://www.armscontrol.org>
55. Vinci, Anthony (2009). Armed Group and the Balance of Power, Routledge, London and New York.
56. Waltz, Kenneth (2000). "Structural Realism after Cold War", international security, Vol.25, No.1, p.5-41.
57. Waltz, Kenneth (1979). Theory of International Politics, New York: Mcg Raw.



## رهیافت‌های سیاست هسته‌ای آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران بر اساس اسناد گزارش مرور وضعیت هسته‌ای (۲۰۱۸-۲۰۰۱)

رضا سیمبر<sup>۱</sup>

سعید پیرمحمدی<sup>۲</sup>

سجاد نجفی<sup>۳</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۶

### چکیده

تدوین افق‌های میان‌مدت در ساختار برنامه‌ریزی راهبردی هسته‌ای آمریکا به‌طور خاص از زمان پایان جنگ سرد از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است؛ از این جهت، گزارش‌های مرور وضعیت هسته‌ای را می‌توان در زمره اسناد برنامه‌ریزی راهبردی دسته‌بندی کرد که سلاح‌های هسته‌ای را در درون شبکه پیچیده معماری دفاعی ایالات متحده ادغام می‌کنند؛ به‌موازات این روند کلی، اسناد مزبور به عرصه‌ای برای اعلان رویافت‌های سیاست هسته‌ای آمریکا در قبال سایر کشورها و محیط‌های امنیتی بین‌المللی تبدیل شده‌اند. هدف اصلی پژوهش حاضر واکاوی رویافت‌های سیاست هسته‌ای آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحلیل محتوای اسناد مرور وضعیت هسته‌ای آمریکا منتشر شده در کابینه‌های بوش پسر و اوباما و هم‌چنین دوره زمانی پس از روی کار آمدن ترامپ است؛ بر این مبنای سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که اسناد ان.پی.آر ایالات متحده در دو دهه گذشته (۲۰۱۸-۲۰۰۱) چه رویافتی را در رابطه با جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نموده‌اند؟ روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز هم به روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری خواهند شد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که اسناد گزارش مرور اجرای وضعیت هسته‌ای آمریکا در مقطع زمانی یادشده در راستای تعقیب اهداف امنیت ملی این کشور طیف وسیعی از سازوکارهای سخت، نرم و هوشمند را علیه جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفته‌اند.

### کلیدواژه‌ها

سیاست هسته‌ای، ایالات متحده آمریکا، ایران، گزارش مرور وضعیت هسته‌ای (ان.پی.آر).

۱. نویسنده مسئول: استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان rezasimbar@hotmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان saeedpirmohammad@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران sa.najafi23@yahoo.com

## مقدمه

راهبرد هسته‌ای ایالات متحده آمریکا در گذر زمان میزان زیادی از تداوم را به نمایش گذاشته است؛ بر این اساس می‌توان نشانه‌هایی از تداوم در سیاست هسته‌ای آمریکا در دوران جنگ سرد و دوران پساجنگ سرد را بر محور حفظ اهمیت و جایگاه سلاح‌های هسته‌ای در رهنامه راهبردی آمریکا به منظور تضمین امنیت ایالات متحده و هم‌پیمانان آن و از بین بردن خطر جنگ‌های عمده مورد ملاحظه قرار داد (Colby, 2015: 1). رفتار خارجی آمریکا و ملاحظه‌های امنیتی - راهبردی این کشور که بخشی از آن در چارچوب اسناد راهبردی این کشور انتشار می‌یابد، از نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری رویه بین‌الدولی و تفسیر ترتیبات چندجانبه برخوردار است؛ در این میان بررسی رهنامه هسته‌ای ایالات متحده و رویکردها و رهیافت‌هایی که هریک از رؤسای جمهور آمریکا برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی و پیشبرد منافع ملی کشور مورد تعقیب قرار می‌دهند، نقش مؤثری در جهت‌دهی به رویکرد کلی این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران دارد. مباحث هسته‌ای و مشتقات آن را می‌توان از جمله حوزه‌هایی تلقی کرد که ایالات متحده از زمان طرح برنامه هسته‌ای ایران (آگوست ۲۰۰۲)، به عنوان یک اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است.

در ترسیم خطوط ناظر بر سیاست هسته‌ای آمریکا علاوه بر نقش دیدگاه‌ها و مواضع مقامات کاخ سفید و پیوستگی میان اسناد بالادستی، می‌توان به منزلت خاص اسناد «گزارش مرور وضعیت هسته‌ای» اشاره داشت؛ از این جهت روند پژوهی اسناد بالادستی مزبور امکان واکاوی تفکر امریکایی نسبت به مقوله‌هایی چون «عدم اشاعه هسته‌ای»، «استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای» و «خلع سلاح هسته‌ای» و تخلفاتی که ایالات متحده در این حوزه به صورت فکری یا عملی مرتکب شده را فراهم می‌آورد؛ با ملاحظه این واقعیت که جمهوری اسلامی ایران همواره در کانون سیاست هسته‌ای آمریکا و سازوکارها و راهبردهای محدودکننده آن قرار داشته، این مطالعه واجد ارزش راهبردی خواهد بود. ادراک و اشراف نسبت به تهدیدها و فرصت‌های احتمالی برآمده از چنین رویکردی، مؤلفه‌ای مهم در راستای تقویت زمینه‌ها و بسترهای فعال‌سازی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، افشاگری در زمینه سیاست‌های

دولت آمریکا و کمک به تدوین راهکارهای مناسب سیاست خارجی و دفاعی کشور در قبال جهت‌گیری‌های آمریکا در این حوزه خواهد بود.

در مقاله حاضر نویسندگان تلاش دارند تا رویافت‌های سیاست هسته‌ای آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران طی سه دوران ریاست‌جمهوری بوش پسر، اوباما و ترامپ را از منظری متفاوت و با تحلیل اسناد گزارش مرور وضعیت هسته‌ای به بحث گذارند. پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که اسناد گزارش مرور وضعیت هسته‌ای ایالات متحده، چه رویافتی را در رابطه با جمهوری اسلامی ایران طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۱ ایران اتخاذ نموده‌اند؟ در راستای پاسخ به پرسش اصلی، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی این فرضیه به آزمون گذاشته می‌شود که اسناد گزارش مرور اجرای وضعیت هسته‌ای آمریکا در مقطع زمانی یادشده در راستای تعقیب اهداف امنیت ملی این کشور طیف وسیعی از سازوکارهای سخت، نرم و هوشمند را علیه جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفته‌اند؛ سازمان‌دهی پژوهش نیز بدین صورت است که پس از ارائه کلیات پژوهش و مبانی مفهومی، جایگاه اسناد گزارش مرور وضعیت هسته‌ای در میان اسناد بالادستی ایالات متحده مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در ادامه به واکاوی تطبیقی جایگاه ایران در سند گزارش مرور وضعیت هسته‌ای بوش پسر، اوباما و ترامپ پرداخته و در نهایت، نتیجه‌گیری پژوهش ارائه می‌شود.

### ادبیات پژوهش

مطالعات و بررسی‌های پژوهشگر نشانگر آن است که موضوع حاضر مورد عنایت مطالعات و تحقیقات موجود - اعم از کتب و نوشته‌های فارسی‌زبان و لاتین - قرار نگرفته است و هیچ کتاب و نوشته مستقلی در این باب وجود ندارد؛ لذا ادبیات موجود صرفاً کلیاتی درباره «رویکرد ایالات متحده در قبال برنامه هسته‌ای ایران» ارائه می‌دهند؛ به‌علاوه بخش اعظم این منابع به‌وسیله مراکز و مؤسسات تحقیقاتی وابسته به غرب انتشار یافته‌اند که در بسیاری از موارد فاقد مشخصه بی‌طرفی ارزشی هستند؛ در زیر به برخی از منابع مرتبط با موضوع پژوهش اشاره می‌شود:

دیوید آلبرایت و همکاران در پژوهش خود بر توسعه و اجرای راهبرد جامع منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه تأکید دارند؛ آن‌ها برنامه هسته‌ای ایران را به‌عنوان مهم‌ترین و فوری‌ترین چالش اشاعه هسته‌ای برای ایالات متحده و تهدیدی جدی برای اشاعه هسته‌ای به سایر نقاط منطقه خاورمیانه قلمداد کرده‌اند (Albright et al, 2013)؛ اصغر کیوان‌حسینی نیز در پژوهش خود رژیم جهانی منع اشاعه را متأثر از متغیرهای داخلی و متغیرهای بیرونی (به‌ویژه اراده قدرت‌های بزرگ) می‌داند و گریزی نیز به ویژگی‌های رفتاری و الگوی تعامل این کشور در قبال رژیم‌های امنیتی منع اشاعه دارد (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۹)؛ ویلیام پری و همکاران نیز در پژوهشی که برای شورای روابط خارجی<sup>۱</sup> انجام داده‌اند، به بررسی سیاست هسته‌ای آمریکا مبادرت کرده‌اند؛ این گزارش ضمن تأکید بر ضرورت کاهش خطر هسته‌ای با چین و روسیه، ایران و کره شمالی را به‌عنوان چالش‌های اصلی اشاعه معرفی می‌کند (Perry et al, 2009)؛ در همین ارتباط مقاله دیگری به واکاوی اهمیت و جایگاه سیاست منع اشاعه در کابینه‌های بعد از جنگ سرد آمریکا پرداخته است. نگارندگان این مقاله بر این باورند که رویکرد منع اشاعه در رفتار خارجی و امنیتی آمریکا در دوره بعد از جنگ سرد، از تداوم و تکامل خاصی برخوردار بوده که بر اساس آن، ایالات متحده در راستای اجرایی نمودن راهبرد امنیت ملی خود به دنبال اعمال نفوذ بر روند کلی حاکم بر کنترل تسلیحات و رژیم‌های بین‌المللی منع اشاعه می‌باشد (جعفری، پیرمحمدی، ۱۳۹۴).

نادر ساعد و همکاران در پژوهش خود به تحلیل و واکاوی اسناد راهبردی ۲۰۱۰ دولت اوپاما و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مبادرت کرده‌اند. نگارندگان معتقدند که اسناد راهبردی ۲۰۱۰ ایالات متحده نشان می‌دهند نگاه آمریکا به جمهوری اسلامی ایران به‌رغم طرح وعده تغییر در سیاست خارجی و امنیتی اوپاما، تغییر چندانی نیافته و سیاست اعمال فشار بین‌المللی بر پایه سه محور «تروریسم، حقوق بشر و سلاح‌های کشتار جمعی» همچنان در رهیافت عملی این کشور پابرجاست (ساعد، ۱۳۸۹)؛ در پژوهشی دیگر رحمن قهرمانپور به تبیین و بررسی رویکرد آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخته است؛ وی معتقد است که اختلاف ایران - آمریکا در مسئله هسته‌ای

1. The Council on Foreign Relations (CFR)

جدای از سایر مسائل موجود میان دو کشور قابل تحلیل نیست؛ و رویکرد کلی آمریکا در برخورد با موضوع هسته‌ای ایران تابعی از سیاست‌های کلی این کشور در مقابل ایران می‌باشد (قهرمانپور، ۱۳۸۷ الف)؛ نامبرده در مقاله دیگری ضمن بررسی وضعیت نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد که نظام عدم اشاعه نیز در چنین بستری تکوین یافته، نحوه برخورد و رویکرد آمریکا به این نظام را مورد واکاوی قرار داده است؛ وی بر این باور است که نحوه برخورد آمریکا با پرونده هسته‌ای ایران، تبلوری از برخورد دوگانه آمریکا و نیز تناقض‌های موجود در آن‌پی. تی می‌باشد (قهرمانپور، ۱۳۸۷ ب)؛ واضح است هیچ‌یک از نوشته‌های یاد شده به بررسی منسجم و نظری رهیافت‌های سیاست هسته‌ای آمریکا در قبال ایران نپرداخته‌اند.

#### مبانی مفهومی و نظری

سطح درگیری یک کشور در حوزه‌های موضوعی بین‌المللی مختلف، دست‌کم یکی از نمودهای جهت‌گیری کلی آن در قبال بقیه جهان محسوب می‌شود. سمت‌گیری عبارت از ایستارها و تعهدات کلی یک دولت در برابر محیط خارجی و راهبرد اصلی آن برای تحقق هدف‌های داخلی و خارجی و مقابله با تهدیدهای مستمر است. راهبرد یا جهت‌گیری کلی یک دولت، به‌ندرت در یک تصمیم نمایان می‌گردد؛ بلکه از سلسله تصمیم‌های متوالی معلوم می‌شود که در تلاش برای انطباق هدف‌ها، ارزش‌ها و منافع با شرایط و ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی اتخاذ شده‌اند (هالستی، ۱۳۸۸: ۱۶۶-۱۶۵). همه کشورها بر اساس رهیافت‌های روابط بین‌الملل در سیاست خارجی خود متأثر از دو متغیر عمده هستند: متغیر غیرمادی یا ذهنی که در واقع همان باورها، هنجارها و دیدگاه‌های نخبگان تصمیم‌گیرنده آن کشورهاست؛ و متغیرهای مادی یا عینی که به وجود آورنده شرایط نظام‌مند یا سیستمی هستند و در موارد مختلف به وجود آورنده احتمالی فرصت‌ها و تهدیدها هستند؛ همین محیط است که شرایط و محدوده ممکن برای کنش دولت‌ها را در عرصه سیاست خارجی پدید می‌آورد. در خصوص عامل محیطی باید به نقش محیط داخلی و محیط بین‌المللی (در دو سطح منطقه‌ای و جهانی) اشاره کرد؛ عملاً این متغیر محیطی است که تعیین می‌کند دولت‌ها قادر به

انجام چه اقداماتی هستند و همان است که محدودیت‌ها و فرصت‌های گوناگونی را فراسوی آن‌ها به وجود می‌آورند (Joseph, 2008: 35-36).

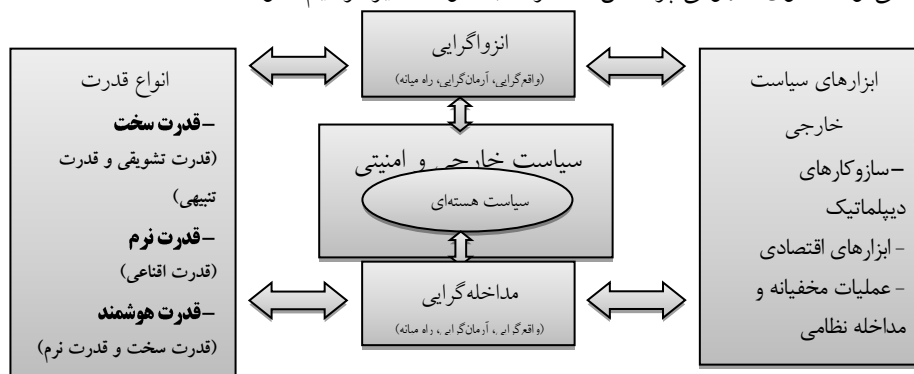
به‌طور کلی کشورها ممکن است اهداف سیاست خارجی و امنیتی خود را از طریق مجاری و ابزارهای متعددی مورد تعقیب قرار دهند؛ در این راستا آن‌ها گاهی از سازوکارهای دیپلماتیک از قبیل دیپلماسی عمومی، دیپلماسی دفاعی، دیپلماسی پارلمانی بهره می‌گیرند و در مواقعی نیز امکان دارد ابزارهای اقتصادی چون فنون پاداش و اجبار اقتصادی، جنگ اقتصادی و تحریم‌ها را مورد استفاده قرار دهند؛ عملیات مخفیانه و مداخله نظامی نیز دیگر اهرم سیاست خارجی کشورها به شمار می‌آید که عمدتاً به‌عنوان گزینه نهایی به‌کار گرفته می‌شود (هالستی، ۱۳۸۸: ۴۴۰-۳۷۵). روش‌ها و ابزارهای تحت تأثیر قرار دادن رفتار دیگران نیز مشتمل بر قدرت تنبیهی (یعنی آنکه با تهدید کسی را وادار به انجام کاری کرد)، قدرت تشویقی (بدین مفهوم که با پاداش کسی را به انجام کاری تشویق کرد) و قدرت اقناعی (یعنی اینکه کسی را «جذب» کرد یا به همکاری پذیرفت) است؛ دو روش نخست بر گونه‌ای از قدرت منطبق می‌شود که قدرت سخت ۲ نام دارد؛ و روش سوم مربوط به توانایی‌های قدرت نرم ۳ است؛ بر این اساس جوزف نای قدرت نرم را این‌گونه تعریف می‌کند: «توانایی کسب نتایج دلخواه بدون اینکه مردم را مجبور کنیم رفتار خود را به‌واسطه تهدید یا تطمیع تغییر دهند» (Nye, 2004: 16)؛ قدرت هوشمند ۴ نیز بر قابلیت یک بازیگر برای امتزاج عناصر قدرت سخت و قدرت نرم به شیوه‌هایی که متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند تا اهداف آن بازیگر به‌طور مؤثر و کارآمدی ارتقا یابد، دلالت دارد (Wilson, 2008: 110).

به‌طور کلی از زمان خروج ایالات متحده از سیاست انزواگرایی قرن نوزدهم و اتخاذ رهیافت مداخله‌گرایی و مشارکت در سیاست خارجی و امنیتی، تفکر امنیت بین‌المللی در این کشور حول محور سه رهیافت اصلی در نوسان بوده است: واقع‌گرایی (رنالیسم) ۵، آرمان‌گرایی

- 
1. Attraction
  2. Hard Power
  3. Soft Power
  4. Smart Power
  5. Realism



(اخلاق‌گرایی) و رهیافت میانه. واقع‌گرایی را می‌توان پرنفوذترین رهیافت نظری در میان نخبگان فکری و ابزاری آمریکا تلقی نمود. به‌طور کلی امنیت ملی آمریکا بر مبنای بیشینه‌سازی قدرت راهبردی سازماندهی شده است؛ این امر را می‌توان انعکاس رهیافت رئالیستی در ذهنیت و ادراک برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران امنیت ملی در آمریکا دانست (متقی، ۱۳۸۵: ۵۴). آرمان‌گرایی ۱ با لیبرالیسم همپوشی و نقاط اشتراک فراوانی دارد و هیچ‌گونه تفاوت اصولی میان آن‌ها وجود ندارد (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۳۶)؛ آن‌ها برخلاف واقع‌گرایان تصویر همیارانه‌تری از سیاست جهان به‌دست می‌دهند و نسبت به تأثیرات مثبت نهادها، هنجارها، اصول، قواعد و سازوکارهای بین‌المللی خوش‌بین هستند؛ بنا بر مفروضه‌های آرمان‌گرایان، از آنجا که امنیت و صلح بین‌المللی از طریق امنیت دسته‌جمعی<sup>۲</sup> تأمین می‌شود، کشورها باید امنیت ملی خود را در راستای امنیت بین‌المللی تعریف کنند؛ با عنایت به سه مبحث ابزارهای سیاست خارجی، سازوکارهای قدرت و جریان‌های رایج در حوزه سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده می‌توان الگوی مفهومی پژوهش حاضر را به‌صورت زیر ترسیم نمود:



شکل ۱- الگوی مفهومی پژوهش (نگارندگان)

1. Idealism
2. Collective security

## جایگاه اسناد گزارش مرور وضعیت هسته‌ای در میان اسناد بالادستی ایالات متحده

پی‌ریزی نظام ناعادلانه منع اشاعه بر محور معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی) در سال ۱۹۶۷ و تقسیم‌بندی کشورها به «دولت‌های هسته‌ای»<sup>۱</sup> و «دولت‌های غیرهسته‌ای»<sup>۲</sup> زمینه‌ساز کنشگری خاص و برجسته‌تر بازیگران هسته‌ای در تحقق مبانی، اهداف و جهت‌گیری رژیم‌های بین‌المللی منع اشاعه گردید. ایالات متحده آمریکا به‌عنوان اولین کشور سازنده سلاح هسته‌ای، دارنده بزرگ‌ترین زرادخانه هسته‌ای جهان و اولین و تنها کشوری که به کاربرد تسلیحات هسته‌ای مبادرت کرده و همواره در مذاکرات مربوط به رژیم‌های بین‌المللی منع اشاعه بر حفظ توان تسلیحات هسته‌ای راهبردی خود اصرار داشته، بر آن بوده تا از سیاست هسته‌ای خاصی به‌منظور تأمین اهداف راهبردی خود بهره گیرد.

در ساختار برنامه‌ریزی راهبردی هسته‌ای آمریکا، روند پژوهی و تدوین افق‌های میان‌مدت (چهارساله) از بایسته‌های راهبردی امنیت ملی متکی بر آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری و تحرک-بخشی به وضعیت منابع قدرت ملی متناسب با تغییرات در افق یادشده، قدمتی بیش از دو دهه دارد (ساعد، علیدوستی، ۱۳۸۹: ۱۷)؛ در صدر این گزارش‌ها، سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده<sup>۳</sup> قرار دارد. در منظومه طولی اسناد راهبردی ملی آمریکا، سند ان.پی.آر می‌تواند سند برنامه‌ریزی راهبردی دانست که سلاح‌های هسته‌ای را در درون جنبه‌های وسیع‌تری از برنامه‌ریزی دفاعی ایالات متحده ادغام می‌کند (Preez, 2002: 67)؛ تدوین این گزارش، محصول همکاری نهادهای دخیل در سیاست‌گذاری هسته‌ای آمریکا به‌ویژه متشکل از کارشناسان است.

اسناد راهبرد هسته‌ای آمریکا در دوره پس از جنگ سرد عمدتاً در قالب گزارش‌های چهارساله مرور وضعیت هسته‌ای (ان.پی.آر)<sup>۴</sup> از سوی وزارت دفاع ایالات متحده تهیه و تنظیم می‌شوند؛ دستور کار مزبور برای اولین بار در سپتامبر ۱۹۹۴ در دولت کلینتون به اجرا درآمد؛ با این وجود، گزارش نهایی این سند در زمره اسناد طبقه‌بندی شده امنیت ملی آمریکا قرار گرفت

- 
1. Nuclear States (NS)
  2. Non-Nuclear States (NNS)
  3. National Security Strategy of the United States of America (NSS)
  4. Nuclear Posture Review Report (NPR)

و به کنگره ارائه گردید (The White House, 2010). دولت کلینتون در ارزیابی خود از مرور وضعیت هسته‌ای آمریکا به این نتیجه رسید که با پایان جنگ سرد و فروپاشی تهدید شوروی، ایالات متحده باید ضمن کاهش نقش زرادخانه‌های هسته‌ای در دکترین هسته‌ای خود گام در مسیر روندهای کنترل تسلیحاتی بگذارد. به موجب راهبرد جامع «تعامل گزینشی»،<sup>۱</sup> ایالات متحده باید از حیاتی‌ترین منافع ژئوپلیتیکی خود در صورت لزوم با سلاح‌های هسته‌ای دفاع کند و خود را مهیای احتمال درگیری در دو جنگ هم‌زمان منطقه‌ای (شرق آسیا و خلیج فارس) می‌کرد (Muller and Schaper, 2004: 21).

دومین گزارش در ژانویه ۲۰۰۲ از سوی وزارت دفاع دولت بوش تنظیم گردید که بخش‌هایی از این سند در ماه دسامبر ۲۰۰۱ به کنگره ارائه و پس از آن نیز به افکار عمومی کشیده شد؛ در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۸ نیز دو سند ان.پی.آر دیگر از سوی دولت اوباما و دولت ترامپ انتشار یافت که در مجموع، مبنای مناسبی را برای درک و فهم تفکر راهبردی آمریکا در حوزه هسته‌ای به وجود می‌آورند؛ به‌رغم آنکه اسناد مزبور در بسیاری از موارد ادراک معتبر و مستندی از سیاست اعمالی این کشور به دست نمی‌دهند و تنها قرینه‌هایی از سیاست واقعی آمریکا هستند؛ اما به‌لحاظ ماهیت نقش عمده‌ای را در تعیین خط‌مشی واشنگتن در رابطه با نقش سلاح‌های هسته‌ای در راهبرد امنیتی این کشور ایفا می‌کنند.

به‌رغم برخی تفاوت‌های جزئی، روند پژوهی ماهوی در اسناد یادشده نشانه‌هایی از تداوم را بر محور تفکر راهبردی حاکم بر ایالات متحده در دوره‌های زمانی مختلف برجسته می‌سازد. در هر دوره تاریخی، طیف گسترده‌ای از تهدیدهای ذهنی و عینی مورد استناد قرار گرفته که برای مقابله با آنها، نیاز فراگیری به بسیج نیروهای نظامی و هسته‌ای ایجاد می‌شود (متقی، ۱۳۸۷: ۲۸)؛ به‌علاوه در اغلب این اسناد محیط امنیتی بین‌المللی به گونه‌ای توصیف و ترسیم می‌گردد که زمینه‌های لازم برای تحقق چشم‌انداز مطلوب ایالات متحده در حوزه‌های امنیتی و دفاعی فراهم آید. بر اساس نگرش «توصیفی» در تدوین اسناد راهبردی ایالات متحده، وصف واقعیات حاکم بر جهان آن‌گونه که هستند،<sup>۲</sup> مقدمه ادراک و اشراف به تهدیدهای امنیتی، تعیین

---

1. Selective Engagement  
2. The World as it is

اولویت‌ها و مأموریت‌های امنیتی و تعقیب رهیافت مطلوب آمریکا خواهد بود و از این‌رو تحلیل و واریسی آن بر نگرش تجویزی تقدم می‌یابد؛ نگرش تجویزی به محیط امنیتی بین‌الملل نیز رهیافت مطلوب آمریکایی را بر مبنای جهان آن‌گونه که می‌خواهیم باشد،<sup>۱</sup> به تصویر می‌کشد؛ نگرش مزبور در چارچوب راهبرد کلان آمریکا و مؤلفه‌های کلی برآمده از آن تعریف می‌گردد؛ در این ارتباط از زمان تشکیل ایالات متحده آمریکا رهبران این کشور در راستای مثلث امنیتی ایجاد «مصونیت فیزیکی»،<sup>۲</sup> «اشاعه ارزش‌ها»<sup>۳</sup> و «سلامت اقتصادی»<sup>۴</sup> کشور به طراحی راهبردهای متفاوتی اقدام کرده‌اند (دهشیر، ۱۳۸۶: ۳۳-۱۰).

#### ایران در سند گزارش مرور وضعیت هسته‌ای بوش پسر

با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دکتترین امنیت ملی ایالات متحده آمریکا دستخوش تحول گردید و مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی در اولویت نخست سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده قرار گرفت؛ از آموزه‌های بارز این واقعه این بود که امنیت سرزمینی و قلمرو جغرافیایی از جمله خاک آمریکا به‌طور فزاینده‌ای در معرض مخاطره قرار دارد. راهبرد امنیت ملی جورج بوش که در اواسط سپتامبر ۲۰۰۲ از سوی کاخ سفید انتشار یافت، عقاید رئیس‌جمهور را درباره نوعی «بین‌الملل‌گرایی کاملاً آمریکایی»<sup>۵</sup> ارائه کرد. در سطح کارگزاری، دولت بوش اغلب متشکل از افراد تأثیرگذار در پروژه قرن جدید آمریکایی<sup>۶</sup> بود که رسالت محوری ارتقای نقش و جایگاه رهبری جهانی آمریکا را دنبال می‌نمود. ۷. نفوذ منطق برتری‌جویی<sup>۸</sup> در اندیشه حاکم بر کابینه بوش پسر این گروه را رهنمون ساخت که

- 
1. The World we seek
  2. Physical Protection
  3. Value Promotion
  4. Economic Health
  5. Distinctively American Internationalism
  6. The project for a new American Century

۷. دیک چنی (معاون رئیس‌جمهور)، دونالد رامسفلد (وزیر دفاع) و پل ولفوویتز (معاون وزیر دفاع) در زمره کارگزاران اصلی این پروژه به شمار می‌آیند.

8. Hegemonism

آمریکا نقش حیاتی در حفظ صلح و امنیت در اروپا، آسیا و خاورمیانه دارد (کالاها، ۱۳۸۷: ۶۰).

در زمان مبارزات انتخاباتی، جورج بوش با استناد به عدم تغییر دکترین هسته‌ای جنگ سردی ایالات متحده، حملات شدیدی را علیه راهبرد هسته‌ای کلینتون مطرح کرد. به‌عنوان یک دستور کار اصلی و با فاصله زمانی کوتاهی از رسیدن به مسند قدرت، وی طی فرمانی به وزارت دفاع خواستار بازنگری در راهبرد هسته‌ای آمریکا شد. دولت بوش، گزارش ان.پی.آر را در ژانویه ۲۰۰۲ تکمیل نمود؛ سند مزبور به‌استثنای سه صفحه پیش‌درآمد و مجموعه‌ای از اسلایدها، مشمول اسناد طبقه‌بندی‌شده قرار گرفت؛ با این حال برای اولین بار لس‌آنجلس تایمز به مفاد آن دست پیدا کرد (McDonough, 2003: 1)؛ و به تدریج بخش قابل توجهی از محتوای سند در فضای رسانه‌ای منتشر گردید؛ چنان‌که دونالد رامسفلد، وزیر دفاع، در دیباچه خود بر سند مزبور تدوین نموده، «گزارش مرور وضعیت دفاعی چهارساله»<sup>۱</sup> چارچوبی بود که سند بر مبنای آن تهیه و تنظیم گردید؛ با این حال سند مرور وضعیت هسته‌ای ۲۰۰۲ تفاوت‌های عمده‌ای با خط‌مشی هسته‌ای دولت سلف بوش و دکترین‌های جنگ سردی ایالات متحده داشت؛ یکی از این وجوه تمایز، تحول از راهبرد تهدیدمحور<sup>۲</sup> به راهبرد قابلیت‌محور<sup>۳</sup> بود؛ راهبرد اخیر کمتر به منشأ و مختصات تهدیدات علیه ایالات متحده پرداخت و بیشتر به توانایی این کشور در ایجاد بازدارندگی و دفاع در مقابل چنین تهدیداتی تأکید نمود؛ مطابق این سند، ترکیبی از توانایی‌های دفاعی-تهاجمی و هسته‌ای-غیرهسته‌ای جهت ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان در قرن ۲۱ ضروری تشخیص داده شد؛ در واقع هدف اصلی سند مزبور ایجاد برنامه و راهبردی برای مقابله با تهدیدات ناگهانی و پیش‌بینی نشده و عملیات علیه اهداف هسته‌ای بود (عباسی‌اشلقلی، ۱۳۸۶: ۶۲)؛ بر همین مبنا دولت بوش در اوایل سال ۲۰۱۲ به پنتاگون دستور داد تا طرح‌های احتمالی در خصوص استفاده از تسلیحات هسته‌ای علیه هفت کشور روسیه، عراق، ایران، کره شمالی، چین، سوریه و لیبی را مورد بررسی قرار دهد؛ به‌علاوه

- 
1. Quadrennial Defense Review (QDR)
  2. Threat-Based
  3. Capacity-Based

وزارت دفاع به سمت توسعه برنامه‌ها و پیشامدهایی در خصوص امکان نیاز به سلاح‌های هسته‌ای در منازعاتی چون اعراب- اسرائیل، چین- تایوان و کره شمالی- کره جنوبی و هم‌چنین کاربرد سلاح‌های هسته‌ای برای مقابله با حملات شیمیایی و بیولوژیکی و توسعه نظامی سریع با ماهیت نامشخص پیش رفت (Arkin, 2002)؛ از این جهت، سند ان.پی.آر ۲۰۰۲ ضمن تأکید بر نقش حیاتی سلاح‌های هسته‌ای در قابلیت‌های دفاعی ایالات متحده، حق استفاده از چنین سلاح‌هایی را در موقعیت‌های گوناگون برای ایالات متحده قائل شد (Perry and et.al, 2009: 11).

تحول عمده دیگر در سند ان.پی.آر دولت بوش، گذار از سیاست سنتی منع اشاعه<sup>۱</sup> به سیاست ضد اشاعه<sup>۲</sup> بود. در سیاست منع اشاعه فرض بر این است که کشورهای زیادی تمایل به داشتن سلاح هسته‌ای ندارند و آن‌ها اندکی هم که تمایل به داشتن سلاح هسته‌ای دارند می‌توان با برخی اقدامات در چهارچوب رژیم منع اشاعه و نیز بهره‌گیری از ترتیبات چندجانبه از این کار بازداشته شوند؛ در حالی که سیاست ضد اشاعه در راستای جنگ پیشگیرانه قرار داشت و هدف اصلی آن، مقابله با اشاعه از طریق ترکیب روش‌های سنتی و جدید و نابودی و از کار انداختن تأسیسات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک و توان موشکی دشمن با بهره‌گیری از کلیه ابزارهای موجود بود (Bremer and Lodgaard, 2004: 4-8). به موجب استراتژی ملی مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی ۲۰۰۲ که به‌نوعی رهنامه آمریکا برای کاربرد سلاح‌های هسته‌ای بود و نسبت به گذشته نقش به‌مراتب بیشتری را برای سلاح‌های هسته‌ای قائل گردید؛ راهبرد ضد اشاعه دولت بوش در چارچوب سه محور پیشگیری، بازدارندگی و کاهش عواقب قرار گرفت و بر راهبرد منع اشاعه (مشمول بر دیپلماسی فعال عدم گسترش، اتکا به رژیم‌های چندجانبه، همکاری برای کاهش تهدیدات، نظارت بر مواد هسته‌ای، کنترل صادرات ملی و تحریم‌های منع اشاعه) تقدم یافت. دولت بوش سیاست ضد اشاعه را در چارچوب ایده‌های سیاسی- حقوقی چون «ابتکار گسترش امنیت»<sup>۳</sup> و «قطعنامه ۱۵۴۰»<sup>۴</sup> به‌کار گرفت تا زمینه‌های لازم برای

1. Non Proliferation
2. Counter-Proliferation
3. Proliferation Security Initiative (PSI)

۴. در سپتامبر ۲۰۰۳ جرج بوش در چارچوب ابتکار ضد اشاعه خود پیشنهادی را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه کرد که بر مبنای آن، توسعه سلاح‌های کشتار جمعی نوعی جرم تلقی می‌شود؛ پیشنهاد مزبور به تصویب قطعنامه ۱۵۴۰ منجر شد.

«بسط جرم‌انگاری اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی به حوزه حقوق بین‌الملل کیفری» را فراهم آورد (ساعد، ۱۳۸۷: ۵۵).

نگرانی عمده دولت بوش در حوزه اشاعه هسته‌ای، عمدتاً به برجسته‌سازی تهدیدات ناشی از اشاعه افقی<sup>۱</sup> معطوف گردید؛ و بر این مبنا وی به سازمان‌دهی محور شرارت<sup>۲</sup> در گفتمان امنیتی ایالات متحده مبادرت کرد؛ به‌ویژه که در این مقطع زمانی نگرش غالب در میان مقامات کاخ سفید آن بود که خطر اشاعه عمودی<sup>۳</sup> به‌واسطه فروپاشی اتحاد شوروی به‌میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است؛ این مقوله در گزارش مرور وضعیت هسته‌ای ۲۰۰۲ در قالب «دولت‌های یاغی»<sup>۴</sup> مفهوم‌بندی شد؛ با این حال کشورهای کره‌شمالی، ایران، عراق، سوریه و لیبی کماکان در گرانیگاه راهبرد ضد اشاعه دولت بوش قرار داشتند (Kristensen, 2005: 17)؛ سند یادشده، کشورهای اخیر را در زمره پیشامدهای فوری، بالقوه و ناگوار قرار داد که ممکن است در رابطه با آن‌ها گزینه حمله هسته‌ای به‌کار گرفته شود (Tachibana, 2002: 106)؛ در این میان عدم توجه گزارش مزبور به خطرات ناشی از آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان، گواه صادقی بر «استاندارد دوگانه»<sup>۵</sup> دولت بوش و تمرکز بر منع اشاعه "خارج از کنترل" بود. در مجموع، سند ان.پی.آر ۲۰۰۲ را می‌توان سرآغاز تحولی عمده در حوزه راهبردنویسی هسته‌ای ایالات متحده به‌ویژه در برخورد با مقوله اشاعه افقی تلقی کرد که مطابق آن، ایران به‌عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست منع اشاعه آمریکا مشمول رهیافت امنیتی دولت بوش قرار گرفت.

جدول ۱: اولویت‌ها و مأموریت‌های سیاست ضد اشاعه آمریکا در دوران بوش پسر (منبع: نگارندگان بر مبنای تحلیل محتوای سند ان.پی.آر ۲۰۰۲)

<b>اولویت‌ها و مأموریت‌های سیاست ضد اشاعه دولت بوش پسر</b>
--

1. Horizontal Proliferation
2. Axis of evil
3. Vertical Proliferation
4. Rogue States
5. Dual-Standard

منظور از اشاعه افقی، افزایش تعدد دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای است

- کشورهای یاغی (محور شرارت)
- کره شمالی
- ایران
- عراق
- پیوند تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی
- نظارت بر نقل و انتقال امکانات و مواد هسته‌ای
- کشورهای تازه استقلال یافته اتحاد شوروی
- شبکه القذیرخان (پاکستان)
- محدود نمودن عرضه چرخه کامل سوخت

#### ایران در سند گزارش مرور وضعیت هسته‌ای اوپاما

باراک اوپاما در شرایطی بر مسند قدرت رسید که قدرت نرم ایالات متحده به واسطه سیاست‌های یک‌جانبه دولت بوش پسر با افت شدیدی مواجه شده بود؛ بر این مبنا نامبرده با طرح وعده «تغییر»<sup>۱</sup> تلاش نمود تا ضمن پوشش «بحران اعتبار»، از سازوکارها و راهبردهای معطوف به قدرت هوشمند به منظور تعقیب اهداف راهبردی آمریکا بهره گیرد (Dimitrova, 2011: 2). گفتمان «تغییر» اوپاما به سرعت به سیاست‌های اعلامی آمریکا در حوزه هسته‌ای هم تسری یافت و از این جهت چشم‌انداز نسبتاً روشنی را در رابطه با تغییرات الگویی در سیاست هسته‌ای آمریکا از جمله در برخورد با جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد.

سند گزارش مرور وضعیت هسته‌ای ۲۰۱۰ که در نوع خود نخستین گزارشی بود که به صورت تمام‌متن از جانب وزارت دفاع ایالات متحده منتشر می‌گردید، امکان بررسی دامنه تغییر و تحولات احتمالی در سیاست‌های هسته‌ای آمریکا را فراهم نمود؛ حجم گزارش مورد نظر ۷۲ صفحه (همراه با یادداشت وزیر دفاع و ۱۴ صفحه خلاصه اجرایی) بود؛ مطابق ادعای این سند، با عنایت به تحول محیط امنیتی بین‌الملل و چالش‌های امنیتی، سلسله‌مراتب نگرانی‌های هسته‌ای آمریکا هم دستخوش دگردیسی شده است؛ بر این مبنا «تروریسم هسته‌ای» و «اشاعه سلاح‌های هسته‌ای» تحت عناوینی همچون تهدیدهای بزرگ و فوری<sup>۲</sup> و حادثه‌ترین<sup>۳</sup> تهدیدها

1. Change
2. Most Immediate
3. Most Extreme



مطرح شده و در صدر اولویت‌های منع اشاعه آمریکا قرار گرفتند (NPR, 2010: 3)؛ در این ارتباط، گزارش مزبور بر آن بود تا مقدمات لازم را برای مشروعیت بخشی به استمرار سلاح‌های هسته‌ای در فضای بعد از جنگ سرد فراهم نماید؛ گزارش یادشده، اهداف اصلی سیاست هسته‌ای آمریکا را حول پنج محور اصلی مورد بررسی قرار داده است: ۱) پیشگیری از اشاعه هسته‌ای و تروریسم هسته‌ای؛ ۲) کاهش نقش سلاح‌های هسته‌ای در راهبرد امنیت ملی آمریکا؛ ۳) حفظ بازدارندگی و ثبات راهبردی در سطوح تقلیل یافته قدرت هسته‌ای؛ ۴) تقویت بازدارندگی منطقه‌ای و باز اطمینان بخشی به شرکا و متحدان و در نهایت؛ ۵) حفظ زرادخانه‌های هسته‌ای کارآمد، امن و ایمن (NPR, 2010: 3).

در میان محورهای یادشده، «پیشگیری از اشاعه» از منزلت ویژه‌ای در سند ان.پی.آر برخوردار بود؛ بر این مبنا از خطر «اشاعه» به عنوان تهدید مبرم و مورد تأکید یاد شده (NPR, 2010: 4)؛ و تلاش گردید تا در این خصوص بین منافع ایالات متحده و هم‌پیمانان و شرکای این کشور نوعی پیوند برقرار گردد. سیاست امنیتی اوپاما بر این فرض محوری قرار داشت که هرگونه اشاعه هسته‌ای که در راستای آزمایش سلاح هسته‌ای انجام پذیرد، یکی از عوامل و زمینه‌های ایجاد تهدید علیه منافع منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا خواهد بود؛ چنین تحولی زمینه‌های لازم را برای ایجاد دومینوی هسته‌ای در مناطق حساسی همچون خاورمیانه به وجود می‌آورد؛ در چنین شرایطی دولت اوپاما آمادگی لازم جهت بهره‌گیری از ابزارهای نظامی برای مقابله با گسترش هسته‌ای در خاورمیانه را دارا می‌باشد (متقی، ۱۳۸۸: ۲۶)؛ در همین ارتباط، سند ان.پی.آر بدون توجه به تهدیدات ناشی از رژیم- دولت‌های آستانه (رژیم صهیونیستی، هند و پاکستان)، صرفاً به کره شمالی و ایران به عنوان دو تهدید منطقه‌ای که اصلی‌ترین نگرانی‌های اشاعه هسته‌ای از جانب آن‌ها احساس می‌گردد، اشاره کرد؛ حتی در این خصوص نسبت به پیش‌بینی اقدامات تنبیهی یک‌جانبه (کاربرد یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای) مبادرت نمود؛ سند مزبور در مجموع چهار مرتبه به نام ایران اشاره کرده و در تمامی این موارد نیز ایران در کنار کره شمالی قرار گرفته است (NPR, 2010: iv; vi; 3; 9)؛ دو کشور در معرض اتهاماتی چون «تخطی از تعهدات منع اشاعه»، «به شکست کشاندن قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان

#### 1. Pressing Threat

ملل»، «تعقیب قابلیت‌های حمل موشک» و «به شکست کشانیدن تلاش‌های بین‌المللی برای حل این موضوع از طریق ابزارهای دیپلماتیک»، «بی‌ثبات نمودن مناطق خود» و «ترغیب کشورهای همسایه به گزینه بازدارندگی هسته‌ای»، «عدم پایبندی مداوم به هنجارهای منع اشاعه» و «تضعیف ان.پی.تی» قرار گرفته‌اند (NPR, 2010: 3-4)؛ از این جهت دولت اوپاما با هم‌ردیف شمردن ایران و کره شمالی، به‌طور آشکار وجوه تمایز بارز میان برنامه هسته‌ای دو کشور (به‌ویژه ماهیت نظامی برنامه اتمی کره شمالی و صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران) را نادیده گرفت و زمینه‌های لازم را برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد.

سند ان.پی.آر ۲۰۱۰ چشم‌انداز رویکرد آمریکا در حوزه پیشگیری از اشاعه هسته‌ای و تروریسم هسته‌ای را ذیل سه محور اصلی مورد بررسی قرار داده است: «نخست، تقویت رژیم منع اشاعه هسته‌ای و سرآمد آن یعنی ان.پی.تی، از طریق تقویت پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ترغیب به پایبندی به آن‌ها، ممانعت از تجارت غیرقانونی هسته‌ای و ارتقای کاربرد صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بدون افزایش خطرات اشاعه؛ در این محور نیز به ایران و کره شمالی به‌عنوان دو متهم اصلی اشاره شده است (NPR, 2010: vi)؛ دوم تلاش‌های معطوف به اجرای ابتکار اوپاما در جهت تضمین امنیت مواد هسته‌ای آسیب‌پذیر<sup>۱</sup> و سوم تعقیب تلاش‌های کنترل تسلیحاتی شامل استارت جدید<sup>۲</sup>، تصویب و لازم‌الاجرا نمودن معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای<sup>۳</sup> و مذاکره معاهده منع مواد شکافت‌پذیر<sup>۴</sup>». واقع مطلب آن است که دولت اوپاما نه تنها کلیت معاهده منع اشاعه و رکن نظارتی موجود در آن (آژانس) را به جهت همپوشانی با منافع و اهداف راهبردی آمریکا پذیرفت بلکه تقویت رژیم‌ها و ابتکارهای موازی را هم در دستور کار قرار داد و از این جهت نوعی تلفیق میان رهیافت کابینه‌های سلف خویش، یعنی جورج بوش و کلینتون به وجود آورد؛ در این میان برخی سازوکارهای اجرایی سیاست ضد اشاعه بوش نظیر پی.اس.آی نه تنها منحل نشد، بلکه اوپاما با تأیید ماهیت این

- 
1. Vulnerable Nuclear Materials
  2. New Strategic Arms Reduction Treaty (New START)
  3. Comprehensive Nuclear Test Ban Treaty
  4. Verifiable Fissile Material Cutoff Treaty

سازوکار در از جمله در سخنرانی خود در آوریل ۲۰۰۹ در پراگ و همچنین ایجاد ابتکارهای جدید (ابتکار جهانی کاهش تهدید، ۱ برنامه حفاظت و همکاری بین‌المللی در خصوص مواد هسته‌ای) ۲ وعده داد این ابتکار را به نهادی بین‌المللی تبدیل کند تا کماکان در تعقیب و کشف محموله‌های مشکوک به ارتباط با سلاح‌های کشتار جمعی فعالیت نماید (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

دستور کار دیگری که دولت اوباما در گزارش مرور وضعیت هسته‌ای ۲۰۱۰ بر آن تأکید داشت، مقوله «تروریسم هسته‌ای» بود. تحلیل گستره، شمول و مصادیق دستور کار یادشده از منظر دولتمردان آمریکایی و سایر اسناد بالادستی نشانه‌هایی از پیوند آن با مقوله «منع اشاعه» را برجسته می‌سازد. مطابق نگرش غالب در آمریکا، متعاقب حوادث ۱۱ سپتامبر احتمال حملات تروریستی هسته‌ای افزایش یافته است؛ در این ارتباط هدف اصلی آمریکا نگه‌داشتن سلاح‌های هسته‌ای، دانش موردنیاز برای ساخت آن‌ها و مواد شکافت‌پذیر از دسترس کشورها یا بازیگرانی است که از توانایی تهدید آمریکا، دوستان و متحدان آن برخوردارند. رهیافت اصلی دولت اوباما در اجلاس امنیت هسته‌ای واشنگتن، ۳ واپایش تسلیحات در سطح جهانی و جلوگیری از ورود بازیگران جدید به باشگاه هسته‌ای بود؛ در همین راستا سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۰، تروریسم هسته‌ای را به‌عنوان نگرانی محوری در زمینه اشاعه افقی مطرح کرد (NSS, 2010: 1-3). راهبرد ملی مقابله با تروریسم ۴ هم که در سال ۲۰۱۱ منتشر شد، مقابله با «اشاعه» و «تروریسم» را به‌عنوان دو اولویت اصلی سیاست هسته‌ای آمریکا برجسته کرد (NSCT, 2011: 23)؛ اما نکته محوری این دستور کار، پیوند تروریسم هسته‌ای و امنیت جهانی و طرح آمریکا به‌عنوان پرچم‌دار جامعه بین‌المللی برای مقابله با این تهدید بود؛ در واقع دولت اوباما در قالب تلفیق قدرت نرم و سخت در سیاست خارجی، از طریق تعریف تروریسم هسته‌ای و استفاده از توجیه‌های مناسب همچون امنیت جهانی در راهبرد جدید هسته‌ای امکان «تفسیرگرایی جدید از مقوله امنیت و تهدید جهانی» را علیه کشورهایی که مطابق ماده ۴ ان.پی.تی درصدد استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای هستند، برای واشنگتن فراهم نمود

1. The Global Threat Reduction Initiative
2. The International Nuclear Material Protection and Cooperation Program
3. 2010 Washington Nuclear Security Summit (NSS)
4. National Strategy for Counterterrorism

(متقی، رهنورد، ۱۳۸۹: ۱۴۸)؛ معنای تلویحی این امر، وجود دستور کارهای متنوع آمریکا در برخورد با مقوله تروریسم هسته‌ای بود که می‌توانست مشتمل بر پیشگیری از اشاعه افقی خارج از کنترل، تأمین امنیت مواد و کلاهک‌های هسته‌ای ذخیره شده در سایت‌ها و سلاح‌های هسته‌ای آسیب‌پذیر روسیه، کاهش خطر اشاعه یا حتی درگیری‌های هسته‌ای در آسیای مرکزی و جنوبی، بهبود حفاظت از تأسیسات هسته‌ای داخل ایالات متحده، نظارت بر محموله در گذرگاه‌های مرزی و جلوگیری از انتشار اطلاعات حساس هسته‌ای باشد؛ افزون بر این، سند ان.پی.آر ۲۰۱۰ در راستای مقابله با خطر اشاعه هسته‌ای و تروریسم هسته‌ای در تلاش برای ایجاد نوعی جبهه‌بندی جدید جهانی بود؛ تا جایی که روسیه و چین در زمره شرکای راهبردی ایالات متحده قرار گرفتند و سند مزبور قائل به نوعی منافع مشترک میان دو طرف شد (NPR, 2010: 29).

جدول ۲: اولویت‌ها و مأموریت‌های سیاست منع اشاعه آمریکا در دوران اوباما (منبع: نگارندگان، بر مبنای تحلیل محتوای سند ان.پی.آر ۲۰۱۰)

اولویت‌ها و مأموریت‌های سیاست منع اشاعه آمریکا در دوران اوباما
- پیشگیری از تروریسم هسته‌ای
- پیشگیری از گسترش افقی سلاح‌های هسته‌ای کره شمالی
ایران
- امنیت‌سازی برای مواد هسته‌ای آسیب‌پذیر
- محدود نمودن عرضه چرخه کامل سوخت

#### ایران در سند گزارش مرور وضعیت هسته‌ای ترامپ

سند گزارش مرور وضعیت هسته‌ای دولت ترامپ با فاصله حدود یک‌سال از زمان رسیدن وی به قدرت در فوریه ۲۰۱۸ از سوی وزارت دفاع آمریکا منتشر شد؛ حجم گزارش موردنظر صد صفحه (همراه با یادداشت وزیر دفاع و ۱۳ صفحه خلاصه اجرایی) است. آنچه از فرمان اجرایی دونالد ترامپ به جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا، قابل برداشت است، طرح مجدد سیاست پیش‌دستی در تفکر راهبردی آمریکا است. دولت ترامپ همسو با دیگر کابینه‌های بعد از جنگ سرد آمریکا، اتکا بر توان هسته‌ای نظامی را به‌عنوان شالوده سیاست امنیت ملی خود

قرار داده است؛ به‌ویژه که وی راهبرد امنیت ملی خود را بر مبنای شعار «نخست آمریکا»<sup>۱</sup> سازمان‌دهی کرده (NSS, 2017: 3)؛ و در این راستا حفظ، توسعه، تجهیز و مدرن‌سازی توان هسته‌ای ایالات متحده و حفظ بازدارندگی پایدار به‌عنوان ابزاری مؤثر و قابل اتکا محسوب می‌شود (NPR, 2018: 30). سند ان.پی.آر ۲۰۱۸ اذعان دارد که «ایالات متحده ساختار نیروهای هسته‌ای را در پاسخ به تأمین نیازهای فعلی و خطرات غیرمنتظره حفظ خواهد نمود...؛ ما باید این ذخایر را که امکان بازداشتن رقبا، اطمینان‌بخشی به متحدان و شرکا و دستیابی به اهداف ایالات متحده را به‌ویژه در حالت شکست بازدارندگی فراهم می‌آورد، حفظ نماییم» (NPR, 2018: 30).

در سند ان.پی.آر ۲۰۱۸، در مجموع ۳۵ مرتبه به نام ایران اشاره شده است؛ بررسی محتوایی سند مذکور نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران کماکان به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست منع اشاعه ایالات متحده مطرح است؛ سند مزبور با اتخاذ دو رهیافت «توصیفی» و «تجویزی» به برجسته‌سازی تهدید ایران و تصویرسازی منفی علیه کشورمان پرداخته است؛ در رهیافت توصیفی ظاهراً سند ان.پی.آر ۲۰۱۸ به‌دنبال آن است که توصیفی از وضعیت تفکر، ادراک، عملکرد هسته‌ای ایران به عمل آورد؛ حال آنکه سند مزبور چنین رهیافتی را عمدتاً با نشانه‌های مبالغه‌آمیز علیه کشورمان به‌کار گرفته است؛ گزارش یادشده در ابتدای بخش مربوط به طرح جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک تهدید اشاعه هسته‌ای، به موازات سیاست ملی‌گرایی ترامپ و در جهت برانگیختن این احساس در میان کارگزاران و نهادهای امریکایی به جمله‌ای از آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) اشاره کرده است: «امریکا، دشمن شماره یک ملت ایران است» (NPR, 2018:13)؛ سند مزبور تأکید دارد که «به‌رغم موافقت با اعمال محدودیت‌ها بر برنامه هسته‌ای خود در چارچوب برنامه جامع اقدام مشترک،<sup>۲</sup> ایران همچنان قابلیت فناورانه و بخش قابل توجهی از ظرفیت لازم به‌منظور توسعه یک سلاح هسته‌ای در مدت یک‌سال از زمان تصمیم به انجام آن را حفظ کرده است» (NPR, 2018: v; xvi; 13)؛ افزون بر این تعیین محدوده زمانی به‌عنوان یک ضعف محوری برای برجام

---

1. America First  
 2. the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

ذکر شده و اتمام این بازه به‌منزله پایان محدودیت‌ها برای برنامه هسته‌ای ایران و تشدید فشارها به سایر کشورهای منطقه برای اکتساب تسلیحات هسته‌ای انگاشته شده است (NPR, 2018:13)؛ عوامل یادشده که به‌کرات از سوی دولت ترامپ مطرح شده، در نهایت به‌عنوان بهانه اصلی برای خروج امریکا از برجام مورد بهره‌برداری قرار گرفت؛ واضح است که ادعای مزبور بیش از آنکه ریشه در تفسیر علمی و فنی داشته باشد، تکرار برداشت‌های جناح تندرو نومحافظه‌کاران کاخ سفید و سنا و همسو با تلاش‌های همه‌جانبه لابی‌های آپیک ۱ و ساپراک ۲ در جهت افزایش فشار بر ایران بوده است؛ گرایش سند مزبور به برجسته نمودن برنامه موشکی و سیاست منطقه‌ای ایران و برقراری نوعی پیوند میان آن‌ها و برنامه هسته‌ای نیز دست‌کم از حیث دامنه و حجم بی‌سابقه است. در ان.پی.آر ۲۰۱۸ این ادعا مطرح شده که توسعه فزاینده قابلیت‌های موشک‌های بالستیک با برد بلند، راهبرد تهاجمی و فعالیت‌های ایران برای بی‌ثبات نمودن حکومت‌های همسایه، پرسش‌هایی را در خصوص تعهد درازمدت جمهوری اسلامی به چشم‌پوشی از قابلیت تسلیحات هسته‌ای به وجود می‌آورد (NPR, 2018:13)؛ نگرانی از نفوذ منطقه‌ای فزاینده ایران نیز در میان دغدغه‌های سند مزبور به چشم می‌خورد؛ مقوله یادشده را ان.پی.آر به این صورت تبیین نموده که جمهوری اسلامی به‌دنبال گسترش حوزه نفوذ خود در کشورهای همسایه و مقابله با نفوذ ایالات متحده است (NPR, 2018:13)؛ قابلیت‌های ایران در حوزه جنگ سایبری و امکان سرمایه‌گذاری کشور در حوزه سلاح‌های شیمیایی و میکروبی نیز از جمله دیگر ادعاهای سند مزبور علیه ایران بوده است (NPR, 2018:34)؛ دستور کاری که پیش‌بینی می‌شود دولت ترامپ آن را در راستای مشروعیت‌بخشی به اقدامات یک‌جانبه خود در خصوص ایران با جدیت بیشتری دنبال نماید.

تلاش برای برقراری نوعی پیوند میان ایران و تروریسم هسته‌ای نیز از جمله بدعت‌های تهدیدآمیز این سند در رابطه با جمهوری اسلامی است؛ در حالی که سند ان.پی.آر ۲۰۱۰ اشاراتی تلویحی به این مقوله داشت، سند ۲۰۱۸ دولت ترامپ با ذکر از خطر تروریسم هسته‌ای در ذیل توضیحات مربوط به خطر هسته‌ای ایران، آن را به‌عنوان تهدید فراروی

- 
1. American Israel Public Affairs Committee (AIPAC)
  2. The Saudi American Public Relation Affairs Committee (SAPRAC)

ایالات متحده و امنیت و ثبات بین‌المللی مطرح کرده است؛ دیگر نکته قابل تأمل این بخش، بازآفرینی مفهوم «دولت‌های یاغی» است و این ادعا طرح شده که «دستیابی چنین دولت‌هایی به تسلیحات هسته‌ای، یا مواد، فناوری و دانش موردنیاز برای ساخت آن‌ها، خطر بالقوه بزرگ‌تری چون امکان دستیابی تروریست‌ها را به وجود می‌آورد. با عنایت به ماهیت ایدئولوژی‌های تروریستی باید فرض را بر این گرفت که دستیابی به چنین تسلیحاتی به منزله کاربرد سلاح هسته‌ای از سوی آن‌ها خواهد بود» (NPR, 2018:13)؛ چنین دستور کاری در میان سایر اسناد راهبردی دولت ترامپ نیز به چشم می‌خورد. از سند راهبرد ضدتروریسم ۲۰۱۸ آمریکا می‌توان به‌عنوان افراطی‌ترین سند دولت ترامپ در این خصوص تعبیر کرد؛ در سند مزبور از ایران در قالب عباراتی چون «تنها کشور حامی تروریسم!» «برجسته‌ترین دولت حامی تروریسم!» «پشتیبان شبکه‌های تروریستی و نظامی فراتر از خاورمیانه!» نام برده شده و لزوم عقب راندن «شبکه تروریستی جهانی» ایران به منزله اقدامی ضروری در جهت تأمین امنیت آمریکا و جهان معرفی گردیده است (NSCT, 2018: 9).

به سبک دیگر اسناد ان.پی.آر، سند گزارش مرور وضعیت هسته‌ای ترامپ نیز ایران را در کنار کره شمالی قرار داده است؛ به‌علاوه دولت ترامپ کره شمالی را به صادرات موشک‌های بالستیک و مواد مربوط به ایران و سوریه متهم کرده است (NPR, 2018: 12)؛ سند مزبور آستانه هسته‌ای ایالات متحده را به پایین‌ترین سطح ممکن تقلیل داده است؛ در حالی که کابینه‌های قبلی آمریکا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را محدود به حادثه‌ترین شرایط ۱ از جمله زمان استفاده کشورهای رقیب از سلاح‌های کشتار جمعی می‌کردند؛ در سند جدید برای اولین بار پاسخ هسته‌ای به «حملات راهبردی غیرهسته‌ای» به رسمیت شناخته شده است؛ چنین وضعیتی می‌تواند منجر به تضعیف خطوط تمایز میان سلاح‌های هسته‌ای و متعارف منجر گردد (Zandee and Meer, 2018: 2).

در کنار رهیافت توصیفی سند ان.پی.آر ۲۰۱۸ که عمدتاً با کاربست نشانه‌های مبالغه‌آمیز و به دور از واقعیت علیه کشورمان همراه شده، گزارش یادشده ذیل محور «راهبرد مقتضی در برابر ایران» مبادرت به پیاده‌سازی نگرش تجویزی آمریکا در خصوص جمهوری اسلامی ایران

#### 1. Most Extreme Circumstances

نموده است؛ این بخش نیز بار دیگر برنامه هسته‌ای کشورمان را به قابلیت‌های نظامی متعارف (از جمله سیستم‌های موشکی کروز و قابلیت‌های جنگ سایبری برای عملیات‌های تهاجمی) گره زده (NPR, 2018: 34)؛ و از این رهگذر به دنبال تکمیل حلقه‌های امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران است؛ در قسمت پایانی این بخش، دولت ترامپ «راهبرد ایجاد بازدارندگی» را به عنوان سازوکار مطلوب به منظور مقابله با ایران معرفی می‌کند؛ آن‌چنان‌که سند مزبور ادعا داشته، چنین راهبردی مشتمل بر قابلیت‌های لازم برای شکست توانایی‌های راهبردی «غیرهسته‌ای» ایران است؛ در این راستا و به موازات سایر اقدامات یک‌جانبه و غیرحقوقی دولت ترامپ بر بهره‌گیری از سیستم‌های تدافعی و تهاجمی ایالات متحده در جهت پیشگیری یا انهدام توانایی‌های موشکی ایران تأکید شده است؛ سند ان.پی.آر در توجیه دلایل توسل به این رهیافت که اغلب یادآور دکترین‌های جنگ سردی امریکا است، به کارآمدی آن برای متقاعد نمودن مقامات ایران به شکست هرگونه حمله راهبردی غیرهسته‌ای علیه ایالات متحده، متحدان و شرکای این کشور و بیشتر بودن هزینه‌های چنین اقدامی نسبت به منافعش اشاره کرده است (NPR, 2018: 34).

در مجموع سیاست هسته‌ای ترامپ از حیث رهیافت‌ها و روش‌ها دارای وجوه تشابه فراوانی با رویکرد هسته‌ای دولت بوش پسر است؛ از این جهت رهیافت سیاست هسته‌ای ترامپ به میزان قابل توجهی در گسست با خط‌مشی هسته‌ای کابینه‌های اوباما و کلینتون قرار می‌گیرد؛ بر همین مبنا تحلیل‌گرانی چون جوزف نای بر این باورند که ریاست‌جمهوری ترامپ باعث فرسایش قدرت نرم امریکا شده است. میک مالوانی، مدیر بودجه ترامپ، در زمان اعلان بودجه دولت و آژانس توسعه بین‌المللی امریکا، بودجه‌ای تحت عنوان «بودجه قدرت سخت» را نیز اعلام کرد که در حدود ۳۰ درصد افزایش داشته است. از منظر طرفداران "اول امریکا" آنچه بقیه دنیا فکر می‌کند در رتبه دوم قرار دارد (Nye, 2018).



جدول ۳: اولویت‌ها و مأموریت‌های سیاست منع اشاعه آمریکا در دوران ترامپ (منبع: نگارندگان، بر مبنای تحلیل محتوای سند ان.پی.آر. ۲۰۱۸)

اولویت‌ها و مأموریت‌های سیاست منع اشاعه آمریکا در دوران ترامپ
-پیشگیری از تروریسم هسته‌ای -پیشگیری از اشاعه افقی سلاح‌های هسته‌ای کره شمالی ایران -امنیت‌سازی برای مواد هسته‌ای آسیب‌پذیر - محدود نمودن عرضه چرخه کامل سوخت

### نتیجه‌گیری

روند به‌کارگیری و اعمال قدرت در دستگاه سیاست خارجی و امنیتی آمریکا در رابطه با ایران در سال‌های اخیر با نشانه‌هایی از ابهام و پیچیدگی همراه شده است؛ بر این مبنای بهره‌گیری از سازوکارهای قدرت هوشمند در کنش راهبردی آمریکا در قبال ایران از برجستگی خاصی برخوردار گردیده است؛ این مقوله را می‌توان در متغیرهای غیرمادی یا ذهنی و متغیرهای مادی یا عینی مؤثر بر تدوین گزارش امروز اجرای وضعیت هسته‌ای در کابینه‌های بوش پسر، اوباما و ترامپ مورد ملاحظه قرار داد. در دوران ریاست‌جمهوری بوش پسر گرچه نشانه‌های جدی از غلبه رهیافت واقع‌گرا به چشم می‌خورد؛ اما بهره‌برداری دولت بوش از فضای برآمده از حوادث ۱۱ سپتامبر و تلاش تفکر راهبردی آمریکا در این دوره به‌منظور خروج آمریکا از بحران معنایی ناشی از فروپاشی شوروی، جلوه‌هایی از رهیافت بین‌الملل-گرایی لیبرال را در سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده نمایان کرد؛ در دوران اوباما نیز به رغم ظهور نشانه‌هایی از تغییر در رهیافت ایالات متحده و بهره‌گیری از سازوکارهای چندجانبه به‌منظور کاهش مخاطرات ناشی از یک‌جانبه‌گرایی، رهیافت چندبعدی ایالات متحده علیه ایران در این دوران نیز در چارچوب اعمال فشار، تهدید نظامی و تحریم‌های همه‌جانبه و هوشمند ادامه یافت؛ شواهد موجود نیز حاکی از آن است که چنین رهیافتی در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ ادامه خواهد یافت. گرچه نشانه‌های رهیافت واقع‌گرا در کنش راهبردی آمریکا در

دوران مزبور برجسته است؛ اما چنانچه از تحلیل محتوای اسناد راهبردی ایالات متحده برمی آید، دولت ترامپ به گونه‌ای مرحله‌ای در راستای بهره‌گیری از سازوکارهای قدرت هوشمند اقدام خواهد کرد.

رهیافت غالب در میان کابینه‌های ایالات متحده در تدوین اسناد گزارش مرور وضعیت هسته‌ای طی دو دهه اخیر نشان‌گر آن بوده که ایالات متحده از طریق ارائه توصیف و برداشت خاصی از محیط امنیتی بین‌الملل، زمینه‌های لازم را برای شکل‌دهی به محیط امنیتی مطلوب خود فراهم می‌نماید. از منظر عامل محیطی (محیط داخلی و محیط بین‌المللی)، پی‌ریزی محیط امنیتی بین‌المللی مطلوب بر مبنای نظم آمریکایی ایجاد می‌کند تا در درجه نخست توصیف خاصی از محیط امنیتی کنونی به عمل آید و متناسب با مؤلفه‌ها و مشخصه‌های تهدیدهای برآمده از این محیط، اولویت‌ها و مأموریت‌های آینده تعریف شوند. در تمامی اسناد گزارش مرور وضعیت هسته‌ای ایالات متحده از سال ۲۰۰۱ تاکنون، ایران به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست منع اشاعه آمریکا طرح شده است. تداوم منع اشاعه در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا را می‌توان در ارتباط با تداوم مبانی و اصول حفظ و گسترش قدرت هژمونیک آمریکا مورد بررسی قرار داد. برداشت تجویزی در سیاست‌گذاری هسته‌ای آمریکا، رهیافت بازدارندگی را به‌عنوان سازوکار مطلوب به‌منظور مقابله با ایران معرفی می‌کند؛ چنانچه محتوای سند ان.پی.آر نشان می‌دهند، مرکز ثقل چنین راهبردی تقویت قابلیت‌های لازم برای شکست توانایی‌های راهبردی «غیرهسته‌ای» و «متعارف» ایران است. با عنایت به یافته‌های پژوهش و در راستای ارتقای سطح دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات تهدیدآمیز آمریکا در چارچوب اسناد ان.پی.آر پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- با عنایت به این موضوع که تأکید اصلی نخبگان فکری و ابزاری ایالات متحده بر مقابله با تهدیدات برآمده از اشاعه افقی قرار دارد، بخش قابل توجهی از تلاش‌های دستگاه دیپلماسی ج.ا.ایران می‌تواند معطوف به برجسته نمودن اشاعه عمودی، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای (ماده ۴ ان.پی.تی) و خلع سلاح هسته‌ای (ماده ۶ ان.پی.تی) در دستور کارهای جهانی باشد؛ موضوعاتی که به‌رغم تصریح در اسناد و معاهدات حقوقی بین‌المللی، ایالات متحده همواره از تعهد به اجرای آن‌ها طفره رفته است. تفسیر موسع آمریکا از مقوله اشاعه افقی که در

سال‌های اخیر از برجستگی خاصی برخوردار شده است، به‌وضوح در بردارنده نشانه‌های تهدیدآمیزی برای جمهوری اسلامی ایران است.

- چنانچه بررسی و تحلیل رهیافت هسته‌ای کابینه‌های بوش، اوباما و ترامپ نشان داد، ایالات متحده یک راهبرد واحد را در قبال برنامه هسته‌ای ایران در پیش گرفته و تنها اختلاف موجود در میان نخبگان امریکایی، راهکنش‌ها و ابزارهای مناسب به‌منظور پیاده‌سازی راهبرد کلان مهار توان هسته‌ای ایران بوده است؛ از این جهت تفاوت فاحش و محسوسی در رویکرد هسته‌ای کابینه‌های ایالات متحده نسبت به ایران مشاهده نمی‌شود. لازم است در برابر راهبرد کلان ایالات متحده، پاد راهبرد مناسب و مقتضی از جانب جمهوری اسلامی ایران تدوین و اجرایی شود؛ به‌گونه‌ای که در صورت تغییر ابزارهای سیاست خارجی آمریکا کمترین زیان متوجه توان هسته‌ای راهبردی کشور شود.

- راهبرد اخیر دولت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران که با خروج از برجام و بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه وارد مرحله تازه‌ای شده، در چارچوب فشار حداکثری به‌منظور قرار دادن سایر موضوعات از جمله برنامه موشکی، سیاست منطقه‌ای ایران و مقوله حقوق بشر در دستور کار مذاکرات سازمان‌دهی شده است؛ چنین رهیافتی به‌روشنی شکاف‌های میان سیاست اعلامی و سیاست اعمالی و عدم صحت ادعاهای واشنگتن مبنی بر تقدم مذاکره در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا را ثابت می‌کند؛ این موضوع به‌نوبه خود مهر تأییدی بر غیرمنطقی و غیرقابل اعتماد بودن آمریکایی‌ها که به‌کرات از سوی رهبری انقلاب مورد تأکید قرار گرفته، است.

## منابع

## فارسی

۱. چرنوف، فرد (۱۳۸۸)، نظریه و زبر نظریه در روابط بین‌الملل، مفاهیم و تفسیرهای متعارض، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۲. دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، تهران: قومس.
۳. ساعد، نادر (۱۳۸۷)، در تکاپوی تکوین فزاهایی جدید در حقوق خلع سلاح: نقد رهیافت مسئولیت بین‌المللی کیفری، پژوهشنامه خلع سلاح، شماره ۴.
۴. ساعد، نادر و قاسم علیدوستی (۱۳۸۹)، سیاست هسته‌ای آمریکا و امنیت ملی ج.ا.ایران، نامه دفاع، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره اول.
۵. ساعد، نادر (۱۳۸۹)، راهبردهای ملی ۲۰۱۰ آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران، نامه دفاع، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره سوم.
۶. عباسی‌اشلقی، مجید (۱۳۸۶)، سیاست سلاح‌های هسته‌ای آمریکا بر اساس دکترین بوش، پژوهشنامه امنیت بین‌الملل و تروریسم، شماره اول.
۷. قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۷ الف)، رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران، تهران: معاونت دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک.
۸. قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۷ ب)، رویکرد آمریکا به پیمان منع گسترش، مطالعه مورد جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، شماره ۲.
۹. کالاهان، پاتریک (۱۳۸۷)، منطق سیاست خارجی آمریکا، نظریه‌های نقش جهانی آمریکا، ترجمه داود غرایاق-زندى و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. کوثری، مسعود (۱۳۸۷)، روش کیفی، در عباس منوچهری، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت.
۱۱. کیوان‌حسینی، اصغر (۱۳۸۹)، جایگاه رژیم امنیتی منع اشاعه در سیاست خارجی آمریکا (۱۹۴۹-۲۰۰۷)، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲.
۱۲. کیوان‌حسینی، اصغر (۱۳۹۱)، قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا (از ظهور تا پس از ۱۱ سپتامبر)، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۱۳. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، تحول در راهبرد دفاع ملی آمریکا، از جنگ پیشدستانه تا بازدارندگی منطقه‌ای، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۲.

۱۴. متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، همکاری‌های نامتقارن ایران و آمریکا در دوران اوباما، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۳.
۱۵. هالستی، کی.جی (۱۳۸۸)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیم و مسعود طارم‌سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

#### انگلیسی

16. Albright, David & Dubowitz, Mark & Kittrie, Orde & Spector, Leonard & Yaffe, Michael (2013), U.S. Nonproliferation Strategy for the Changing Middle East, Washington, D.C, Institute for Science and International Security.
17. Arkin, William (2002), Secret Plan Outlines the Unthinkable, Los Angeles Times.
18. Colby, Elbridge (2015), A Nuclear Strategy and Posture for 2030, Center for a New American Security.
19. Joseph, Jonathan (2008), Hegemony and the Structure Agency Problem in International Relations: A Scientific Realist Contribution, Review of International Studies, Vol.34, No. 1.
20. Kristensen, Hans M (2005), Counter-Proliferation and US Nuclear Strategy, International Journal, Vol. 63, No. 4.
21. Mayring, Philipp (2014), Qualitative content analysis: theoretical foundation, basic procedures and software solution, Klagenfurt, URN :http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0168-ss0ar-395173.
22. Marli, Bremer and Lodgaard, Sverre (2004), Nuclear Proliferation and International Security, London and New York: Routledge.
23. McDonough, David S (2003), The 2002 Nuclear Posture Review: The 'New Triad, Counter-proliferation, and U.S. Grand Strategy, Working Paper, No. 38.
24. Müller, Harald and Annette Schaper (2004), US Nuclear Policy after the Cold War, Peace Research Institute Frankfurt (PRIF) Reports, No. 69.
25. Nye, Joseph (2018), Donald Trump and the Decline of US Soft Power, Project Syndicate, Feb 6.
26. Perry, William J. and et.al (2009), U.S. Nuclear Weapons Policy, Council on Foreign Relations, Independent Task Force Report No. 62.
27. Preez, Jean (2002), The Impact of the Nuclear Posture Review on the International Nuclear Nonproliferation Regime, The Nonproliferation Review, Fall-Winter.
28. Tachibana, Seiitsu (2002), Bush Administration's Nuclear Weapons Policy: New Obstacles to Nuclear Disarmament, Hiroshima Peace Science, 24.
29. The White House (2010), Statement by President Barack Obama on the Release of Nuclear Posture Review, April 06, <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office>.
30. The White House (2018), National Strategy for Counterterrorism, available at: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2018/10/NSCT.pdf>.
31. The White House (2018), National Security Strategy of the United States of America, Washington, DC, available at: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>.

32. U.S. Department of Defense, (April 2010), "Nuclear Posture Review Report", Washington, DC: US Department of Defense, available at: [www.defense.gov/npr/docs/2010 Nuclear Posture Review Report.pdf](http://www.defense.gov/npr/docs/2010%20Nuclear%20Posture%20Review%20Report.pdf).
33. US Department of Defense (2018), Nuclear Posture Review Report. Washington, DC: US Department of Defense.
34. Wilson, Ernest (2008), Hard Power, Soft Power, Smart Power, Annals of the American Academy of Political and Social Science, Vol. 616.

## نقش ژئوپلیتیک دریای خزر در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران

سید ابراهیم قلی‌زاده<sup>۱</sup>

بشیر کلاری<sup>۲</sup>

مصطفی محمدجانی<sup>۳</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۲

### چکیده

از جمله متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی و راهبرد دفاعی کشورها، ویژگی‌های ژئوپلیتیک آن کشور است؛ به عبارت دیگر راهبرد تا اندازه‌ی زیادی متأثر از قابلیت‌ها و محدودیت‌های ژئوپلیتیک است. تأثیر ژئوپلیتیک در اتخاذ راهبردهای مناسب و اثرگذار همواره یکی از دغدغه‌های ذهنی پژوهشگران حوزه مطالعات راهبردی بوده که طی سال‌های گذشته دوجندان شده است. منطقه خزر از جمله مناطقی است که با برخورداری از مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، جایگاه مهمی در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران دارد و نگاه‌های بسیاری را به سمت خود جلب کرده است؛ از این رو با شناخت منطقه خزر در بستر تحلیل ژئوپلیتیک می‌توان، سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی مناسب و مؤثری در این منطقه اتخاذ کرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی و تبیین جایگاه ژئوپلیتیک دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی است و به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است؛ داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز آن نیز به روش کتابخانه‌ای (کتاب، نشریات و اینترنت) و پرسشنامه‌ای گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که دریای خزر به دلیل برخورداری از ویژگی‌های منحصربه‌فرد در ابعاد سیاسی، اقتصادی، ارتباطی، فرهنگی، نظامی، ژئواستراتژیکی، زیست‌محیطی و حقوقی در تثبیت قدرت ملی و پیشبرد راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، نقش مهم و اثرگذاری را ایفاء می‌کند.

### واژگان کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، ژئوپلیتیک، دریای خزر، راهبرد دفاعی.

drGholizadeh@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه علوم و فنون دریایی امام خمینه‌ای (مدظله‌العالی) نیروی دریایی سپاه

hossienk8@gmail.com

mostafamohamad2@yahoo.com

۳. دکترای جغرافیای سیاسی از دانشگاه خوارزمی

## مقدمه

واقعیت‌های جغرافیایی محیط پیرامونی و عرصه بین‌الملل (ژئوپلیتیک) در کنار ساختار نظام بین‌الملل به عنوان یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین بارزهای محیط جغرافیایی - سیاسی هر کشوری در امر گزینش راهبردها (اعم از داخلی و خارجی) تأثیر حیاتی و انکارناپذیر دارد که اگر نادیده گرفته شوند، در راستای تأمین امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور خدشه‌ای جبران‌ناپذیر بر پیکره سرزمین و ملت وارد خواهد شد؛ از این رو به‌رغم تحولات جهانی نمی‌توان عامل جغرافیا را به عنوان عامل مؤثر در سیاست‌گذاری خارجی و روابط بین‌الملل نادیده گرفت؛ لذا هیچ راهبردی نمی‌تواند مستقل از زمین (ژئو) یعنی جغرافیا طراحی شود. اصولاً تدوین‌کنندگان راهبرد ملی در مطالعات خود الزاماً به تحقیقات جغرافیایی به عنوان زیربنای کار خود نیازمند هستند؛ زیرا هیچ سیاست، اقتصاد و برنامه‌ریزی نظامی نمی‌تواند در خارج از محیط جغرافیایی مورد مطالعه قرار گیرد. در واقع در تهیه «راهبرد ملی» مطالعات جغرافیای راهبردی، ژئوپلیتیک و نتایج و راهبردهای آن، بخش اساسی و حیاتی آن مطالعه را تشکیل می‌دهند؛ از این رو برای مطالعه در جغرافیای استراتژیک، آگاهی از پدیده‌ها و آثار گوناگون جغرافیای طبیعی و انسانی الزام‌آور خواهد بود. در این بین راهبرد دفاعی یک جزء یا بخش مهم راهبرد امنیت ملی (راهبرد ملی) برای کسب اهداف معنادار امنیت ملی به‌ویژه در حوزه حفظ تمامیت ارضی، استقلال ملی، رفاه اقتصادی و حاکمیت ملی است که دستیابی به آن نیازمند توجه به ژئوپلیتیک پیرامون کشور است؛ از جمله مناطق راهبردی ایران، حوزه خزر است؛ این منطقه به دلیل برخورداری از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی از موقعیت ممتازی برای ج.ا.ایران برخوردار است که لزوم توجه بیشتر به تمامی ابعاد این حوزه در جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و زیست‌محیطی که تأثیرات زیادی بر راهبرد ملی و امنیتی کشور دارد را ضرورت می‌بخشد.

در حال حاضر به دنبال فروپاشی کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی و ظهور چهار جمهوری جدید در حاشیه دریای خزر از یک‌سو و بین‌المللی شدن اهمیت منابع غنی هیدروکربنی نهفته در این دریا از سوی دیگر به یک‌باره این منطقه از یک منزلت سیاسی،



اقتصادی و امنیتی ویژه‌ای برخوردار شده و به یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیک جهان تبدیل شده است؛ در این میان حضور تدریجی برخی از بازیگران ملی و فراملی نظیر دولت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، نهادهای بین‌المللی نظامی، شرکت‌های چندملیتی و کنسرسیوم‌های نفتی به مراتب بر پیچیدگی و ابهامات سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه افزوده است؛ در کنار این موضوعات، تعیین نشدن رژیم حقوقی دریای خزر نیز بر پیچیدگی منطقه افزوده است و به تدریج زمینه بروز چالش‌های دفاعی امنیتی را در این منطقه فراهم نموده است. شناخت جایگاه ژئوپلیتیک دریای خزر، به درک فرصت‌ها، تهدیدها و مزیت‌های دفاعی کشور در این منطقه منجر خواهد شد و به تدوین سیاست‌های راهبردی در حوزه دفاعی و سیاسی کمک شایانی خواهد کرد؛ با این اوصاف، پژوهش حاضر به دنبال شناخت دقیق جایگاه ژئوپلیتیک دریای خزر در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران است و به عبارت دیگر به دنبال پاسخ به این سؤال است که ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک دریای خزر، چه تأثیری در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایفاء می‌کند.

## کلیات

### بیان مسئله

در طول تاریخ، همیشه جغرافیا نقش مهمی در امور بشری داشته است. به هويت، سرشت و تاریخ حکومت‌های ملی شکل بخشیده، به توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها یاری رسانده یا مانع آن شده است و نقش مهمی در مناسبات بین‌المللی آن‌ها بازی کرده است؛ در این میان، ژئوپلیتیک به‌نوبه خود که یکی از جنبه‌های مطالعاتی و اصلی آن بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار حکومت‌هاست، به دنبال کشف و اثبات این واقعیت است که چگونه موقعیت مکانی، اقلیمی، منابع طبیعی، جمعیت و تکه زمینی که یک کشور بر روی آن قرار گرفته است، گزینه‌های سیاست خارجی حکومت و جایگاه آن را در سلسله‌مراتب حکومت‌ها تعیین می‌کند (Griffiths and O'Callaghan, 2002: 120).

در شرایطی که ایران اسلامی در معرض تهدیدهای جدی از سوی قدرت‌های نظامی آماده و فرصت طلب است که با توانمندی‌های ابزاری و فن‌آرپایه، مترصد ایجاد شرایط مطلوب خود برای حمله به هدف‌های سرزمینی و ارزش‌های اسلامی کشور هستند؛ شایسته است که الگوی راهبردی دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر راهبردهای واقع‌گرایانه‌ای باشد که کشور را در برابر هر اقدام نظامی سخت و نرم، ایمن سازد (صادقی، ۱۳۸۸)؛ در این جهت، ضرورت دارد با کاربست، دیپلماسی دفاعی که بخشی از قدرت ملی در کنار سیاست خارجی است، برای بالا بردن ظرفیت اقدام و کُنش کشور در روابط خارجی (دو و چندجانبه) که ناظر بر کاربست سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی است، سهم دیپلماسی در حوزه سیاست دفاعی را افزایش داد.

دریاها، موقعیت‌هایی هستند که هم در قدرت ملی و سیاست خارجی کشورها تأثیر دارند و هم در راهبرد دفاعی، به نحوی مورد توجه قرار می‌گیرند؛ در نتیجه موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن، روزبه‌روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. حوزه دریایی ایران در خزر به دلیل برخورداری از مزیت‌های اقتصادی، ژئوپلیتیکی و سیاسی، ژئواستراتژیک، اجتماعی و فرهنگی، زیست‌محیطی، دفاعی و نظامی و حقوقی از موقعیت منحصربه‌فرد و ویژگی خاصی برخوردار است. دریای خزر منطقه‌ای است که با فروپاشی شوروی و اضافه شدن سه کشور آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان به جمع جمهوری اسلامی ایران و روسیه در عرصه ساحلی این حوزه، منافع سیاسی، نظامی، راهبردی و اقتصادی نه تنها کشورهای ساحلی بلکه قدرت‌های جهانی نیز در آن تعریف گردیده و این منطقه هم‌زمان مورد توجه رو به افزایش ارتباطات کریدورهای شمال - جنوب و شرق به غرب که دارای منافع ژئوپلیتیکی خاص خود هستند، قرار گرفته است؛ بدین ترتیب در طراحی راهبرد ملی و امنیتی کشور، باید به جایگاه خزر توجه شود و نقش و تأثیرات مختلف آن مورد توجه قرار گیرد؛ در حال حاضر به علت استمرار تنش و بعضاً، خصومت‌های سیاسی و نظامی در دریای خزر، امنیت و منافع ملی کشور، تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته است و این امر به علت حساسیت و همچنین، وابستگی کشور به این حوزه آبی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی بسیار بالاست.

حوزه خزر، برای ج.ا.ایران دارای اهمیت راهبردی است. در گذشته، کشور روسیه به عنوان قطب شرق مطرح بود؛ اکنون نیز برترین قدرت در حاشیه خزر، کشور روسیه است؛ علاوه بر روسیه سه همسایه جدید این حوزه یعنی جمهوری‌های آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان نیز در سال‌های پس از استقلال توانسته‌اند با اتخاذ سیاست‌های متضاد و متفاوت بر شرایط ژئوپلیتیکی منطقه تأثیرگذار باشند؛ از این رو با توجه به تحولات صورت گرفته در منطقه در طی سال‌های اخیر، در تحقیق حاضر در تلاش هستیم تا با توجه به شرایط جدید منطقه به شناخت نقش ژئوپلیتیک دریای خزر در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم که با تبیین این نقش و الزامات اجرایی آن، چگونگی تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی در دریای خزر بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه آبی، در این رساله روشن خواهد شد.

#### اهمیت و ضرورت موضوع

##### اهمیت تحقیق

راهکار توسعه حماسه اقتصادی را می‌توان در «حماسه اقتصادی دریای خزر» جستجو کرد؛ به عبارت دیگر اتکا به دریا و در نظر داشتن اهمیت آن، اصلی‌ترین راه رسیدن به حماسه‌های بزرگ اقتصادی است که موجب شکوفایی و تحولی عظیم در اقتصاد منطقه و کشور خواهد شد؛ در این بین دریای خزر در سال‌های آینده، یکی از سکوه‌های توسعه اقتصادی و محل تلاقی منافع کشورهای جهان به شمار خواهد رفت؛ بنابراین نادیده گرفتن نقش این منطقه در قدرت و امنیت ملی کشور، می‌تواند به از بین رفتن فرصت‌ها و مزیت‌های زیادی منجر گردد؛ لذا با توجه به اینکه یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش، پی بردن به نقش دریا در تولید قدرت دفاعی و بازدارندگی راهبردی است؛ جغرافیای راهبردی دریا (خاصه دریای خزر)، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد آن، می‌تواند تولیدکننده قدرت دفاعی بازدارنده و عمق‌بخشی لایه‌های دفاعی و در نتیجه موجب ارتقای امنیت ملی کشور باشد؛ به همین علت، اهمیت این پژوهش در ایجاد زمینه‌ها و نگاه واقع‌بینانه در مسئولین و متصدیان بخش‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، دفاعی و نظامی کشور در حوزه دریایی کشور خاصه دریای خزر است؛ از

این رو اهمیت پرداختن به نقش و جایگاه ژئوپلیتیک دریای خزر و ویژگی‌های مهم و تأثیرگذار آن را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

«دستیابی به درک بهتر از توانایی‌ها، اشراف بر فرصت‌ها و مزیت‌های دفاع ملی و محیطی خودی در دریا، تدوین و اجرای اقدامات راهبردی، ایجاد آمادگی و درپیش گرفتن راهکارهای دفاعی مطلوب، تأمین منافع و امنیت ملی، انجام اقدامات بهینه در مقابل هرگونه تهدید قدرت‌ها و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در دریای خزر، جلوگیری از وارد آمدن لطمات جبران‌ناپذیری بر حاکمیت ملی و توان اقتصاد ملی کشور از طریق ایجاد هرگونه بی‌توجهی به جایگاه حوزه‌های آبی ایران، آشنایی با نقاط قوت و ضعف‌های موجود در حوزه دریا، ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری بیشتر در دریای خزر».

#### ضرورت تحقیق

تغییرات ژئوپلیتیک در حوزه دریای خزر و افزایش کشورهای ساحلی از دو به پنج کشور در نتیجه فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، موجب طرح مسائل جدیدی در منطقه و جهان شد و بالطبع برای ایران به عنوان یک کشور ساحلی خزر، مسائل جدیدی را مطرح نمود؛ ماهیت این مسائل قطعاً با مسائل گذشته همچون همسایگی با یک ابرقدرت متفاوت بوده و نحوه مواجهه با آن نیز تدابیر جدید را می‌طلبد؛ و تحقیقاً به همین علت مسئله دریای خزر به یکی از مهم‌ترین قسمت‌های جهان در سال‌های اخیر تبدیل شده و باعث شده تا این منطقه توجه قدرت‌های منطقه‌ای و ابرقدرت‌های جهانی را به خود جلب نماید؛ این دریا به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان و منطقه مفصل بین خاورمیانه، آسیای مرکزی و اروپا، با برخورداری از ۲۵ درصد ذخایر انرژی جهانی از نقاط راهبردی جهان به شمار می‌رود؛ لذا مسئله نقش دریای خزر در سرنوشت و راهبرد دفاعی کشور، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا به نظر می‌رسد ضرورت‌های زیر را می‌توان در مسئله این تحقیق عنوان نمود:

- اهمیت روزافزون دریاها و مالکیت بر آن برای کشورها، به عنوان یک برگ برنده در هر منازعه و رقابت‌های تجاری؛
- مطرح بودن منطقه خزر به عنوان عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛

- پی بردن به نقش منابع انرژی، موقعیت راهبردی (جایگاه امنیتی) و موقعیت ارتباطی و مواصلاتی، به عنوان کانون اصلی کشمکش‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی منطقه در قرن حاضر؛
- ضرورت توجه به این مباحث در تدوین و اجرای راهبردهای دفاعی و سیاست‌های کلان نظامی؛
- نقش چهارراه ارتباطی خزر در پیوند خاورمیانه، اروپا، روسیه و چین به یکدیگر و لزوم توجه به نقش بازیگران در ایجاد صلح و یا تنش در منطقه؛
- عدم غفلت از مسائل خزر در راستای کاهش هزینه‌های اقدامات عجولانه بر امنیت ملی کشور.

#### پیشینه تحقیق

با بررسی که پیرامون موضوعات مرتبط با این مسئله قرار گرفت و منابع گوناگون فارسی اعم از کتاب، مقاله، گزارش، سایت‌های گوناگون علمی، خبری و... و همچنین کتب و مقالات و سایت‌های خارجی مشخص گردید که اسناد، آثار و منابعی که صرفاً در چارچوب موضوع تحقیق حاضر تدوین شده باشد، قابل مشاهده و در دسترس نیست؛

در واقع وجه تمایز این پژوهش با کارهای صورت گرفته در آن است که تقریباً تمامی مقالات، همایش‌ها، کتب و گزارش منتشر شده در زمینه دریای خزر، با شرح اهمیت ژئوپلیتیکی این دریا، موضوع بحث را به یکی از مسائل مهم این حوزه آبی یعنی «رژیم حقوقی دریای خزر» سوق داده‌اند و موضوع جایگاه ژئوپلیتیک این دریا در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، در هیچ‌یک مقالات، کتب، همایش‌ها و نشست‌های علمی، مورد بررسی جدی قرار نگرفته است؛ از این رو در این پژوهش سعی شده تا با تأکید بر نقش ژئوپلیتیک دریای خزر در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، به خواننده این پژوهش، اطلاعات و معلومات جدیدی در حوزه راهبرد دفاعی در منطقه خزر منتقل گردد؛ در نتیجه می‌توان نوآوری این تحقیق را در توجه آن به نقش شاخص‌های ژئوپلیتیک بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران ذکر کرد.

### سؤال‌های تحقیق

#### سؤال اصلی تحقیق

مؤلفه‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی در حوزه خزر کدام‌اند؟

#### سؤال‌های فرعی تحقیق

- ۱- مهم‌ترین عوامل و شاخص‌های سیاسی و امنیتی حوزه خزر در تعیین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی کدام است؟
- ۲- مهم‌ترین عوامل و شاخص‌های اقتصادی حوزه خزر، در تعیین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی کدام است؟
- ۳- مهم‌ترین عوامل و شاخص‌های حقوقی حوزه خزر، متأثر بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟
- ۴- مهم‌ترین عوامل و شاخص‌های زیست‌محیطی حوزه خزر، متأثر بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟
- ۵- مهم‌ترین عوامل و شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی حوزه خزر متأثر بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی کدام است؟
- ۶- نوع راهبرد دفاعی ج.ا.ایران، چه تأثیری در ارتقاء و توسعه و تقویت موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه خزر دارد؟

#### هدف تحقیق

##### الف - هدف اصلی

هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش ژئوپلیتیک دریای خزر در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران است.

##### ب- اهداف فرعی

- جلوگیری از نفوذ و حضور قدرت‌های مداخله‌گر و خنثی نمودن تحرکات دشمنان در ایجاد منازعات قومی، اقدامات تروریستی و... در منطقه؛

- تقویت همکاری‌های اقتصادی در حوزه منابع انرژی و خطوط انتقال آن و همچنین، استفاده از ظرفیت منطقه خزر به عنوان چهارراه ارتباطی بری جهان در مسیر سه قاره جهانی؛
- پیدا نمودن راه‌حل مناسب در راستای حل چالش‌های موجود در منطقه، بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر با توافق کلیه کشورهای پیرامونی؛
- مقابله جدی با مشکلات زیست‌محیطی در منطقه خزر به‌ویژه مشکلات ناشی از ورود آلاینده‌های رودخانه‌ای و آلاینده‌های ناشی از استخراج و ترانزیت منابع فسیلی؛
- تقویت زمینه‌های تعامل بین ملت‌های منطقه با توجه به مؤلفه‌های ملی و مذهبی؛

#### روش تحقیق

نوع پژوهش کاربردی- توسعه‌ای است که با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و از طریق روش‌های کتابخانه‌ای، فیش‌برداری، مصاحبه و پرسش‌نامه متشکل از هفت مؤلفه و ۴۹ سؤال صورت گرفته است؛ برای تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده نیز از نرم‌افزار SPSS23 و آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی شامل آزمون ANOVA، t و مجذور کای دو (خی دو) استفاده شد؛ در این پژوهش سعی شده تا از نظرات جامعه آماری متشکل از خبرگان، اساتید، کارشناسان ارشد و مسئولین مسائل دریای خزر که شامل دو گروه نظامی و غیرنظامی اعم از سرداران و امیران و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های نظامی و غیرنظامی، خاصه افراد مرتبط با امور دریای خزر نیز استفاده شود.

#### ادبیات و مبانی نظری پژوهش

پس از حکمرانی ایران بر دریاها در دوره باستان و به‌ویژه هخامنشیان، شاهد کاهش استفاده از دریاها در امور تجاری و نظامی در طی سال‌های پس از آن در عرصه جهانی بوده‌ایم؛ تا اینکه با آغاز رنسانس در اروپا با دیگر دریاها مورد توجه حکام قرار گرفت؛ که این توجه به‌ویژه در قرن ۱۹ افزایش یافته و منجر به مطرح شدن نظریات جدیدی گردید که در این

ارتباط نظریه «قدرت بحری» آلفرد تایر ماهان بود که در سال ۱۸۹۰ را می‌توان سرآغاز این نظریه‌ها قلمداد نمود.

به عقیده نظریه‌پرداز «قدرت دریایی»، دریادار آلفرد تایر ماهان؛ ویژگی‌هایی که یک ملت را «در دریا» و به وسیله دریا قدرتمند می‌سازند، افزایش توان اقتصادی و میزان مشارکت جهانی را نیز به همراه دارند؛ به عبارت دیگر، قدرت دریایی و توانایی شراکت در تحولات جهانی دارای مؤلفه‌های یکسانی هستند و از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. هر دو اندیشه به صورت هم‌افزا دارای تأثیر متقابل بر یکدیگرند؛ او معتقد است «اقیانوس‌های کره زمین، حبابی پُر آب هستند که سه‌چهارم جدار زمین را پوشانیده‌اند؛ هر کشور و یا ائتلافی از کشورها که قدرت فرماندهی بر این دریاهای بزرگ را داشته باشد، می‌تواند ثروت دنیا را کنترل کند و از این طریق بر کره زمین مسلط شود» (کامران، ۱۳۸۱: ۵۹۲). طرفداران مکتب دریایی تحت تأثیر افکار آلفرد ماهان، بر این باورند که کنترل دریاها در نهایت تصمیم‌گیری در خشکی را مشخص می‌سازد. به عقیده ماهان، کنترل دریا که یک عامل تاریخی است، هیچ‌گاه به گونه‌ای نظام‌مند مورد درک و تفسیر قرار نگرفته است (اسنایدر، ۱۳۸۴).

با گذشت بیش از ۱۲۰ سال از انتشار کتاب معروف آلفرد ماهان «تأثیر قدرت دریایی بر تاریخ ۱۶۶۰-۱۷۸۳»، اعتقاد به قدرت جادویی نیروی دریایی در سیاست‌های جهانی، همچنان درون‌مایه اصلی تفکر ژئواستراتژیک قدرت‌های بزرگ و رو به رشد را تشکیل می‌دهد؛ مطابق با این تفکر مرسوم، قدرت‌های بزرگ ناگزیر به برخورداری از نیروی دریایی مدرن و مجهز با استعداد بالایی برای تفوق بر سایر قدرت‌ها هستند. (کیانپور، ۱۳۹۱: ۲).

در کنار نظریه ماهان تیل<sup>۱</sup>، نیز به‌عنوان یکی دیگر از نظریه‌پردازان در حوزه دریا اهمیت آن را در چهار کانون و عرصه تأمین‌کننده مواد غذایی و انرژی، حمل و نقل و مبادله، توسعه ایده‌ها و تفکرات و تسلط بر دیگر کشورها ارزیابی می‌کند (Till, 2012: 7-8).

1. Till



در رابطه با نقش‌آفرینی دریا در امور نظامی و راهبردی نیز بیان این موضوع کفایت می‌کند که در هر دو جنگ نیروهای ائتلاف با عراق، حدود ۹۵-۹۰ درصد از مواد و تجهیزات و ... مورد نیاز این نیروها از طریق دریا تأمین شد (Tan, 2011: 29).

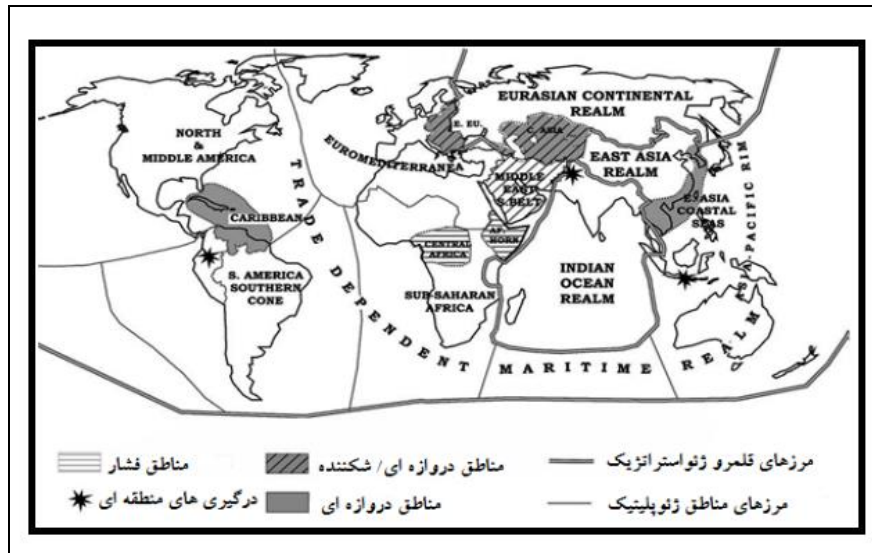
یکی دیگر از نظریه‌های که در این ارتباط مطرح است نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی سائل بی کوهن جغرافیدان معاصر آمریکایی است؛ بر اساس این نظریه دو زمینه اصلی جغرافیایی فیزیکی-انسانی که شامل زمینه دریایی و زمینه قاره‌ای است حوزه‌هایی را برای توسعه ساختارهای ژئوپلیتیک متمایز ارائه می‌دهند. تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و نهادهای سیاسی که در این زمینه تکامل یافته‌اند؛ به طور اساسی در اقتصادها، فرهنگ‌ها، سنت‌های انسانی و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک متفاوت‌اند. در سلسله‌مراتب فضایی ساختار جهانی کوهن، حوزه ژئواستراتژیک بالاترین سطح به شمار می‌رود؛ این حوزه‌ها بخش‌هایی از جهان است که برای دارا بودن خصوصیات و کارکردهای تأثیرگذار در سطح جهانی به اندازه کافی بزرگ بوده و در خدمت نیازهای راهبردی قدرت‌ها، کشورها و مناطق مهم هستند. مهم‌ترین عامل متمایزکننده یک حوزه، درجه شکل‌گیری آن توسط شرایط بعد دریایی یا بعد قاره‌ای است. در جهان کنونی، سه حوزه ژئواستراتژیک تکامل یافته‌اند: حوزه دریایی تجارت محور آتلانتیک و پاسیفیک، هارتلند اوراسیایی روسیه قاره‌ای و حوزه قاره‌ای-دریایی آسیای شرقی (کوهن، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۴).

دومین سطح از ساختار فضایی سیستم ژئوپلیتیک جهان شامل مناطق ژئوپلیتیک است؛ این مناطق ژئوپلیتیک اکثراً زیر بخش‌هایی از حوزه‌های ژئواستراتژیک دریایی و قاره‌ای هستند، به شکلی که قلمرو ژئواستراتژیک دریایی شامل شش منطقه ژئوپلیتیک اروپا، آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، حوزه کارائیب، حوزه آسیای ساحلی (ژاپن، استرالیا، کره) و آفریقای جنوب صحرا است و قلمرو ژئواستراتژیک قاره‌ای شامل دو منطقه ژئوپلیتیک هارتلند (روسیه) آسیای شرقی (چین و مغولستان) است (کوهن، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۴). در ساختار فضایی نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی حوزه‌ها و مناطق دیگری نیز وجود دارند که در ادامه بررسی می‌شوند.

در ادامه ساموئل بی کوهن نظریه «کمربندهای شکننده» را مطرح کرد که منطقه خاورمیانه در آن جای می‌گیرد. بر اساس این نظریه، خاورمیانه میان دو قدرت برّی (شوروی) و بحری (آمریکا) قرار دارد و لذا در زیر فشار این دو قدرت خرد می‌شود. کوهن یک طرح کمتر جدلی از مناطق ژئواستراتژیک جهان ارائه داد که در آن خاورمیانه همراه با مصر، سودان و بخشی از لیبی را در برمی‌گرفت. کوهن نظریه‌ی کمربند شکننده را بدین صورت تعریف می‌کند «یک منطقه وسیع با موقع استراتژیک اشغال شده توسط دولت‌های در حال کشمکش... که بین منافع متضاد قدرت‌های بزرگ گیر کرده است» (همان).

البته، کوهن پس از جنگ سرد تنها منطقه خاورمیانه را تنها منطقه شکست دانسته و دو منطقه جنوب شرق آسیا و جنوب آفریقا را جزو قلمرو ژئواستراتژیک دریایی قرار داد؛ بر اساس این نظریه، کشورهای قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان و بخش کوچکی از جنوب روسیه که در حاشیه خزر قرار دارد، جزو مناطق دروازه‌ای و کمربند شکننده قرار گرفته و ایران نیز در منطقه فشار قرار گرفته است؛ از جمله دلایل قرار گرفتن کشورهای قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان در ساختار شکننده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) رقابت و اختلاف بین کشورهای درون منطقه؛
- ۲) بحران‌های سیاسی-فرهنگی در منطقه همچون بحران هویت، مشروعیت مشارکت و غیره؛
- ۳) رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نفوذ در این کشورها؛
- ۴) قاچاق مواد مخدر، گروه‌های سازمان‌یافته تروریستی و خشونت سیاسی در این مناطق؛
- ۵) حکومت‌های نوپا، اقتدارگرا و غیر دموکراتیک، بی‌ثباتی سیاسی.



شکل (۶-۲): نقشه ساختار فضایی نظریه نظام ژئوپلیتیک جهانی در قرن ۲۱ (Source: Cohen, 2004, p. 2).

از طرف دیگر ایران در نظریه سیستمی کوهن جزو عناصر بی قرینه است که معمولاً منشأ تحول هستند؛ از نظر او ایران کشوری بنیادگرا است که به دلیل شکل خاص نظام سیاسی و نحوه تعامل با نظام جهانی، دارای ظرفیت دگرگونی و مورد توجه است (احمدی و پارسایی، ۱۳۸۴: ۲۸۷)؛ روسیه نیز جزو مهم ترین منطقه ژئوپلیتیکی در قلمرو ژئواستراتژیک قاره ای محسوب می شود که نقش هارتلند را بر عهده دارد.

#### ژئوپلیتیک<sup>۱</sup>

ژئوپلیتیک از زمان وضع آن در یک قرن گذشته از نظر مفهومی شناور بوده و هنوز بر سر ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد و دیدگاه های متفاوتی درباره ماهیت آن ابراز و برای آن تاکنون تعاریف فراوانی ارائه شده است. در ژئوپلیتیک (Geopolitics) ژئو (Geo) به معنی زمین و پلئتیک (politics) به معنای سیاست است و معادل فارسی آن سیاست جغرافیایی است که دیدگاهی برای سیاست بین الملل است تا رفتار سیاسی و توانایی های نظامی را برحسب محیط طبیعی توضیح دهد؛ بر طبق

1. Geopolitic

این رویکرد ژئوپلیتیک با درجات مختلف، بیانگر تأثیر قطعی جغرافیا بر امور تاریخی - سیاسی است (Alton & Plano, 1998:98). ژئوپلیتیک شیوه قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲). قدرت و رقابت‌های حاصل از مناسبات قدرت برای ایجاد برتری نسبت به رقیبان، پیوسته هسته مرکزی مباحث و کارکرد ژئوپلیتیک پویا بوده است. برتری خواهی، سلطه‌جویی و یا ایجاد کنترل بر امور منطقه، بخشی از جهان یا بر کل جهان در اصطلاح «هژمونی»، گفته می‌شود که هدف اصلی در بازی‌های ژئوپلیتیک است (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۳۷). پایه قدرت کشورها در گفتمان ژئوپلیتیک در دوره‌های تاریخی متفاوت بود است که عمدتاً از رویکرد سخت به نیمه سخت و نرم تغییر کرده است (جدول شماره یک).

جدول شماره یک: روند تکاملی قدرت در گفتمان ژئوپلیتیک

گفتمان	دوره	
اصالت قدرت دریایی، اصالت قدرت خشکی، اصالت قدرت هوایی، فضای حیاتی	ژئوپلیتیک سنتی (اوایل قرن بیستم تا پایان جنگ جهانی دوم)	
حاشیه‌گرایی، سد نفوذ کمونیسم (کانتینمنت)، موازنه قوا	ژئوپلیتیک جنگ سرد (دوران افول) (پایان جنگ جهانی دوم تا فروپاشی نظام دوقطبی)	
اصالت اقتصاد و سرمایه‌داری، جهانی‌شدن	دوره اول	ژئوپلیتیک نوین (تجدید حیات)
فرهنگ رسانه و افکار عمومی، اصالت اندیشه، قدرت نرم، دیپلماسی، مسائل زیست‌محیطی	دوره دوم	

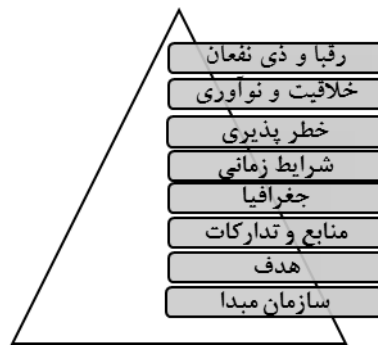
ژئوپلیتیسین‌ها با دیدگاه‌های مختلف، تعاریف متنوعی را از ژئوپلیتیک ارائه نموده‌اند؛ در این ارتباط سوئل کوهن معتقد است «ژئوپلیتیک مطالعه کاربردی روابط جغرافیایی میان فضا و سیاست است (Cohen, 1978: 17)؛ ایولاکست نیز معتقد است: «ژئوپلیتیک همچنین مجموعه پیچیده نیروهای متخاصم و متعددی است که برای سرزمین‌های به ابعاد کوچک به کشمکش می‌پردازد؛ خواه به این منظور که به رغبت یا زور، تفوق سیاسی خود را برقرار سازند و خواه به این منظور که رقابتی خود را بی‌کم‌وکاست از صحنه بیرون رانند (لاکوست، ۱۳۶۸: ۷). حافظ نیا در کتاب خود

«اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک» به گردآوری و نقد سی و دو تعریف از این مفهوم اهتمام ورزیده و در پایان، تعریف مورد نظر خود را ارائه کرده است. آنچه نگارندگان از مفهوم ژئوپلیتیک در این پژوهش مدنظر دارند، تعریف ارائه شده از سوی این نویسنده است؛ بر این اساس ژئوپلیتیک عبارت است از «علم مطالعه روابط متقابل قدرت، سیاست و جغرافیا و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر است» (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷).

#### مفهوم راهبرد

راهبرد از زبان یونانی گرفته شده و به معنای «هنر نظامی» و علم لشکرکشی است؛ همین معنا به زبان فارسی راه یافته و معادل اصطلاحی «فن و اراده عملیات جنگی»، «دانش رهبری عملیات نظامی» و «سوق‌الجیشی» برای آن آمده است (افتخاری، ۱۳۸۱: ۹)؛ همچنین راهبرد از نظر مفهومی می‌تواند به عنوان یک چشم‌انداز یا چراغ راهنمایی برای تصمیم‌های اساسی مطرح باشد و یا به دنبال تعیین موقعیت در محیط است (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲).

راهبرد اصطلاحی است کهن که برای طرح‌ریزی و اجرای جنگ که از واژه یونانی Strategos به معنای «هنر فرمانده»، گرفته شده است. در ابتدا راهبرد یکی از سه مؤلفه اصلی هنر یا علم اجرای جنگ محسوب می‌شد؛ دو مؤلفه دیگر هم عبارت بودند از تاکتیک و لجستیک (گری، ۱۳۸۵: ۹). با بررسی تعاریف مختلف «راهبرد» از جنبه نظامی و غیرنظامی استنباط می‌گردد که راهبرد حداقل شامل دو جزء اساسی «هدف» و «مسیر دستیابی به هدف» است. هدف یا هدف‌ها که اولین جزء راهبرد است، به عنوان جهت دهنده تلقی گردیده و بیان‌کننده آن است که به کجا باید رفت و مسیر دستیابی به هدف‌ها که به عنوان دومین جزء راهبرد است، بیان‌کننده آن است که چگونه و با چه شیوه و ابزاری به سمت هدف یا هدف‌ها باید حرکت کرد (Arth Lykk, 1987: 30). راهبرد، ناظر بر پیشبرد و حفظ منافع و بقای حال و آینده است و در مورد حقایق، فرضیه‌ها و احتمال‌ها صراحت دارد. هر تشکیلاتی، دارای یک راهبرد است که موازنه خاصی را در محیط برای آن ایجاد کرده است و هر راهبرد جدید، پس از کشف با به خطر افکندن وضعیت موجود، موازنه موقعیت و مرتبت راهبرد را به هم می‌زند (آریاجر، ۱۳۸۵: ۵۲).



شکل شماره ۱: مؤلفه‌های اصلی در مفهوم راهبرد منبع: (ضرغامی، ۱۳۹۷: ۵۳)



شکل شماره ۲: عوامل مؤثر بر انتخاب نوع راهبرد منبع: (ضرغامی، ۱۳۹۷: ۵۵)

#### مفهوم راهبرد دفاعی - امنیتی<sup>۱</sup>

مفهوم راهبرد در سطح ملی، برقرار کردن پیوند تام میان مفهوم راهبرد و امنیت است. (امیرحسین علی‌نقی، ۱۳۸۱: ۳۲۲). راهبرد دفاعی - امنیتی « طرح و الگوی کلان و جامعی است که در آن از طریق کاربرد تجمیعی و تجمیلی ظرفیت‌های نظامی، اقتصادی، جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی، اهداف دفاعی ملی کشور محقق می‌شوند؛ بنابراین راهبرد دفاعی - امنیتی « شیوه‌های به‌کارگیری مؤلفه‌های مختلف قدرت ملی را برای تحقق اهداف دفاعی - امنیتی کشور در راستای سیاست‌های ملی تعیین می‌کند؛ بر مبنای این تعریف، کارکرد راهبرد دفاعی هماهنگ‌سازی کاربرد قابلیت‌های نظامی و غیرنظامی یک کشور در دفاع از منافع ملی، ارزش‌ها و آرمان‌هایش است که بر این اساس در آن اهداف امنیت ملی به اهداف دفاعی و سیاست‌های ملی به سیاست‌های دفاعی و دکترین امنیت ملی به دکترین دفاعی تبدیل می‌شود و اهداف اصلی راهبرد نظامی تولید می‌شوند؛ در واقع در راهبرد دفاعی همواره فرض بر این است که یک تهدید عمده خارجی تمامیت ارضی، استقلال و سایر ارزش‌ها و منافع ملی حیاتی و حساس را از طریق کاربرد قدرت نظامی در معرض

1. Defence – Secure Strategy

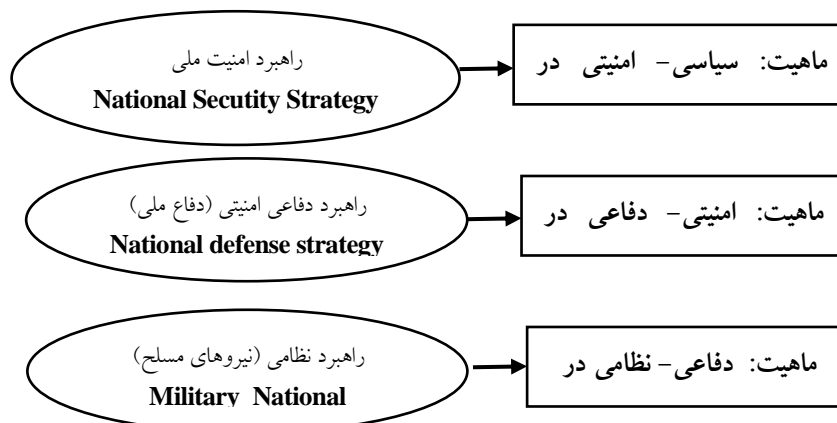
خطر قرار می‌دهد (آشتیانی، ۱۳۹۱: ۱۳۵). راهبرد پردازها و اندیشمندان امور نظامی در رابطه با تعریف راهبرد دفاعی، اتفاق نظر ندارند و اختلاف دیدگاه و تضارب آرای زیادی در این مبحث وجود دارد. عده‌ای راهبرد دفاعی را فراتر از قلمرو نظامی و حیطه نیروهای مسلح دانسته و آن را به کاربرد قدرت ملی ربط می‌دهند که شامل مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... نیز می‌گردد.

دایره‌المعارف «بریتانیکا» در تعریف راهبرد دفاع ملی و مؤلفه‌های آن این چنین آورده است: راهبرد دفاع ملی عبارت است از کاربرد هماهنگ تمامی نیروهای نظامی کشور برای دستیابی به اهداف دفاعی و عناصر تشکیل‌دهنده آنکه عبارت‌اند از: «چشم‌انداز بلندمدت، آماده‌سازی منابع و طرح‌ریزی منابع برای اینکه در قبل، در خلال و پس از اقدام نظامی مورد استفاده قرار گیرند؛ کاربرد این راهبرد و رای امور نظامی صرف است» عناصر تشکیل‌دهنده راهبرد دفاع ملی به عنوان تابعی از راهبرد امنیت ملی، موضوعات زیر را شامل می‌شود:

- تجزیه و تحلیل وضعیت موجود شامل موقعیت کشور در منطقه و جهان، قابلیت‌های ملی و نظامی، محیط امنیت بین‌الملل و عوامل تأثیرگذار خارجی بر محیط امنیت ملی و محیط امنیت داخلی؛
- ارائه رویکردها، رهیافت، راهبرد و بیان ویژگی‌های آن در تأمین اهداف کلان دفاعی و چگونگی انطباق آن با دو سند راهبردی بالایی و پایینی؛
- نگاه دکترینی در تدوین چشم‌انداز و آینده‌پژوهی و نتیجه‌گیری؛
- تجزیه و تحلیل الگوی راهبردی (آشتیانی، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

راهبرد دفاع ملی (NDS<sup>1</sup>) یا راهبرد دفاعی - امنیتی، مطابق شکل شماره سه حلقه میانی نظام سلسله مراتبی راهبردهای ملی به شمار می‌آید و با استفاده از ساز و کارهای این راهبرد می‌توان حوزه امور دفاعی نظامی را با حوزه امور سیاسی و امنیت ملی مرتبط ساخت و زمینه تعامل مطلوب میان نظامیان و سیاسیون را فراهم آورد؛ به عبارت دیگر  
بستر مفاهمه سطح دفاعی نظامی با سطح سیاسی - امنیتی (معمولاً غیرنظامی)، در این سطح نظامی - سیاسی تدبیر می‌شود.

1. National Defence Strategy = NDS 2- Quarterly Defence Order



شکل شماره ۳: ترتیب سلسله مراتبی راهبردهای حوزه دفاعی - امنیتی منبع: (آشتیانی، ۱۳۹۱: ۱۳۷)

طرح ریزی راهبردی دفاعی - امنیتی نیز به مفهوم تهیه طرح‌ها و اجرای روش‌ها، فن‌ها و اقداماتی که با در نظر گرفتن عوامل محیطی، به منظور ایجاد یک ارتباط اصولی و منطقی میان مؤلفه‌های قدرت ملی با اهداف دفاعی - امنیتی، برای مقابله با تهدیدات علیه امنیت ملی و منافع حیاتی کشور به کار می‌روند.

#### - راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران

با ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله ششم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی در آذر سال ۱۳۹۴ از مهم‌ترین شاخصه‌هایی که در حوزه دفاعی در این برنامه لحاظ شده را می‌توان در موارد زیر جستجو نمود:

افزایش توان دفاعی کشور در تراز قدرت منطقه‌ای در جهت تأمین منافع و امنیت ملی با تخصیص حداقل ۵ درصد بودجه عمومی کشور برای بنیه دفاعی؛ تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان؛ انسداد الکتریکی، الکترونیکی، نوری (اپتیکی) و فیزیکی مرزها با اولویت مناطق مرزی مستعد ناامنی (ارتقای امنیت و کنترل مؤثر مرزها) با بهره‌گیری از توان نیروهای اطلاعاتی، نظامی، انتظامی، دولتی و مردمی و ارتقاء توان بازدارندگی کشور در حوزه‌های موشکی تولید سلاح، پدافند غیرعامل، ایجاد و توسعه شبکه ارتباطی مطمئن و سامانه فرماندهی و کنترل، دفاع رایانیک، تقویت ناوگان هوایی و دریایی، توسعه و تقویت امکانات جنگ



الکترونیک و توسعه و تقویت یگان‌های رزمی و تیپ‌های واکنش سریع (سایت رسمی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴، دسترسی اردیبهشت ۱۳۹۷).

علاوه بر برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ که یک سند بیست‌ساله است نیز اشاره شده که ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل که در حوزه دفاعی نیز جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز دارای چنین ویژگی‌های است: امن، مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت و دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت (سایت رسمی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲، تاریخ دسترسی اردیبهشت ۱۳۹۷).

#### - مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی خزر مؤثر بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران

عوامل ژئوپلیتیک در هر عرصه جغرافیایی با توجه به قابلیت‌های آن منطقه می‌تواند به شکل‌های مختلف تأثیرات قابل توجهی بر روند طراحی و اجرای یک راهبرد منطقه‌ای ایفا نماید؛ این عوامل در دو گروه عوامل طبیعی و انسانی می‌توانند در حوزه‌های ارتباطی (دریایی، هوایی و زمینی)، موقعیت سرزمینی (شکل، وسعت، توپوگرافی، منابع طبیعی)، اقلیم و وضعیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی یک منطقه و جوامع حاضر در آن را به اتخاذ راهبردهای متفاوت رهنمون سازد؛ از این رو می‌توان گفت که به دلیل ظرفیت بسیار بالای جغرافیایی و همچنین وجود پررنگ مؤلفه‌های قدرت در منطقه خزر، این منطقه نیز از این امر مبرا نیست؛ لذا با توجه به آنکه این مؤلفه‌ها در هرکدام از کشورهای حاشیه دریای خزر به صورت متفاوت عمل می‌نمایند؛ در نتیجه می‌تواند به صورت مجزا بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران تأثیرگذار گردد.

در مورد روسیه باید گفت که در بین کشورهای منطقه این کشور به دلیل وسعت زیاد سرزمینی، داشتن ناوگان نظامی در خزر، دارا بودن دومین زرادخانه هسته‌ای جهان، یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان اسلحه در جهان، تجدیدنظر در رهنامه دفاعی روسیه که امکان استفاده از سلاح هسته‌ای را برایش فراهم نموده و همکاری‌های راهبردی چندسال اخیر بین ج.ا.ایران

و روسیه در مسائل منطقه‌ای در مجموع باعث شده تا مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی این کشور در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران مؤثرتر واقع گردد. موقعیت سرزمینی جمهوری آذربایجان در بین دو قدرت ایران و روسیه در غرب دریای خزر و وجود انزوای ادراکی در بین سیاستمداران این کشور که سیاست آن‌ها را به سوی غرب متمایل نموده، باعث شده تا حضور ناتو را در منطقه پرننگ‌تر نماید. مقابله با فعالیت‌های مذهبی، مدرن‌سازی ارتش و تقویت توان رزمی قوای نظامی در خزر با کمک نظامی و اطلاعاتی کشورهای غربی بخصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی از جمله مباحث بحث‌برانگیز و چالش‌آفرین در روابط ایران با ج. آذربایجان لحاظ می‌گردد. بر اساس رهنامه نظامی جدید جمهوری آذربایجان که در ۲۲ فوریه ۲۰۱۱ میلادی در پنج بخش و ۴۶ ماده به تصویب مجلس این کشور رسید تصریح شده که این کشور حق ندارد تا به کشورهای خارجی پایگاه واگذار کند؛ اما در شرایطی که تحولات اساسی در شرایط نظامی و سیاسی رخ دهد، این حق برای جمهوری آذربایجان محفوظ است. در مورد سیاست‌های ترکمنستان در حوزه خزر متناسب با موقعیت ژئوپلیتیک این کشور باید گفت که هرچند ج.ا.ایران و ترکمنستان مکمل ژئوپلیتیک سرزمینی یکدیگر هستند اما تاکنون دو کشور نتوانسته‌اند گام‌های مهمی را در این ارتباط بردارند؛ هرچند طبق رهنامه نظامی ترکمنستان این کشور بر روی سیاست بی‌طرفی و دفاعی تأکید دارد اما وابستگی این کشور به روسیه در طی سال‌های متعددی گذشته و اخیراً تمایل این کشور به سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی در واگذاری پایگاه و مباحث اطلاعاتی و امنیتی حاکی از چرخش سیاسی این کشور در مباحث منطقه‌ای متناسب با ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی متصوره برای خود است؛ در مورد کشور قزاقستان نیز باید گفت که مهم‌ترین سیاست امنیتی و نظامی این کشور تعامل با کشورهای منطقه و فرامنطقه و پای بندی به سیاست صلح است این کشور دارای چهارمین زرادخانه اتمی در جهان است (بغداد اکتانویچ<sup>۱</sup> ۱۳۹۴)

۱. سخنرانی امریف بغداد اکتانویچ سفیر قزاقستان در جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۹۴/۴/۱۷.

### - راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه ژئوپلیتیکی دریای خزر

حمل و نقل دریایی ستون فقرات تجارت جهانی و جهانی سازی است. در حوزه خزر با توجه به اینکه ج.ا.ایران در سیاست‌ها و دیپلماسی منطقه‌ای خود از آن به عنوان دریای صلح و دوستی یاد می‌کند جنبه ژئواکونومیک آنکه مبتنی بر همکاری و رفاقت است بر جنبه ژئوپلیتیکی آنکه در حوزه رقابت قرار می‌گیرد پیشی دارد؛ با این وجود در طی سال‌های اخیر به دلایل چند از جمله انزوای ادراکی کشورهای استقلال یافته از شوروی، حضور بازیگران متعدد مداخله‌گر رسمی و غیررسمی، بالا رفتن توان اقتصادی کشورهای حاشیه خزر، قرارگیری خزر در چهار راه ارتباطی جهان و ... باعث شده تا با مرور زمان جنبه ژئوپلیتیکی این منطقه در کنار ظرفیت ژئواکونومیک آن جنبه پر رنگی به خود بگیرد (محمدجانی، ۱۳۹۶، ۱۴۷)؛ از این رو با توجه به وضعیت ژئوپلیتیک نظامی کشورهای حاشیه خزر، از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که باید در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران در منطقه مورد توجه قرار گیرد عبارت‌اند از:

افزایش همکاری‌های کشورهای حوزه خزر با بازیگران مداخله‌گر در زمینه‌های دفاعی، اطلاعاتی و امنیتی به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی، حل نشدن بحث رژیم حقوقی دریای خزر، قدرت برتر نظامی روسیه در حوزه دریا و فضا نسبت به ج.ا.ا، ایجاد مسابقه تسلیحاتی در خزر به‌ویژه در حوزه دریا و هوا، پیوستن ناوگان موشکی به ناوگان ساحلی روسیه در داغستان، وجود دالان زمینی گرجستان - آذربایجان که کشورهای غربی را از طریق دریای سیاه و از مسیر این دالان به‌راحتی به سواحل خزر می‌رساند؛ عدم وجود یک بندر نظامی مستقل در سواحل ایران، رشد تروریست و افراط‌گرایی در خزر، وضعیت نامطلوب زیست‌محیطی دریای خزر، وجود دومین و چهارمین زرادخانه اتمی جهان در حوزه خزر، حضور ناتو در منطقه (سیاری، ۱۳۹۶، ۴۹-۴۷).

البته در کنار این موارد توانمندی تولید شناور نظامی در ایران، توانمندی نیروهای مسلح ایران، حمایت مردمی از نظام جمهوری اسلامی ایران، محصور بودن کشورهای منطقه در خشکی و داشتن مناطق برونگان در کشورهای همسایه که وابستگی آن‌ها را به موقعیت سرزمینی ایران بیشتر می‌کند از جمله عوامل ژئوپلیتیکی است که در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه تأثیرگذار خواهد بود.

از این رو راهبرد دفاعی ج.ا.ایران با توجه به شرایط موجود منطقه‌ای را می‌توان در موارد زیر جستجو نمود:

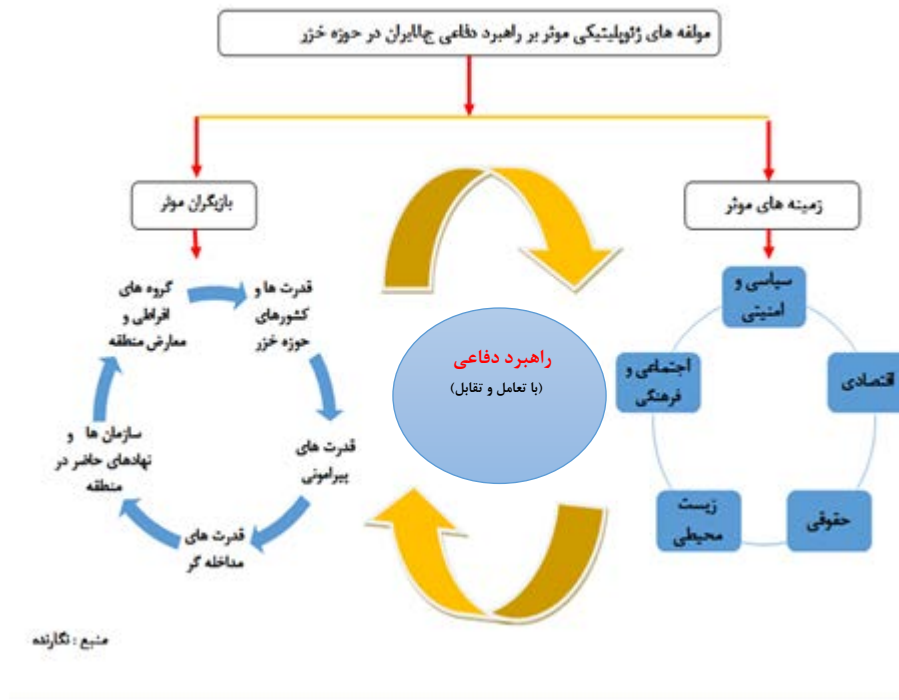
تلاش برای پایبند سازی کشورهای حاشیه خزر به توافقات زیست‌محیطی این دریا به‌خصوص کنوانسیون تهران، تلاش برای ایجاد امنیت در دریای خزر، توسعه همکاری‌های دفاعی - نظامی برای مهار اقدامات غرب در منطقه، احیای ظرفیت ژئوپلیتیک منطقه با هدف اتصال کشورهای حوزه ژئوپاسیفیک و اقیانوس هند به اروپا از طریق دریای خزر و بالعکس؛ (سرلشکر صفوی، همایش "آمایش سرزمین، جایگاه کاسپین و چشم‌انداز توسعه گیلان، ۱۳۹۵)، مقابله ایران و روسیه با گسترش حضور نظامی آمریکا و غرب در دریای کاسپین با جلب مشارکت آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، تبیین یک سیستم امنیت منطقه‌ای مؤثر توسط کشورهای منطقه برای مقابله با بی‌ثباتی‌های سیاسی و نظامی و باهدف حل‌وفصل اختلافات و تعارضات قومی و مذهبی، رژیم حقوقی دریای کاسپین، تعیین مالکیت معادن نفتی و تأمین امنیت در منطقه باهدف کاهش نقش بازیگران خارجی (محمدجانی، ۱۳۹۶: ۲۸۷).

#### مدل مفهومی پژوهش

یکی از تئوری‌های که با مطالعه آن می‌توان به شناخت نواحی بحران‌خیز به‌ویژه بحران‌های ژئوپلیتیکی کمک کرد، تئوری نوارهای شکننده کوهن است. ویژگی بارز نوارهای شکننده آن است که زمین بازی برابری را در اختیار دو یا چند قدرت جهانی رقیب از حوزه‌های ژئواستراتژیک متفاوت ارائه می‌دهند؛ علاوه بر آن این مناطق، همواره شاهد رقابت‌های دیرینه بین گروه‌های بومی با اهداف متفاوت و غالباً ناسازگار هستند؛ از این رو مرزهای کشورهای واقع شده بر روی نوارهای شکننده معمولاً در معرض دگرگونی و بی‌ثباتی هستند. به نظر کوهن در آینده صحنه جهانی ممکن است شاهد ظهور نوارهای شکننده جدید باشد؛ محتمل‌ترین مورد در این زمینه، منطقه‌ای است که حوزه بالتیک تا اروپای شرقی و بالکان را پوشش می‌دهد؛ اما دومین منطقه که با عنوان این رساله در ارتباط است منطقه‌ای است که از ماوراء قفقاز شروع شده و تا آسیای مرکزی امتداد می‌یابد؛ این منطقه وسیع که در حوزه هارتلند قرار گرفته به بهانه وجود منابع انرژی و در اصل به دلیل نزدیکی به مرزهای روسیه و

ایران مورد توجه شدید قدرت‌های غربی قرار گرفته است؛ از این رو از نگاه کوهن این مناطق از پتانسیل بالایی برای ایجاد بحران‌های ژئوپلیتیکی برخوردارند و از آنجایی که سرشت این مناطق بر تار و پود گسل‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی شکل گرفته است، هر نوع رقابت ژئواستراتژیکی بین قدرت‌های بزرگ در این مناطق می‌تواند انسجام نسبی این مناطق را با بحران‌های سیاسی-ژئوپلیتیکی جایگزین کند (قلی‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۲-۴۰).

با توجه به آنچه بیان شد در این پژوهش در راستای ارزیابی درست از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خزر سعی خواهد شد در دو حوزه زمینه‌ها و بازیگران شاخص مربوط به هرکدام از این حوزه‌ها مورد بررسی قرار گیرد تا در نهایت با توجه به برآیندی که تأثیر هرکدام از شاخص‌های موجود در هر حوزه بر یکدیگر دارد بتوانیم بهترین مدل را در زمینه تعیین مؤلفه‌های ژئوپلیتیک با تأثیرگذاری بیشتر در اتخاذ راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خزر را به دست آوریم؛ در ارتباط با ایجاد این شناخت و با توجه به تئوری کمر بند شکننده، پنج شاخص سیاسی - امنیتی، اقتصادی، حقوقی، زیست‌محیطی و فرهنگی و اجتماعی مورد کنکاش قرار می‌گیرد؛ در حوزه بازیگران مؤثر نیز، با توجه به این پنج شاخص، کشورهای حاشیه خزر (پنج کشور همسایه خزر)، قدرت‌های پیرامونی (چین و ترکیه)، قدرت‌های مداخله‌گر (آمریکا، رژیم صهیونیستی، هند، ژاپن و...)، سازمان‌ها و نهادهای حاضر در منطقه (اتحادیه اروپا، ناتو، شانگهای و...) و گروه‌های افراطی و معارض منطقه (طرفداران داعش، پان‌ترکیسم، پان‌آذربیسیم و...) مورد توجه قرار دارند که از برآیند و تلفیق این شاخص‌ها با بازیگران مدل زیر حاصل می‌شود:



### یافته های تحقیق

#### تحلیل توصیفی

۱. تحصیلات پاسخ گویان: نتایج حاصل از تحصیلات در جدول شماره ۱ نشان داده شده است، بیشتر پاسخگویان تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر (۷۲/۶ درصد) داشتند.

جدول ۱: نتایج مربوط به تحصیلات پاسخگویان

درصد	فراوانی	آماره ها / تحصیلات
۲۷/۴	۲۰	کارشناسی
۶۱/۶	۴۵	کارشناسی ارشد
۱۱	۸	دکتری
۱۰۰	۷۳	کل

۲. نتایج مربوط به میانگین مؤلفه‌ها: توصیف داده‌های مربوط به ۷ مؤلفه پرسشنامه ۴۹ سؤالی نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌ها تأثیر بسزایی را در راهبرد جمهوری اسلامی ایران در منطقه ایفاء می‌کنند که در این بین با نوسان اندک نقش مؤلفه زیست‌محیطی دریای خزر بر راهبردهای دفاعی ج. ا. ایران با میانگین (۳/۴۴) در صدر و مؤلفه ژئواستراتژیکی و نظامی با میانگین (۳/۲) در انتهای جدول قرار دارند (جدول شماره ۲).

جدول ۲: نتایج حاصل از میانگین مؤلفه‌ها

انحراف معیار	میانگین	آماره
		بعد/مؤلفه
۰٫۵۸۹	۳٫۳۲	مؤلفه تأثیر جایگاه سیاسی دریای خزر در راهبرد دفاعی ج. ا. ایران
۰٫۶۵۸	۳٫۳	مؤلفه تأثیر ویژگی اقتصادی دریای خزر بر راهبرد دفاعی ج. ا. ایران
۰٫۵۹۳	۳٫۲۸	مؤلفه تأثیر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه دریای خزر بر راهبرد دفاعی ج. ا. ایران
۰٫۴۶۶	۳٫۲	مؤلفه تأثیر ژئواستراتژیکی و نظامی دریای خزر بر راهبرد دفاعی ج. ا. ایران
۰٫۶۶۳	۳٫۲۱	مؤلفه تأثیر موقعیت ارتباطی مواصلاتی دریای خزر بر راهبرد دفاعی ج. ا. ایران
۰٫۶۷	۳٫۴۴	مؤلفه تأثیر وضعیت زیست‌محیطی دریای خزر بر راهبردهای دفاعی ج. ا. ایران
۰٫۶۶	۳٫۳۶	مؤلفه تأثیر رژیم حقوقی دریای خزر بر راهبرد دفاعی ج. ا. ایران
۰٫۴۹۹	۳٫۳	بعد ژئوپلیتیک دریای خزر (کل مؤلفه‌ها)

#### تحلیل استنباطی

با توجه به توزیع نرمال داده از آزمون‌های پارامتریک  $t$  تک نمونه‌ای، آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) و خی دو استفاده شد؛ یادآوری این نکته لازم است که آزمون تی تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین به‌دست‌آمده از نمونه مورد بررسی در متغیر مورد نظر با میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه به کار می‌رود. با توجه به اینکه طیف لیکرت تحقیق حاضر ۵ گزینه‌ای (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴ و خیلی زیاد = ۵) بود، لذا میانگین فرضی برابر با ۳ خواهد شد.

با توجه به نتایج به دست آمده سؤال اصلی پژوهش بر این مبنا که آیا ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک دریای خزر تأثیری در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایفاء می‌کند به این شکل به جواب رسیده است.

با توجه به مقدار آماره  $t$  (۵/۱۸۵) و سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۱)، نتیجه گرفته می‌شود که میانگین نمونه مورد بررسی (۳/۳) تفاوت معناداری با میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه (۳) دارد؛ با توجه به این مطلب می‌توان گفت: از دید پاسخگویان، ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک دریای خزر بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران تأثیرگذار است؛ از طرف دیگر با توجه به اینکه میانگین نمونه مورد بررسی بزرگ‌تر از میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه است، می‌توان میزان این تأثیر را بیشتر از متوسط ارزیابی کرد (جدول شماره ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون  $t$  تک نمونه‌ای جهت بررسی سؤال اصلی تحقیق

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره $t$	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	آماره‌ها بُعد
کمتر از ۰/۰۱	۷۲	۵،۱۸۵	۰،۴۹۸	۳،۳	۷۳	جایگاه ژئوپلیتیک دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران

در مورد تأثیر جایگاه سیاسی دریای خزر بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران نیز نتایج آزمون حاکی از آن است که با توجه به مقدار آماره  $t$  (۴/۶۴۹) و سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۱)، نتیجه گرفته می‌شود که میانگین نمونه مورد بررسی (۳/۳۲) تفاوت معناداری با میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه (۳) دارد؛ با توجه به این مطلب می‌توان گفت: از دید پاسخ‌گویان، دریای خزر از نظر جایگاه سیاسی بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران تأثیرگذار است؛ از طرف دیگر با توجه به اینکه میانگین نمونه مورد بررسی بزرگ‌تر از میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه است، می‌توان میزان این تأثیر را بیشتر از متوسط ارزیابی کرد (جدول شماره ۴).



جدول ۴: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در حوزه سیاسی متأثر بر راهبرد ج.ا.ا.

مؤلفه	آماره‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
جایگاه سیاسی دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ا. ایران	۷۳	۳,۳۲	۰,۵۸۹	۴,۶۴۹	۷۲	کمتر از ۰/۰۱	

در مورد تأثیرات حاصل از کنش‌های اقتصادی موجود در منطقه خزر بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی نیز باید عنوان داشت که با توجه به مقدار آماره t (۳/۸۵۴) و سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۱)، نتیجه گرفته می‌شود که میانگین نمونه مورد بررسی (۳/۳) تفاوت معناداری با میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه (۳) دارد؛ با توجه به این مطلب می‌توان گفت: از دید پاسخگویان، دریای خزر از نظر جایگاه اقتصادی بر راهبرد دفاعی ج.ا.ا. ایران تأثیرگذار است؛ از طرف دیگر با توجه به اینکه میانگین نمونه مورد بررسی بزرگ‌تر از میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه است، می‌توان میزان این تأثیر را بیشتر از متوسط ارزیابی کرد (جدول شماره ۵).

جدول ۵: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در حوزه اقتصادی متأثر بر راهبرد ج.ا.ا.

مؤلفه	آماره‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
جایگاه اقتصادی دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ا. ایران	۷۳	۳,۳	۰,۶۵۸	۳,۸۵۴	۷۲	کمتر از ۰/۰۱	

در حوزه اجتماعی و فرهنگی و تأثیر آن بر راهبرد دفاعی ج.ا.ا. ایران در حوزه خزر نیز نتایج نشان می‌دهد که با توجه به مقدار آماره t (۴/۰۲۵) و سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۱)، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نمونه مورد بررسی (۳/۲۸) تفاوت معناداری با میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه (۳) دارد؛ با توجه به این مطلب می‌توان گفت: از دید پاسخگویان، دریای خزر از نظر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی بر راهبرد دفاعی ج.ا.ا. ایران تأثیرگذار است؛ از طرف دیگر، با توجه به اینکه میانگین نمونه مورد بررسی بزرگ‌تر از میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه است، می‌توان میزان این تأثیر را نیز بیشتر از متوسط ارزیابی کرد (جدول شماره ۶).

جدول ۶: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در حوزه فرهنگی و اجتماعی متأثر بر راهبرد ج.ا.ا.

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	آماره‌ها / مؤلفه
کمتر از ۰/۰۱	۷۲	۴۰۰۲۵	۰،۵۹۳	۳،۲۸	۷۳	ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی دریای خزر

در مورد تأثیرات ژئواستراتژیکی و نظامی منطقه خزر بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی نیز باید عنوان داشت که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که با توجه به مقدار آماره t (۳/۷۱۲) و سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۱)، میانگین نمونه مورد بررسی (۳/۲) تفاوت معناداری با میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه (۳) دارد؛ با توجه به این مطلب می‌توان گفت: از دید پاسخگویان، دریای خزر از نظر ژئواستراتژیک و نظامی بر راهبرد دفاعی ج.ا.ا. ایران تأثیرگذار است؛ از طرف دیگر با توجه به اینکه میانگین نمونه مورد بررسی بزرگ‌تر از میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه است، می‌توان میزان این تأثیر را نیز بیشتر از متوسط ارزیابی کرد (جدول شماره ۷).

جدول ۷: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در حوزه ژئواستراتژیکی و نظامی متأثر بر راهبرد ج.ا.ا.

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	آماره‌ها / مؤلفه
کمتر از ۰/۰۱	۷۲	۳،۷۱۲	۰،۴۶۶	۳،۲	۷۳	جایگاه ژئواستراتژیک و نظامی دریای خزر

تأثیرات ارتباطی و مواصلاتی دریای خزر متأثر بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی از موارد دیگری بود که در این پژوهش مورد آزمون قرار گرفت که نتایج به دست آمده از جواب به گویه‌های این آزمون نشان می‌دهد که با توجه به مقدار آماره t (۲/۷۶۶) و سطح معناداری (۰/۰۰۷)، میانگین نمونه مورد بررسی (۳/۲۱) تفاوت معناداری با میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه (۳) دارد؛ با توجه به این مطلب می‌توان گفت: از دید پاسخگویان، دریای خزر از نظر ارتباطی و مواصلاتی بر راهبرد دفاعی ج.ا.ا. ایران تأثیرگذار است؛ از طرف دیگر با توجه به اینکه

میانگین نمونه مورد بررسی بزرگتر از میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه است، می‌توان میزان این تأثیر را بیشتر از متوسط ارزیابی کرد (جدول شماره ۸).

**جدول ۸: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در حوزه ارتباطی و مواصلاتی متأثر بر راهبرد ج.ا.ا.**

مؤلفه	آماره‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
وضعیت ارتباطی و مواصلاتی متأثر بر راهبرد ملی ج.ا.ا.		۷۳	۳،۲۱	۰،۶۶۲	۲،۷۶۶	۷۲	کمتر از ۰/۰۱

حوزه زیست محیط دریای خزر و تأثیر آن بر راهبرد دفاعی ج.ا.ا. از شاخص‌های دیگری بود که در این پژوهش مورد آزمون واقع شد؛ بر اساس نتایج به دست آمده مشخص شد که با توجه به مقدار آماره t (۴/۶۴۹) و سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۱)، نتیجه گرفته می‌شود که میانگین نمونه مورد بررسی (۳/۴۴) تفاوت معناداری با میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه (۳) دارد؛ با توجه به این مطلب می‌توان گفت: از دید پاسخگویان، دریای خزر از نظر مسائل زیست‌محیطی بر راهبرد دفاعی ج.ا.ا. ایران تأثیرگذار است؛ از طرف دیگر با توجه به اینکه میانگین نمونه مورد بررسی بزرگتر از میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه است، می‌توان میزان این تأثیر را بیشتر از متوسط ارزیابی کرد (جدول شماره ۹).

**جدول ۹: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در حوزه زیست‌محیطی متأثر بر راهبرد ج.ا.ا.**

مؤلفه	آماره‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
مسائل زیست‌محیطی دریای خزر متأثر بر راهبرد ملی ج.ا.ا.		۷۳	۳،۴۴	۰،۶۷	۵،۶۷۶	۷۲	کمتر از ۰/۰۱

و در نهایت آخرین موردی که از طریق پرسشنامه در مورد عوامل تأثیرگذار بر راهبرد جمهوری اسلامی ایران در حوزه خزر مورد آزمون قرار گرفت بحث تعیین رژیم حقوقی دریای خزر بود که نتایج به دست آمده از آزمون نشان می‌دهد که با توجه به مقدار آماره t (۴/۶۴۲) و سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۱)، میانگین نمونه مورد بررسی (۳/۳۶) تفاوت معناداری با میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه (۳) دارد؛ با توجه به این مطلب می‌توان گفت:

از دید پاسخگویان، دریای خزر از نظر رژیم حقوقی بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران تأثیرگذار است؛ از طرف دیگر با توجه به اینکه میانگین نمونه مورد بررسی بزرگتر از میانگین فرضی و مورد انتظار جامعه است، می‌توان میزان این تأثیر را بیشتر از متوسط ارزیابی کرد (جدول شماره ۱۰).

جدول ۱۰: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در حوزه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر متأثر بر راهبرد ج.ا.ا.

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	آمارهها / مؤلفه
کمتر از ۰/۰۱	۷۲	۴,۶۴۲	۰,۶۶	۳,۳۶	۷۳	رژیم حقوقی دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران

بررسی مقایسه‌ای نظرات پاسخگویان در خصوص ابعاد و مؤلفه‌های تحقیق به تفکیک تحصیلات با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه جهت مقایسه میانگین در متغیر در جدول شماره ۱۱ نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که با توجه به سطوح معناداری که همگی بیشتر از ۰,۰۵ هستند، با اطمینان بیش از ۹۵ درصد می‌توان ادعا کرد که تفاوت میانگین گروه‌های ذکرشده در خصوص تحصیلات با یکدیگر تفاوت معنادار ندارد و نظرات پاسخگویان به همدیگر نزدیک است.

جدول ۱۱: نتایج مقایسه نظرات پاسخگویان در مؤلفه‌های تحقیق به تفکیک تحصیلات با استفاده از

ANOVA آزمون

سطح معناداری	مقدار F	آمارهها	بُعد / مؤلفه
۰,۱۲۵	۲/۱۴۱		جایگاه سیاسی دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران
۰/۴۴۶	۰/۸۱۷		ویژگی اقتصادی دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران
۰/۷۷۴	۰/۲۵۷		ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران
۰/۷۴۱	۰/۳۰۲		تأثیر ژئواستراتژیکی و نظامی دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران
۰/۹۳۸	۰/۰۶۴		موقعیت ارتباطی مواصلاتی دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران
۰/۴۰۱	۰/۹۲۵		وضعیت زیست‌محیطی دریای خزر در راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران
۰/۲۲۷	۱/۵۱۶		رژیم حقوقی دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران
۰/۴۰۲	۰/۹۲۲		جایگاه ژئوپلیتیک دریای خزر در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران

## نتیجه‌گیری

با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه خزر، این منطقه را می‌توان عرصه سخت رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دانست؛ این حضور پر تعداد بازیگران فرامنطقه‌ای در حوزه کاسپین باعث شده تا کشورهای منطقه متناسب با منافع ملی خود، راهبردهای متفاوت و بعضاً متضادی را در حوزه‌های مختلف از جمله دفاعی اتخاذ کنند که جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در تعیین راهبرد دفاعی ج.ا.ایران در حوزه خزر عواملی چند تأثیرگذار است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به عواملی چون مباحث جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ژئواستراتژیک و نظامی، مواصلاتی، زیست‌محیطی و حقوقی اشاره داشت.

در حوزه سیاسی علی‌رغم اینکه تمامی کشورهای منطقه خزر از نظام جمهوری تبعیت می‌کنند ولی نظام‌های حاکم بر کشورهای منطقه با یکدیگر تفاوت ماهوی دارد؛ در حالی که ساختار سیاسی کشور ایران در این منطقه بر نظام جمهوری اسلامی بر پایه ولایت‌فقیه استوار است که نوع نظام سیاسی آن بین ریاستی و پارلمانی است روسیه دارای نوع حکومت جمهوری فدرالی و نظام سیاسی نیمه ریاستی است؛ کشور آذربایجان نیز با توان جمهوری دارای نوع نظام سیاسی نیمه ریاستی است و دو جمهوری ترکمنستان و قزاقستان نیز دارای نظام ریاستی هستند؛ که این تفاوت و تنوع نظام سیاسی منطقه قطعاً در تعیین راهبرد دفاعی ما تأثیرگذار خواهد بود.

در حوزه اقتصادی دو مسئله اساسی در منطقه می‌تواند بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران مؤثر واقع گردد که از آن جمله می‌توان واقع شدن دریای خزر در شاهراه ارتباطی جهان و بحث انرژی اشاره داشت. در مورد قرارگیری دریای خزر در شاهراه تجاری جهانی باید اشاره داشت که این دریا به عنوان یک مانع طبیعی در مسیر تجارت باعث شده تا مسیرهای متعددی در منطقه به منظور انجام تجارت ایجاد گردد؛ از مهم‌ترین مسیرهای این منطقه می‌توان به دو کریدور شمال به جنوب و شرق به غرب (بالعکس) اشاره نمود. کریدور شمال به جنوب در سه مسیر غرب دریای خزر از طریق کشور آذربایجان، مسیر شرق دریای خزر از طریق خاک جمهوری

قزاقستان و ترکمنستان و مسیر آبی خود خزر تا دهانه ولگا نقش به سزایی را در تقویت جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و خروج از بن‌بست‌های منطقه‌ای ایفاء خواهد نمود. در حوزه کریدور شرق به غرب و بالعکس نیز عبور قسمتی از این مسیر از خاک جمهوری اسلامی ایران در حوزه احیاء جاده ابریشم می‌تواند به طور حتم تأثیر بسزایی در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران در نحوه تعامل با همسایگان ایفاء کند.

در حوزه انرژی نیز قرارگیری دریای خزر در یکی از مراکز بیضی انرژی جهانی در کنار خلیج فارس با توجه به نیاز روزافزون جهانی به منابع انرژی، نقش اساسی را می‌تواند در این حوزه داشته باشد.

در حوزه اجتماعی و فرهنگی باید گفت که هرچند منطقه خزر تا سالیان متمادی در زیر سیطره و نفوذ فرهنگ ایران قرار داشته ولی انفصال ۷۰ ساله ناشی از تسلط اتحاد جماهیر شوروی بر منطقه باعث شد تا تحت تأثیر اقدامات سخت‌گیرانه این ابرقدرت و تغییر نسل، بین مردم منطقه با فرهنگ ایرانی شکاف ایجاد گردد که البته این شکاف در حوزه ایدئولوژیکی تا ملی مشهودتر بوده است؛ با این وجود مهم‌ترین عرصه‌ای که در حال حاضر ج.ا.ایران قادر به سرمایه‌گذاری در منطقه در جهت منافع خود است بیشتر در حوزه آداب و رسوم و به‌ویژه فرهنگ نوروژ می‌تواند متمرکز گردد؛ البته اخیراً گرایش جوانان منطقه به فرهنگ مقاومت نیز عاملی است که می‌تواند زمینه‌های همکاری بیشتر را در این حوزه، در پی داشته باشد.

در حوزه ژئواستراتژیک و نظامی باید عنوان داشت که این منطقه در حال حاضر یک منطقه ژئوپلیتیکی است و نه ژئواستراتژیکی؛ اما با این وجود به دلیل منافع متعارض کشورهای منطقه با یکدیگر و وجود قومیت‌های متعدد با منافع متفاوت در منطقه از طرفی و از سوی دیگر به دلیل منافع بازیگران بین‌المللی در منطقه، حوزه خزر پتانسیل بالقوه‌ای را جهت تبدیل شدن به یک منطقه پرتنش را در آینده خواهد داشت؛ از این رو در حال حاضر ما شاهد بلوک‌بندی‌هایی در سطح منطقه هستیم. گرایش آذربایجان و ترکمنستان به غرب و تا حدودی قزاقستان در کنار ابراز تمایل ایران و روسیه در سوی شمال و جنوب خزر به نوان قدرت‌های سنتی منطقه برای همکاری بیشتر و توافق برای استفاده از دریای خزر در حوزه نظامی در

بحث شلیک موشک به مواضع داعش را می‌توان از جمله زمینه‌های نظامی دانست که در آینده تعیین راهبرد دفاعی ج.ا.ایران به طور حتم تأثیرگذار خواهد بود.

در مورد موقعیت ارتباط موصلاتی دریای خزر قبلاً صحبت شد؛ لذا در اینجا فقط ذکر این نکته ضروری است که این دریا از آنجایی که بی‌واسطه قادر است ایران را به مرزهای روسیه و اروپا برساند برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است؛ در واقع هرچند مسیر خلیج فارس تا خزر مکمل یکدیگر در حوزه تجاری برای ایران هستند ولی در شرایط فعلی و تشدید تحریم‌ها حوزه آبی خزر می‌تواند نقش یک سوپاپ اطمینان برای ج.ا.ایران را بازی کند. در حوزه زیست‌محیطی می‌توان از دو منظر به دریای خزر نگریست؛ یکی در حوزه طبیعی است که وجود رشته کوه البرز در کنار این دریا در سواحل ج.ا.ایران باعث شده تا منطقه سرسبزی که جنگل‌های آن از کهن‌ترین جنگل‌های جهان است هدیه الهی به ایران لحاظ گردد که از لحاظ کشاورزی و تخلیه روانی جمعیت عظیم فلات ایران نقش مؤثری را در شادابی بیشتر کشور ایفاء می‌کند؛ اما در حوزه مسائل زیست‌بوم و انسانی، قضیه کاملاً برعکس است؛ در حالی که وضعیت طبیعی خزر میراث هزاران سال تحولات طبیعی است اما بشر در یک قرن اخیر با فعالیت مخرب خود در منطقه، این نعمت را قدر ندانسته و صدمات جبران‌ناپذیری را به عرصه طبیعی وارد نموده به طوری که زندگی خود بشر نیز با مشکل مواجه شده است؛ در این ارتباط در حوزه خزر علی‌رغم اینکه ایران کمترین و کم‌خطرترین آلودگی‌ها را وارد خزر می‌کند ولی از طرف روسیه پرخطرترین آلودگی‌ها و از طرف سه کشور دیگر و به‌ویژه جمهوری آذربایجان بیشترین آلودگی‌ها در حوزه نفتی و ... وارد خزر می‌شود؛ که البته به دلیل وجود جریان‌ات جنوبی در خزر از یک طرف و بسته بودن دریا این آلودگی‌ها چه به صورت جابه‌جایی آب و یا از طریق تبخیر و بارش، جملگی به سواحل ایران می‌رسند؛ از این رو در شرایط فعلی تأثیرات مخرب زیست‌محیطی خزر بر سواحل ج.ا.ایران را می‌توان در قالب یک عامل مخرب تعریف نمود که نیازمند توجه جدی است.

در ارتباط با رژیم حقوقی خزر نیز توافقاتی در سال گذشته (۱۳۹۷) بین پنج کشور ساحلی در ادامه توافقات قبلی صورت گرفته است؛ اما نکته حائز اهمیت در این ارتباط عدم تعیین مبدأ دریای سرزمینی و بحث زیر بستر است که منافع اصلی ج.ا.ایران به عنوان یک قدرت همیشه

حاضر در منطقه به تعیین این دو عامل بستگی دارد؛ لذا منافع ج.ا.ایران ایجاب می‌کند که تا رفع ابهامات حاصل از کنوانسیون تعیین وضعیت دریای خزر که در ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ به امضای پنج کشور ساحلی رسیده از پرداختن به این دو موضوع خودداری نماید؛ البته در این ارتباط آنچه قابل توجه است آنکه همیشه توافق، لازمه همکاری نیست بلکه برخی اوقات تنگناهای ژئوپلیتیکی که کشورهای منطقه با آن روبه‌رو هستند این مسیر را برای کشورها فراهم‌تر می‌کند؛ لذا در تصویب توافق‌نامه‌ها نباید عجله نمود و به دست خود این فرصت‌ها را در تعاملات منطقه‌ای در ذوق رسیدن به توافق از بین برد و همین مقدار اندک همکاری‌ها را نیز فدای تصمیمات نادرست نمود؛ این امر از آنجا اهمیت دارد که اکثر کشورهای حاشیه کاسپین به انحاء مختلف وابسته به موقعیت سرزمینی ج.ا.ایران هستند و ایجاد زمینه برای کاهش این وابستگی می‌تواند علاوه بر فرصت سوزی، تهدیدات پیش‌بینی نشده‌ای را نیز متوجه ما نماید.

و سرانجام اینکه در حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک مهم‌ترین عاملی که در تعیین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است؛ همسایگی با دو قدرت هسته‌ای، قرار گرفتن در محل منازعه قدرت بازیگران مهم جهانی از جمله روسیه، چین، آمریکا، اتحادیه اروپا و ... و بازیگران مداخله‌گر مانند ترکیه، عربستان، رژیم صهیونیستی و ... است؛ لذا توجه به نحوه ارتباط عوامل قدرت‌آفرین در منطقه از جمله حوزه سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و اجتماعی و ... با نقش بازیگران منطقه‌ای، پیرامونی و مداخله‌گر را می‌توان به عنوان عوامل فرصت‌آفرین یا تهدیدکننده در روابط با کشورهای منطقه و تأثیرگذار بر تعیین نوع راهبرد دفاعی کشور قلمداد نمود.

#### پیشنهادها

الف: پیشنهادها در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی متأثر بر راهبرد دفاعی ج.ا.ایران

- حوزه سیاسی: واگذاری مشکلات به آینده دورتر، قائل بودن به جبر همسایگی و صلح‌دوستی، تکیه بر مفاهیم وحدت ساز تمدنی و ملی و پرهیز از به‌کارگیری دیپلماسی مذهبی، توجه به ژئوپلیتیک منافع در برخورد با کشورها و قربانی نکردن منافع در قبال نگرانی‌ها با اتخاذ سیاست‌های پیش‌شرطانه، عقب‌نشینی نمودن از منافع خود در منطقه به دلیل حضور بازیگران رقیب و مخالف؛ ادراک اهداف و منافع مشترک با داشتن اراده سیاسی برای



گسترش روابط، تقویت نیروهای همگرا و تضعیف نیروهای واگرا، ایجاد نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و دادن مسئولیت به آنها، تأکید بر تصویب کنوانسیون تهران در مجالس کشورهای حاشیه خزر در حوزه زیست‌محیطی، اتخاذ موضع شفاف در دریای خزر، برگزاری همایش‌ها و گرد هم‌آیی‌ها پیرامون موضوعات مختلف در دریای خزر.

- **حوزه فرهنگی:** گسترش حوزه نوروژ، ایجاد مراکز آموزش رایگان زبان فارسی در دانشگاه‌های کشورهای منطقه، تأکید بر فرهنگ و تمدن ایرانی و مباحث مذهبی، ایجاد موزه ایران‌شناسی در کشورهای منطقه.

- **حوزه اقتصادی:** فعال‌سازی بازارچه مشترک مرزی در آستارا، اینچه برون و... با کسب موافقت از کشورهای منطقه، کاهش تعرفه‌های موجود برای ورود کالاهای جمهوری اسلامی ایران به کشورهای منطقه، حضور بانک‌های ایرانی در کشورهای حاشیه خزر، ایجاد زمینه مذاکرات مسئولین هم‌تراز استانی با همتایان خود در کشورهای حاشیه خزر، ایجاد «مرکز تجاری ایرانیان» در بندرها و شهرهای مهم کشورهای ساحلی خزر، تشکیل شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک (هولدینگ) با شرکت‌های مرتبط با هر کشور توسط بخش خصوصی و تعاونی؛ برپایی نمایشگاه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی و... توسط بخش خصوصی و دولتی در استان‌های ساحلی کشورهای حاشیه خزر، همکاری در زمینه ساماندهی توریسم درمانی، سودآور ساختن هزینه‌های استخراج و انتقال انرژی، مهار تورم و ایجاد سیستم مالی مناسب برای جذب سرمایه‌گذار خارجی.

- **حوزه حمل‌ونقل:** نوسازی ناوگان فرسوده، اهتمام در اتصال پروژه‌های ریلی و جاده‌ای با نظارت بیشتر بر پروژه‌ها برای تکمیل و راه‌اندازی کریدور حمل‌ونقل «شمال - جنوب» و «غرب - شرق»؛ تلاش برای ایجاد سیستم حمل‌ونقل ترکیبی، به‌کارگیری استانداردهای حمل‌ونقل جهانی، پوشش کامل آزادراه‌های کشور به سیستم اطلاع‌رسانی و مخابراتی پیشرفته، توسعه راه‌ها و تجهیز مسیر حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی منطقه به امکانات جدید، راه‌اندازی خطوط کشتیرانی مسافربری - گردشگری بین بندرهای شمالی کشور با دیگر بندرهای دریای خزر با همکاری بخش خصوصی و تعاونی، همکاری و پیگیری برقراری پرواز منظم هفتگی، با مشارکت شرکت‌های خصوصی «ایرانی، آذری، قزاقی، روسی و ترکمنی»، تشویق طرف‌های

ساحلی به استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری منطقه آزاد انزلی و دیگر بندرهای شمالی در توسعه روابط اقتصادی و به‌ویژه صادراتی با مناطق شمالی جمهوری اسلامی ایران، تأسیس شرکت مشترک حمل‌ونقل توسط بخش خصوصی با شرکت‌های حمل‌ونقل موجود در هر کشور و شبکه مند نمودن آن‌ها.

- **حوزه انرژی:** توجه بیشتر از گذشته به مسائل خزر در حوزه انرژی، مشارکت دادن کشورهای منطقه در منابع نفت و گاز خودی در خزر در کنار مشارکت در حوزه‌های نفتی آن‌ها، برنامه‌ریزی برای افزایش حجم سوآپ، حضور فعال در خط لوله انتقال انرژی از منطقه، توجه به منابع گازی و افزایش جایگاه ایران در بین کشورهای صادرکننده گاز در کنار اوپک با بهره‌برداری از گاز خزر، افزایش نقش ایران برای ترانزیت منابع انرژی از طریق کریدور شمال- جنوب.

- **حوزه نظامی و امنیتی:** تهیه و تدوین برنامه‌ای باهدف جلوگیری از رقابت تسلیحاتی در دریای خزر، تأمین امنیت مسیرهای انتقال نفت و گاز از طریق نیروهای پنج کشور خزر، تقویت پایگاه دریایی و ناوگان دریای خزر با رویکرد تأمین امنیت همه کشورهای منطقه، مقابله ایران و روسیه با گسترش حضور نظامی آمریکا و غرب در دریای خزر با جلب مشارکت آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان؛ تبیین یک سیستم امنیت منطقه‌ای مؤثر توسط کشورهای منطقه برای مقابله با بی‌ثباتی‌های سیاسی و نظامی و باهدف حل‌وفصل اختلافات و تعارضات قومی و مذهبی، تعیین رژیم حقوقی، تعیین مالکیت معادن نفتی و تأمین امنیت در منطقه باهدف کاهش نقش بازیگران خارجی.

**ب: راهکارهای پیشنهادی در حوزه بهبود تعاملات بین کشوری**

- **ایران و روسیه:** تقبل بخش قابل‌توجهی از هزینه ایجاد و گسترش بازار برای دوره‌های کوتاه‌مدت توسط دولت‌ها، امضای موافقت‌نامه تجاری با کشورهای اوراسیا با محوریت کاهش تعرفه کالاهای صادراتی ایران به روسیه، ضرورت پایداری صادراتی با نهادسازی برای ورود به بازار روسیه.

- **ایران و آذربایجان:** بررسی دقیق و کسب شناخت کافی از شرکا و طرف‌های تجاری جمهوری آذربایجان، گسترش سطح همکاری اتاق‌های بازرگانی و تقویت روابط میان بانک‌ها و نهادهای مالی دو کشور، ایجاد مرکز تجاری ایران در باکو و امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد بین ایران و جمهوری آذربایجان، عرضه محصولات باکیفیت به بازار جمهوری آذربایجان و گسترش همکاری‌های در بخش سرمایه‌گذاری، افزایش تبلیغات کالاهای ایرانی در رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون و مطبوعات جمهوری آذربایجان، تلاش برای افزایش صادرات خدمات فنی و مهندسی به عنوان یکی از مناسب‌ترین گزینه‌ها برای توسعه صادرات به جمهوری آذربایجان، گسترش زیرساخت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی به منظور افزایش تبادلات تجاری و اقتصادی، برگزاری نمایشگاه اختصاصی کالاهای مختلف ایرانی در کشور جمهوری آذربایجان، تعامل اقتصادی گسترده‌تر دو کشور از طریق اجرای پروژه‌های مشترک، شرکت فعالانه بخش خصوصی در ترکیب هیئت‌های تجاری دو کشور.

- **ایران و قزاقستان:** افزایش سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های ایرانی در قزاقستان و توسعه صادرات غیرنفتی ایران، ادامه سوآپ نفت قزاقستان از ایران، تبادل هیئت‌های تجاری و ایجاد دفتر سازمان توسعه تجارت ایران در قزاقستان، توسعه همکاری‌های حمل‌ونقل و ترانزیت، برگزاری نمایشگاه‌های اختصاصی و مشارکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی یکدیگر، توسعه صدور خدمات مهندسی و فنی، برطرف نمودن عدم توازن تجاری با تشکیل شورای مشترک اتاق بازرگانی - صنعتی.

- **ایران و ترکمنستان:** استفاده از تنگناهای ژئوپلیتیکی ترکمنستان برای منافع ملی کشور (عدم دسترسی به دریا)، استفاده از عدم تنوع اقتصادی کشور ترکمنستان (وابستگی به صادرات گاز)، توسعه صدور خدمات فنی و مهندسی، توسعه کریدور حمل‌ونقل در حوزه ریلی، جاده‌ای و حتی خطوط انتقال انرژی، جذب ظرفیت صادرات ترکمنستان و بهره‌گیری از ارزش افزوده آن.

## ج: پیشنهادهای کاربردی پژوهش

به ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌گردد که در تدوین راهبردهای کلان خود توجه ویژه‌ای به جایگاه ژئوپلیتیک دریای خزر نموده و بر نقش بی‌بدیل این دریا در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عامل تأثیرگذار توجه لازم را مبذول نمایند.

با توجه به اثبات همه فرضیه‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود که ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در راهبرد دفاعی خود به عواملی همچون عوامل سازمانی، نیروی انسانی، جایگاه حقوقی- نظامی- امنیتی دریایی خزر، توجه بیشتری نمایند؛ و همچنین، به عوامل جزئی‌تر نیز توجه و اهتمام ورزند؛ برخی از این عوامل مؤثر عبارت‌اند از: استفاده از مزایای بالقوه و بالفعل، حمایت و تشویق نیروها، میزان آموزش، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی در دریای خزر، میزان همکاری نیروهای مسلح کشورهای همسایه دریای خزر با همدیگر، نفوذ کشورهای غربی در منطقه آسیای میانه و قفقاز.

## منابع

## فارسی

۱. احمدوند علی‌محمد، قاضی‌زاده فرد سیدضیال‌الدین، کاظمی سیدعباس، نواب اصفهانی محمدرضا (۱۳۹۲)، ارائه الگوی انتخاب راهبرد در حوزه دفاع از انقلاب اسلامی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال یازدهم، شماره ۴۳.
۲. آریاجر، هری (۱۳۸۵)، نظریه راهبردی قرن بیست‌ویکم، تهران: مرکز راهبردی سپاه.
۳. اسنایدر، کریگ‌ای (۱۳۸۴)، امنیت و استراتژی معاصر: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
۴. آشتیانی (۱۳۹۱)، الگویی برای مدیریت راهبرد دفاعی - امنیتی، فصلنامه سیاست‌گذاری، سال سوم، شماره دوم.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، روش طراحی استراتژی ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. امیرحسین علینقی (۱۳۸۱)، جایگاه امنیت در استراتژی ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۵، شماره ۱۶: ۳۱۹-۳۳۵.
۷. حافظ نیا، محمدرضا، کاویانی راد، مراد (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، پژوهشکده امیرکبیر، مشهد: انتشارات پاپلی.

۸. زارعی، بهادر، زینی وند، علی (۱۳۹۳)، فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خزر، تهران: انتشارات دارخوین.
۹. سیاری، حبیب‌ا...، بیک بیلندی، علی‌اصغر (۱۳۹۶)، تأثیر عوامل ژئوپلیتیک نظامی دریای خزر بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، تهران، فصلنامه دفاعی راهبردی سال ۱۵، شماره ۶۷: ۲۷-۵۴.
۱۰. صادقی، رضا، (۱۳۸۸)، نحوه تدوین راهبرد نظامی در چند کشور، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۵.
۱۱. صفوی، سید رحیم (۱۳۹۵)، همایش آمایش سرزمین، جایگاه کاسپین و چشم‌انداز توسعه گیلان، سوم و چهارم آذر.
۱۲. ضرغامی، ابراهیم (۱۳۹۷)، استراتژی دریایی و قدرت ملی، پایان‌نامه، دانشگاه خوارزمی.
۱۳. علینقی، امیرحسین (۱۳۸۱)، جایگاه امنیت در استراتژی ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۶، تهران.
۱۴. قدسی، امیر (۱۳۸۹)، تکامل مفهومی قدرت در نظام ژئوپلیتیک کی جهانی، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۳۱، تهران.
۱۵. قلی‌زاده، علی ولی (۱۳۹۴)، الگوی شناخت بحران‌های ژئوپلیتیکی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. کالین اس‌گری (۱۳۸۵)، ساختار شناسی راهبرد، ترجمه علیرضا فرشچی، چاپ اول: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
۱۷. کالینز، جان. ام (۱۳۸۳)، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بایندر: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۸. کامران، حسن (زمستان ۱۳۸۱)، جایگاه سیاست دریایی در جمهوری اسلامی ایران مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
۱۹. کلاهچیان، محمود (۱۳۸۴)، الگوی طراحی استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژی در جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۲۰. کولایی، الهه، علی‌زاده شیوا (۱۳۹۵)، جستارهای پیرامون مسائل دریای خزر، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
۲۱. کوهن، سائل بی (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظامی جهانی، ترجمه عباس کاروان: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۲۲. لاکوست، ایو (۱۳۶۸)، مسائل ژئوپلیتیک، اسلام، دریا، آفریقا، ترجمه آگاهی، تهران: دفتر نشر و فرهنگ.
۲۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، سیاست جغرافیایی و جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
۲۴. محمدجانی، مصطفی (۱۳۹۶)، رساله دکتری با عنوان تبیین الگوی همگرایی در مناطق ژئوپلیتیک، مطالعه موردی منطقه کاسپین، تهران: دانشگاه خوارزمی.
۲۵. محمدجانی، مصطفی، افضل‌ی، رسول (۱۳۹۴)، دریای کاسپین و موقعیت ژئوپلیتیک ایران، تهران: نشر انتخاب.
۲۶. محمدی، منوچهر (۱۳۹۶)، مؤلفه‌های قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات خبرگزاری فارس.

۲۷. منفرد هاشم، لطفی حیدر، نصری فرامرز، امیری بازرگان (۱۳۹۵)، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای) نقش مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM) در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۲۵، شماره ۱ - شماره پیاپی ۲۵، زمستان ۱۳۹۵: ۱۷-۳۲.
۲۸. میرحیدر، دره (۱۳۷۷)، ژئوپلیتیک، ارائه تعریفی جدید، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۴.
۲۹. نامی، محمدحسن (۱۳۸۹)، جایگاه دریای خزر در استراتژی‌های جهانی با تأکید بر قرن ۲۱، تهران: انتشارات زیتون سبز.

#### انگلیسی

30. Das & C. M. Vasudev & Madhukar Gupta, (2011). "Regional Integration and Cooperation in Asia—An Indian Perspective," Global Journal of Emerging Market Economies, Emerging Markets Forum, vol. 3(3)
31. Dugin, Aleksander. (2003) <http://f27.Parsimony.Net/forum/67363/messages/1527.Htm>
32. Edward N. Luttwak, The Political Uses of Sea Power, Studies in International Affairs 23
33. Holliway, Ryan, Marcus, Rachel (2014) Azerbaijan Country Review, CountryWatch, Inc. Houston, Texas.
34. Holliway, Ryan, Marcus, Rachel (2014) Russia Country Review, CountryWatch, Inc. Houston, Texas.
35. Karabulut, Bilal; (2005). "Strateji Jeostrateji Jeopolitik"; Ankara: Platin
36. Laruelle, Marlène & Peyrouse, Sbastien (2013), "The Militarization of the Caspian Sea: Great Games and Small Games Over the Caspian Fleets", Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program.
37. Stacey, Ralph (2001), Strategic Management, N.Y, McGraw Hill.

#### منابع اینترنتی

38. <http://www.khamenei.ir/>
۳۹. کیان‌پور، ابوذر، (۱۳۹۱)، وبسایت استراتژی‌های جنگ‌های نوین، مقاله استراتژی دریایی ایران در جهان نامتوازن. (<http://modernwarfarestrategies.persianblog.ir>)

## تهدیدات امنیتی روابط روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی

رضا محموداوغلی<sup>۱</sup>

امیرحسین رستمی<sup>۲</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

### چکیده

این مقاله در پی آن است تا تهدیدات امنیتی روابط راهبردی روسیه و ارمنستان را در قفقاز جنوبی مورد بررسی قرار دهد. ارمنستان، اهداف و ملاحظات راهبردی مانند رفع محاصره سرزمینی و خروج از انزوای ژئوپلیتیکی، حل مشکلات اقتصادی در عرصه داخلی و پاسخ به بحران‌های اجتماعی مانند بحران هویت و دولت‌ساز و حل بحران قره‌باغ، تضعیف موقعیت و جایگاه دو کشور ترکیه و آذربایجان در روابط خود با روسیه دنبال کرده است؛ روسیه نیز در حال پیگیری نظم موازنه محور مبتنی بر موازنه سخت، در نظام بین‌الملل کنونی و در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا است. در سیستم موازنه قوا از نگاه روسیه اتحاد با کشورهای پیرامونی به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست منطقه‌ای این کشور در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان داد که روسیه سعی دارد با تحکیم و تقویت نفوذ امنیتی خود در کشورهای منطقه قفقاز عرصه را برای حضور کشورهای غربی، ناتو و همسایگان رقیب منطقه چون ترکیه محدود سازد. روسیه از طریق فعال‌سازی شکاف‌های قومیتی و مرزی در بین کشورهای منطقه به مدیریت این شکاف‌ها در راستای منافع ملی روسیه می‌پردازد؛ با این وجود روابط دو کشور در منطقه قفقاز جنوبی با محدودیت‌ها و تهدیداتی مواجه است که این مقاله به واکاوی این تهدیدات امنیتی می‌پردازد. چارچوب نظری تحقیق، «واقع‌گرایی تدافعی»، روش پژوهش «توصیفی-تحلیلی» و ابزار گردآوری داده‌ها «کتابخانه‌ای» و «اسنادی» است.

### کلیدواژه‌ها

قفقاز جنوبی، توازن قدرت، ارمنستان، روسیه، ژئوپلیتیک.

r\_oghli@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی

ahr.1360@yahoo.com

۲. دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

## مقدمه

موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی قفقاز جنوبی، این منطقه را به یکی از مهم‌ترین مناطق جهان تبدیل کرده است؛ پس از فروپاشی شوروی، مشکلات داخلی روسیه و عدم توجه به منطقه قفقاز جنوبی باعث شد تا یک خلأ ژئوپلیتیکی در این منطقه شکل بگیرد. تعارض‌های قومی، نژادی و مذهبی، بحران‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی، مشکلات اقتصادی در منطقه و وجود منابع سرشار انرژی در این منطقه فرصتی را برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به وجود آورد تا از این شرایط در جهت منافع اقتصادی و سیاسی خود استفاده کنند. روسیه به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای تأثیرگذار، منطقه قفقاز را به عنوان حیات خلوت خویش می‌داند و سعی دارد تا کشورهای قفقاز جنوبی را در چارچوب نهادهای تحت کنترل روسیه مانند سازمان معاهده همکاری جمعی، جامعه اقتصادی اوراسیا و کشورهای مشترک‌المنافع مدیریت نماید؛ این کشور سعی دارد در چارچوب راهبرد "جهان‌گرایی چند مرکزی" با بهره‌گیری از سازوکارهای منطقه‌ای، منافع امنیتی - سیاسی خود را تأمین نماید. هسته اصلی این رویکرد ایجاد نهادها و ساختارهایی بوده است که درصدد جذب همکاری‌های کشورهای منطقه برای رقابت با ساختارهای امنیتی غرب در حوزه خارج نزدیک به خصوص با ناتو بوده‌اند. از دید روسیه، غرب با حمایت از رژیم‌های ضد روس و روندهای واگرا نظیر انقلاب‌های رنگی در مجاورت مرزهای روسیه قصد دارد، اقتدار منطقه‌ای روسیه را به چالش بکشد.

ارمنستان به عنوان یک کشور تأثیرگذار در ژئوپلیتیک قفقاز نقش اساسی را در این مناسبات بر عهده دارد. روسیه به صورت هدفمند، روابط خود را با ارمنستان در چارچوب دوگانگی تقابلی غرب- شرق تنظیم می‌کند؛ این مسئله این امکان را برای مسکو فراهم کرده است تا نقش دفاع از متحد خود را در برابر نیروهای طرفدار غرب بازی کند. به نظر می‌رسد که روابط حسنه بین ارمنستان و روسیه ریشه در تاریخ رقابت بین امپراتوری روسیه و عثمانی و رقابت ارمنستان و آذربایجان دارد؛ رابطه این دو کشور بر پایه یک نگرش مشترک امنیتی مبتنی بر ناکام گذاشتن نفوذ ترکیه و آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی بنا نهاده شده است. به واسطه احساس ناامنی سیاسی و اقتصادی پس از فروپاشی شوروی در ارمنستان این کشور سعی دارد از طریق وابستگی و اتحاد با روسیه به تأمین امنیت



در مقابل کشورهای منطقه از جمله ترکیه و آذربایجان پردازد؛ البته این ناامنی داخلی و نیز منطقه‌ای در ارمنستان فرصت‌های بسیار مطلوبی را برای روسیه ایجاد کرده تا برای تأمین منافع راهبردی خود در برابر دیگر کشورهای رقیب و تقویت نفوذ و مداخله خود در منطقه، به جذب و وابسته نمودن این دولت اقدام نماید.

### روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و ابزار گردآوری داده‌ها مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است.

### سؤال تحقیق

این پژوهش در پی پاسخ‌دهی به این پرسش است که روابط روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی با چه تهدیدات امنیتی مواجه است.

### فرضیه تحقیق

روابط روسیه و ارمنستان تحت تأثیر بحران قره‌باغ، محدودیت‌های ژئوپلیتیکی از طرف ترکیه و آذربایجان و گسترش ایدئولوژیکی و نظامی غرب در قفقاز جنوبی قرار گرفته است.

### هدف تحقیق

هدف تحقیق شناسایی تهدیدات امنیتی در روابط روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی است.

### مبانی نظری (واقع‌گرایی تدافعی)

سیاست‌های امنیتی برای رویارویی با تهدیدهای در حال پیدایش در محیط راهبردی طراحی می‌شوند. امنیت از دید ماندل «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارد (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۶). باری بوزان امنیت را در برابر «رهای از تهدید» تعریف می‌کند و وقتی این بحث در عرصه بین‌الملل مطرح می‌شود، امنیت به معنی توانایی کشورها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و استحکام عملکردی خودی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲)؛ در عصر کنونی دیگر فقط امنیت از جنبه نظامی و تهدیدات خارجی تفسیر نمی‌شود و طیف وسیع‌تری از تهدیدات مطرح است. امنیت ملی به تهدیدهای واقعی و

احساس (برداشت ذهنی از) تهدید مربوط می‌شود. استفان والت با تغییر موازنه از قدرت به تهدید، چهار مؤلفه را به عنوان عوامل تهدیدگر توصیف کرده است: ۱- قابلیت‌های کلی (جمعیت، قدرت اقتصادی، نظامی و...)، این شاخص وجه اشتراک موازنه قوا و موازنه تهدید است؛ ۲- مجاورت جغرافیایی (نزدیکی تهدید)، میان درک از تهدید و نزدیکی جغرافیایی رابطه مستقیمی وجود دارد؛ ۳- قابلیت‌های تهاجمی، هرچه میزان توانمندی تهاجمی کشوری بیشتر باشد، دغدغه‌های امنیتی آن کشور به همان میزان افزایش پیدا می‌کند؛ ۴- نیت تهاجمی، دولت‌های دارای نیت تهاجمی در مقایسه با دولت‌های حافظ وضع موجود، متضمن تهدیدهای بیشتری هستند (walt, 1986: 117).

واقع‌گرایان تدافعی بر اهمیت «موازنه تهدید» به جای موازنه قدرت تأکید دارند (مشیرزاده، ۱۳۸۷: ۱۳۴). موازنه سازی اولین و مهم‌ترین راهبرد کشورهای تدافعی عاقل در شرایط تهدیدکننده و ناامن آنارشیک است. از دید والت اتحاد، آرایش رسمی یا غیررسمی برای همکاری‌های امنیتی بین دو یا چند دولت مستقل است (Walt, 1987: 12). تجلی و نمود طبیعی راهبرد موازنه سازی، تأسیس اتحادها و تشکیل ائتلاف‌های نظامی و غیرنظامی در سطوح منطقه‌ای و جهانی است. کشورها وقتی احساس کنند که امنیت و بقا در اتحاد و ائتلاف با دیگر کشورها بهتر و بیشتر از اقدام یک‌جانبه تأمین و تضمین می‌شود، به این امر دست می‌زنند؛ تحت این شرایط، موازنه سازی در برابر یک تهدید مشترک خارجی، به عنوان منافع مشترک همه کشورها، همکاری آن‌ها در قالب تأسیس اتحاد و ائتلاف را برمی‌انگیزد (walt, 1989: 126).

از نظر والت، برداشت‌های دولت‌ها از یکدیگر مهم است؛ هرچه دولتی تجاوزکارتر باشد، احتمال اینکه دولت‌های دیگر علیه آن موازنه سازی را در پیش گیرند، بیشتر است. موازنه در برابر دولت‌هایی صورت می‌گیرد که قدرت آن‌ها از منظر دولت ایجادکننده موازنه، تهدیدکننده باشد (walt, 1985: 5-13). نظریه موازنه تهدید بر توزیع تهدید در یک نظام بین‌المللی (جهانی یا منطقه‌ای) تأکید دارد؛ بر اساس این نظریه، دولت‌هایی که با یک تهدیدهای مشترک روبه‌رو هستند، با یکدیگر در مقابل آن متحد می‌شوند؛ پس در مطالعه اتحادها باید به دنبال یک دشمن مشترک گشت. کشورها در واکنش به تغییرات در سطح و میزان تهدید ناشی از تغییر در توزیع

و ساختار قدرت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دست به اتحاد و ائتلاف می‌زنند (Walt, 1987: 149). والت در مورد منطقه قفقاز جنوبی بر این باور است که دولت‌های قفقاز جنوبی تنها دو گزینه پیش رو دارند: نخست، موازنه علیه تهدید، به این معنا که کشورهای قفقاز بتوانند علیه تهدید دست به موازنه بزنند، دوم، استراتژی الحاق (Walt, 1987: 17-21).

والت همچنین معتقد است دولت‌های کوچک برخلاف دولت‌های بزرگ و متوسط به همراهی روی می‌آورند تا موازنه؛ زیرا خود را قادر به ایجاد توازن نمی‌بینند و ناگزیر باید با طرف‌های غالب دیگر همراه شوند. از دید کنت والتز: «بازیگران درجه دوم اگر در انتخاب خود آزاد باشند به سمت طرف قوی‌تر متمایل می‌شوند» (Waltz, 2000: 6)؛

با توجه به این موارد به نظر می‌رسد که رقابت امنیتی ناشی از تضاد منافع میان قدرت‌های منطقه و فرا منطقه‌ای باعث شکل‌گیری رقابت‌های شدید و شکل‌گیری ائتلاف‌های امنیتی در منطقه قفقاز شده است؛ چرا که این حوزه به لحاظ سیاسی و امنیتی دارای بی‌ثباتی درون منطقه‌ای است که مواردی چون بحران هویت، اختلافات مرزی میان کشورهای منطقه، چالش‌های قومی و بحران قومیت، جنگ‌های داخلی و بحران‌های سیاسی مختلف نمونه‌های از آن دست هستند؛ این احساس ناامنی و نیازهای راهبردی متقابل، موجب ظهور بنیان‌های خاصی از ائتلاف‌ها و موازنه قدرت در قفقاز شده است؛ که نتیجه آن ایجاد دو ائتلاف ضمنی و نسبتاً پایدار در دو دهه اخیر در منطقه است که در آن روسیه، ارمنستان و ایران در یک جبهه و ترکیه، گرجستان و آذربایجان با همراهی آمریکا و اروپا در ائتلاف دیگر، دو قطب یا بلوک قدرت را در قفقاز به وجود آورده‌اند. روسیه برای مقابله با نفوذ کشورهای غربی به حیاط خلوت خود ائتلاف با بازیگران منطقه‌ای را در سیاست منطقه‌ای خود دنبال کرده است که یکی از این کشورهای مهم و راهبردی برای روسیه کشور ارمنستان است که به بررسی روابط دو کشور پرداخته می‌شود.

#### درآمدی بر روابط سیاسی روسیه و ارمنستان

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فرایند تصمیم‌سازی سیاست خارجی روسیه در دهه ۹۰ دوره‌ای از آشفتگی شدید را پشت سر گذاشت. نگاه به غرب و روی آوردن و

ادغام شدن در نهادها و ساختارهای حیات‌بخش نظم لیبرال در دستورکار نخبگان حاکم قرار گرفت. سیاست‌های یلتسین و کوزیرف، موجب از بین رفتن جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل شد و موجب رشد گروه‌هایی مانند اوراسیاگرایان در سیاست خارجی روسیه شد (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۵۵)؛ این طیف با در نظر داشتن ویژگی‌های ژئوپلیتیک روسیه و میراث تاریخی آن به نقش متفاوت این کشور تأکید می‌کردند؛ بر مبنای چنین رویکردی، روسیه مناطق خارج نزدیک را حوزه نفوذ انحصاری خود دانسته و مخالف حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این محدوده است (Radin, 2017: 87).

روسیه از بحران‌های منطقه‌ای در ترانسنیستریا (مولدوی)، کریمه (اوکراین)، آبخازیا و اوستیای جنوبی (گرجستان) و ناگورنو-قره‌باغ (ارمنستان-آذربایجان) استفاده کرد تا نفوذ خود را بر کشورهای پیرامونی حفظ کند. هدف مسکو، محدود کردن مداخله بیگانگان در محدوده شوروی سابق بود، در زمانی که باکو در حال امضای قرارداد «معاهده قرن» با ائتلاف‌های غربی در سال ۱۹۹۴ از جمله ائتلاف‌های باکو-تفلیس-سوپسا؛ باکو-تفلیس-جیهان؛ باکو-تفلیس-ارزروم ۳ و ناتو بود؛ در مقابل این ائتلاف‌های ضد روسی کشورهای ارمنستان و روسیه به خاطر اشتراک منافع به هم نزدیک شد (Minassian, 2008: 7).

امنیت برای آرامنه از طریق وابستگی به حمایت روسیه تعریف گردید و همکاری‌های نظامی گسترده با روسیه جهت مقابله با تهدیدات ناشی از سیاست‌های آذربایجان و ترکیه صورت گرفت. با توجه به وضعیت نه جنگ و نه صلح در روابط ارمنستان و جمهوری آذربایجان و عدم وجود روابط دیپلماتیک بین آنکارا و ایروان، نگاه امنیتی آرامنه نسبت به دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در اولویت قرار گرفته است؛ به طوری که هرگونه تهدید از سوی جمهوری آذربایجان و ترکیه این کشور را به سوی ایران و روسیه نزدیک می‌سازد (حیدری، ۱۳۸۶: ۹۹)؛ ایروان این نقش پیرو بودن خود را در راستای منافع ملی خود

- 
1. Baku-Tbilisi-Supsa Pipeline
  2. Baku-Tbilisi-Ceyhan pipeline
  3. Baku-Tbilisi-Erzrum pipeline

دیده و این مناسبات را پذیرفته است. ارمنستان ایجاد پایگاه‌های روسیه در قلمرو خود را به عنوان یک عامل توازن بخش در رقابت با کشورهای منطقه می‌داند (Minassian, 2008: 7).

ارمنستان از طریق اتحاد نظامی با روسیه، سعی دارد از نفوذ روسیه در منطقه به عنوان تضمین‌کننده ثبات و امنیت مرزهای خود استفاده کند. ارمنستان پس از استقلال یکی از اعضای فعال پیمان امنیت جمعی بوده است. در سال ۱۹۹۹، روسیه سیستم‌های ضد موشکی S-300 و ناوگان جنگنده‌های MiG-29 را تحویل ارمنستان داد؛ در مقابل مسکو سه پایگاه نظامی در ارمنستان ایجاد کرده است: پایگاه ۱۰۲ در گومری ۱، پایگاه ۴۲۶ در اربونی ۲ که در جنگ دوم چچن شرکت داده شد و نهایتاً، یک پایگاه در مقری<sup>۱</sup> (Minassian, 2008: 14). پایگاه نظامی روسیه در شهر گومری ارمنستان، یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های روسیه در خارج از این کشور است. در کنار سیستم‌های موشکی و هوایی در حدود ۵۰۰۰ نیروی نظامی روسیه در ارمنستان مستقر هستند. مرزهای ارمنستان با ایران و ترکیه توسط نیروهای روسی محافظت می‌شوند. در ۲۰ اوت ۲۰۱۰ با امضای توافقنامه نظامی جدید بین روسیه و ارمنستان حضور نظامی کرملین در پایگاه نظامی گومری تا سال ۲۰۴۴ تمدید گردید (Peña-Ramos, 2017: 8).

#### روابط اقتصادی روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی

از لحاظ اقتصادی ارمنستان وابستگی بیشتری به روسیه دارد. حضور اقتصادی روسیه در ارمنستان یکی از ابزارهای کسب نفوذ سیاسی در این کشور است؛ کنترل بخش انرژی ارمنستان یکی از جلوه‌های نفوذ اقتصادی روسیه در این کشور است؛ به طوری که روسیه ۸۰ درصد زیرساخت‌های انرژی ارمنستان را در اختیار دارد (Kostanyan & Giragosian, 2017:13). شرکت گاز پرموم ۴ روسیه مالکیت شبکه توزیع گاز ارمنستان را در کنترل خود دارد؛ علاوه بر زیرساخت‌های انرژی، خطوط هوایی، صنایع شیمیایی و بخش ارتباطات نیز در اختیار

- 
1. Gyumri
  2. Arboni
  3. Meghri
  4. Gazprom

شرکت‌های دولتی روسیه هستند. خط هوایی روسی سیبری ۱ مالک هفتاد درصد از سهام خطوط هوایی ارمنستان موسوم به آرماویا ۲ است؛ روسیه همچنین شبکه راه‌آهن ملی ارمنستان را با سرمایه‌گذاری ۵۷۰ میلیون دلاری تحت کنترل خود درآورده است؛ همچنین روسیه ۷۰ درصد ذخایر بانکی این کشور را تحت کنترل خود دارد (خیری و ایزدی، ۱۳۹۶: ۱۷).

مبادلات تجاری بین روسیه و ارمنستان در طی این سال‌ها به صورت مستمر در حال افزایش بوده است؛ حجم مبادلات تجاری بین آن‌ها از ۳۷۷ میلیون دلار آمریکا در سال ۲۰۰۶ به ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۶ رسید که از این میزان ۹۹۰ میلیون دلار واردات از طرف روسیه به ارمنستان بوده است و ۳۷۲ میلیون دلار هم صادرات از ارمنستان به روسیه انجام گرفته است. آمارها بیانگر آن است که در نیمه اول سال ۲۰۱۷ تجارت بین دو طرف، ۲۴ درصد رشد داشته است؛ با این حال صادرات روسیه به ارمنستان بیش از واردات روسیه از این کشور بوده است؛ به همین دلیل موازنه تجاری بین دو کشور به نفع روسیه بوده است (Kostanyan & Giragosian, 2017: 17). ارمنستان با بدهی چند میلیارد دلاری، به‌ویژه به روسیه، مواجه بوده است؛ چنین به نظر می‌رسد که ارمنستان به‌جای آنکه در پی مراودات اقتصادی بیشتری با غرب باشد، از طریق همکاری‌های اقتصادی و نظامی بیشتر به روسیه گره خورده است. از نگاه اکثریت مردم ارمنستان، روسیه تنها یک حامی نیست، بلکه سرزمین فرصت‌هاست؛ چون روسیه به هزاران ارمنی فرصت یک زندگی بهتر را می‌دهد، یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ارمنستان است و به نفع ارمنستان است که تعامل اقتصادی در سطح بالایی با روسیه داشته باشد (Babayan, 2011, p.32).

تصاحب نیروگاه متسامور<sup>۳</sup>، هرازدان<sup>۴</sup> و چندین نهاد انرژی‌زای مهم دیگر به عنوان یکی از ابزار سیاست خارجی روسیه در روابط این دو کشور عمل کرده است. نخستین نمونه استفاده روسیه از انرژی در قالب یک ابزار سیاست خارجی را می‌توان در معاملات آن با ارمنستان در

- 
1. Sibir
  2. Armavia
  - 3 Metzamor
  - 4 Hrazdon

مدت ساخت خط لوله گاز طبیعی تبریز-ایراسخ (در استان آراارات) مشاهده کرد. این خط لوله می‌توانست دو برابر میزان گاز طبیعی لازم برای ارمنستان را تأمین کند (Vladimir, 2010: 34)؛ در مقابل روسیه به هیچ وجه تمایل نداشت از وابستگی ارمنستان به خودش کاسته شود. خط لوله ایران-ارمنستان نه تنها به معنای کاهش سود شرکت‌های گازی دولتی روسیه بود، بلکه به معنای کاهش نفوذ اقتصادی و سیاسی روسیه در ارمنستان نیز قلمداد می‌شد؛ مسکو سریعاً وارد عمل شد و در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد که یارانه گازی که از زمان استقلال ارمنستان برقرار بود قطع می‌کند؛ این تاکتیک در سال‌های پس از انقلاب‌های رنگی در اوکراین و گرجستان نیز به کار رفته بود؛ تا نشان دهد روسیه توانایی تنبیه کردن هر دو کشور را به خاطر نزدیک شدن به ناتو و غرب را دارد (Vladimir, 2010: 23).

#### ۱. مؤلفه‌های امنیتی در روابط روسیه و ارمنستان

##### ۲. ساختار اقتصادی ضعیف ارمنستان

عامل اساسی که بر روابط دو کشور تأثیر می‌گذارد ساختار اقتصادی ضعیف ارمنستان است، فقر منابع طبیعی ارمنستان این کشور را در مقابل ایران و روسیه قرار می‌دهد. اقتصاد ارمنستان به لحاظ تأمین انرژی و مواد خام و بازرگانی خارجی و صادرات به شدت وابسته به اقتصاد و کمک‌های مالی روسیه و ایران است. فقدان روابط دیپلماتیک و اقتصادی با آذربایجان و ترکیه موجب عدم بهره‌گیری ارمنستان از پتانسیل ژئوپلیتیکی خود برای تقویت اقتصاد ملی و تداوم وابستگی به روسیه شده است. حذف ارمنستان از پروژه‌های مهم انرژی مانند خط لوله انتقال نفت خزر به نام باکو-تفلیس-جیهان و نیز خط لوله انتقال گاز باکو-تفلیس-ارزروم و مشارکت ندادن آن در پروژه‌های آتی مانند خط آهن باکو-تفلیس-قارص و نیز آزادراه آنکارا-تفلیس-باکو، خسارت‌های استراتژیک و بلندمدت اقتصادی برای ایروان در پی خواهد داشت (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

##### ۳. انزوای ژئوپلیتیکی

نگرش امنیتی دولت ارمنستان در دو دهه اخیر، بیشتر ناشی از موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی این کشور در منطقه بوده است. شکل جغرافیایی ارمنستان، به عنوان کم وسعت ترین کشور قفقاز که به صورت باریکه کم عرض از شمال به جنوب کشیده شده در پدید

آمدن این تلقی بسیار مهم بوده است؛ این باریکه ۳۶ کیلومتری در محاصره دو کشور آذربایجان و ترکیه قرار گرفته و به شدت ارمنستان را آسیب‌پذیر ساخته است (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). کوچک بودن سرزمین ارمنستان و محصور بودن آن در خشکی پیامدهای مهمی نظیر ضعف امنیتی و ضرورت یافتن شرکت در پیمان‌های نظامی منطقه‌ای، کمبود منابع انرژی و برقراری روابط گسترده با ایران، گرجستان و روسیه را داشته است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۳: ۹۰). در کنار شکل جغرافیایی ارمنستان عوامل متغیر ژئوپلیتیکی مانند فقر اقتصادی، فقر منابع طبیعی، مسدود بودن مرزهای شرقی-غربی، مسئله نسل‌کشی ارمنی و دیاسپورای ارمنی، تجربیات خاص تاریخی و بحران‌های سیاسی نیز بر انزوای ژئوپلیتیکی ارمنستان افزوده‌اند.

ارمنستان همواره خود را در محاصره دو کشور (آذربایجان و ترکیه) احساس می‌کند و از این حصر جغرافیایی به عنوان یک ضعف ژئوپلیتیکی یاد می‌کند؛ علاوه بر حصر جغرافیایی ارمنستان، جنگ قره‌باغ و درگیری و دشمنی ارمنستان با ترکیه و جمهوری آذربایجان، منجر به محاصره اقتصادی این کشور توسط دو کشور ترکیه و جمهوری آذربایجان شده است و این دو کشور، شرایط اقتصادی دشواری را برای ارمنستان ایجاد کرده‌اند (حیدری، ۱۳۸۶: ۱۱). واقع شدن بین دو جبهه رقیب و خصومت تاریخی میان آن‌ها، ارمنستان را آسیب‌پذیر ساخته و قدرت مانور سرزمینی را از ارمنی سلب کرده و تأثیر زیادی بر دیدگاه امنیتی آن‌ها گذاشته است؛ این کشور به دریای آزاد راه ندارد و تنها مرزهای مطمئن و قابل اتکا، مرزهای جنوبی این کشور با ایران است و مرزهای مشترک با جمهوری آذربایجان و ترکیه به دلیل عدم حل و فصل مناقشه قره‌باغ مسدود و مرز با گرجستان نیز به علت وجود بحران‌های قومی و جدایی‌طلبی قابل اطمینان نیست.

#### ۴. محیط متخاصم منطقه‌ای

وجود دولت‌های ضعیف، جدایی‌طلبی، اختلاف‌های قومی، مذهبی و گروه‌بندی‌های نظامی مهم‌ترین ویژگی محیط قفقاز به شمار می‌رود که منجر به ایجاد یک محیط متخاصم در این منطقه شده است. نتیجه احساس ناامنی دولت‌های ضعیف قفقاز، تأمین امنیت از طریق وابستگی و اتحاد با قدرت‌های منطقه‌ای رقیب یعنی روسیه، ترکیه و ایران بوده است



(بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۱)؛ به دلیل قرار گرفتن در محیط امنیتی و سابقه اندک استقلال، مفهومی که از امنیت در قفقاز جنوبی حاکم است، مفهومی بیشتر نظامی است. قرار گرفتن بین دو قدرت منطقه‌ای یعنی ایران و ترکیه و مسائل تاریخی ملت ارمنی و روابط آن با ترک‌ها نیز تأثیر بسزایی بر دیدگاه امنیتی ارمنه بر جای گذاشته است. ارمنه برای حفظ امنیت خود و مقابله با ترکیه و جمهوری آذربایجان که با ترکیه خصومت تاریخی دارند و با آذربایجان نیز بر سر منطقه قره‌باغ درگیری نظامی داشته و در حال حاضر در وضعیت نه جنگ و صلح قرار دارند، تلاش کرده‌اند از یک طرف با استفاده از روابط گسترده با روسیه و ایران و از طرف دیگر با همبستگی با ارمنه سایر نقاط جهان و بهره‌برداری از امکانات مالی و سیاسی آن‌ها از امنیت و حیات خود در چارچوب تعریفی که از امنیت قفقاز دارند، دفاع نمایند (حیدری، ۱۳۸۶: ۹۹).

از سال ۱۹۹۳ که آذربایجان و ترکیه مرزهای خود را بر روی ارمنستان بستند که نتیجه آن ایجاد یک سد اقتصادی در برابر ارمنستان بود. ارمنستان به‌واسطه حمایت روسیه و همچنین ایران، توانست بر هرج و مرج و انزوای منطقه‌ای غلبه کند و امنیت خود را تضمین کند، امنیتی که توسط محیط متخاصم ترکی-آذری تهدید می‌شد؛ با توجه به این تهدیدات بود که در سال ۱۹۹۷، قرارداد دوستی روسیه-ارمنستان، شراکت استراتژیک آن‌ها را شکل داد (Shafee, 2010: 12). روسیه می‌کوشد با تحکیم و تقویت نفوذ امنیتی خود در کل منطقه قفقاز عرصه را برای حضور رقابیش در حیاط خلوت خود تنگ کند.

یکی دیگر از عوامل تخاصم در منطقه قفقاز، تحرکات رژیم صهیونیستی در آذربایجان است؛ این کشور به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه در نزدیکی به ایران و ظرفیت‌های بالقوه‌ای همچون قوم‌گرایی و ساختار سیاسی غیردینی، مدنظر سیاستمداران اسرائیل قرار گرفته است (مؤمنی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۴۱۵). حضور رژیم صهیونیستی در قفقاز و در محیط پیرامونی ج.ا.ا بر تنش‌های منطقه قفقاز افزوده است. رژیم صهیونیستی اهدافی نظیر حمایت از جوامع یهودی‌نشین کشورهای قفقاز جنوبی، فرار از معضل امنیتی در «خاورمیانه سنتی» و رویارویی با جمهوری اسلامی ایران را در نظر دارد (دستجردی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۸). رژیم صهیونیستی تحت پوشش فعالیت‌های عمرانی اقدام به فعالیت‌های اطلاعاتی در مناطق جنوبی آذربایجان

نزدیک به مرز ایران می‌کند. آذربایجان حجم قابل توجهی تجهیزات نظامی از اسرائیل با هدف مقابله با همسایگان خود به‌ویژه ارمنستان وارد کرده است. زمانی که ارمنستان از روسیه سامانه‌های موشک‌های عملیاتی-تاکتیکی «اسکندر» خریداری کرد، در پاسخ به این اقدام، جمهوری آذربایجان هم اقدام به استقرار سامانه دفاع ضد موشکی «گنبد آهنین» اسرائیل در خاک خود نمود (thehill, 2017).

##### ۵. تهدیدات امنیتی آذربایجان

مسکو به دنبال این است با گسترش همکاری‌های نظامی با ارمنستان این کشور را در مقابل آذربایجان که روز به روز به سلاح‌های پیشرفته آمریکا و به‌خصوص اسرائیل مجهز می‌شود کمک نماید؛ این اقدام مسکو دو هدف را در بر دارد؛ یکی اینکه از این طریق اقدام به فروش بیشتر تسلیحات خود به ارمنستان می‌نماید و درآمدی را از این طریق کسب می‌کند و دوم با مجهز کردن ارمنستان به سلاح‌های روسیه نوعی توازن را در مقابل باکو ایجاد می‌کند تا در صورت جنگ احتمالی ارمنستان بازنده نباشد (Salehi, 2012: 2). روسیه سعی دارد تا با استقرار پایگاه‌های جدید در ارمنستان بتواند نفوذ از دست رفته خود در منطقه را جبران کند. روسیه سعی دارد با ایجاد موازنه در بین آذربایجان و ارمنستان مانع از جنگ دیگری در نزدیکی مرزهای کشورش باشد.

##### ۶. بحران قره‌باغ

یکی از تعارضات منطقه‌ای که بر روابط روسیه و ارمنستان تأثیرگذار بوده است مناقشه قره‌باغ است (Hill and Taspinar, 2007: 45). منازعه قره‌باغ ریشه در مسائل قومی و عوامل ژئوپلیتیک دارد؛ به همین جهت این منطقه علاوه بر ارزش تاریخی، قومی و ملی برای ارمنستان، برای این کشور ارزش استراتژیک دارد و مکمل ژئوپلیتیک آن محسوب می‌شوند (حیدری، ۱۳۸۶: ۹۸)؛ این مناقشه دارای ماهیت بین‌المللی است و به کارت بازی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و در رأس آن‌ها روسیه و آمریکا مبدل شده است. روسیه در رأس بازی بحران قره‌باغ قرار دارد. روسیه در چهارچوب سیاست قدیمی و سنتی خود تلاش دارد که قفقاز جنوبی را زیر نظر خود داشته باشد و برای این منظور دامنه نفوذ خود را در ارمنستان

گسترش داده و می‌کوشد تا گرجستان و آذربایجان را نیز به طرق ممکن تحت سیطره و فرمان‌برداری مسکو قرار دهد (نقدی نژاد و سوری، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۶).

محاصره جغرافیایی و بن‌بست در مسئله قره‌باغ و تهدیدات مکرر آذربایجان به بازپس‌گیری اراضی اشغالی، باعث شده ارمنستان استقلال، حاکمیت و امنیت سیاسی و سرزمینی خود را در وابستگی به روسیه تأمین نماید (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). مهم‌ترین هدف روسیه در بحران قره‌باغ، حفظ موازنه راهبردی در قفقاز و ممانعت از توسعه نفوذ غرب به ویژه آمریکا در منطقه است؛ به گونه‌ای که با داشتن دست برتر در بحران قره‌باغ، تلاش می‌کند تا سایر بازیگران را در این صحنه به حاشیه براند. روسیه سعی دارد تا از نوعی «ثبات نامطمئن» در این منطقه حمایت کند تا هم از منافع پروژه‌های بین‌المللی در خصوص نفت و حمل و نقل برخوردار شود و هم با استفاده از اهرم مناقشات حل نشده در صورت ضرورت، فضایی برای اعمال نفوذ در منطقه برای خود باقی بگذارد (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

#### ۷. نفوذ قدرت منطقه‌ای ترکیه

دشمنی تاریخی و تضاد منافع استراتژیک ترکیه و ارمنستان در دو دهه اخیر، یکی از پایه‌های اصلی تنش و رقابت در قفقاز بوده است. از طرف دیگر نزدیکی ترکیه به جمهوری آذربایجان و انعقاد قرارداد نظامی و امنیتی با این کشور و به تبع آن همراهی این کشورها با غرب و آمریکا، فدراسیون روسیه را با چالشی جدی در قفقاز مواجه ساخته است. بالا رفتن نفوذ و موقعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در قفقاز به منزله کاهش و تضعیف موقعیت روسیه در آنجا خواهد بود و موجب نزدیک شدن جمهوری آذربایجان به ترکیه و غرب می‌شود و در نتیجه کاهش فشار سنتی روسیه در این دو کشور را به دنبال خواهد داشت (عسگریان و تجری، ۱۳۹۶: ۱۶۷). ارمنستان که همیشه از تنش‌های روسیه-ترکیه منفعت کسب کرده است، هیچ روابط دیپلماتیکی با آنکارا نداشته است و دلیل آن اختلافات مرزی در سال ۱۹۹۳ و همچنین مسئله کشتار ارامنه در سال ۱۹۱۴ است (Hilland, 2007: 23-24).

نگاهی به رفتارها و سیاست خارجی ارمنستان در دو دهه گذشته، نشان می‌دهد این کشور به‌رغم تلاش‌های بین‌المللی برای شناسایی کشتار ارامنه به عنوان نسل‌کشی، همواره درصدد بوده در مواجهه با قدرت منطقه‌ای ترکیه سیاست عمل‌گرایانه‌ای را در پیش بگیرد تا از انزوای سیاسی و ژئوپلیتیکی خود بکاهد. ورود به فرایند دیپلماسی پنهان با ترکیه در چند سال گذشته با میانجیگری دولت سوئیس، ورود به دیپلماسی فوتبال و سفر روسای جمهور دو کشور در طی سال‌های اخیر، (سفر عبدالله گل به ایروان در سپتامبر ۲۰۰۸ و سرکسیان به ترکیه در اکتبر ۲۰۰۹) برای تماشای بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰، آغاز مذاکرات برای تهیه نقشه راه و در نهایت، امضای پروتکل نقشه راه در سوئیس در اکتبر ۲۰۰۹، سفر وزرای خارجه دو کشور و دیدار و مذاکره در حاشیه اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بیان‌کننده اراده جدی دولت‌های مختلف در ارمنستان برای خروج از انزوای ژئوپلیتیکی، ایجاد تعادل در روابط منطقه‌ای و کاهش وابستگی یک‌جانبه به روسیه و ایران است (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

روسیه از هر دو جهت از بن‌بست سیاسی بین ترکیه و ارمنستان منفعت کسب می‌کند؛ اولاً، برطرف کردن نزاع ناگورنو-قره‌باغ و عادی‌سازی روابط بین ارمنستان و ترکیه نفوذ منطقه‌ای روسیه را کاهش خواهد داد که به نفع ایالات متحده آمریکا است؛ دوماً تنش بین ترکیه و ارمنستان موجب می‌شود آنکارا توجه خود را به سمت مسکو جلب کند و روسیه را به عنوان یک شریک اقتصادی ترجیح دهد. در حال حاضر، روسیه از تفکرات ملی‌گرایانه در ارمنستان به عنوان ابزاری برای ایجاد تنش بین ترکیه و ارمنستان استفاده می‌کند (Minassian, 2008:17).

#### ۸ بحران گرجستان

عامل تأثیرگذار دیگر در روابط روسیه و ارمنستان، تنش سیاسی و نظامی بین روسیه و گرجستان است؛ این بحران یک مسئله حاد را برای آینده روابط بین روسیه و ارمنستان ایجاد می‌کند. نزدیک ۴۰۰۰۰۰ ارمنی در گرجستان زندگی می‌کنند که اکثراً در منطقه فقیرنشین سامتسخه-دواختی هستند که در همسایگی ارمنستان قرار دارد؛ هزاران ارمنی نیز در ابخازیا زندگی می‌کنند و از یک حکومت استقلال‌طلب در سوخومی حمایت می‌کنند؛ روسیه از متحد

ارمنی خود انتظار دارد تا از نفوذ اقلیت ارمنی در این منطقه در برابر حکومت مرکزی گرجستان استفاده کنند (khacharian, 2009: 43-45)؛ اما نفوذ آمریکا بر روابط ارمنستان- گرجستان تا حدی شکست روسیه را در این مورد توضیح می‌دهد؛ آنچه مهم‌تر است این است که تفلیس نمی‌خواهد حس ملی‌گرایی ارمنستانی‌ها را در گرجستان بیدار کند و با یک بحران استقلال‌طلبی جدید در مرزهای خود روبه‌رو شود؛ ارمنستان نیز به بازار گرجستان برای بازگشایی و تقویت اقتصاد خود نیاز دارد (Avoyan, 2007: 3).

#### ۹- سیاست‌های غرب‌گرایانه ارمنستان

عامل تأثیرگذار دیگر در روابط دو کشور، رویکرد غرب‌گرایانه در سیاست خارجی ایروان است. ارمنستان در مواقع ضروری و به عنوان سیاست جایگزین به همکاری با مجامع غربی تأکید دارد. ارمنستان از طریق همکاری با ناتو، اتحادیه اروپا و آمریکا واقعیت جدید پس از جنگ سرد را پذیرفته است؛ اما ارمنستان، به دنبال معکوس کردن اولویت‌های استراتژیک خود با روسیه نیست؛ بنا بر گفته سرژ سارکسیان، این شراکت‌های جدید که «امنیت، حاکمیت و انسجام ارمنستان را حفظ می‌کند»، اتحاد با روسیه را به مخاطره نمی‌اندازد. از دید سیاست‌گذاران ارمنستان وفاداری به مسکو و همکاری با غرب با هم ناسازگار نیستند (Cornell, 2004: 8).

حتی در استراتژی امنیت ملی جمهوری ارمنستان نیز که در سال ۲۰۰۷ مورد تأیید قرار گرفت؛ اتحادیه اروپا نیز به عنوان اولویت بلندمدت جهت‌گیری سیاست خارجی ارمنستان مورد تأکید قرار گرفته است (Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Aemenia, 2007)؛ هرچند ارمنستان در سال ۲۰۱۳ ناگهان اعلام کرد که قصد پیوستن به اتحادیه اوراسیا را دارد؛ به نظر می‌رسد، فشارهای روسیه علیه دولت ارمنستان از جمله تهدید به لغو تضمین‌های امنیتی و افزایش بهای گاز صادراتی به ارمنستان در روگردانی این کشور از همکاری با اتحادیه اروپا مؤثر بوده‌اند (Grigoryan, 2017: 98).

تلاش‌های ارمنستان برای ایجاد موازنه در روابط با قدرت‌های غربی و روسیه، همواره با واکنش‌های منفی و انتقادهای روسیه همراه بوده است (bedevian, 2007: 12-17). بر مبنای سند استراتژی سیاست خارجی ۲۰۱۶ فدراسیون روسیه، این کشور نسبت به گسترش ناتو،

نزدیکی زیرساخت‌های اتحاد آتلانتیک شمالی به مرزهای روسیه و گسترش اقدامات نظامی آن در مناطق مرزی روسیه نگرش منفی دارد و گسترش ناتو به سوی مرزهای روسیه و انقلاب‌های رنگی تهدیدی بر امنیت روسیه معرفی شده است (The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, 2016).

مسکو نگران است که دستیابی گرجستان و اوکراین به ناتو، ارمنستان را به تشویق به پیوستن به این نهاد کند و نهایتاً قفقاز جنوبی را از روسیه دور کند (Le monde, 2008: 6). در اواخر تابستان ۱۳۹۶ نیروهای نظامی ویژه روسیه رزمایشی را در خاک جمهوری ارمنستان برگزار نمودند؛ این رزمایش نظامی که برای اولین بار بدون حضور نیروهای نظامی ارمنستان و دقیقاً پس از پایان رزمایش ناتو در گرجستان صورت می‌گرفت را می‌توان به نوعی واکنش رسمی روسیه به جمهوری ارمنستان در همکاری با ناتو دانست (خیری و ایزدی، ۱۳۹۶: ۹). در زمانی که روسیه سیاست خارجی خود را در راستای جستجوی یک شریک جدید مثل آذربایجان و ترکیه تعدیل می‌کند، ارمنستان نیز از نفوذ رو به افزایش ایالات متحده در منطقه استفاده می‌کند؛ هرچند این توازن و علائق دوجانبه، به سود روسیه بوده به طوری که در تبدیل و تنزیل ارمنستان از یک شریک به یک پیرو موفق عمل کرده است (Minassian, 2008: 4).

### تضعیف سازمان پیمان امنیت جمعی<sup>۱</sup>

روسیه می‌کوشد با تحکیم و تقویت نفوذ امنیتی خود در منطقه قفقاز، عرصه را برای حضور کشورهای غربی، ناتو و همسایگان رقیب منطقه خود مانند ترکیه محدود سازد. اولین گام نفوذ روسیه در قفقاز تقویت پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۹ بود که از اعضا می‌خواست در هنگام تهدیدات خارجی با دیگر اعضا مشورت کنند و در مواقع حمله به اعضای این پیمان کمک‌های دوجانبه فراهم شود (The Military Balance, 2012: 61-69). همکاری‌های نظامی و امنیتی روسیه و ارمنستان و حضور ارمنستان در ترتیبات منطقه‌ای تحت رهبری کرملین نظیر سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی به هدف استراتژیک روسیه مبنی بر حضور نظامی و امنیتی در منطقه استراتژیک قفقاز و دور کردن

1. Collective Security Treaty Organization

زیرساخت‌های نظامی غرب از منطقه کمک کرده است؛ زیرا جمهوری ارمنستان تنها عضو این پیمان در منطقه قفقاز جنوبی است (خیری و ایزدی، ۱۳۹۶: ۷)؛ با وجود این تعهدات قوی بین طرفین، ارمنستان هنوز هیچ تضمینی از سازمان امنیت جمعی مبنی بر کمک نظامی در مورد حملات آذربایجان در ناگورنو-قره‌باغ به دست نیاورده است؛ از دید ایروان قفقاز جنوبی در اولویت این سازمان قرار ندارد و مادامی که نهاد امنیت جمعی مشکلات منطقه را در دستور کار خود قرار ندهد، تضعیف و انزوای ارمنستان ادامه خواهد داشت (Reuters, press agency, 2008: 24-25).

از طرف دیگر معاهده امنیت جمعی پس از تشکیل با چندین مسئله اساسی درونی روبه‌رو شد. با ظهور احساسات شعله‌ور ملی‌گرایانه در درون شوروی سابق، بسیاری از کشورهای تازه استقلال‌یافته در پذیرفتن توافقنامه‌ای نظامی با روسیه تردید داشتند با این باور که هدف مسکو تحکیم سیطره خود بر منطقه است (Weinstein, 2010: 22)؛ افزون بر این، بسیاری از کشورهای عضو آگاه بودند که این معاهده فقط در جهت حفظ منافع و یکپارچگی اراضی روسیه عمل می‌کرده است. بی‌اعتمادی در میان کشورهای عضو و مشکلات اقتصادی بنیان این توافقنامه امنیتی را لرزان ساخته است. معاهده امنیت جمعی نتوانست از بروز جنگ میان ارمنستان و آذربایجان در قضیه جنگ ناگورنو-قره‌باغ در زمانی که هر دو کشور عضو این معاهده بودند جلوگیری کند. از طرفی، معاهده امنیت جمعی نتوانست به بحران سیاسی در تاجیکستان که هزاران کشته و صدها هزار آواره بر جای گذاشت واکنشی نشان دهد (McGinnity, 2010: 22)؛ از طرف دیگر اتحادیه‌هایی مانند گوام و پیمان ترابزوان می‌تواند نفوذ روسیه و ارمنستان را در این منطقه با چالش مواجه کند با خروج جمهوری آذربایجان و گرجستان از پیمان امنیت دسته‌جمعی و عضویت ازبکستان در اتحادیه گوام، هم‌زمان با کناره‌گیری آن کشور از پیمان امنیت دسته‌جمعی و همکاری گسترده آن با ناتو، اتحادیه گوام به «باشگاه ناراضیان» روسیه و جامعه کشورهای مستقل هم‌سود تبدیل شده است (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۳۰-۲۳۱).

## محدودیت‌های ساختاری روابط روسیه-ارمنستان

۱- احساس ناامنی ارمنستان به علت محیط منازعه آمیز منطقه‌ای که در آن قرار دارد، بر سیاست خارجی و منطق امنیتی آن سایه افکنده است؛ به طوری که سبب شده است دولت ارمنستان با اراده‌ی خویش در تمهیدات امنیتی در مقابل روسیه امتیاز بدهد. از دید منتقدان امتیاز دادن ارمنستان به روسیه بر پایه‌ی واقعیاتی در گذشته هستند که دیگر وجود نداشته و به ارمنستان ارتباطی پیدا نمی‌کند. توافقنامه امنیتی بین روسیه و ارمنستان تضمینی برای حمایت روسیه از ارمنستان در صورت تهاجم آذربایجان به قره‌باغ نداده است؛ از طرف دیگر این توافقنامه‌ها توانایی ارمنستان برای انجام هرگونه اقدام آلترناتیو را کاهش داده است. ایجاد پایگاه‌های نظامی روسیه در ارمنستان نتیجه مذاکرات و تعهدات امنیتی بوده است که از موضع احساس عدم امنیت برای ارمنستان اتخاذ شده است (McGinnity, 2010: 26).

۲- از دید منتقدان داخلی تمدید توافقنامه‌ی اجاره پایگاه گیومری تمایل دولت ارمنستان به امتیازدهی به روسیه بدون بررسی عواقب آن در ارمنستان را نشان می‌دهد؛ با اینکه اهمیت راهبردی این پایگاه برای روسیه روز به روز بیشتر می‌شود؛ دولت ارمنستان همچنان تمام بار مالی این پایگاه را بر دوش خواهد کشید؛ از دید منتقدان این توافق بسیار غیرعادی است؛ چرا که قدرت‌های جهانی مثل آمریکا یا روسیه برای آنکه نیروهای خود را در خاکی بیگانه مستقر کنند حاضرند قراردادهای هنگفتی پیشنهاد دهند (Giragosian, 2010: 11).

۳- مسکو با تحت فشار قرار دادن دولت ارمنستان دنبال آن است تا حضور راهبردی خود در قفقاز را برای سال‌های آتی تضمین کند. تمدید اجاره پایگاه گیومری تا سال ۲۰۴۴ و بندر سواستوپول تا سال ۲۰۵۳ دو نمونه بارز از این اقدامات هستند (Kazantsev, 2010: 271). از نظر منتقدان داخلی، پیمان نظامی که متضمن هیچ‌گونه مزیت نظامی برای ارمنستان نباشد پذیرفتنی نیست؛ به‌خصوص با در نظر گرفتن افزایش قدرت منطقه‌ای آذربایجان در پی خرید سلاح‌های مدرن غربی از سال ۲۰۱۰ منطقه قره‌باغ شاهد افزایش شدید دفعات نقض آتش‌بس توسط آذربایجان بود. فاحش‌ترین تخطی‌ها، چندین عملیات شناسایی از سوی آذربایجان با هدایت پهادهای خریداری شده از اسرائیل بوده است.



## روابط روسیه و ارمنستان و امنیت جمهوری اسلامی

ایران به دلیل برخورداری از یک موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بی‌همتا، نقش تأثیرگذاری در سیستم منطقه‌ای قفقاز دارد. روابط ایران، روسیه و ارمنستان در سطح کلان (بین‌المللی)، غیر از ضرورت‌های ناشی از نزدیکی جغرافیایی، سابقه تاریخی، همکاری‌های اقتصادی و رقابت منطقه‌ای، به دلیل موقعیت ویژه و سمت‌گیری سیاست خارجی است که هر یک در عرصه سیاست بین‌المللی دارند؛ مسائلی مانند اقدام‌های یک‌جانبه آمریکا، مسئله گسترش ناتو به شرق و نفوذ ترکیه در منطقه، موجب نگرانی این کشورها از منزوی شدن در سطح بین‌المللی شده است.

از نظر تهران همکاری با مسکو در منطقه، بازدارنده تلاش‌های غرب برای حذف نقش ایران در قفقاز است؛ زیرا تهران می‌داند که اساس سیاست منطقه‌ای آمریکا، سیاست همه‌چیز بدون ایران است؛ از طرف دیگر افزایش نفوذ غرب در منطقه به معنای کاهش نفوذ روسیه در حیات خلوت خودش خواهد بود. مسکو برای کنترل آمریکا نیازمند ائتلاف با کشورهای پیرامون از جمله ایران و ارمنستان در مقابل غرب است (یزدانی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۴۱۵)؛ بنابراین روسیه به منظور ایجاد نوعی توازن منطقه‌ای با قرار دادن ایران در کنار خود در مقابل نفوذ ایالات متحده و متحدانش در حوزه خزر، قفقاز و نیز استفاده از توان و نفوذ این کشور در جهت حل و فصل منازعات منطقه‌ای، ایران را یک متحد ارزشمند در واکنش به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای و یک شریک در مخاطرات سیاسی و استراتژیک می‌بیند (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۲۱۰).

روس‌ها از راه اقدام‌هایی مانند توسعه روابط با ایران، تلاش می‌کنند تا همچنان جایگاه خود را به عنوان یک قدرت بزرگ حفظ کنند؛ حتی همکاری‌های هسته‌ای با ایران، در راستای افزایش قدرت چانه‌زنی روسیه در سطح بین‌الملل و افزایش توان تأثیرگذاری این کشور و مقابله با تلاش‌های آمریکا با محدودسازی فضای مانور این کشور در سطح بین‌الملل است (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۷). به نظر می‌رسد همکاری ایران و روسیه در قفقاز جنوبی نتیجه تهدیدهای مشترکی است که به تعامل تاکتیکی دو کشور با یکدیگر منجر شده است (یزدانی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۴۲۶). تلاش آمریکا برای تضعیف، تخریب و حتی حذف نقش

ایران، ارائه تصویری مداخله‌جویانه و تهدیدکننده از ایران و به‌ویژه در جریان پرونده هسته‌ای، دامن زدن به اختلافات ایران با کشورهای حوزه قفقاز، حمایت گسترده سیاسی و مالی از طرح‌هایی که نقش ایران را نادیده می‌گیرد، به صورت خودکار بر روند همگرایی و ایفای نقش ایران تأثیر منفی داشته است (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۴: ۹۷).

نیازهای جمهوری آذربایجان که با دشواری‌های بر جای مانده از اقتصاد دوران اتحاد شوروی دست به گریبان است، همراه با مشکلات ناشی از بحران قره‌باغ سبب باز شدن پای بازیگران فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی شده است. تمایل استراتژیک جمهوری آذربایجان برای مشارکت دادن ناتو، ایالات متحده و اسرائیل در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی و انتقال انرژی خزر، سبب نزدیکی هر چه بیشتر روسیه، ایران و ارمنستان شده است (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۵۷). موقعیت جغرافیایی ارمنستان برای ایران، برای دسترسی به کشورهای اروپایی و ضرورت ایفای نقش مؤثر در قفقاز جنوبی از یک‌سو، واقعیت‌های مناقشه قره‌باغ و محاصره این کشور توسط طرف‌های درگیر و نبود مرز مشترک با روسیه و موقعیت ویژه ایران در منطقه از سوی دیگر، سبب توسعه روابط دو کشور شده است (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۶۱). ایران از ژئوپلیتیک ارمنستان برای رویارویی با توسعه حضور و نفوذ ترکیه و رژیم صهیونیستی استفاده می‌کند و با استفاده از ژئوپلیتیک ارمنستان سعی در بهره‌برداری سیاسی و امنیتی برای حضور در منطقه قفقاز و جلوگیری از گسترش بحران‌هایی مانند بحران قره‌باغ به داخل ایران، ایجاد توازن قوا در تحولات منطقه، روابط منطقه‌ای از جمله مسائل انتقال انرژی دارد.

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با بهره‌گیری از چهارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی به بررسی تهدیدات امنیتی روابط راهبردی روسیه و ارمنستان در قفقاز جنوبی پرداخت؛ دو کشور در طی سالیان اخیر روابط راهبردی داشتند که این روابط راهبردی از تقابل با تهدیدات امنیتی منطقه‌ای قفقاز که دو کشور منافع همسانی دارند شکل گرفته است. سمت‌گیری سیاست خارجی دو کشور در قلمرو منطقه‌ای هم‌سو و هم‌راستا بوده است. برداشت‌های یکسان از تهدیدات منطقه‌ای، موجب همسانی منافع امنیتی دو کشور و در نهایت رویکردهای هم‌گرایانه دو کشور در منطقه

قفقاز شده است؛ رابطه این دو کشور بر پایه یک نگرش مشترک امنیتی مبتنی بر ناکام گذاشتن نفوذ ترکیه و آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی بنا نهاده شده است. به واسطه احساس ناامنی سیاسی و اقتصادی پس از فروپاشی شوروی در ارمنستان این کشور را به روسیه نزدیک کرده است. ارمنستان با توجه به تهدیدات اقتصادی و امنیتی به روسیه عنوان یک شریک مطمئن نگاه کرده است؛ این کشور، اهداف و ملاحظات راهبردی مانند رفع محاصره سرزمینی و خروج از انزوای ژئوپلیتیکی، حل مشکلات اقتصادی در عرصه داخلی و کمک به حل بحران قره‌باغ، تضعیف موقعیت و جایگاه دو کشور ترکیه و آذربایجان در روابط خود با روسیه دنبال کرده است.

روسیه برای مقابله با تهدیدات امنیتی در حال پیگیری نظم موازنه محور مبتنی بر موازنه سخت، در نظام بین‌الملل کنونی و در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا است. علاقه‌مندی روسیه به همکاری با کشورهای پیرامونی همچون ایران، چین و ارمنستان در کنار کوشش‌های دیگری همچون همکاری‌های راهبردی بین این کشورها بخشی از تلاش‌های این کشورها برای مقابله با نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این حوزه است. روسیه می‌کوشد با تحکیم و تقویت نفوذ امنیتی خود در کل منطقه قفقاز عرصه را برای حضور کشورهای غربی، ناتو و همسایگان رقیب منطقه چون ترکیه محدود سازد. مسکو افزایش حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نه تنها مخالف منافع اقتصادی و سیاسی خود تلقی کرده بلکه آن را مخالف راهبرد حفظ سرزمین اصلی روسیه از طریق نفوذ همه‌جانبه در سرزمین‌های اطراف آن می‌داند؛ بر اساس این راهبرد برقراری سطوح همه‌جانبه امنیت در منطقه قفقاز نقش اساسی در بقای فدراسیون روسیه دارد و هرگونه تحول ناگهانی در این منطقه با خدشه‌دار شدن تمامیت ارضی این کشور برابر دانسته می‌شود. از دست دادن قفقاز برای روسیه می‌تواند یک تأثیر دومینو داشته باشد که به از دست دادن موقعیت و قدرت روسیه در مناطقی همچون آسیای مرکزی و اروپای شرقی و در نهایت عدم تحقق رویای قدرت بزرگ بودن این کشور بینجامد؛ با توجه به این موارد می‌توان گفت که روابط راهبردی روسیه با ارمنستان در تأثیرگذاری بر فرایند توازن قوا به نفع روسیه تأثیرگذار بوده است.

## منابع

### فارسی

۱. بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۸۸)، چشم‌انداز توازن قدرت در قفقاز در پرتو تحول در روابط ترکیه و ارمنستان، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، ۴۶.
۲. بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه مطالعات راهبردی، تهران: مطالعات راهبردی.
۳. جعفری، علی‌اکبر؛ ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۲). روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟ مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۲.
۴. حیدری، محمدعلی (۱۳۸۶)، رژیم‌های بین‌المللی و تحولات سیاسی - اقتصادی در قفقاز، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، ۴.
۵. خیری، مصطفی، ایزدی، رجب (۱۳۹۶)، منافع روسیه در خارج نزدیک با تأکید بر ارمنستان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۰، ۱۰۰.
۶. سید شمس‌الدین صادقی؛ مرادی، سمیرا (۱۳۹۶)، ایران پساتحریم و چشم‌انداز ائتلاف راهبردی با روسیه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۲۰، ۲۰.
۷. عسگریان، عباسقلی؛ تجری، سعید (۱۳۹۶)، تأثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه در منطقه قفقاز، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳، ۹۳.
۸. فلاحت پیشه، حشمت‌الله؛ شربتی، وحید؛ مظفری، محمدمهدی (۱۳۹۴)، سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۲.
۹. قیصری، نورالله؛ گودرزی، مهناز (۱۳۸۸)، روابط ایران و ارمنستان، فرصت‌ها و موانع، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، ۳.
۱۰. کامران دستجردی، حسن؛ متقی، افشین؛ رشیدی، مصطفی (۱۳۹۰)، حضور اسرائیل در قفقاز و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه جغرافیا، سال ۹، شماره ۲۸، ۲۸.
۱۱. کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۳)، تحولات سیاسی در جمهوری ارمنستان: انتشارات آشیان.
۱۲. کولایی، الهه (۱۳۸۵)، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۳. ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: مطالعات راهبردی.
۱۴. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۷)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۵. مؤمنی، مجیدرضا؛ رحیمی، امید (۱۳۹۶)، تقابل ایران و اسرائیل و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی-امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان، مجله اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۲، ۲.
۱۶. نقدی نژاد، حسن؛ سوری، امیراحمد (۱۳۸۷)، رقابت آمریکا و روسیه در اوراسیا، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲، ۶۲.

۱۷. واعظی، محمود (۱۳۸۸)، منافع روسیه و غرب در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش تشکل‌های چندجانبه، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶.
۱۸. یزدانی، عنایت‌الله؛ فلاحی، احسان (۱۳۹۵)، تعامل سیاست خارجی ایران و روسیه در تقابل با محور شرقی- غربی در قفقاز جنوبی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۲.

#### انگلیسی

19. Ashkeliti, F. (2005). Russian foreign policy in south Caucasus under Putin perceptions, *The Middle East Review of International Affairs*, 5 (1), 54-69.
20. Babayan, Nelli. (2011). "Armenia: Why the European Neighbourhood Policy has Failed", FRIDE Policy Brief, no. 68.
21. Cornell, S. E. C. (2004). Caspian consulting, in: <http://www.silkroadstudies.org/does/publications/2004/sida/pdf>.
22. Dyomkin, J. (2010) 'Russia warns speculators after food prices rise-WRAPUP 1,' [www.forexyard.com/en/news/Russia-warns-speculators-after-food-prices-rise-2010-09-02T120359Z-WRAPUP-1](http://www.forexyard.com/en/news/Russia-warns-speculators-after-food-prices-rise-2010-09-02T120359Z-WRAPUP-1) (last accessed 4 September 2010).
23. Grigoryan, Armen (2017), "Armenia and EU Sign New Partnership Agreement", *Eurasia Daily Monitor*, Vol.14, No.156.
24. Hill, Fiona. Taspinar, Omer (2006). *Russia and Turkey in the Caucasus: Moving Together to Preserve the Status Quo?* Research Programme Russia/CIS.
25. Khachaturian, Lisa. (2009). *Cultivating Nation hood Imperial Russia: the periodical Press and the Formation of a Modern Armenian Identity* (New Brunswick, NJ: Transaction publishers).
26. Kostanyan, Hrant & Giragosian, Richard (2017), "EU-Armenian Relations: Charting a fresh course", Available at: [https://www.ceps.eu/system/files/HkandRG\\_EU\\_Armenia.pdf](https://www.ceps.eu/system/files/HkandRG_EU_Armenia.pdf), Accessed on: 11/9/2017.
27. Kucera, Joshua. (2012). The Great Caspian arms Race, *Foreign policy*, June 22.
28. McGinnity, I. (2010). Selling its future short: Armenia's economic and security relations with russia, cmc senior theses. [http://scholarship.claremont.edu/cmc\\_theses/58](http://scholarship.claremont.edu/cmc_theses/58)
29. Minassian, Gaidz (2008), "Armenia a Russian Outpost in the Caucasus?", *Russia/NIS Center*, Available at: [https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/ifri\\_RNV\\_minassian\\_Armenie\\_Russie\\_ANG\\_fevr2008.pdf](https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/ifri_RNV_minassian_Armenie_Russie_ANG_fevr2008.pdf), (Accessed on: 7/12/2016).
30. Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Aemenia (2007), "National Security Strategy", Available at: [http://www.mfa.am/u\\_files/file/doctrine/Doctrineeng.pdf](http://www.mfa.am/u_files/file/doctrine/Doctrineeng.pdf), Accessed on: 3/2/2017.
31. Nixey, J. (2012). The long goodbye: waning russian influence in the south caucasus and central asia, *Russia and Eurasia Programme*, 11-31.
32. Peña-Ramos, Jose (2017), "The Impact of Russian Intervention in Post-Soviet Secessionist Conflict in the South Caucasus on Russian Geo-energy Interest", *International Journal of Conflict and Violence*, Vol.11, No.3.
33. Radin, Andrew (2017), "Russian Views of the International Order", *RAND Corporation*, Available at: [https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research\\_reports/RR1800/RR1826/RAND\\_RR1826.Pdf](https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR1800/RR1826/RAND_RR1826.Pdf), Accessed on: 3/2/2017.
34. Shafee, F. (2010), *New geopolitics of the south caucasus*, *South Caucasus*, 10(5).

35. Tchantouridze, Lacha. (2010). The three colors of war: Russian, turkish, and iranian military threat to the South Caucasus, *Caucasian Review of International Affairs*, 2 (1), 32-63.
36. The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (2016), "Foreign Policy Concept of the Russian Federation", Available at: [http://www.mid.ru/en/foreign\\_policy/official\\_documents//asset\\_publisher/CptlCk6B6Z29/content/id/2542248](http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents//asset_publisher/CptlCk6B6Z29/content/id/2542248), Accessed on: 3/2/2017
37. Thehill (2017), Azerbaijan and Israel-genuine Muslim-Jewish relations, <http://originnyi.thehill.com/blogs/congress-blog/foreign-policy/312506-azerbaijan-and-israel-genuine-uslimjewish>
38. Vladimir, S. (2010). Armenia's giveaways to russia: from property-for-debt to property-for-gas, *Eurasia Daily Monitor*, 3 (76). 15-84 .
39. Walt, Stephan (1987), *The Origins of Alliance*, Ithaca: Cornell University Press
40. Waltz, K. (2000). Structural realism after the cold war, *International Security*, 25(1), 5-41.
41. Waltz, Kenneth N. (1989), *The Origins of War in Neorealist Theory*, in Robert I. Rotberg and Theodore K. Rabb, eds., *The Origin and Prevention of Major Wars*, New York: Cambridge University Press. Walt, Stephen M. (1985), *Alliance Formation and the Balance of World Power*, *International Security*, Vol. 9, No. 4.
42. Weinstein, A. (2010). Russian phoenix: the collective security treaty organization, *The Whitehead Journal of Diplomacy and International Relations*, 8(1), 22-42.



## Security Threats against Russia-Armenia Relationship in the South Caucasus

*Reza Mahmud Oghli, AmirHossein Rostami*

### ABSTRACT

This article seeks to address the threats against the Russia-Armenia strategic relations in the South Caucasus. In its relations with Russia, Armenia has invariably pursued a series of objectives such as lifting territorial blockade, shifting from political alienation, solving economic problems at the internal level, responding to social crises such as identity crisis, nation-state building crisis, and Karabakh crisis, and weakening the positions of Turkey and Azerbaijan. Russia is pursuing a balance-centric order based on hard balance in the current international system as well as against the United States of America. In the force balance system, as it is viewed by Russia, building an alliance with the peripheral countries is viewed as one of the main objectives in this country's regional policies. The results of the research showed that Russia tries to narrow the arena of presence in the South Caucasus for the Western countries, NATO and the rival neighbors in the region like Turkey by consolidating and strengthening its security influence in countries of the South Caucasus. Russia sets out to manage such gaps through activating border and ethnic gaps between the countries of the region in line with Russia's national interests. However, the relations between these two countries in the West Asia face security threats and limitations, which are addressed in this article. The theoretical framework in this research is "defensive realism", the research method is "analytical-descriptive", and the means used for collecting the data is "library" and "documentary".

**KeyWords:** South Caucasus, power balance; Armenia; Russia; Geopolitics



## The Geopolitical Role of the Caspian Sea in the Defense Strategy of the Islamic Republic of Iran

*Dr. Seyyed Yahya Safavi, Dr. Seyyed Ebrahim GholiZadeh, Dr. Bashir Kelari, and Dr. Mostafa MohammadJani*

### ABSTRACT

Any country's geopolitical characteristics are among the efficient variables that form their defense strategy and policy. In other words, strategy is greatly influenced by geopolitical limitations and capabilities. The effect of geopolitics on adopting suitable and effective strategies have always been a case with which scholars in strategic studies have been mentally preoccupied, something that has doubled during the recent years. The Caspian region is one that has an important status in IRI's defense strategy, and has managed to attract many attentions due to its geopolitical and geostrategic advantages. It follows that efficient and suitable defense policies and strategies can be configured in this region by having knowledge of the Caspian region via geopolitical analysis. The present research aims to study and explain the geopolitical status of the Caspian Sea in I.R.I defense strategy. This research is applied in terms of objective, and has been conducted with analytical-descriptive method. Also, the required data and information have been gathered with library (books, publications and internet) and questionnaire method. The findings of the research showed that the Caspian Sea plays an efficient and important role in consolidating national power and promoting IRI's defense strategy due to having unique characteristics in political, economic, communication, military, cultural, geostrategic, environmental, and law dimensions.

**KeyWords:** the Islamic Republic of Iran; geopolitics; Caspian Sea; defense strategy

## **The U.S. Approaches in Its Nuclear Policy towards the Islamic Republic of Iran Based on the Documents in the Nuclear Posture Review Report (2001-2018)**

*Reza Simbor, Saeid PirMohammadi, and Sajjad Najafi*

### **ABSTRACT**

Framing long-term horizons within the structure of the U.S. strategic nuclear planning has been acquiring a significant status, specifically since the end of the Cold War. For this reason, the nuclear posture review reports can be classified as among the strategic planning documents that integrate nuclear weapons within the U.S. complicated network of defense architecture. Alongside this general trend, however, the above-mentioned documents have turned into an open space for announcing U.S. approaches to nuclear policy before international security environments and other countries. The main objective in the present research is to explore U.S. nuclear policy approaches before the Islamic Republic of Iran in light of analyzing the contents of the nuclear posture review documents that were published in the Bush Jr. and Obama administrations as well as in the time period after the advent of Trump administration. Based on this, the main question in the present research is what approach the U.S. NPR documents have adopted in relation to the Islamic Republic of Iran. The method used in the present research is analytical-descriptive, with the required information having been collected with documentary and library method. The findings in this article show that the U.S. nuclear posture review report documents within the time period mentioned above have employed a wide range of hard, soft, and smart mechanisms against the Islamic Republic of Iran in line with meeting the U.S. national security objectives.

**KeyWords:** nuclear policy; the United States of America; Iran; nuclear posture review report (NPR)

## Missile Capability in Islamic Republic of Iran's Policy in the West Asia (2001-2018)

*Dr. Seyyad Jalal Dehghani FiruzAbadi and Mojtaba Azizi Besati*

### ABSTRACT

The tumultuous security environment in the West Asia has characteristics that cause ballistic missiles with collective efficiency and effectiveness to be able to serve as an equalizer to work like a key against military advantages and quantitative and qualitative advantages on the part of other countries. For this very reason, the Islamic Republic of Iran has turned to adopting a defense self-sufficiency approach against regional and trans-regional threats, focusing on strengthening its indigenous ballistic missile capability in light of its war experiences with the Baathist Iraq as well as considering the international sanctions on purchasing and procuring modern military weapons. The main question in this article is, "What status does missile have in I.R.I's security policy in the West Asia?" The basis for answering this question is the neo-realistic theory, where this hypothesis set forth: Due to unique advantages and characteristics that exist in missiles as well as the obstacles and limitations that originate from international sanctions, the Islamic Republic of Iran has started to strengthen its indigenous ballistic missile capability (short-intermediate-and long-range) in order to preserve power balance and to prevent the formation of regional hegemony. Serving as a spine for the defense policy of the Islamic Republic of Iran, ballistic missiles count as the most important means for this country to achieve regional power balance. This research is of qualitative type, being based on analytical-descriptive method and a deep interview with 19 of the elites. Also, the data collection was done with the library method.

**KeyWords:** missile capability; defense policy; West Asia; power balance and neorealism

## **The Impact of the Elements of the Islamic Revolution of Iran's Soft Power upon Preventing the Domination System from Launching a Military Offensive against the Islamic Republic of Iran**

*Ali Jamali*

### **ABSTRACT**

Considering the recurring military threats against the Islamic Republic of Iran on the part of the arrogant system, this article has been written in order to explore the role that the soft elements of the Islamic Revolution play in preventing the domination system from launching a military offensive against the Islamic Republic of Iran. This research is aimed at explaining the role that the factors of the Islamic Republic of Iran's soft power plays in preventing the domination system from starting a military offensive against the Islamic Republic of Iran, where in order to answer the main question in this research and explain the role that the factors of IRI's soft power play in preventing the domination system from launching a military offensive against the Islamic Republic of Iran, the required information were collected using library method and doing field work where a questionnaire comprising of 28 people was developed with an all count sampling method. Finally, a conclusion was drawn by doing a statistical analysis of the questionnaire. The results revealed that the elements of the Islamic Republic of Iran's soft power were very influential in preventing the domination system from launching a military offensive against the Islamic Republic of Iran. The conducted studies show that in national environments the factors like faith in God and spirituality, trust in God and the Divine Succour, being hopeful that triumph will come and not letting disappointment to affect, martyrdom spirit and self-sacrifice and believing the principle of 'guardianship of the Islamic jurist', and in transnational environments, factors like strategic depth in sensitive and important areas of the world, the propagation of the idea of 'revolutionary Islam' in the world, supporting the liberating movements and the oppressed of the world have been among the most influential factors in preventing military offensives on the part of the domination system.

**KeyWords:** soft power; domination system; the Islamic Revolution; power; military offensive

## Identifying the Indices of Islamic Republic of Iran's Regional Leadership and Its Impact on Developing the Islamic Republic of Iran's Outward Depth

*Behzad Ghasemi and Mohammad Mobini*

### ABSTRACT

Iran has been having a privileged status in the West Asia countries, notably in the region in terms of history, culture, and political geography. As the regional leader, today, the Islamic Republic of Iran has the potentials and indices of leadership to develop Iran's outward depth. The present article aims at identifying and introducing the Islamic Republic of Iran's indicators of regional leadership. The current research is of fundamental type and mixed research method, where the indicators of regional leadership have been identified using Delphi method, and its validity has been established by using exploratory factor analysis with its main elements and with orthogonal rotation of Varimax type. The statistical population in the present research is full enumeration sampling method comprising of the entire academic elite in the field of regional studies and public management as well as the managers and researchers working in research centers who were selected using purposive sampling method. In order to identify the indicators in relation to regional leadership, it addresses, in the first stage, to develop a regional leadership scale by reviewing the theoretical fundamentals and the researches previously conducted. In the second stage, it comes to improve the indicators enumerated in the research literature by referring to the elite and conducting semi-structured interviews. Finally, in the third stage, an exploratory factor analysis was used in order to determine which indicators of leadership constitute the main leadership elements, as well as to establish the relations between the indicators. The Islamic Republic of Iran's regional leadership indicators include five elements, namely internal energy, top regulations, capable executives, armed forces and population with science, technology, economy and interactions (how much they have an influence on nations) also with twelve indicators. It appears, based on the results and findings of the research, that the Islamic Republic of Iran's outward depth will likely be developed through identifying, practicing and continuing the indicators of regional leadership. The objective body of samples and extensions provided in this research substantiate this hypothesis.

**KeyWords:** regional leadership; internal energy; science and technology; having an influence on nations; developing the Islamic Revolution's outward depth.

## **Table of Contents**

*The Journal of Defense Policy, Vol. 26 Serial No. 103, Summer 2018*

<b>Title</b>	<b>Page</b>
<i>Identifying the Indices of Islamic Republic of Iran's Regional Leadership and Its Impact on Developing the Islamic Republic of Iran's Outward Depth.....</i>	<i>4</i>
<b>Behzad Ghasemi</b> <b>Mohammad Mobini</b>	
<i>The Impact of the Elements of the Islamic Revolution of Iran's Soft Power upon Preventing the Domination System from Launching a Military Offensive against the Islamic Republic of Iran .....</i>	<i>5</i>
<b>Ali Jamali</b>	
<i>Missile Capability in Islamic Republic of Iran's Policy in the West Asia(2001-2018) .....</i>	<i>6</i>
<b>Seyyad Jalal Dehghani FiruzAbadi</b> <b>Mojtaba Azizi Besati</b>	
<i>The U.S. Approaches in Its Nuclear Policy towards the Islamic Republic of Iran Based on the Documents in the Nuclear Posture Review Report (2001-2018).....</i>	<i>7</i>
<b>Reza Simbor</b> <b>Saeid PirMohammadi</b> <b>Sajjad Najafi</b>	
<i>The Geopolitical Role of the Caspian Sea in the Defense Strategy of the Islamic Republic of Iran .....</i>	<i>8</i>
<b>Seyyed Ebrahim Gholizadeh</b> <b>Bashir Kelari</b> <b>Mostafa MohammadJani</b>	
<i>Security Threats against Russia-Armenia Relationship in the South Caucasus .....</i>	<i>9</i>
<b>Reza Mahmud Oghli</b> <b>AmirHossein Rostami</b>	
<i>English Abstracts</i>	<b>Seyyed Saadat Hoseini</b>



**The Journal of Defense Policy**

**Vol. 26, No. 3, Summer 2018, Serial No. 103 (ISSN-1025-5087)**

***Imam Hossein (P.B.U.H) Comprehensive University  
Center for Strategic Defense and Security Studies***

Chairman Manager: Dr. Mohammad Reza Shaabani Asl

Editor in chief: Dr. Seyyed Yahya Safavi

Editor: Dr. Sohrab Fazel

Managing Editor: Dr. Khosro Hassanlou

***Editorial Board***

Dr. Ali Akbar Ahmadiyan

Dr. Mohammad Ibrahim Sanjaghi

Dr. Mohammad Hossein Afshordi

Dr. Seyyed Yahya Safavi

Dr. Homayoon Elahi

Dr. Jahangir Karami

Dr. Hossein Hosseini

Dr. Hadi Morad Piri

Dr. Hossein Dehghan

Dr. Seyyed Jalal Dehghani

Dr. Ebrahim Mottaghi

***Examiner & Advisory Board***

Mohammad Javad Sobhani Far, Gholam Reza Alamedi, Fazlollah Nozari, Ali Jamali, Saeed Kafi, Mohammad Amirnouhi, Ghasem Hasani, Ahmad Gholam Pour, Yaghoob Zohdi, Mohammadreza Ahani, Hasan Bayat, Abolfazl Pasban, Reza Joneydi, Mohammad Shabani Fard, Mohammadreza Shaabani Asl, Mahdi Heshmati, Homayoun Khatib Zadeh, Mohammad Mobini, Hosein Rouzbeh, Mahdi Zarvandi, Khosro Hassanlou, Akbar Ramezan Zadeh, Seyyed Saadat Hoseini, Hasan Boloughzadeh, Seyyed Hamidreza Ghorayshi, Rouhollah Ghaderi Kangavari, Mohammadbagher Babaee Tala Tape, Masoud Rezaee, Esmaeil Khan Ahmadi, Hasan Aboutalebi, Mohammadali Barzаноoni, Abbas Chegini.

Address: Defence & National Security Studies Center; Imam Hossein<sup>(PBUH)</sup> Comprehensive University, Shahid Babaee Expway, Tehran, The Islamic Republic of Iran

Tel: +9821-74188270

<http://journals.ihu.ac.ir>

E-mail: [dp@ihu.ac.ir](mailto:dp@ihu.ac.ir)